

عنوان طرح:

بررسی سبک‌های زندگی فراغتی در میان دانشجویان کشور و
عوامل همبسته با آنها (سنخ‌شناسی، آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها)

جلد اول

مجری:

عباس کاظمی

زمستان 1387

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول: کلیات

2	بیان مسئله
4	بیان ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق
6	اهداف پژوهش
7	بیان سوال ها یا فرضیه های پژوهش

فصل دوم: پیشینه و چارچوب نظری تحقیق

9	مرور مفهومی
10	پیدایش مفهوم فراغت
15	مرور تاریخی
18	مرور سنت های نظری
34	فراغت و فرهنگ
34	فراغت و سازمان های اجتماعی
36	چشم انداز پیش رو
41	ارزش های اجتماعی فراغت
53	مرور تجربی (مرور تحقیقات خارجی)
75	وقت آزاد و نحوه گذران آن
78	مرور تجربی (مرور تحقیقات داخلی)
96	نظریات روان شناسانه پیدایش فراغت
100	عوامل موثر بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت
104	ویژگی های ساختار اوقات فراغت در ایران
105	شکل گیری خرده فرهنگ های خاص در میان جوانان
106	تاثیر مجموعه ای از عوامل فردی و اجتماعی بر میزان و نوع انتخاب فعالیت های فراغتی
106	تجاری شدن فراغت و گستره حضور بخش دولتی و خصوصی در گذران اوقات فراغت
107	غلبه فراغت های خانگی و حضور در محیط خصوصی بر فراغت فضاهای عمومی
108	فردی شدن فراغت و غلبه گرایش های فردگرایانه
110	بازتعریف فضاها و زمان به منظور فعالیتهای فراغتی
110	غلبه فراغت بر کار در جامعه ایرانی
111	غلبه کارکرد تفریحی و سرگرم کنندگی فعالیتهای فراغتی بر دیگر کارکردها
115	نتیجه گیری از تحقیقات داخلی
116	چارچوب نظری تحقیق

فصل سوم: روش تحقیق

121	روش تحقیق
121	جامعه آماری، واحد مشاهده و تحلیل، حجم نمونه و روش نمونه گیری
125	تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
127	اعتبار و پایایی ابزار سنجش.....
132	گزارش پایایی مقیاس‌ها و تعریف عملیاتی متغیرها.....
132	پایایی سبک فراغتی مذهب محور.....
133	پایایی سبک فراغتی سیاست محور.....
133	پایایی سبک فراغتی ورزش محور.....
134	پایایی سبک فراغتی تفریح محور.....
135	پایایی سبک فراغتی هنر محور.....
136	پایایی سبک فراغتی اجتماع محور.....
136	پایایی سبک فراغتی رسانه محور.....
137	پایایی سبک فراغتی مطالعه محور.....
137	روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها.....
فصل چهارم: یافته‌های تحقیق	
140	جنس پاسخگویان.....
141	سن پاسخگویان.....
141	قومیت.....
142	وضعیت تاهل.....
143	مقطع تحصیلی.....
144	گروه آموزشی.....
144	مذهب.....
145	وضعیت اشتغال.....
146	منبع تامین هزینه.....
147	متوسط هزینه ماهانه.....
148	امکان استفاده از اتومبیل شخصی.....
149	قیمت اتومبیل.....
149	محل سکونت.....
151	وضعیت زمان، فضا و امکانات فراغتی.....
151	توزیع زمانی فراغت دانشجویان.....
153	همنشینان زمان فراغت.....
157	ارزیابی دانشجویان از زمان فراغت‌شان.....
158	ارزیابی دانشجویان از فضا و امکانات فراغتی‌شان.....
160	رضایت و استفاده از برنامه‌های فراغتی دانشگاه.....
163	محدودیت‌های فراغتی دانشجویان.....
164	رضایت از زندگی در بین دانشجویان.....
166	ارزیابی دانشجویان از نحوه فعلی گذران فراغت‌شان.....
166	نیازمندی‌های فراغتی دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه.....
168	بازی در زمان فراغت در بین دانشجویان.....
170	مهمانی‌های دانشجویان.....
173	خرید به عنوان فعالیت فراغتی در بین دانشجویان.....

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
174	رفتن به پارک
176	پرسه‌زنی با ماشین
178	مصرف زیر زمینی و فراغت‌های آیینی
182	مصرف فرهنگی در میان دانشجویان
182	الف) روزنامه، مجله و کتاب
190	ب) تلویزیون و ماهواره
195	ج) سینما و تئاتر
199	د) مصرف دیجیتالی (اینترنت و موبایل)
203	هـ) مصرف موسیقی
207	و) شرکت در کلاس‌های آموزشی
فصل پنجم: تحلیل سبک‌های فراغتی دانشجویان	
211	تحلیل سبک‌های فراغتی دانشجویان با متغیرهای زمینه‌ای
211	الف) جنسیت و سبک‌های فراغتی دانشجویان
212	ب) سن و سبک‌های فراغتی دانشجویان
213	ج) وضعیت تاهل و سبک‌های فراغتی دانشجویان
214	د) مقطع تحصیل و سبک‌های فراغتی دانشجویان
215	هـ) وضعیت اشتغال و سبک‌های فراغتی دانشجویان
216	ز) گروه‌های تحصیلی و سبک‌های فراغتی دانشجویان
218	روابط میان سبک‌های فراغتی دانشجویی
220	همبستگی سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی با انواع سبک‌های فراغتی
فصل ششم: تحلیل الگوهای فراغتی دانشجویان با تکیه بر ویژگی‌های دانشجویان	
223	جنسیت و رفتارهای فراغتی
227	خانواده و الگوهای رفتاری فراغت در بین دانشجویان
229	گروه‌های آموزشی و الگوهای رفتار فراغتی دانشجویان
232	تفاوت در الگوهای فراغتی به تفکیک دانشگاه
فصل هفتم: مصاحبه درباره نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان	
237	گزارش مربوط به نتایج مصاحبه گروهی درباره نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان
فصل هشتم: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی	
246	نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
246	زمینه اجتماعی دانشجویان
248	مصرف امکانات فراغتی: رضایت یا نارضایی
257	سبک‌های فراغتی دانشجویان: پیوندها و گسست‌ها
267	دانشجوی امروز: سیمای نمونه این تحقیق
269	یک جمع‌بندی معطوف به راهکار
273	پیشنهادات پژوهشی
274	منابع و مأخذ

ضمائم

..... فهرست مراکز آموزشی عالی

پرسشنامه

فهرست جداول

صفحه	عنوان
76	جدول شماره (2-1) الگوی گذران وقت در کانادا
76	جدول شماره (2-2): بررسی تطبیقی زمان مصرفی در سه کشور کانادا، فرانسه و امریکا
92	جدول شماره (2-3): اوقات فراغت و فعالیت‌های فرهنگی عده‌ایی از شهروندان تهرانی
93	جدول شماره (2-4): معرفی تحقیقات مورد بررسی
112	جدول شماره (2-5):
128	جدول شماره (3-1): معیار K.M.O و آزمون بارتلت ابعاد اوقات فراغت
129	جدول شماره (3-2): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی مذهب محور
129	جدول شماره (3-3): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی سیاست محور
129	جدول شماره (3-4): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی ورزش محور
130	جدول شماره (3-5): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی تفریح محور
130	جدول شماره (3-6): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی هنر محور
130	جدول شماره (3-7): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی اجتماع محور
131	جدول شماره (3-8): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی رسانه محور
131	جدول شماره (3-9): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغت محور
132	جدول شماره (3-10): پایایی سبک فراغتی مذهب محور
133	جدول شماره (3-11): پایایی سبک فراغتی سیاست محور
133	جدول شماره (3-12): پایایی سبک فراغتی ورزش محور
134	جدول شماره (3-13): پایایی سبک فراغتی تفریح محور
135	جدول شماره (3-14): پایایی سبک فراغتی هنر محور
136	جدول شماره (3-15): پایایی سبک فراغتی اجتماع محور
136	جدول شماره (3-16): پایایی سبک فراغتی رسانه محور
137	جدول شماره (3-17): پایایی سبک فراغتی مطالعه محور
140	جدول شماره (4-1): جنسیت
141	جدول شماره (4-2): سن پاسخگویان
141	جدول شماره (4-3): سن پاسخگویان
142	جدول شماره (4-4): قومیت پاسخگویان
142	جدول شماره (4-5): وضعیت تاهل پاسخگویان
143	جدول شماره (4-6): مقطع تحصیلی پاسخگویان
144	جدول شماره (4-7): گروه آموزشی پاسخگویان
144	جدول شماره (4-8): مذهب پاسخگویان
145	جدول شماره (4-9): وضعیت اشتغال پاسخگویان
146	جدول شماره (4-10): تامین هزینه‌های زندگی شما بیشتر از کدام منبع است؟
147	جدول شماره (4-11): متوسط هزینه ماهانه شما چقدر است؟
148	جدول شماره (4-12): آیا امکان استفاده از ماشین شخصی برای شما وجود دارد

فهرست جداول

صفحه

عنوان

- جدول شماره (4-13): اگر خودتان یا والدین تان اتومبیل دارید قیمت آن چقدر است؟ 149
- جدول شماره (4-14): در حال حاضر محل سکونت شما کجاست؟ 149
- جدول شماره (4-15): زمان فراغت دانشجویان 151
- جدول شماره (4-16): اگر زمان فراغت را زمان‌هایی بدانیم که ما از کار اجباری و ضروری فارغ می‌شویم در آن صورت شما در شبانه‌روز چند ساعت زمان در اختیار خود دارید؟ 152
- جدول شماره (4-17): زمان فراغت شما بیشتر در چه ساعتی از شبانه‌روز است؟ 152
- جدول شماره (4-18): بیشتر مایلید در زمان فراغت با چه کسانی باشید؟ 154
- جدول شماره (4-19): در زمان فراغت بیشتر مایلید با چه کسانی باشید و چه چیزی مصرف می‌کنید 155
- جدول شماره (4-20): گروه دوستان چه کسانی هستند؟ 156
- جدول شماره (4-21): فکر می‌کنید تا چه اندازه زمان فراغت کافی در اختیار دارید 157
- جدول شماره (4-22): تا چه اندازه در محیط دانشگاه، فضا و امکانات فراغتی کافی در اختیار دارید 159
- جدول شماره (4-23): تا چه اندازه در دانشگاه و خوابگاه‌تان تا چه میزان از امکانات فراغتی زیر برخوردارید 160
- جدول شماره (4-24): چقدر از برنامه‌های فراغتی موجود در دانشگاه رضایت دارید 161
- جدول شماره (4-25): تاکنون به چه میزان از برنامه‌های فراغتی (یا فوق برنامه) دانشگاه استفاده کرده‌اید 162
- جدول شماره (4-26): محدودیت فراغتی شما چیست؟ 163
- جدول شماره (4-27): آیا از زندگی تان در مجموع راضی هستید؟ 165
- جدول شماره (4-28): به نظر خودتان تا چه اندازه نحوه فعلی گذران فراغت تان به پیشرفت فردیتان کمک می‌کند؟ 166
- جدول شماره (4-29): مهمترین امکانات فراغتی مورد نیاز شما در محیط دانشگاه یا خوابگاه چیست؟ 167
- جدول شماره (4-30): در زمان فراغت تان چه بازی‌هایی می‌کنید؟ 169
- جدول شماره (4-31): تعداد مهمانی‌ها 170
- جدول شماره (4-32): در ماه چند بار به مهمانی می‌روید؟ 171
- جدول شماره (4-33): در چه مهمانی‌هایی شرکت می‌کنید؟ 172
- جدول شماره (4-34): در ماه چقدر زمان صرف خرید می‌کنید؟ 173
- جدول شماره (4-35): در ماه چقدر صرف خرید می‌کنید؟ (غیر از خریدهای ضروری همچون مواد غذایی) 173
- جدول شماره (4-36): آماره‌های مربوط به پارک رفتن دانشجویان در ماه 174
- جدول شماره (4-37): چند ساعت برای گذران فراغت در ماه به پارک می‌روید؟ 175
- جدول شماره (4-38): تا چه اندازه با اتومبیل در شهر پرسه می‌زنید؟ 177
- جدول شماره (4-39): در کدام یک از این مراسم تاکنون شرکت کرده یا می‌کنید؟ 179
- جدول شماره (4-40): در اوقات فراغت تان چه مصرف کرده یا می‌کنید؟ 181
- جدول شماره (4-41): کدام روزنامه را بیش از همه می‌خوانید؟ 183
- جدول شماره (4-42): چه بخشی از روزنامه‌ها برای تان بیشتر اهمیت دارد؟ 184
- جدول شماره (4-43): کدام هفته‌نامه، ماهنامه یا فصلنامه را بیشتر از همه می‌خوانید؟ 185
- جدول شماره (4-44): چقدر نشریات دانشجویی را مطالعه می‌کنید؟ 186
- جدول شماره (4-45): چه نوع کتاب‌هایی بیشتر می‌خوانید؟ 188

فهرست جداول

صفحه	عنوان
189	جدول شماره (4-46): مطالعه کتب و جزوه‌های درسی
190	جدول شماره (4-47): کدام برنامه از برنامه‌های تلویزیون را بیشتر نگاه می‌کنید؟
191	جدول شماره (4-48): آیا از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنید؟
192	جدول شماره (4-49): چند دقیقه در روز از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنید؟
193	جدول شماره (4-50): چه برنامه‌هایی را از ماهواره می‌بینید؟
195	جدول شماره (4-51): در سال چند بار به سینما می‌روید؟
196	جدول شماره (4-52): به چه ژانری (نوعی) در فیلم‌های سینمایی علاقه دارید؟
197	جدول شماره (4-53): در ماه چند فیلم در منزل یا خوابگاه (غیر از فیلم‌های تلویزیونی داخلی یا ماهواره‌ای می‌بینید)
198	جدول شماره (4-54): در سال چند بار به تئاتر می‌روید؟
199	جدول شماره (4-55): چند دقیقه در روز با اینترنت کار می‌کنید؟
200	جدول شماره (4-56): وبلاگتان در چه زمینه‌ای است؟
201	جدول شماره (4-57): معمولاً چه استفاده‌ای از اینترنت می‌کنید؟
202	جدول شماره (4-58): از موبایل‌تان چگونه برای گذران فراغت استفاده می‌کنید؟
203	جدول شماره (4-59): اگر MP3 یا MP4 دارید بیشتر چه نوع استفاده‌ای می‌کنید؟
203	جدول شماره (4-60): چند دقیقه در روز به موسیقی گوش می‌کنید؟
205	جدول شماره (4-61): هر یک از انواع موسیقی زیر را چقدر گوش می‌کنید؟
207	جدول شماره (4-62): در چه کلاسی (غیر از کلاسهای درسی خودتان) شرکت کرده یا می‌کنید؟
211	جدول شماره (5-1): آزمون t تست بین جنسیت و سبکهای فراغتی
212	جدول شماره (5-2): تحلیل واریانس یک طرفه میانگین سبکهای فراغتی و سن
213	جدول شماره (5-3): تحلیل واریانس یک طرفه میانگین سبکهای فراغتی و وضعیت تاهل
214	جدول شماره (5-4): آزمون t تست، بین مقطع تحصیلی و ابعاد اوقات فراغت
215	جدول شماره (5-5) میانگین سبک‌های گذران اوقات فراغت با توجه به وضعیت اشتغال
215	جدول شماره (5-6): آزمون t و لوز برای مقایسه میانگین سبک‌های گذران اوقات فراغت با توجه به وضعیت اشتغال
216	جدول شماره (5-7): میانگین سبک‌های گذران اوقات فراغت با توجه به گروه‌های تحصیلی
217	جدول شماره (5-8): تحلیل واریانس یک طرفه بین سبک های گذران اوقات فراغت با توجه به گروه‌های تحصیلی ..
219	جدول شماره (5-9): روابط متقابل ابعاد سبک های گذران اوقات فراغت
220	جدول شماره (5-10): همبستگی بین ابعاد سبک های گذران اوقات فراغت و سرمایه اقتصادی
221	جدول شماره (5-11): همبستگی بین ابعاد سبک های گذران اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی
224	جدول شماره (6-1): توزیع گزینه اصلا نمی خوانم در کتاب، مجله و روزنامه به تفکیک جنسی
226	جدول شماره (6-2): توزیع فعالیت‌های آیینی به تفکیک جنسیت
227	جدول شماره (6-3):
230	جدول شماره (6-4): توزیع زمان فراغت براساس گروه آموزشی

140	نمودار شماره (1-4): جنسیت پاسخگویان.....
143	نمودار شماره (2-4): وضعیت تأهل پاسخگویان.....
145	نمودار شماره (3-4): وضعیت اشتغال دانشجویان.....
146	نمودار شماره (3-4): منبع تامین هزینه دانشجویان.....
147	نمودار شماره (4-4): میزان هزینه‌های دانشجویان در ماه.....
148	نمودار شماره (6-4): آیا امکان استفاده از ماشین شخصی برای شما وجود دارد؟.....
150	نمودار شماره (7-4): محل سکونت دانشجویان.....
151	نمودار شماره (8-4): تراکم مدت فراغت دانشجویان کشور.....
153	نمودار شماره (9-4): توزیع زمان فراغت دانشجویان کشور.....
154	نمودار شماره (10-4): بیشتر مایلید در زمان فراغت با چه کسانی باشید؟.....
156	نمودار شماره (11-4): گروه دوستان چه کسانی هستند؟.....
158	نمودار شماره (12-4): فکر می‌کنید تا چه اندازه زمان فراغت کافی در اختیار دارید.....
159	نمودار شماره (13-4): تا چه اندازه در محیط دانشگاه، فضا و امکانات فراغتی کافی در اختیار دارید.....
161	نمودار شماره (14-4): چقدر از برنامه‌های فراغتی دانشگاه رضایت دارید؟.....
162	نمودار شماره (15-4): تاکنون به چه میزان از برنامه‌های فراغتی (یا فوق برنامه) دانشگاه استفاده کرده‌اید؟.....
164	نمودار شماره (16-4): محدودیت فراغتی شما چیست؟.....
165	نمودار شماره (17-4): آیا از زندگی‌تان در مجموع راضی هستید؟.....
168	نمودار شماره (18-4): مهمترین امکانات فراغتی مورد نیاز شما در محیط دانشگاه یا خوابگاه چیست؟.....
169	نمودار شماره (19-4): در زمان فراغت‌تان چه بازی‌هایی می‌کنید؟.....
170	نمودار شماره (20-4): توزیع تعداد مهمانی‌های دانشجویان در ماه.....
172	نمودار شماره (21-4): در چه مهمانی‌هایی شرکت می‌کنید؟.....
176	نمودار شماره (22-4): تعداد دفعات رفتن به پارک در ماه.....
177	نمودار شماره (23-4): تا چه اندازه با اتومبیل در شهر پرسه می‌زنید؟.....
180	نمودار شماره (24-4): در کدام یک از این مراسم شرکت می‌کنید؟.....
181	نمودار شماره (25-4): در اوقات فراغت‌تان چه مصرف کرده یا می‌کنید؟.....
183	نمودار شماره (26-4): کدام روزنامه را بیش از همه می‌خوانید؟.....
184	نمودار شماره (27-4): چه بخشی از روزنامه‌ها برای‌تان بیشتر اهمیت دارد؟.....
185	نمودار شماره (28-4): کدام هفته‌نامه، ماهنامه یا فصلنامه را بیشتر از همه می‌خوانید؟.....
186	نمودار شماره (29-4): چقدر نشریات دانشجویی را مطالعه می‌کنید؟.....
188	نمودار شماره (30-4): چه نوع کتاب‌هایی بیشتر می‌خوانید؟.....
189	نمودار شماره (31-4): مطالعه کتب و جزوه‌های درسی.....
191	نمودار شماره (32-4): کدام برنامه از برنامه‌های تلویزیون را بیشتر نگاه می‌کنید؟.....
192	نمودار شماره (33-4): آیا از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنید؟.....
192	نمودار شماره (34-4): توزیع زمانی استفاده از شبکه ماهواره‌ای (به دقیقه).....

194	نمودار شماره (4-35): آیا از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنید؟
195	نمودار شماره (4-36): توزیع رفتن به سینما در سال (تعداد بار).....
196	نمودار شماره (4-37): به چه ژانری (نوعی) در فیلم‌های سینمایی علاقه دارید؟
197	نمودار شماره (4-38): تعداد تماشای فیلم در منزل یا خوابگاه در ماه.....
198	نمودار شماره (4-39): تعداد تماشای تئاتر در سال.....
199	نمودار شماره (4-40): توزیع زمانی میزان ساعت کار با اینترنت در روز (به دقیقه).....
200	نمودار شماره (4-41): وبلاگتان در چه زمینه‌ای است؟.....
201	نمودار شماره (4-42): معمولاً چه استفاده‌ای از اینترنت می‌کنید؟.....
202	نمودار شماره (4-43): معمولاً چه استفاده‌ای از اینترنت می‌کنید؟.....
204	نمودار شماره (4-44): میزان گوش کردن به موسیقی در روز (به دقیقه).....
209	نمودار شماره (4-45): در چه کلاسی (غیر از کلاس‌های درسی رشته خودتان) شرکت کرده یا در حال حاضر شرکت می‌کنید.....
225	نمودار شماره (6-1) توزیع تماشای برنامه‌های تلویزیونی بر حسب جنس.....
228	نمودار شماره (6-2): مصرف مواد مخدر بر اساس جنسیت و محل سکونت دانشجویان.....
229	نمودار شماره (6-3) مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مواد مخدر بر حسب محل سکونت.....
230	نمودار شماره (6-4) توزیع زمان فراغت به تفکیک گروه‌های آموزشی.....
234	نمودار شماره (6-5) هیچکدام از مواد مخدر، سیگار و مشروبات را مصرف نمی‌کنم (بر حسب دانشگاه).....

پیشگفتار

گزارش تحقیق در سه شکل ارائه شده است. این سه جلد صرفاً شکل‌های متفاوت گزارش هستند و اگرچه در برخی موارد به لحاظ نوع داده‌ها و شیوه آنالیز با هم تفاوت دارند اما در واقع به لحاظ ماهوی یکی هستند. جلد اول، گزارش اصلی تحقیق است و جلد دوم بیشتر برای محققانی است که بخواهند از جداول ترکیبی آن استفاده کنند و نیازی به تفسیر مطول و تفصیلی ندارند. در جلد سوم بیشتر جامعه هدف مدیران دانشگاهها بوده اند که با مرور نمودارها از کلیت وضعیت فراغت دانشجویان آگاهی یابند.

گزارشها مبتنی بر اهداف طرح بر چند محور اصلی سامان یافته است. این محورها عبارتند از:

. دانشجویان چقدر زمان فراغت دارند و بیشتر در چه ساعاتی از روز فارغ اند؟

. دانشجویان زمان فراغت خود را چگونه صرف می کنند؟ یعنی به چه اموری می پردازند؟

. دانشجویان زمان فراغت خود را بیشتر با چه کسانی می گذارند و این همنشینی چه تاثیری در شیوه گذران

اوقات فراغت شان دارد؟

. وضعیت فراغت خطر ساز به لحاظ آسیب شناسانه در بین دانشجویان چگونه است؟

. نیازها و امکانات فراغتی دانشجویان در خوابگاه و دانشگاه چیست؟ و چقدر از آنها استفاده می کنند و چه مقدار

از آنها رضایت دارند؟

. سبکهای رایج فراغتی زندگی دانشجویی کدامند و چه نسبتی با ویژگی های دانشجویان دارند؟

گزارش حاضر به لحاظ علمی زیر نظر دکتر محمود شهبابی انجام شده است. توصیه‌ها و رهنمودهای ایشان بسیاری از نقاط ضعف این پژوهش را مرتفع ساخت در عین حال، محقق نقائص احتمالی باقی مانده را به گردن می گیرد. در پایان از همکارانم و دوستانم در دانشگاه تهران بالاخص آقای وحید طلوعی و خانم وجیهه جوادی نیا قدردانی می کنم.

فصل اول : کلیات

بیان مسئله

مسئله اوقات فراغت و نحوه استفاده از آن توسط گروه‌های مختلف مردم و به ویژه دانشجویان، و پیامدهای احتمالی ناشی از آن مبین شیوه‌ای جدید در زندگی بشر امروزی است. پدیده چگونگی گذران اوقات فراغت مانند یک نهاد اجتماعی در جامعه روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. اوقات فراغت به مثابه زمان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اوقات موثری است که در فضاهای مختلف و به انحاء گوناگون توسط همه گروه‌های اجتماعی مصرف می‌شود. اما مصرف زمان فراغت و فضاهای فراغتی و صورت‌های این مصارف بسیار متنوع است. بنابراین نحوه گذران اوقات فراغت و صورت‌های متفاوت مصرف آن الگوهایی خاص را پیش رو می‌نهند که از خلال آن می‌توان به شکل‌پذیری تمایزات در اقشار مختلف با نگاهی آسیب‌شناسانه یا راهبردی توجه کرد. به همین سبب، روشن است که تغییرات در الگوی فراغتی دانشجویان با روندهای اجتماعی پیوند خورده است و فهم این تغییرات مبنای مناسبی برای تحلیل روند اجتماعی و نیز گذران فراغت به دست می‌دهد.

معمولاً سه نقش را برای اوقات فراغت برمی‌شمارند؛ رفع خستگی، تفریح و سرگرمی و ایجاد امکان برای بالا بردن سطح معلومات، مشارکت آزاد اجتماعی و پرورش استعدادها. این سه کاربرد با یکدیگر مرتبط‌اند و در واقع اوقات فراغت مجموعه‌ای است که این هر سه بعد و سه جنبه را در خود جمع دارد. تجدید قوا، گریز از ملال‌انگیز بودن زندگی روزمره، فرار از کارهای تکراری تحمیلی، ترمیم ضایعات عصبی ناشی از زندگی ماشینی، بدست آوردن نشاط و سرزندگی، ارضای صحیح و مناسب تمایلات پرخاشجویانه افراد، تقویت عواطف نیز از دیگر کاربردهای اوقات فراغت به شمار می‌روند.

گذران اوقات فراغت اگر به طور مناسب صورت گیرد از نظر روان‌شناختی باعث ایجاد تعادل روحی خواهد شد. در این باره پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است که به عنوان نمونه به پژوهش هوارد تینسلی و باربارا الدرد اشاره می‌شود. آنان تلاش کرده‌اند تا تاثیر مشارکت در فعالیت‌های مناسب اوقات فراغت را بر برآوردن نیازهای مادی و معنوی انسان و ایجاد تعادل روحی او مورد بررسی قرار دهند. برای این منظور 82

فعالیت فراغتی انتخاب و از 3771 نفر در مورد آنها پژوهش به عمل آمده و رابطه مشخصی میان برآوردن نیازهای روحی و پرداختن به 12 فعالیت فراغتی تشخیص داده شده است. براساس این پژوهش، گذران اوقات فراغت اگر به نحو مناسب و متناسب با نیازها صورت گیرد، بر بهداشت روانی تاثیر مثبت خواهد گذاشت.

توجه به این نکته نیز ضروری است که در کنار گذران مثبت اوقات فراغت، گذران منفی و ناسالم آن نیز وجود دارد که ممکن است به تخریب شخصیت فرد منجر شود و نتایج عکس آنچه که برای گذران صحیح اوقات فراغت گفته شد، ببار آورد. از این رو در عین حال، از اوقات فراغت، به عنوان یک «مشکل اجتماعی» نیز یاد می‌شود. چراکه اگر شیوه زندگی آدمی به گونه ای باشد که اجازه فراغتی پویا و خلاقانه را ندهد یا اگر شیوه گذران اوقات فراغت آدمی با ارزشهای فرهنگی در تضاد باشد، مسئله اجتماعی جدیدی در ارتباط با فراغت پدید می‌آید. بنظر می‌رسد در خصوص زندگی دانشجویی، جنبه های آسیب شناسانه اوقات فراغت از اهمیتی مضاعف برخوردار باشد. چراکه زندگی خوابگاهی، مجردی و انزواگزینی، پیشی گرفتن نقش گروه دوستان در برابر نقش خانواده راه را بر الگوهای فراغت خطرناک هموار می‌سازد. از سوی دیگر مطالعه الگوی " اوقات فراغت - درس " به جای " الگوی اوقات فراغت - کار " می‌تواند در تقویت و رشد استعدادهای دانشجویان مفید واقع شود. با توجه به آنچه گذشت، می‌توان به اهمیت و تاثیر نقش اوقات فراغت و نحوه گذران آن در میان دانشجویان کشور پی برده و تاثیر مثبت گذران صحیح و مناسب اوقات فراغت و تاثیر منفی گذران نامناسب آن را بر زندگی دانشجویان مورد ارزیابی قرار داد.

بیان ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

در کشور ما مسئله الگوی فراغتی جوانان و از آن جمله دانشجویان جزو مهم‌ترین مسائلی است که باید شناخته شود تا بر اساس آن امکان برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست‌گذاری مسائل جوانان میسر گردد. اوقات فراغت به معنی دقیق آن را می‌توان پدیده‌ای جدید و متعلق به جهان معاصر دانست، مفهوم فراغت در گذشته مشخص نبود. اوقات فراغت به طور سنتی با گردش و تفریحات بومی می‌گذشت. در واقع زمان هنوز تقطیع و ساعات انجام کارهای مختلف هنوز مشخص نشده بود. به همین علت معمولاً مردم روزهای جمعه هم کار می‌کردند. اما به تدریج تقطیع زمان به صورت امری ضروری درآمد. زمان کمی شد و فراغت به صورت یک مقطع مشخص از زمان که باید از طریق انجام کارهای غیرحرفه‌ای و ذوقی و داوطلبانه پر می‌شد، مطرح گردید. در دوران معاصر، اوقات فراغت، حتی ابعاد و بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار داده و این تاثیرگذاری تا بدانجا پیش رفته است که در جوامع جدید بسیاری از افراد، شغلی را انتخاب می‌کنند که اوقات فراغت پربراری در آن پیش‌بینی شده باشد و یا محلی را برای زندگی برمی‌گزینند که برای گذران ساعات و لحظات فراغتی آنها مناسب باشد. بنابراین نحوه گذران اوقات فراغت از مسائل مهم زندگی امروز است و در متن آن قرار دارد.

در جوامع در حال رشد مسئله فراغت گروه‌های مختلف اجتماعی از اهمیتی خاص برخوردار است. در این گونه جوامع، نتیجه گسستن نسبی و تدریجی از مراکز سنتی گذران فراغت مانند مسجد، امامزاده، قهوه‌خانه، کوه، دشت، کوی و برزن و ... و فراهم آمدن زمان‌های بیشتر اوقات فراغت و نبود تاسیسات و مراکز کافی برای گذران اوقات فراغت، وضعیت خلایی است که در گذران اوقات شبانه‌روزی فرد بوجود می‌آید و این وقت فراغت اگر با بی‌برنامه‌گی باشد زمینه مناسبی برای انواع بزهکاری‌ها خواهد بود.

هیچ انحرافی فارغ از نحوه گذران اوقات فراغت جوانان نیست. هنگامی که زمان فراغت با خلاء مواجه می‌شود، یعنی جوان سرگردان باقی می‌ماند و راهی برای گذران زمان آزادش نمی‌یابد، راه‌ها و شیوه‌های غیرمتعارف بسیاری در برابرش باز می‌شوند. بنابراین هیچ جامعه سالمی نمی‌تواند نسبت به زمان آزاد

اعضایش بی تفاوت باقی بماند. چگونگی گذران اوقات فراغت با توجه به تحولات اجتماعی و پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری دوران معاصر به عنوان یک مسئله مهم مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی قرار گرفته است، به طوری که جامعه جدید را مصادف با تجلی «تمدن فراغت» دانسته‌اند. تغییرات ساختار اجتماعی و نحوه نگرش به زندگی که اوقات فراغت، خود بخشی از آن است، مفهوم اوقات فراغت را تغییر داده است. نحوه گذران اوقات فراغت با نظام ارزشی حاکم بر جامعه و فرد در ارتباط است و ناشی از ارزش‌های مورد قبول افراد جامعه است و از طرف دیگر چگونگی گذران آن بر ارزش‌ها هم اثر می‌گذارد و ممکن است که باعث دوام یا فروپاشی آنها بشود.

اوقات فراغت بر اجتماعی شدن و یادگیری ارزش‌ها و هنجارها تاثیر دارد و از نظر فرهنگی به حفظ کلیت نظام اجتماعی کمک می‌کند. اوقات فراغت یک نهاد اجتماعی است که ارزش‌ها و هنجارها را به افراد انتقال می‌دهد و به شکل دادن و ساختن جامعه کمک می‌کند. گذران اوقات فراغت نشان دهنده ارزش‌های موجود در جامعه است و ممکن است به حفظ الگوهای جامعه کمک کند و از تنش‌های جامعه بکاهد و به حس رفاقت و دوستی و تعلق اجتماعی کمک کند. فراغت نقشی نیرومند و دوگانه در تحول سطوح فرهنگی دارد. فراغت می‌تواند عامل سازگاری یا ناسازگاری اجتماعی، پیشرفت یا واپس ماندگی فرهنگی در ارتباط با نیازهای فکری و عملی جمع و فرد باشد.

یکی از نقش‌هایی که برای نهادهای آموزش و پرورش به خصوص در جوامع پیشرفته در نظر گرفته شده، پرورش مهارت‌هایی برای گذران اوقات فراغت است. انجام کارهای هنری خلاق مستلزم فراگیری مهارت‌هایی است که بتواند در این مورد نقش مهمی ایفا کند. مثلاً تقویت مهارت‌های ورزشی از طریق ساعات بازی رسمی و ساعات غیررسمی، ترتیب دادن مسابقات ورزشی میان کلاس‌ها یا دانشکده‌ها و حتی دانشگاه‌های مختلف، برپا کردن کلاس‌های آموزشی هنری مانند کلاس نقاشی، موسیقی، خطاطی و مجسمه‌سازی، تشکیل گروه‌های نمایش، ترتیب دادن بازدید دانشجویان از مراکز تفریحی و فرهنگی از جمله اقداماتی است که مدارس و دانشگاه‌ها در امر کمک به گذران مناسب اوقات فراغت می‌توانند انجام دهند. بعلاوه دانشگاه‌ها

می‌توانند از طریق انجمن‌های دانشجویی، فعالیت‌های فوق برنامه وسیع و عامتری را اجرا کنند. با توجه به اینکه دانشگاه آخرین مرکز تحصیل رسمی است که می‌تواند افراد را به آموزش مهارت‌های هنری، تفریحی و علمی تشویق کند، توجه به تناسب این مهارت‌ها با شرایط و امکانات افراد در مرحله فراغت از تحصیل، ضروری است.

با توجه به اینکه ایران جمعیتی جوان دارد و دانشجویان گروهی خاص از این جمعیت را تشکیل می‌دهند، بررسی حاضر می‌تواند مقدمه‌ای برای به دست دادن الگوی مصرف اوقات فراغت دانشجویان باشد.

اهداف پژوهش:

الف) هدف اصلی

تیبولوژی و تحلیل نحوه گذران اوقات فراغت و بررسی سبک‌های زندگی فراغت در میان دانشجویان کشور

ب) اهداف فرعی

دستیابی به پراکندگی توزیع زمان اوقات فراغت براساس الگوهای فراغتی در میان دانشجویان یافتن مقوله‌های پرمشتری و کم‌مشتری الگوهای فراغتی در میان دانشجویان.

جمع‌آوری و ثبت میزان فراغت دانشجویان

بررسی انواع فراغت صورت گرفته

شناخت شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسبات دانشجویان

آسیب‌شناسی الگوهای گذران اوقات فراغت در میان دانشجویان

بیان سوال‌ها یا فرضیه‌های پژوهش

الف) سوال‌های اصلی

- دانشجویان اوقات فراغت خود را چگونه سپری می‌کنند؟
- سبک‌های زندگی فراغتی در میان دانشجویان چیست؟
- چه راهکارهایی را می‌توان برای طراحی الگوی بهینه اوقات فراغت دانشجویان ارائه داد؟

ب) سوال‌های فرعی

- دانشجویان فراغت خود را در چه زمان‌ها و فضاهایی و با چه وسایلی فراغتی می‌گذرانند؟
- مقوله‌های گذران اوقات فراغت در میان دانشجویان کشور کدام‌ها هستند و توزیع آنها چگونه است؟
- مقوله‌های پر مشتری و کم مشتری، هر یک چرا و چگونه توزیع شده‌اند؟
- بسترهای مناسب و موانع گذران اوقات فراغت مناسب و مطلوب در میان دانشجویان کدام‌ها هستند؟
- انتظارات و ایده‌آل‌های دانشجویان برای گذران اوقات فراغت کدام‌ها هستند؟ سنخ‌بندی آنها به چه صورتی بوده و با کدام یک از سبک‌های فراغتی همخوانی دارند؟
- چه تحلیلی می‌توان از نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان کشور به دست داد؟

فصل دوم: پیشینه و

چارچوب نظری تحقیق

مرور مفهومی

اوقات فراغت در فرهنگ جوامع گوناگون مفهوم جدیدی نیست. اگر به ریشه واژه فراغت در زبان‌های اروپایی دقت کنیم، در می‌یابیم که leisure ریشه در واژه لاتینی liceve به معنای «اجازه دادن» دارد و به این ترتیب فراغت به معنای رخصت دادن است (تامپلسون، 1993: 329). چنان که سعیدی (1383) خاطر نشان می‌سازد، این مفهوم نزد ارسطو نیز به صورتی جدی در برابر با کار مطرح بوده است. ارسطو فراغت را در تقابل با کار به صورت فعالیتی ایده‌آل در نظر می‌گیرد که هر شهروند به دنبال آن است: «ما کار و شغلی در پیش می‌گیریم تا فراغتی داشته باشیم». با این همه، آنچه در دوره پیشامدرن از مفهوم فراغت مد نظر بوده است روندی از گذران وقت بود که به خودی خود ارزش‌مند تلقی می‌شد و چنانکه گفتیم جنبه ایده‌آل دارد، اما با ظهور جامعه صنعتی و دنیای مدرن است که فراغت در قالب مفهومی جدید در مقابل کار می‌ایستد. از آغاز تمدن تا انقلاب صنعتی، یک فرد ولو با صرف زحمت زیاد مشکل می‌توانست بیش از آنچه برای معاش خود و خانواده‌اش لازم بود تولید کند هر چند زنش هم دوش به دوش او کار می‌کرد و فرزندان هم به او کمک می‌کردند. اندک اضافه بر احتیاجات آنان نیز به جیب جنگجویان و روحانیون می‌رفت که در خشکسالی هم سهم می‌بردند ولی مردمان عادی در فقر و تنگدستی باقی می‌ماندند و گاه از این بلایا می‌مردند. راسل معتقد بود فنون جدید امکان این را به دست داده است که فراغت را تا حدودی از محدوده امتیازات طبقات ممتاز خارج نمود و بین تمام افراد جامعه سرشکن کرد. «مبانی اخلاقی کار مبانی اخلاق بردگی است و جهان امروز نیازی به بردگی و برده‌داری ندارد» (راسل، 1349: 12). او در ادامه می‌افزاید که فراغت لازمه تمدن است و در سابق، فراغت و بیکاری تعدادی قلیل فقط با کار سخت و سختکوشی تعداد کثیری امکان‌پذیر بود. اما این سخت کوشی ارزش داشت. آنهم نه به این علت که کار چیز خوب و درستی است، بلکه به این علت که فراغت چیز شایسته و خوبی است. با استفاده از فنون جدید می‌توان بی‌اینکه زیانی به تمدن وارد آید فراغت را به نحو عادلانه توزیع کرد. تکنیک جدید امکان داده است مقدار کاری را که برای تامین ضروریات زندگی افراد لازم است به مقدار قابل ملاحظه‌ای تقلیل

داد. این امر در جنگ جهانی اول به ثبوت رسید و نشان داد که با سازمان دادن تولید براساسی علمی می‌توان با قسمتی از ظرفیت کار رفاه و آسایش مردم را تامین کرد (راسل، 1349). به این ترتیب با اتکا به دانش اجتماعی برآمده از مشاهده مستقیم جوامع مدرن ملاحظه می‌شود که صورت دیگری از فراغت مدرن نیز شکل گرفته است. اگر به جنبه‌ها و ابعاد گوناگون جامعه‌شناختی مفهوم فراغت در جوامع صنعتی توجه کنیم تغییراتی در ارزش‌ها و رفتارها، کاربردهای اجتماعی زمان، روابط بین نسلی، روی آوری‌های جدید به مقوله کار، پویایی‌های خانوادگی و وقت آزاد، فرهنگ عامه و امثال این موارد به چشم می‌خورد. اما چگونه می‌توان متوقع بود که به عوامل اصلی تحلیل جامعه‌شناختی فراغت نایل شویم و چگونه می‌توان تحلیل خاصی مبتنی بر جامعه‌شناسی فراغت به دست داد. به نظر می‌رسد که پرداختن به دو جنبه از این مفهوم راهگشا خواهد بود.

1) اول آنکه به سنت‌های مسلط بررسی جامعه‌شناختی در مقوله فراغت توجه شود و با تاملی تاریخی تطور این مفهوم را در طی قرون منتهی به قرن 20 بررسی کرد و سپس دیدگاه‌های انتقادی نسبت به این مقولات را مطرح ساخت.

2) رهیافت‌های مضمونی و ساختاری اصلی درباره مقوله فراغت را در آثار نظری مورد بحث قرار داد و به این ترتیب عوامل شناخته شده تحلیل جامعه‌شناختی در مطالعات فراغت را معین کرد.

پیدایش مفهوم فراغت

یکی از موارد بسیار مبهم در مطالعات فراغت تعریف این مقوله است. هر یک از پژوهشگران گاه تعریف جدیدی از فراغت به دست داده‌اند و گاه نیز به تعاریف برآمده از نظریه‌های پیشین بسنده کرده‌اند. فارغ از آن که جنبه تعمیم‌پذیر دسته‌بندی این تعاریف در دسر ساز شود، در زیر فهرستی از رهیافت‌های شناخته شده‌تر در تعریف فراغت را می‌آوریم.

1- در اولین رویکرد، به فراغت به منزله استفاده از زمان «در دسترس» نگریسته و توجه می‌شود که مرزهای این زمان با زمان کار و زمان اجبارات خانواده یا الزامات زندگی مشترک و جمعی معین گردد. با این رهیافت مطالعه فراغت به مطالعه زمان آزاد تحویل می‌شود.

2- در رویکرد دوم، فراغت به منزله فعالیتی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد و به صورتی کم و بیش مشخص، فراغت مشتمل بر فعالیت‌های قلمداد می‌شود که در زمان استفاده از وقت آزاد صورت می‌گیرند. به همین اعتبار است که مقوله‌هایی که «زیر شاخه یا زیر میدان»های فعالیت‌های فراغتی به حساب می‌آیند، از جمله ورزش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، وابسته به مطالعه فراغت تعریف می‌شوند. مشکل عمده این رویکرد، برقراری افتراقی جدی بین فعالیت‌های «فراغتی» و «غیرفراغتی» است. در همین زمینه تزدیر و ریپر (1966) گونه‌های فعالیت‌های شناخته شده را در مقولات مشهور زیباشناختی، فکری، دستی، جسمی، و اجتماعی طبقه‌بندی کرده‌اند.

3- معنایی که فرد از گذران اوقات خود اراده می‌کند نیز در بسیاری از تحقیقات به مثابه ممیزه فراغت از غیر فراغت شناخته شده است. جنبه‌های روان‌شناختی عوارض مشخص فراغتی از جمله لذت بخشی، بازی، آزادی، مطلوبیت و امثال اینها حوزه فعالیت‌های مذکور را می‌سازند. چهار مقوله پیش گفته لذت باورانه بودن، فردی بودن، آزادانه بودن، و بی‌اعتنایی ضمنی، هرگاه وجود نداشته باشند می‌توان گفت که فعالیت مذکور فراغتی نخواهد بود. می‌توان حوزه‌های مذکور را با اهداف مترتب بر آن که از سوی فرد دنبال می‌شوند نیز در هم آمیخت و آنگاه فراغت را با دریافت ذهنی فرد از اهداف محقق شده‌ای که برای گذران اوقاتش در نظر گرفته است سنجید، ولی به نظر می‌رسد که این عمل فراغت را هر چه بیشتر از حوزه مقولات معمول جامعه‌شناختی خارج می‌سازد.

در مورد پیدایش فراغت نیز سه نظریه عنوان شده است. اولین نظریه حاکی از این است که مبنای تفریح "مذهب" است. چنانچه در جامعه اولیه عملاً رسوم مذهبی از بازی و تفریح جدا نبوده است و رقص و آواز و نمایش رابطه تنگاتنگ با سنن مذهبی داشته است. فلوئید هاوس، در کتاب سلسله نظریه‌های اجتماعی

ریشه تفريح در زمان قديم را مذهب بيان مي‌کند و اضافه مي‌کند که با استيلاي مسيحيت بر جهان، پرداختن به تفريح نوعي معصيت تلقی مي‌شده است. از طرفداران ديگر اين نظريه مي‌توان دورکيم و جين هاريسن را نام برد. در مجموع اين نظريه حاکی از اين است که تفريح در صورتهای مختلف از مذهب سرچشمه گرفته و نوعي رفتار اجتماعي است که در ايجاد وحدت ميان اعضاي یک گروه يا قبيله نقش بزرگی ایفا می‌کند.

دومين نظريه راجع به فراغت به فرضیه غريزي "بازی و تفريح" راجع است. از طرفداران اين نظريه مي‌توان جيمس بالدوين و ويليام مک دوگال و کارل گروس را نام برد. مک دوگال مي‌گويد که ميل به بازی تا حدودی از غريزه جنگجويی سرچشمه می‌گیرد و گروس معتقد است که کشش انسان برای بازی و تفريح بیشتر ناشی از طرز زندگی اوست که مبنای غريزي دارد. به نظر او يکنواختی زندگی و نبودن نشاط در دنياي کنونی باعث اختناق می‌شود که نتیجه آن ايجاد کشش و عشق به تفريح است.

سومين نظريه، فرضیه مبنی بر "استراحت و کسب لذت" است. اسپنسر در اين خصوص، علت گرانش انسان به تفريح را رها شدن وی از نیروهای اضافی می‌داند و مورتين لاواروس روانشناس آلمانی، عامل تفريح را نیاز بشر به استراحت و جبران خستگی بيان می‌کند. توماس، ميل رهایی از يکنواختی و به دست آوردن تجربيات را عامل پيدایش تفريح و بازی می‌شمارد. پاتریک، روان شناس آمریکایی، پيدایش تفريح و فراغت را رهایی انسان از فعاليت مداوم و تلاش خسته کننده که نتیجه آن خستگی جسمی و روحی شديد افراد جامعه است می‌داند. (صادق موسوی، 1386 : 77). به نظر می‌رسد، اوقات فراغت همانطوری که در مقدمه قيد شد، و بر اساس نظريه های مطرح، بیشتر جنبه تفريحي و رفع خستگی از کار روزانه و لذت بردن باشد.

گذران اوقات فراغت Leisure Time با مفهوم آزادی و خودمختاری فردی و اجتماعي نیز گره خورده است. واژه Leisin از دو مصدر قديمی مبدل شده به اسم مصدر و از ریشه لاتینی Liceve به معنای «مجاز بودن» گرفته شده است. قبل از آن که مفهوم اوقات فراغت به شکل امروزی در دنياي مدرن مطرح

شود، این مفهوم نزد مردم عصر باستان، مثلاً در یونان و روم به زمانی اطلاق می‌شده است که در آن زندگی به صورتی جدی برای درک زیباشناختی و آموختن فنون زندگی با زمان کار در مقام پیشه‌ای برای کسب درآمد پیوند می‌خورده است. به همین سبب است که در دوره پیشامدرن فراغت امری بوده است، ولی انتخاب آن در اختیار فرد نبوده و خود به امری مولد قابل تحویل بوده است. جدایی شناخته شده‌ای که هم اکنون در جوامع مدرن لحاظ می‌شود به واسطه آن که کار با فعالیت تولیدی درآمیخته است از فراغت که در آن فرد به تولید مشغول نیست جدا شده است. البته لازم به ذکر است که این حوزه‌های متفاوت بار دیگر در دوره پسا مدرن یا مدرنیته متأخر به هم نزدیک می‌شوند.

دومازدیه می‌نویسد که گذران اوقات فراغت در برگیرنده مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد با کمال میل بدان بپردازد، خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع، خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن بدون توجه به اهداف مادی و خواه برای مشارکت اجتماعی ارادی و بسط توان آزاد و خلاقش، پس از آنکه از الزامات حرفه خانوادگی و اجتماعی، فارغ گشت.» (آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی 1966). بنابراین دومازدیه¹ (1972) معتقد است که دوران صنعتی به چند دلیل فراغت پدید آورده است: اول تقلیل ساعات کار در هفته، دوم همراه شدن ساعات رسمی کار با ساعات فراغت از کار، سوم ارتقا سطح زندگی مزدبگیران، چهارم زیاده‌تر شدن و متنوع و پیچیده شدن تفریحات، و پنجم نسبت فراغت و فعالیت‌های فراغتی به منزله حق. به نظر او امروز، فراغت مبنای نوعی اخلاق جدید مبتنی بر نیک‌بخشی است؛ کسی که از اوقات بیکاری خود استفاده نمی‌کند و یا نمی‌تواند بهره‌مند شود دیگر کاملاً انسان نیست. این فعالیت‌ها نه همچون کار جنبه ضروری داشت و نه مانند وظایف خانوادگی اجباری بود این فعالیت از تولیدی و اجتماعی متمایز است. اگر فراغت را به مفهوم اقتصادی بگیریم فراغت آن زمانی است که انسان دیگر به وسیله کارش در تولید جمعی مشارکت ندارد. فراغت قبل از هر چیز زمان آزاد شده از کار تولیدی

است در پرتو پیشرفت تکنیک و عمل اجتماعی به سود یک فعالیت غیرتولید انسان، چه قبل از شروع کار همزمان با کار تولیدی و چه بعد از آن.

او همچنین نوعی تقسیم بین انواع فعالیت‌ها تشخیص می‌دهد. برخی از فعالیت‌ها حاکی از وظایف شخصی و خانوادگی یا اجتماعی است ... گاهی این وقت آزاد شده به وسیله نوع تازه‌ای از کار پر می‌شود. از جانب دیگر کارهای نیمه فراغتی داریم که عبارت‌اند از برخی فعالیت‌های ورزشی و هنری وظایف خانگی و خانوادگی مثل باغبانی و رسیدگی به خانه و یا وظایف اجتماعی و نیمه تفریحی - نیمه آیینی مثل شرکت در جشن‌های ملی و مذهبی.

در نهایت او سه کارکرد برای فراغت قایل است. 1- استراحت 2- تفریح 3- رشد شخصیت.

برخی از پژوهشگران براین باورند که پدیده فراغت در سراسر تاریخ زندگی بشر وجود داشته و خاص زمان مشخصی نیست. اما برخی دیگر از آنها فراغت را پدیده‌ای می‌دانند که با تمدن صنعتی پیوند دارد. عده‌ای نیز معتقدند که فراغت دارای دو ویژگی و شرط خاص است که عبارت‌اند از

1- تحت تاثیر مراسم اجباری و الزامات فرهنگی و اجتماعی نیست بلکه با اراده و اختیار فرد سپری می‌شود (براون¹، 1996: 920).

2 - از سایر فعالیت‌های ضروری زندگی روزمره نظیر خوردن متمایز است (دومازدیه²، 1972).

چنانچه این دو شرط ملاک باشد، اوقات فراغت در جوامع پیش‌صنعتی وجود نداشته زیرا افراد در گذران فراغت خود نظیر تفریحات و سرگرمی‌ها همواره به نوعی تابع الزامات فرهنگی و اجتماعی بودند به نحوی که گاه مجبور به انجام چنین تفریحاتی می‌شدند مثل تفریحات مربوط به جشن‌های مذهبی. از طرف دیگر فراغت با فعالیت‌های کاری انسان آمیخته بود (فکوهی، 1382).

کاپلان پیچیدگی تعریف فراغت را گوشزد کرده و معتقد است هیچ چیزی را نمی‌توان فی‌نفسه (برای همه) به عنوان فراغت تلقی کرد و تقریباً هر چیزی را (چنانچه رضایت‌بخش باشد) می‌توان فراغت دانست. مطابق

1 . Brown
2 . Dumazdier

این الگوی انسان‌گرایانه، فراغت فی‌نفسه هدف تلقی شده و حالتی از بودن به شمار می‌آید (تورکیلدسن، 1382: 112-111).

مرور تاریخی

با آن که گمان می‌رود فراغت مفهومی «معاصر» است اما می‌توان سابقه آن را در طول تاریخ پی‌جویی کرد. این سابقه با تحولات اجتماعی هم‌پیوند بوده و ساختار فراغت مدرن در بافتار این تغییرات جای می‌گیرد به همین سبب است که بسیاری از محققان ادبیات فراغت را در چشم‌اندازی تاریخی می‌بینند. فراغت از ابتدای زندگی بشر وجود داشته است و مورد توجه نیز بوده است. در واقع بشر اولین نبوغ خلاق خود را به صورت نقاشی بر دیواره غارها در جریان اوقات فراغت خود ظاهر ساخته است. در مصر و یونان باستان فقط طبقات بالا از امکان تفریح و سرگرمی برخوردار بودند. یونانیان به فراغت اهمیت زیادی می‌دادند و از آن برای ورزش و بازی‌های قهرمانی، هنرنمایی، و سخنوری استفاده می‌کردند. آنان آغاز هر فصل را جشن می‌گرفتند و آغاز و پایان جنگ‌هایشان با جشن همراه بود و بازی‌های المپیک را ابداع کردند. ایرانیان نیز در فراغت خود به اسب سواری و تیراندازی و شکار و درختکاری می‌پرداختند. رومیان نیز از این اوقات برای ورزش و کسب آمادگی و جشن‌های ملی و مذهبی استفاده می‌کردند. در دوران اسلامی نیز ورزش و تفریحات سالم متناسب با احکام دینی مورد توجه و تشویق بود. پیشرفت‌های علمی، فنی، هنری و ادبی مسلمانان معلول استفاده صحیح و مناسب از اوقات فراغت خود بود.

روجک (1995) معتقد است در دوره مدرن می‌توان فراغت را با انقلاب صنعتی شناسایی کرد که در پی کنترل و سازماندهی به کار و فضای فراغت بود تا نظم اجتماعی و پیشرفت را از خلال نوعی اخلاق کار تولیدی برقرار کند. به این ترتیب، می‌توان ساختاریابی فعالیت‌های کار / فراغت را شناسایی و سازوکار آن را در سرمایه‌داری غرب در بین ملت‌های صنعتی شده بازشناخت. به این معنا فراغت به نوعی مسئله دموکراتیک، لازم و ترمیم‌کننده بدل شد که زندگی اجتماعی مدرن را سامان دهی می‌کند

(روجک، 1995). در عین حال در دوره مدرنیته مشدد فعالیت فراغتی به زندگی روزمره برده می شود و بر

مصرف فرهنگی و زیبایی شناختی کردن زندگی روزمره تکیه می شود.

می توان تحولات تاریخی فراغت را در چهار شکل پی گیری کرد:

1- بسیاری از تحقیقاتی که در امریکا صورت گرفته است، سابقه فراغت را به عهدین و داستان آدم و حوا برمی گردانند که در آن بهشت عدن از وقت آزادشان لذت می بردند. در یونان و روم نیز فراغت پدیده‌ای شناخته شده بود که به آن می پرداختند. به این ترتیب می توان استدلال کرد که فراغت امری است که در طول تاریخ با بشر همواره همراه بوده و فقط متحمل تغییراتی چند شده است.

2- برآمدن «تمدن فراغتی» را می توان با استفاده از تغییراتی که در سطح تکنولوژیک جوامع در غرب اتفاق افتاد توجیه کرد. یکی از مشخصات فراغتی شدن جوامع تغییراتی است که از حیث فنی و فناوری طی صنعتی شدن به وقوع پیوستند. از این منظر که تغییرات اجتماعی متأثر از تبدیلات در سطح فناورانه حیات مادی انسانی اند، چشم اندازی گشوده می شود که هر چند به نوعی تقلیل گرایانه است، اما به نوعی تبیین کننده نیز هست. به هر روی نمی توان از نظر دور داشت که عوارضی تغییرات تکنیکی از جمله صنعتی شدن منجر به جنبش‌هایی جهانی برای کاهش ساعات کار موظف شد و نظام ارزشی را دچار تغییر شکل کرد.

3- از منظری دیگر می توان تحول مفهومی فراغتی را از خلال جامعه‌شناسی زمان اجتماعی درک کرد. در این رویکرد لازم است که زایش تفکرات مبنایی فراغت مدرن طی نوعی فرایند تغییر دهنده ساختارهای زمان اجتماعی روشن شود. این همان راهی است که از نگاه ساختارگرایان کارکردی، از جمله تالکوت پارسونز، برای توضیح فرایند تغییرات بزرگتر در جوامع مدرن شرح داده شده است.

4- می توان از سوی دیگر به پویایی مولد فراغت در عرصه تاریخی - اجتماعی اشاره کرد. توسعه فناورانه باعث افزایش وقت آزاد شد و به صورتی دیگر توسعه کنترل صنعتی موجب تقاضاهای جدید برای اعمال

خودآموزانه افراد در اوقات فراغت شان شد. کریستین لالیو دپینای (1983) چهار سطح از واقعیت اجتماعی را که به تولید پدیده فراغت و وقت آزاد منجر شد مطرح می‌سازد:

(الف) فضای تولید که منجر به فعالیت مضاعف برآمده از آن، یعنی مصرف، شد.

(ب) روابط اجتماعی، به ویژه تعارضات بین طبقات و جنبش‌های اجتماعی جدید (از جمله جنبش فمینیستی و امثال آن)

(ج) نظام‌های نمادین مرجع از جمله برآمدن اخلاق حرفه‌ای و پیدایی ارزش‌های لذت‌جویانه

(د) مدیریت فضا، به ویژه فرایندهای شهرسازی

در خصوص مورد اخیر (مدیریت فضا و فرایندهای شهرسازی) می‌توان ملاحظه کرد که در جامعه مدرن فضا، قطبی و پولاریزه شده و کارکرد دسترسی آن بر کارکردهای دیگر مانند ارتباط و تبادل اجتماعی و عاطفی غلبه کرده است. خیابان‌ها، به پیست مسابقه ترافیکی سرسام‌آور تبدیل شده‌اند، فلکه‌ها و چهارراه‌ها جای میدان را گرفته‌اند، پارک‌ها جولانگاه بزهکاری و خرده گروه‌های شهری شده‌اند، کتابخانه‌ها و سینماها با یک سوم ظرفیت کار می‌کنند. فعالیت عمده شهرنشینان، پاساژگردی و پرسه‌زدن در مراکز خرید، اتومبیل سواری، غذا خوردن در رستوران و پیتزافروشی است که به خاطر فردگرایی خاص، یک جور تعمیم ناقص شرایط حوزه خصوصی از خانه به خیابان است. زیرا این فعالیت‌ها باعث ارتباط اجتماعی گسترده، انتقال اطلاعات و تجارب و گفت‌وگوی اجتماعی نمی‌شود. پرسه‌زدن و تماشای ویتترین‌ها فراگیرترین فعالیت شهرنشینان در اوقات فراغت عصر و آغاز شب است. ولی این نوع فعالیت، در بردارنده هیچ تضمینی برای ایجاد ارتباط اجتماعی نیست زیرا افراد و گروه‌های اجتماعی، هر کدام در هاله‌ای شخصی و بدون احساس نیاز به برقراری تفاهم و گفت‌وگو با دیگران، مگر آنکه ناچار به آن شوند، قدم می‌زنند و تماشا می‌کنند. تحقیقات نشان داده است که گردش با اتومبیل رویکرد غالب طبقه متوسط تهران است و به خاطر خودمختاری نسبی اتومبیل از آن فعالیت‌های دیگر مطلوب‌تر است. در اینجا ارتباط باز هم کمتر می‌شود مگر آنکه تصادفی پیش آمد کند یا آشنایی را اتفاقی ببینند (مقدسی، 1386).

چشم‌انداز متاخر هر دوی جنبه‌های صنعتی شدن و عوامل تکنولوژیک را در روند تاریخی اجتماعی تبیین‌کننده تغییرات جامعه‌شناختی زمان در بر می‌گیرد. به هر روی، از این چهار منظر می‌توان برای توضیح و به دست دادن چارچوبی اصولی برای تبیین تغییرات ساختاری زمان و به تبع آن فراغت بهره جست.

مرور سنت‌های نظری

اگر برای بررسی رویکردهای سنت جامعه‌شناسی فراغت به ادبیات این حوزه مراجعه کنیم به یک اعتبار می‌توان پنج سنت جامعه‌شناختی را در این حوزه یافت (پروندوست، 1983):

1- مکتب تفکر امریکایی

2- رهیافت انسان‌شناختی با ریشه امریکایی

3- رهیافت جامعه‌شناختی انگلیسی

4- سنت فرانسوی آموزش عمومی و توسعه فرهنگی

5- جامعه‌شناسی زمان

سنت امریکایی جامعه‌شناسی فراغت: می‌توان سنت امریکایی را در بررسی اوقات فراغت دارای مضمون‌هایی دانست که از دهه 1900 تا دهه 1930 در سنت امریکایی مطالعات فراغت به چشم می‌خورد. برخی از این مضامین عبارت‌اند از (پروندوست، 1983: 77 به بعد):

- فراغت به منزله نقطه آغازین برای تعریف طبیعت بشری که به واقع از خلال بنیادهای لایتغیر دوره کودکی خود را مطرح می‌سازد بیان شد.

- مفهوم بازی در این حوزه حضوری فراگیر دارد. این مفهوم به منزله نقطه ثقل و بنیادی طبیعت انسانی و بیشتر اوقات به منزله گرایش حیاتی در نظر گرفته می‌شود که اجازه می‌دهد بشر توانایی‌های فکری و

جسمی خود را بازسازی کنند. به همین منظور رویکرد به فراغت به منزله زمانی برای آموزش‌های فیزیکی (جسمانی) و افزایش قدرت بدنی و ذهنی محل توجه قرار گرفت.

- به همراه فراغت مفهوم تمدن نیز ظاهر شده است. این مفهوم در منظر دموکراتی امریکایی به مثابه بخشی لایتجزا از تمدن ایده‌آل تلقی می‌شد که اجازه می‌داد کیفیت زندگی همگانی بالا رود. در این دوره امریکا به منزله اوج تمدن غربی در نظر آورده می‌شد. از یاد نباید برد که فراغت در این رابطه همان زمان ایده‌آلی است که در آن، فرد به آزادی‌های دموکراتیک نه فقط برای توسعه جامعوی، بلکه برای بیان فردی خویش نگریسته می‌شود.

- نگاه جدید امریکایی به فراغت موجد برقراری سازمان‌ها و نهادهای چندی به صورت عمومی یا نیمه عمومی شد که از آن جمله‌اند پارک‌ها، محل بازی کودکان، مراکز فعالیت‌های شهری، مراکز فرهنگی، موسسات محلی، ساختمان‌های چند منظوره و امثال آن. این فعالیت‌ها که با عبارت «بازپروری» یا «باززایی» یا «بازتوانی» شناخته می‌شوند، فعالیت‌هایی‌اند که در زمان فراغت صورت می‌گیرد و به همین سبب لازم آمد که به مفهوم زمان آزاد از این بعد توجه شود.

این دوره برابر با دوره‌ای بود که دستاوردهای اتحادیه‌های کارگری به بار می‌نشست که از جمله آن می‌توان به کاهش ساعات کار و حق استفاده از مرخصی با حقوق اشاره کرد. در این حال رشد زمانی فراغتی کارگران به معنای تولید زمان آزاد بود. می‌دانیم که زمان آزاد همان وجهی بوده است که در آن فرد می‌توانست با فعالیت‌های فراغتی به کسب منزلت اجتماعی نایل شود (وبلن، 1383).

در عین حال تغییراتی که در حوزه بازار کار صورت گرفت تأثیر عمیقی بر کیفیت زندگی افراد در جوامع صنعتی گذاشت. به این معنا که، چنانکه در سنت امریکایی تفکر نسبت به فراغت مشاهده می‌شود، فراغت در برابر تولید اقتصادی قرار می‌گیرد. می‌توان حال جنبش‌های کارگری را در مقام گفتمانی شناسایی کرد که در برابر مؤسسات اقتصادی عمومی مسلط ساختار یافت و این بخش از تاریخ اجتماعی امریکا را به مثابه هسته مرکزی مفهوم و بازنمود فراغت در تفکر امریکایی معرفی کرد. به همین سبب است که در این سنت

فکری همواره بازی در برابر بازتوانی و این دو در برابر وقت آزاد با خط تمایزی اساسی جدا می‌شوند. همچنین می‌توان به جدایی و تمایز فعالیت‌های اندرونی و بیرونی نیز اشاره کرد که مطالعات درباره فعالیت‌های بیرونی افراد زمینه را برای بررسی فعالیت‌های فراغتی هموار ساخت. از خلال ایجاد این تمایزات است که زمینه‌های آزادی انتخاب و به دنبال آن اهمیت ارضای نفس و کسب لذت شخصی سر بر می‌آورند.

رهیافت انسان‌شناسی امریکایی: دومین رهیافت اساسی در سنت مطالعات فراغت سنت انسان‌شناسی امریکایی است که در دهه‌های 1920 و 1930 از تحقیقات رابرت و هلن لیند ناشی شده است (لیندو لیند، 1959). ایشان بر فراغت به منزله مقوله‌ای در انسان‌شناسی فرهنگی تاکید گذاردند. بنابراین به همین مناسب تاکید کردند فراغت در شکل‌های متفاوت بازی، هنر، و امثال آن یکی از حوزه‌های بسیار مهم فعالیت‌های بشری است (همان، 1959: 3 و 4). البته نباید از خاطر برد که تاکید ایشان بر استفاده از تکنولوژی برای کاستن از فاصله بین فراغت و کار با تاکید بر وسایلی همچون رادیو، اتومبیل و سینما، کلپ‌ها، بعدها در جامعه مصرفی به صورتی دیگر خود را نشان داد. همه این موارد به صورتی خود را در سبک‌های زندگی و به تبع آن سبک‌های فراغتی زندگی نشان می‌دهند. این امر ارتباطی را که بین مقولات مختلف این بخش از انسان‌شناسی امریکایی با مقولات کلاسیک تحلیل جامعه‌شناختی از جمله تفاوت‌های منتج از جنس و سن و طبقه اجتماعی را تایید می‌کند. به هر روی مکتب انسان‌شناسی امریکا یکی از تاثیرگذارترین مکتب‌های فکری بوده است که بر فراغت به منزله حلقه ارتباط فرهنگی تاکید می‌گذارد. همچنین از دل نظریات این رهیافت است که اهمیت مفاهیم فرهنگ توده‌ای برای بسیاری از پژوهشگرانی که بر پدیده‌های استانداردسازی فرهنگ تمرکز داشتند آشکار شد. مفاهیم دیگر از این قبیل عبارت بودند از فراغت انفعالی، و کیفیت نازل فراغت توده است (کاندو، 1980) این امر به صورتی دیگر در نظر گاه مکتب فرانکفورت نسبت به فراغت نیز محل توجه بوده است (آدورنو، 1379).

تأثیرگذارترین متفکر در این حوزه دیوید ریسمن (1950) است. از نظر ریسمن، که شاید بتوان او را یکی از بنیادگذاران جامعه‌شناسی فراغت به حساب آورد، می‌توان با گونه‌ای قضاوت اخلاقی با فرهنگ توده‌ای که نتیجه تولید زمان آزاد است برخورد کرد. فراغت توده‌ای نیز از بر ساخته‌های اوست. همچنین برای اولین بار او به تحقیق نظام‌مند فراغت در امریکا پرداخت و مطالعه و نقد و بلن را نیز آغاز کرد. به نظر ریسمن، گسترش وسیع اوقات فراغت نیازمند تفکر خلاق جدیدی است که به فعالیت‌های دوره فراغت فرد آن معنی و مقصدی را بدهد که زمانی کار که تقریباً همه وقت اکثر افراد را به خود اختصاص می‌داد، از آن برخوردار بود. انگاره اقتصادی که بیش از این به وسیله فعالیت‌های اقتصادی آفریده می‌شد اینک باید از حرف‌های همراه با فراغت ایجاد شود.

رهیافت جامعه‌شناختی انگلیسی: شاید بتوان گفت که مطالعه فراغت در انگلستان در فاصله بین دو جنگ جهانی آغاز شد و بر آمدن جامعه‌شناسی فراغت مدیون پی‌گیری این ایده بود که چگونه می‌توان شرایط اقتصادی و اجتماعی را برای طبقات پائین جامعه انگلیس به صورتی بهتر درآورد. نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان نزد هوگارت (1957) دید. به هر روی می‌توان این رویکرد را در چارچوبی کلی‌تر قرار دارد که به نوعی باعث مطالعات فرهنگی و برآمدن آن در مکتب بیرمنگام همخوانی دارد. هر دوی این رویکردها از دو سوی متفاوت باعث شدند که بعد از 1945، شخصیت‌یابی و به رسمیت شناخته شدن جامعه‌شناسی اوقات فراغت در انگلستان با سیاستگذاری فرهنگی پیوند بخورد و از دل آن مباحث مربوط به شهر، عرضه خدمات محلی عمومی، بهسازی محیط زیست و توسعه عدالت اجتماعی صورت پذیرد. البته مباحث مرتبط با فراغت در سنت فکری انگلیسی سابقه تاریخی طولانی‌تری داشت (نک کانینگهام، 1980) و ارتباط آن با خانواده و کار شناخته‌تر و متمایزتر بوده است (والوین، 1978).

در بررسی متفکران انگلیسی این رویکرد را می‌توان در پیوند با جوامع غربی از سویی و تغییرات خانواده، هر دو در بستر تبدیل جوامع صنعتی غرب پی‌گیری کرد (رابرتز، 1981). روجک این نقد را به رهیافت

جامعه‌شناختی انگلیسی وارد می‌آورد که فقدان زمینه‌مندی تاریخی در آن مشهود است و پرداختن به شکل‌گیری منجر به از دست رفتن پیوند بین وضعیت فراغتی و بافتار تاریخی جوامع سرمایه‌داری شده است (روجک، 1985). از همین روی است که مطالعات فراغت در حوزه‌هایی که ابعاد تاریخی به صورتی برجسته‌تر پژوهیده می‌شوند توصیه شده است و نیز هرگاه که جایگزین قوی‌تری برای پاسخ به پرسش‌های فرهنگی در دسترس بوده است، مثل مکتب بیرمنگام، حوزه‌های جامعه‌شناسی به نفع آن جایگزین صحنه را خالی کرده‌اند (کلارک و کریکتر، 1985).

سنت فرانسوی توسعه فرهنگی و آموزش عمومی: ملاحظه می‌شود که سنت بررسی جامعه‌شناختی فراغت در فرانسه مرهون برآمدن مسایل اجتماعی در حوزه آموزش عمومی است (پرونووست، 1983). این امر را می‌توان به نوعی وامدار مسئله دیربای کنترل زمان «کار» و زمان «خارج از کار» دانست. از همین روی است که متفکران فرانسوی برای نخستین بار به فراغت از منظر کار نگریسته‌اند (فریدمن، 1961) و از همین روی در این رویکرد فراغت به منزله «نه - کار» در نظر گرفته شده است. با این همه، استقلال جامعه‌شناسی فراغت بعد از تحقیقات دامنه‌دار اما تزدی (1974) به رسمیت شناخته شد. او ابعاد فردی، آزادساز، بی‌اعتنایی و لذت جویانه فراغت را تعریف کرد و از دل آن‌ها، ابعادی مانند آرامش‌بخشی، سرگرمی سازی و توسعه را که جنبه‌های اجتماعی دارند روشن ساخت. می‌توان رویکرد جامعه‌شناسی فراغت فرانسوی را بیشتر در قالب توسعه فرهنگی شناسایی کرد که از استلزامات آن پرداختن به بحث ارزش‌ها، تحصیلات و آموزشی و فرهنگ عمومی است. از همین منظر است که می‌توان به فراغت به منزله فضایی خاص برای تولید ارزش‌های اجتماعی جدید نگریست.

جامعه‌شناسی زمان: اغلب مشاهده می‌شود که مباحث جامعه‌شناسی اوقات فراغت با مبحث زمان‌گره می‌خورد، چرا که بررسی اوقات فراغت به بررسی زمان آزاد فرد موکول می‌گردد. این مباحث از افتراقاتی که

بین انواع زمان‌های اجتماعی، از جمله زمان کار، مدرسه و امثال آن، گذاشته می‌شود نتیجه می‌شود و یکی از این مقولات زمانی وقت آزاد است. شاید به نوعی بتوان وقت آزاد را به منزله زمانی در نظر گرفت که هیچ اجباری در آن وجود ندارد. البته این امر معنایی تلویحی را نیز در بردارد و آن اینکه این وقت به لحاظ مادی نیز هیچگونه توقعی را در شخص بر نمی‌انگیزد. این وقت بیشتر با تمایلات فردی پر خواهد شد که از آن جمله‌اند: آزادی، ارضای شخصی، بازی، فعالیت‌های ترمیمی و باز سازنده و امثال اینها به همین سبب است که می‌توان اوقات فراغت را به مثابه آن زمان‌های آزادی در زندگی فردی به حساب آورد که در آنها، بازشناسی زمان در برابر زمان صنعتی شده، زمان کار، زمان اجتماعی و امثال آن صورت می‌گیرد. برای همین است که ملاحظه می‌شود برآمدن بررسی‌های فراغتی به جنبش‌های عمومی برای کاهش ساعات کار و افزایش کیفیت زمان بیکاری، استفاده از بیمه‌های بیکاری، به رسمیت شناخته شدن مرخصی‌های بدون حقوق، استفاده از امکانات رفاهی در زمان استفاده از بیمه بیکاری برای مدیریت وقت آزاد مشمولان طرح بیمه بیکاری گره خورده است. برای بررسی این امر تحقیقات چندی صورت گرفته است. تحقیقی بر روی 900 کارمند درباره تعارض بین کار و زمان غیر کاری تعارض بین این دو را به واسطه همبستگی و تحلیل آن درباره زمان طولانی کار، مدیریت ناکارآمد زمان و کنترل ضعیف کارمندان بر زندگی شخصی‌شان را نشان می‌دهد. به طور کلی زمانی که افراد برای کار صرف می‌کنند تاثیر عمیقی بر تعادل زندگی کاری‌شان می‌گذارد. به این ترتیب، زندگی کاری و زندگی فارغ از کار از هم جدا می‌شوند. ساعات طولانی کار باعث می‌شود که فرصت‌یابی برای فراغت‌های خلاق و مولد اجتماعی به واسطه کمبود زمان کم شود (گلدن و فیگارت، 2000). از همین روی است که تاریخ‌دانان می‌گویند فراغت محصولی است که از کشتزار کار به دست آمده است. در مراحل اولیه فراغت به شکلی همه جانبه وابسته به مفاهیم آموزش، بازیابی توان جسمی و روحی، و سرگرم‌سازی بود که رفته رفته به شکل‌های سبک فراغتی مدرن تبدیل یافت. البته این استحاله به یکبار، صورت نگرفت. بحران‌های اقتصادی و افت سطح زندگی در غرب برای ساماندهی به این اوقات نیز در همین حوزه، جامعه‌شناسی زمان، اشاره کرد. زایش و بالیدن فرهنگ توده‌ای از جمله فیلم،

رادیو، موسیقی، تلویزیون و حتی سفرهای برنامه‌ریزی شده به همین سبب اهمیت یافته‌اند. حال می‌توان بازگشت به مفهوم فراغت در عهد باستان را از زاویه‌ای دیگر در دوره مدرن دید. در این رویکرد، زمان فراغت وقتی برای تحقق فردی، تجربیات فرهنگی و خودآموزی است. خلاصه جنبه‌های پیش گفته عبارت‌اند از:

1- از حیث سابقه تاریخی می‌توان بر آمدن فراغت مدرن را به انقلاب صنعتی پیوند داد، از زمانی که فراغت در برابر کار شخصیتی مستقل یافت.

2- برآمدن زمانی برای خود در برابر زمان اجتماعی که در آن اجبار به چشم می‌خورد به تحقق فراغت کمک کرده است.

3- فرایندهای فرهنگی و روان‌شناختی خاصی برای بر ساختن اوقات فراغت به منزله فعالیت‌هایی در وقت آزاد شکل گرفته‌اند.

از آنجایی که، انسانها واقعیت‌ها را به صورت اجتماعی می‌سازند (برگر و لوکمان، 1986) و در تعامل با دیگری (مید، 1963) آنها را می‌پذیرند، ارتباط با محیط‌های مختلف، تعاملی را بدنبال داشته که فرد واقعیت‌هایی، همچون سبک زندگی و یا اوقات فراغت را پذیرفته و درونی می‌کند. در نتیجه، فرد از فضایی فرهنگی (بورديو، 1989) که خود انتخاب کرده و در آن زمانی را می‌گذراند و یا زندگی می‌کند، به مرور زمان تاثیر می‌گیرد. این تاثیرات در وضعیت روانی او، در فعالیت‌های روزمره‌گی‌اش و در شکل هویت فرهنگی‌اش نمایان خواهد شد. تفاوت اوقات فراغت افراد در فعالیت‌های روزمره (برگر و لوکمان، 1986) مانند: تماشای ماهواره، تماشای برنامه‌های تلویزیون، مطالعه، استفاده از اینترنت، ورزش، فعالیت هنری، موسیقی و حتی فعالیت مذهبی قابل مشاهده می‌باشند. در این بین، نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که فعالیت‌های اوقات فراغت جوانان جامعه ضمن متفاوت بودن با فعالیت‌های فراغتی والدینشان، بیشتر غربی شده است (منادی، 1386).

به اعتباری دیگر، می‌توان مباحث نظری مطرح در حوزه فراغت را به صورتی دیگر طبقه‌بندی کرد:

الف) کارکردگرایان: این صاحب‌نظران در مورد اوقات فراغت نیز همانند مباحث دیگر خود کوشیده‌اند تا با تحلیل و مشخص نمودن کارکرد هر یک از موارد مربوط به گذران اوقات فراغت، تاثیرات آنها بر بخش‌ها و امور مختلف اجتماعی را بنمایانند. آنها به ویژه پس از جنگ جهانی دوم که کارکردگرایی به چارچوب مسلط جامعه‌شناسی بدل شد و توجه بسیاری را برانگیخت، کوشیدند تا با استفاده از نظرات جامعه‌شناسان بزرگ اجزاء و عناصر مورد نیاز خود را برای تحلیل موارد گذران اوقات فراغت به دست آورند. البته کارکردگرایان انگیزه دیگری نیز برای این کار داشتند و آن اینکه، آنها اساساً تلاش می‌کنند تا از طریق مشخص ساختن اجزاء نظام اجتماعی به تصویری کل‌گرا از جامعه دست یابند و بنابراین پرداختن به هر مولفه فرهنگی، جزء ضروری شیوه کار آنها به شمار می‌رود (مجدالدین، 1377: 75).

«صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی» در مورد اوقات فراغت همچون سایر مباحث سعی کرده‌اند که با تحلیل تعیین کارکرد هر یک از موارد مربوط به اوقات فراغت، تاثیرات آنها را بر بخش‌ها و امور مختلف اجتماعی نشان دهند. از دیدگاه این مکتب مواردی که دلالت بر اوقات فراغت می‌کند را باید جزئی از فرایند جامعه‌پذیری افراد به حساب آورد چرا که یادگیری ارزش‌ها و هنجارها در نهایت به حفظ کلیت نظام اجتماعی یک جامعه مدد می‌رساند. از دیدگاه صاحب‌نظران این مکتب، امور فراغتی امروزه کارکردی مشابه نهادهای خانواده، آموزش و پرورش و دین را دارد که به تداوم و انتقال هنجارها و ارزش‌های اجتماعی یک جامعه یاری می‌رساند که در واقع هم مبین وفاق در یک جامعه است و هم تقویت‌کننده آن. این امور می‌تواند به حفظ الگوهایی که توسط نظام فرهنگی جامعه طراحی می‌شود یاری رساند و از این طریق به کاستن تنش‌ها و تقویت حس تعلق اجتماعی در نزد شهروندان منجر شود (اشرف‌الکتابی، 1379: 26).

برای نمونه ورزش را که از مصادیق بازر گذران اوقات فراغت است از این دیدگاه مورد بررسی قرار می‌دهیم. نخستین نکته را باید در تاثیر ورزش و اوقات فراغت بر اجتماع‌پذیری و یادگیری ارزش‌ها و هنجارهایی دانست که از نظر فرهنگی به حفظ کلیت نظام اجتماعی کمک می‌کند. به نظر کارکردگرایان،

ورزش نهادی اجتماعی است که ارزش‌ها و هنجارها را به شرکت‌کنندگان منتقل می‌کند و بدین‌گونه به هماهنگ ساختن جامعه کمک می‌کند از این جهت ورزش کارکردی مشابه خانواده، آموزش و دین دارد. کارکردگرایان همچنین معتقد بودند که مناسک ورزشی و شرکت در بازی‌ها، افراد جامعه را وامی‌دارد که از آن به عنوان الگویی در تولیدات صنعتی استفاده کنند. اما کارکردگرایان موخر برآنند که مناسک ورزشی، بازیکنان و نیز تماشاگران، اعم از پیر و جوان را تشویق می‌کنند تا این مناسک را بپذیرند. از سوی دیگر، برخی ورزش را به مثابه فعالیتی فراغتی تلقی نمی‌کنند بلکه آن را نوعی فرایند درک در نظر می‌گیرند که انواع متفاوتی از سرمایه‌ها را به هم پیوند می‌دهد. بدن به مثابه منبع توانایی برای دریافت هویتی ورزشی و برگزشتن از مرز سن و سال از آن جمله است. سرمایه ارتباط با گروه ورزشکاران نوعی سرمایه اجتماعی و دریافت مدال نوعی سرمایه نمادین است (توله، 2007).

بتا به مطالعات صورت گرفته در حوزه ورزش و فراغت ملاحظه می‌شود که تولید سرمایه اجتماعی و پویایی در قالب چارچوب‌های نظری چندگانه و متنوعی به هم مربوط‌اند که در اصل رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و فردیت در یک جامعه آن را تبیین می‌کند (بارنت، 2006).

ب) مکتب فرانکفورت: این مکتب سعی کرده است آراء وبر و مارکس را با یکدیگر تلفیق کرده به کار نقادی فرهنگی بپردازد. از نظر اعضای این گروه، و به ویژه تئودور آدرنو که شاخص‌ترین فیلسوف و جامعه‌شناس فرهنگ در این مکتب است، در عصر جدید فرهنگ مبدل به صنعت فرهنگ‌سازی شده است. مفهوم این گفته آن است که جریان عقلانی شدن و صنعتی شدن مورد نظر وبر، به حیطة فرهنگ، کاملاً نفوذ کرده است. آدرنو بر آن است که حاصل این نوع صنعت فرهنگ‌سازی به وجود آمدن آدم‌های متفنی است که هر نوع ارتباط با فرهنگ را به عنوان عامل فرهیخته ساختن معنوی انسان از دست داده‌اند. ... آدرنو می‌گوید گذران اوقات فراغت در قدیم با جریان فرهیخته شدن فرد رابطه داشته است. فرد در جریان این فعالیت به نوعی استقلال و بلوغ می‌رسید. اما در حال حاضر، وسایل ارتباط جمعی، امکان رسیدن به هر نوع بلوغ را از میان برده‌اند و او را به مصرف‌کننده صرف محصولات فرهنگی بدل کرده‌اند. حضور تلویزیون

در خانه به معنای آنست که متخصصان وسائل ارتباط جمعی و فیلمسازان و هنرپیشگان به او دیکته می‌کنند که اساساً چه چیز را واقعی بدانند و چه چیز را غیرواقعی. در مجموع از نظر آدرنو کارکردهای پنهانی وجود دارد که از دید او برای فریب انسان مدرن به کار می‌رود و بر چهرهٔ یک جامعه اساساً خراب، نقاب زیبایی می‌افکند. ... بنابراین در دیدگاه بدبینانهٔ آدرنو و مکتب فرانکفورت، اساساً مفهوم اوقات فراغت یک مفهوم بورژوائی و ضدفرهنگ است. از نظر آدرنو، جامعه بورژوائی، هر چند با جعل مفهوم اوقات فراغت این تصور را پدید می‌آورد که گویا در لحظه‌ای افراد را به خود وامی‌گذارد، اما در واقع نظام‌های عظیم و با قدرت ستاره‌سازی ورزشی و هنری، حتی در آن لحظات نیز به تبلیغ ایدئولوژی خود می‌پردازد (مجدالدین، 1377: 85-87).

از نظر هابرماس، از نسل دوم مکتب فرانکفورت، نه تنها کار با عقلانیت سرمایه‌داری آمیخته شده است. بلکه می‌توان گفت که سیطره عقلانیت بر کنش ارتباطی باعث شده است که افراد در فراغت خود نیز در پی حصول منفعت بیشتر بر آیند و بر این ترتیب گسترش سیطره عقلانیت فعالیت‌های فراغتی از جمله ورزش‌ها را با هنجارهای ناشی از کار آکنده است (هابرماس، 1958). بعدها هابرماس این نظر را به مثاله پروبولماتیک اصلی پیش روی کایتالیسم پیشنهاد و آن نگرش یک جانبه سرمایه‌داری به عقلانیت بود که در آن هرگونه فعالیت خارج از منفعت به منزلهٔ کنشی غیرعقلانی شناسایی می‌شود که بازگرداندن آن به ادعایی اخلاقی به هر روی ناممکن است (مورگان، 2002).

هانا آرنت در زمینه فراغت در جامعه صنعتی و سرمایه‌داری معتقد است که آنچه با آن روبرویم دورنمای جامعه‌ای کارگری است بدون کار، یعنی بدون تنها فعالیتی که برای آنها باقی مانده است ... جامعه‌ای که در آن چنین اتفاقی می‌افتد دیگر از آن فعالیت‌های عالی‌تر و معنی‌دارتر که به خاطر آنها این آزادی ارزش بدست آوردن را دارد خبر ندارد و ظهور فراغت توده‌ای و تحقق یک رویای دور و دراز فراغت از کار چون مسئله‌ای جلوه‌گر شده است. از سوی دیگر، گالبرایت اعتقاد دارد با رشد تولید، یک رشته جانشین برای افزایش سریع و نامحدود تولید کالاهای مصرفی پیدا می‌شود. یکی گسترش وقت فراغت همه با گسترش

ساعات کار یا با کاهش تعداد افرادی که کار می‌کنند ... راه دیگر به کار گرفتن مناسبی برای آسانتر کردن و دلپذیرتر کردن کار خود است.

باتامور در نقد این نظرات می‌گوید به نظر می‌آید که آرنت، گالبرایت و ریسمن از دو مسئله مهم غافل‌اند: اول قدرت سیاسی و مسئله دوم مسئله برابری است. من هر چه بیشتر در مورد جامعه‌ای که در آن فراغت توده‌ای هست فکر می‌کند. بیشتر متقاعد می‌شدم که این جامعه متضمن درجه بزرگی از برابری اقتصادی است. بسیار بیش از هر جامعه دیگری امروز به آن نزدیک شده است چون اگر فراغت عنصر عمده زندگی اجتماعی آینده باشد، در این صورت باید وسایل استفاده و لذت بردن از آن بر پایه‌ای مساوی‌تر برای همگان فراهم شود. این فقدان منابع برای استفاده کامل از فراغت در میان اکثر مردم تاکنون مشکلات اجتماعی مبنای مهمی را برای ما ایجاد کرده است ... به نظر من فراوانی و فراغت به دگرگونی‌هایی در نهادهای اقتصادی و سیاسی به همان عمق که در سازمان فراغت است نیازمندند. استنلی پارکر نیز برای بررسی فراغت به سه امر معتقد است:

1- 24 ساعت را در نظر بگیریم و زمان غیرفراغت را استخراج کنیم که شامل همه موارد کار و خواب و خوردن و نیازها و اینهاست. اما آیا نمی‌توان خوردن را فراغت به حساب آورد یا سفر برای کار یا بقیه را. فراغت با کار در هم تنیده است.

2- فراغت کیفیت کار است و نه زمان. این نگرش معنوی و فکری و روحی است. از جمله اوقات فراغت آزادی از قوانین و هنجارهای جامعه تلقی می‌شود.

3- ترکیب دو مورد قبل یعنی فراغت زمانی است که هر فرد از کار یا سایر وظایف آزاد است و ممکن است برای منظوره‌های مختلف مثل استراحت سرگرمی و دستاوردهای اجتماعی استفاده کند یا عبارتست از تعدادی از اشتغالات که در طی آنها شخص از وقت خود اعم از استراحت، سرگرمی و افزایش اطلاعات استفاده می‌کند.

ژوفر دومازیه می‌گوید اکنون فراغت مبنای یک اخلاق جدید مبتنی بر نیک‌بخشی است کسی که از اوقات بیکاری خود استفاده نمی‌کند و یا نمی‌توان بهره‌مند شود دیگر کاملاً انسان نیست. این فعالیت‌ها نه همچون کار جنبه ضروری داشته و نه مانند وظایف خانوادگی اجباری است و این گونه فعالیت‌ها از فعالیت تولیدی و اجتماعی متمایزند. اگر فراغت را به مفهوم اقتصادی بگیریم فراغت آن زمانی است که انسان دیگر به وسیله کارش در تولید جمعی مشارکت ندارد. فراغت قبل از هر چیز زمان آزاد شده از کار تولیدی است در پرتو پیشرفت تکنیک و عمل اجتماعی به سود یک فعالیت غیرتولیدی. برخی از فعالیت‌ها حاکی از وظایف شخصی و خانوادگی یا اجتماعی است. گاهی این وقت آزاد شده به وسیله نوع تازه‌ای از کار پر می‌شود. از جانب دیگر کارهای نیمه فراغتی داریم که عبارت‌اند از برخی فعالیت‌های ورزشی و هنری وظایف خانگی و خانوادگی مثل باغبانی و رسیدگی به خانه و یا وظایف اجتماعی و نیمه تفریحی - نیمه آیینی مثل شرکت در جشن‌های ملی و مذهبی.

ج) رویکرد عصر صنعتی: در عصر صنعتی برخی، رابطه کار و فراغت را رابطه‌ای متجانس نمی‌دیدند و فراغت را مشکل بالقوه جامعه صنعتی می‌دانستند و معتقد بودند اگر کارگر صنعتی به صرف اوقات فراغت به همان شیوه جامعه و فرهنگ ما قبل صنعتی عادت کند، نظم نیروی کار و تولید در خطر قرار خواهد گرفت. به همین دلیل فرهنگ اوقات فراغت و تفریح سنتی مورد حمله قرار می‌گرفت تا به حاشیه رود. در این رویکرد آن چه که تعیین کننده رفتارهای فراغت پنداشته می‌شود عبارت است از کار و شغل. به تدریج که شواهدی برای تردید در کارآمدی متغیرهای سن، جنسیت و طبقه اجتماعی برای تبیین الگوهای رفتار فراغت به دست آمد، رویکردهای جدیدتری در مطالعات رفتارهای فراغتی شکل گرفت. مطالعات فراغت در این رویکردها محصول ظهور جامعه‌ای دانسته می‌شود که در آن گذران اوقات فراغت عامل موثری در شکل دادن به زندگی روزمره و هویت افراد است. فراغت و هویت درهم آمیخته می‌شوند به واسطه درهم آمیختن منش و تأمل پذیری فردی که مطالعه می‌کند برای بچه‌داری منش را تغییر می‌دهد و خود تأمل‌پذیرتر به

ریسک نگاه می‌کند به این ترتیب سبک زندگی انتخاب وبر ساخته می‌شود در خلال نوعی زمینه‌پروژه تأمل‌پذیری که از منابع اقتصادی - اجتماعی به صورت عمده بهره می‌برد (آدامز، 2006). صرف اوقات فراغت در این نگرش، از آن رو مهم است که براساس آن می‌توان موقعیت اجتماعی هر کس را مشخص کرد؛ به این معنا که توانایی درگیر شدن در فعالیتی که وقت آزاد فرد به حساب می‌آید موقعیت او را در اجتماع نشان می‌دهد. بنابراین در اوقات فراغت است که می‌توان به دنبال هویت‌های جدید بود و همچنین استقلال فرهنگ بومی در همین چارچوب‌هاست که می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد (آزادارمکی، 1384: 93).

د) رویکرد سبک زندگی: «رویکرد سبک زندگی» مقوله دیگری است که در مطالعات فراغت از آن استفاده می‌شود. با بروز تردید در کارآمدی متغیرهایی مانند سن، جنسیت و طبقه اجتماعی، این ایده خلق شد که مردم دارای الگوهای قابل مشاهده‌ای در زندگی روزمره خود هستند که یکی از عرصه‌های آن رفتار فراغت است. این الگوها براساس انتخاب‌های فردی شکل می‌گیرد و با شناخت آنها، می‌توان با دانستن میزان و نوع مشارکت افراد در یک یا چند فعالیت فراغت، مشارکت آنها در بقیه فعالیت‌ها را پیش‌بینی کرد. چنین الگوهایی همان سبک‌های مختلف زندگی را شکل می‌دهند. این برداشت از مفهوم سبک زندگی در مطالعات فراغت به نوعی چالش سیاسی میان مدعیان اهمیت طبقات در جوامع سرمایه‌داری و طرفداران پلورالیسم تبدیل شده است. نوما رکسیست‌ها در مطالعات فراغت مدعی هستند که تعلق طبقاتی و سرمایه اقتصادی تعیین کننده الگوهای رفتاری فراغت است. اما پلورالیست‌ها این الگوها را با عنایت به مقوله انتخاب فردی و متکثر شدن انتخاب‌های در دسترس افراد تبیین می‌کنند. به این ترتیب موضوع اوقات فراغت با جدال‌های «عاملیت و ساختار» نیز رابطه می‌یابد. آیا شیوه گذران اوقات فراغت چیزی است که ما با اختیار انتخاب می‌کنیم یا متأثر از پارامترهای محیطی و اجتماعی تعیین می‌شود؟ (همان: 94). بنا به مطالعات صورت گرفته در حوزه ورزش و فراغت ملاحظه می‌شود که تولید سرمایه اجتماعی و پویایی در

قالب چارچوب‌های نظری چندگانه و متنوعی به هم مربوط‌اند که در اصل رابطه بین سرمایه اجتماعی و فردیت را از طریق سبک زندگی در جامعه تبیین می‌کند (بارنت، 2006).

سبک زندگی شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن، راه رفتن و . . . و در واقع صورت عینیت‌یافته ترجیحات افراد است. سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف عاملان اجتماعی‌ای‌اند که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی هستند این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی است. از سوی دیگر، چنانچه بوردیو در کتاب *تمايز بر حسب منطق دیالکتیکی* نشان می‌دهد، مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز هست (باکاک، 1381: 96). ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت سبک‌های زندگی متفاوت را ایجاد می‌کنند. «بنابراین سبک زندگی محصول نظام‌مند منش است که از خلال رابطه دوجانبه خود با رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامعه‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد (مثلاً به عنوان، قابل احترام، ننگ‌آور و ...)» (بوردیو، 1984: 172). چنانچه بوردیو در عبارت فوق نیز اشاره می‌کند مصرف به عنوان نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است که کارکردهایی چون تمایزگذاری اجتماعی دارد که البته به نظر بوردیو، معنایش از همین تفاوت و تمایز ناشی می‌شود و چیزی جز آن نیست. از این رو، در بحث بوردیو، مصرف به عنوان پاسخ به نیازهای زیستی مطرح نمی‌گردد، بلکه مصرف به عنوان استفاده از نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است (بوردیو، 1984: 66). که البته این نشانه‌ها و نمادها از خلال فرایند مصرف تولید می‌شود. از این رو، مصرف در اندیشه بوردیو برخلاف مارکسیسم کلاسیک صرفاً متغیر وابسته نیست.

نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در رویکرد به مد شناسایی کرد و نسبت آن با فراغت را بررسی نمود. اصولاً پرداختن به مد نوعی فعالیت فراغتی محسوب می‌شود، این امر از دو سو قابل بررسی است. اول از حیث برخوردهای نظریه‌های فمینیستی با امر مد که خود ریشه در ترجیحات و رویکردهای سبک زندگی

دارد و از سوی دیگر به واسطه فراغت و لذت در مدیریت بدن (پریچارد و مورگان، 2005 : 286) با این همه باید ملاحظه کرد که در بسیاری از جوامع پسا صنعتی و نظریه‌های مربوط به این جوامع مد به منزله پدیده اجتماعی جدی و مهمی در نظر گرفته شده است (گرانو، 1997).

سبک زندگی متأثر از ذائقه و ذائقه پیامد منش و منش نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است. چنانچه می‌توان دید، جایگاه فرد در ساختار اجتماعی مشخص‌کننده میزان بهره‌مندی او از انواع سرمایه است و منش وی را شکل می‌دهد. منش نیز مولد دو نوع نظام است، یکی نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی، یعنی همان ذائقه، و دیگری نظامی از رویه‌های ایجادکننده اعمال قابل طبقه‌بندی که تعامل این دو نظام سبک زندگی را ایجاد می‌کند. اما این یک طرف رابطه است، زیرا همانطور که در نمودار آمده است، سبک زندگی و فرایندهای مصرفی به عنوان تجلی آن هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی شده‌اند و هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی کننده. از این رو، فرایندهای مصرفی به منزله متغیری مستقل در ایجاد سلسله مراتب اجتماعی مطرح می‌شوند. نکته مهم‌تر آنکه رابطه منش و ساختار اجتماعی یک سویه نیست، بلکه بوردیو از رابطه دیالکتیکی شرایط و منش سخن می‌گوید که سبب تغییر در توزیع سرمایه و توازن رابطه قدرت در جامعه می‌گردد و سیستمی از تفاوت‌های ادراک شده و دارایی‌های متمایز ایجاد می‌کند که در واقع همان توزیع سرمایه نمادین و سرمایه مشروعی است که حقیقت عینی را تحریف می‌کند (بوردیو، 1984: 172) چنانچه پیشتر گفته شد، سرمایه نمادین محصول شناخته شدن و به رسمیت شناخته شدن توسط دیگران است و لذا، نیازمند آن است که مقوله‌های فهم و ادراک دیگران این اعمال و رویه‌های مصرفی را برتر شناسایی کنند. مقولات فهم و ادراک بدان علت اعمال و رویه‌های مصرفی فرادستان را برتر ارزیابی می‌کنند که خود محصول ذهنی‌شدن ساختارهای عینی نابرابرند. از این رو، ساختارهای ذهنی در تطابق با ساختارهای عینی اجتماعی قرار می‌گیرند (بوردیو، 1984: 471). لذا شرایط نابرابر اجتماعی و نظام سلطه اجتماعی به نظر آنها امری طبیعی می‌آید و سبب شود تا نظام روابط عینی سلطه در جامعه از چشم و فهم آنها پنهان بماند.

به صورتی خلاصه می‌توان گفت سبک زندگی شامل اوقات فراغت می‌شود. این امر از تعادلی که بین منش و سبک زندگی در شکل‌گیری موضع فرد در مقام عضوی از طبقه اجتماعی‌اش پیدا می‌شود حاصل می‌آید. منش مجموعه عاداتی است درباره روش‌های حل مسئله، آنچه فرد انجام می‌دهد، شغل، احساسش درباره اشیا، چیزهایی که می‌خرد، شیوه‌های خوردن و نوع غذایی که می‌خورد، تمایلاتش در فراغت و امثال اینها (هینده و دیکسون، 2007). این همان بخشی است که تئوری بوردیو را به تعاریف فرهنگی پیوند می‌دهد.

ی) رویکرد جامعه فراغتی: «جامعه فراغتی» رویکرد دیگری در مطالعات اوقات فراغت است. گفته می‌شود که جوامع سنتی در حال تبدیل شدن به جوامع فراغتی هستند. مردم نسبت به گذشته هم پول و هم وقت بیشتری دارند. این نظر مورد موافقت گیدنز نیست چون در ساخت اقتصاد مبتنی بر دانش، مدیران، کمتر وقت دارند لذا تاحدی زمان و مکان را برای انجام اوقات فراغت دستکاری می‌کنند. مردم به این منظور تلویزیون نگاه می‌کنند یا به سفر می‌روند یا برخی در خانه اوقات را سر می‌کنند. به همین لحاظ مساله اوقات فراغت با روندهای اجتماعی مرتبط است. از سوی دیگر بخش زیادی از اوقات فراغت در خانه صرف می‌شود که همین به گرایش به نام «خصوصی‌سازی خانواده» تبدیل شده است؛ یعنی عقب‌نشینی به طرف خانه و خانواده. بخش زیادی از اوقات فراغت به «کالایی شدن» زندگی تبدیل شده است که به رشد جامعه مصرفی دامن زده است. همچنین باید گفت که صرف اوقات فراغت بین جمعیت به طور ناموزون توزیع شده است. برای مثال طبقات متخصص و حرفه‌ای بیشتر اوقات فراغت را بیرون خانه دنبال می‌کنند اما کارگران ساده و بدون تخصص ممکن است بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه بگذارند.

فراغت و فرهنگ

رهیافت دیگر برای درک مقوله فراغت، گذر از مفهوم فرهنگ است. در این مورد، می‌توان دو جهت‌گیری را تشخیص داد. در اولین جهت‌گیری مفهوم فرهنگ توده‌ای مطرح می‌شود که به واسطه آن فراغت مدرن مورد نقد با مفاهیم نخبه‌گرایانه قرار می‌گیرد (دوگارسیا، 1962). و در دومین جهت‌گیری مفهوم فراغت به واسطه مقولات تغییر فرهنگی و جابه‌جایی ارزش‌ها درک می‌شود که بنا به آن، برآمدن فراغت یکی از حوزه‌های اصلی مطالعه تغییر فرهنگ در جوامع معاصر است. به همین اعتبار است که مفاهیم خرده فرهنگ‌ها اهمیتی خاصی یافته‌اند، از آن جمله‌اند جوامع فرهنگی، گروه‌های اجتماعی خاص، فرهنگ طبقات پست یا فرهنگ بورژوازی، گروه‌های اخلاقی، فرهنگ جوانان، فرهنگ طبقه کارگر و از این دست. توجه به خرده‌فرهنگ‌ها با توجه به بررسی‌های آسیب‌شناختی از جمله در مصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها و شرکت در گروه‌های زیرزمینی اهمیت یافته است (پارکر و می‌شام، 1995). همین امر است که رابطه‌ای بین فراغت و مفهوم لذت برقرار می‌سازد.

فراغت و سازمان‌های اجتماعی

راه دیگری که برای بررسی فراغت وجود دارد، گذشته از رهیافت‌های بسیار مهمی که به مطالعه فراغت «به ما هو» فراغت می‌پردازند یا درباره معانی، ارزش‌ها و کارکردهای آن پژوهش می‌کنند، بررسی ارتباط آن با دیگر سازمان‌های اجتماعی است. مهمترین سازمان‌ها عبارت‌اند از:

1- کار: سنت جامعه‌شناسی فرانسوی فراغت عمیقاً ریشه در پرسش از مناسبات آن با کار دارد. اکنون دیگر لازم به نظر می‌رسد که برای تحقیق درباره فراغت لازم است که به تحلیل کار و مناسبات درونی آن با فراغت و نسبت استقلال هر یک از ایشان پرداخت (پارکر، 1983) در این حوزه می‌توان به جنبه‌های زیر دقت کرد.

الف) پیدایی زمان آزاد از خلال کار، پدیده‌ای که منجر به اهمیت یافتن جامعه‌شناسی زمان شد.

ب) جایگاهی که کار، اگر نه در مرکز، که در جایی پر اهمیت از زندگی فردی اشغال می‌کند. این امر با تطابق ارزش‌های اجتماعی با ارزش‌های خاص کار حاصل می‌شود.

ج) ارتباط متضادهای دوگانه و خاصیت خنثی‌کنندگی کار و فراغت

د) تاثیر روزافزون فراغت بر کار

2- خانواده: ادبیات مبتنی بر ارتباط بین خانواده و فراغت در دهه 1970 به ویژه در انگلستان توسعه یافت (راپا پارت، 1975). سوال اساسی در این حوزه آن بود که کارکردهای متفاوت فراغت در خانواده چگونه بخش‌های متفاوتی از چرخه عمر را متمایز می‌سازد.

3- دین: بررسی رابطه میان دین و فراغت ریشه در سنت مطالعاتی امریکایی دارد. معمولاً جوامع دینی بوده‌اند که سازمان‌هایی محلی را برای بازآفرینی و بازتوانی و خلاقیت فراهم می‌آوردند. این گونه جوامع همچنین ارزش‌های دینی را با کردارهای فراغتی درهم می‌آمیختند (پایپر، 1964). در انگلستان اولین کلوپ کارگری را اعضای کلیسای انگلیکن پایه‌گذاری کردند. جشن‌های مذهبی از جمله موارد دیگری است که به همراه تعطیلات هفتگی، از جمله شنبه یا جمعه یا یکشنبه، نقش مذهب را در فراغت نشان می‌دهد.

4- ورزش: همچنان که می‌توان ریشه‌های دین را در فراغت پی‌جویی کرد و تاثیر اخلاق دینی را در صرف اوقات فراغت نشان داد، می‌توان نشان داد که ورزش به مثابه ابژه فراغت قابل بررسی است. با این همه امروزه رفته رفته عبارت ورزش به مثابه فراغت کم معناتر می‌شود، زیرا از هر نظر ورزش برای اغراض دیگری از جمله سلامتی، خوش فرم ماندن بدن، و امثال آن روز به روز بیشتر به کار می‌آید تا برای گذران وقت.

5- تحصیلات: تحقیقات روزافزونی پیرامون ارتباط بین فراغت و برخی از جنبه‌های پرورشی و آموزشی و کارکردهای اطلاع‌رسانی با نظام تدریس و آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. بسیاری از این تحقیقات نشان می‌دهند که تحصیلات فراغتی به معنای استفاده از فراغت برای آموزش‌های شخصی در حوزه‌های مختلف رو به رشد است (ساموئل، 1978).

6- چنانکه پیش از این نیز گفته شد، هر چه بیشتر و بیشتر تحلیل‌ها به سمت تاثیرپذیری فراغت از جنبه‌های اقتصادی حیات فرد روی آورده‌اند. اهمیت صرف فراغت مصرفی و طبیعت تجاری مصرف، فرهنگ اقتصادی و امثالهم از این مواردند.

چشم‌انداز پیش‌رو

مدلی که در زیر عرضه می‌شود، برآمده از تحقیقات دانیل بل و دیگر پژوهشگران تغییرات فرهنگی، تغییرات تکنیکی در تغییر و تطور جوامع را از حیث تأثیرگذاری بر انواع مطالعات فراغتی نشان می‌دهد. این حوزه در جوامع پسا صنعتی، که از آن با پسا فوردیسم (سعیدی، 1383) نیز یاد می‌شود، با کاهش کار، نوع جدیدی از تمدن و انقلابات فرهنگی شناخته می‌شود. همه شواهد نشان دهنده آن‌اند که فراغت به صورتی رو به فزون بخش‌های عمده‌تری از حیات اجتماعی را فرا می‌گیرد. نشان خواهیم داد که این امر از نظری مرهون درهم آمیزی اوقات کار و فراغت، تعاریف جدید از فعالیت‌های فراغتی و امثال آن است و در برگرفته استلزامات محیط زیستی و امثال اینهاست (رابرتز، 1981). با این همه شاید هنوز نتوان از جامعه فراغتی سخن گفت، چنانکه از جامعه مصرفی سخن به میان می‌آید و از همین روی خطر تعمیم‌پذیری‌های خام در انطباق این دو وجود دارد. تغییر ارزش‌ها در بسیاری از جوامع واقع شده است. این امر در تحقیقات دامن گسترده اینگلهارت نشان داده شده است (اینگلهارت، 1381). بخشی از این تغییرات به واسطه تغییر معنای کار و تأثیرات آن بر هویت‌یابی افراد در جوامع مدرن استوار است.

در ادامه، برخی از مقولات را که ضمن مشاهدات جوامع فراغتی - مصرفی (در غرب) به منزله مقولات موضوعی و ساختاری در جامعه‌شناسی فراغت مطرح شده‌اند فهرست می‌کنیم تا با دیدگاهی جامعه‌شناختی بحث درباره این پدیده اجتماعی ادامه یابد. ابتدا باید یادآوری کرد که در این حوزه تعاریف از مفاهیم به صورتی روزافزون با دیده تقلیل‌گرایانه نگریسته می‌شود و به شدت تحت تاثیر عوارض روان‌شناختی و اخلاقی نگریسته می‌شود. گاه شده است که تحقیقات تنها متمرکز بر جنبه‌هایی از ابعاد تشکیل دهنده

مفهوم فراغت بوده است. به همین سبب یکی از راه‌هایی که می‌توان به بررسی جامعه‌شناختی فراغت سامان داد نگرستن به آن به منزله پدیده‌ای اجتماعی است که پرسش از چیستی آن است. به این منظور می‌توان سطوح متفاوتی از تحلیل را فراهم آورد که وابسته به ابعاد تحلیلی پدیده مذکور باشند و آنگاه نسبت‌های هر یک از این ابعاد را در تحلیل نهایی لحاظ کرد. به این منظور شاید از چارچوب زیر بتوان بهره برد.

نظام فرهنگی و فراغت: می‌توان نظام فرهنگی را به منزله نظامی نمادین دریافت که براساس الگوهای ساختاری تفکر، احساس و عمل که آموخته و شکل گرفته می‌شوند سامان می‌یابد که در آن، اجتماعی از مردم شرکت کرده از خدمات آن بهره‌مند می‌شوند و در عین حال با شکل دادن نظام‌های خردتر نمادین تشخیص خود را باز می‌یابند. این نظام فرهنگی در اصل ضامن مشروعیت نهادها، گروه‌ها و فعالیت‌هاست. می‌توان در نظام فرهنگی این موارد را تشخیص داد.

1- نمادها، اسطوره‌ها و باورها

2- حوزه ارزش‌های اجتماعی که راه‌های اندیشیدن و عمل کردن مطابق آن چیزی است که برای جامعه اهمیت دارد.

3- هنجارهای اجتماعی که شامل قواعد عمل مرتبط با شرایط واقعی است و نیز شامل آن دسته از قوانین عملی کنش می‌شود که با برخوردهای مثبت و منفی رو به رو می‌گردد.

4- مدل‌های هنجاری کنش که الگوهای عام رفتار و ارتباط است و وابسته به شرایط فردی، منزلت، بافتار، مکان، زمان و امثال آن تغییر می‌کند. الگوهای کنش به نظام‌هایی از رفتار که انتظار می‌رود در شرایط معین پاسخگو باشند راجع است.

نظام فرهنگی در هر جامعه معین وابسته به زیر نظام‌های متعددی است که گروه‌ها، محیط و حوزه‌های فعالیت به شیوه‌های متنوع ارزش و هنجارها را شکل می‌دهند. در این مورد بخصوص می‌توان از خرده فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ طبقه کارگر، فرهنگ‌های منطقه‌ای، مذهبی، جوانی و امثالهم نام برد.

کنش اجتماعی: کنش اجتماعی به منزله مجموعه‌ای از رفتارها و ارتباطات و فعالیت‌هایی شناخته می‌شود که بنا به ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای کنش ساختار و جهت می‌یابد. می‌توان این موارد را در این حوزه تشخیص داد.

1- بنیادهای کنش اجتماعی که به نظام فرهنگی و الگوهای نمادینی که شخص برای کنش خود برمی‌گزیند راجع است.

2- شیوه‌های ساختاریابی

3- قواعد رسمی و غیررسمی

4- مناسک و پیامدهای کم و بیش پیچیده کنش

5- کلیشه‌ها و قوالب کنش

شخصیت اجتماعی: شخصیت اجتماعی مجموعه‌ای از گزینش‌های کنشگران فردی را از نظام فرهنگی

در برمی‌گیرد و نظامی برای رفتار، مشتمل بر دو جزء کلی، تشکیل می‌دهد:

1- قواعدی که بیان‌کننده الگوهای رفتار و هنجارها برای عمل در یک وضع خاص‌اند.

2- موقعیت خاصی که فرد در ساختار اجتماعی اشغال کرده است و به وسیله آن می‌توان تمایز شخص را

مشخصاً تعیین کرد.

برای شناسایی این جنبه لازم است که عامل و محیط اجتماعی‌ساز او (خانواده، گروه‌های دوستان،

مدرسه، رسانه‌های توده‌گیر و امثالهم) شناسایی شوند و به همان دقت نیز اشکال تغییرات در ارزش‌ها، ساز و

کارهای آموزشی، کنترل‌های اجتماعی، تحریم‌ها و امثالهم دریافته شوند.

عوامل اجتماعی: منظور عوامل فردی یا جمعی است که در نظام‌های اجتماعی یا فرهنگی خاص ذاتاً تعریف شده‌اند و به ویژه به شرایط و فعالیت‌های در جریان شکل می‌دهند. در این حوزه می‌توان این موارد را شناسایی کرد.

1- گروه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی، اولیه و ثانویه

2- گروه‌ها و اجتماعات (همسایگی، قبیله‌گی، قومیتی و ...)

3- طبقات اجتماعی

4- گروه‌های رسمی

5- گروه‌های فشار و گروه‌های مقاومتی

6- جنبش‌های اجتماعی

نظام اجتماعی: نظام اجتماعی به مجموعه‌ای از شرایط و سازمان‌های لازم برای کنش اجتماعی و عوامل اجتماعی راجع است و نقشی اساسی در کارکرد پایدار جامعه بازی می‌کند. این نظام اجتماعی است که عملکردها و سازمان‌های لازم را برای پایداری، تطابق و ارتباطات در جامعه را سامان می‌دهد، حداقلی از ارزش‌ها را در جامعه به اشتراک می‌گذارد و خرده سیستم‌های داخلی جامعه را به هم مرتبط می‌سازد. در این نظام می‌توان این موارد را شناسایی کرد.

1- عناصر ساختاری، کانال‌هایی که از خلال آنها فرهنگ به زندگی واقعی منتقل می‌شود.

2- عناصر کارکردی که مشکلات پیش آمده را حل و فصل می‌کنند.

با بیان دیدگاه می‌توان عناصری را در زیر مجموعه‌های نظام اجتماعی تشخیص داد که به تولید مدلی برای بررسی اوقات فراغت کمک می‌کند:

1- زمان اجتماعی و مفهوم معنا به تفسیری از نمادها و نشانه‌ها در جامعه‌ای همگن راجع است. به

عبارت دیگر پرسش از معنای اجتماعی حول این موضوع می‌گردد که چگونه پیام‌های دیگران به آسانی نزد

فرد رمزگشایی می‌شوند. به این اعتبار، مطالعه درباره معانی اجتماعی و فرهنگی فراغت به چندین پرسش

برمی خورد. اول آن که محتوای نمادین فراغت چیست و چگونه شخص آن را تشخیص می دهد، دوم آن که چگونه فرد بین کردارهای روزمره و معانی آموخته از نمادهایش تعادل برقرار می کند که خود این پرسش را مطرح می سازد که نشانه ها و نمادهای فراغتی چگونه تولید شده، آموخته می شوند و چگونه عاملان اجتماعی طی جامعه پذیری آنها را در می یابند و در نهایت آن که رابطه میان معنای مسلط و جهانی فراغت با فرهنگ ها و نظام های فرهنگی محلی و بومی چگونه است؟

عقیده عمومی در سطح فهم مشترک آن است که فراغت پدیده ای مهم در حیات اجتماعی است به قسمتی که در نزد غالب مردم استلزامی وجود دارد که بخش از زمان خود را آزاد بگذارند تا در آن به فعالیت های فراغتی خود بپردازند. به همین سبب است که تمایل عاملان در اجتماع به اختصاص وقت آزاد بر فعالیت های دیگر آنها در زمان های دیگر اجتماعی تاثیر می گذارد.

اهمیت فراغت نزد افراد را می توان به سادگی از طریق مصاحبه سنجید و همین امر مشروعیت اجتماعی فراغت را آشکار خواهد ساخت. به این ترتیب می توان رویکردی را که در نظام فرهنگی به فراغت ارزش می بخشد شناسایی کرد. چنان چه در متون و نظریه های کلاسیک جامعه شناسی آمده است، ارزش میزان توانایی چیزی در ارضای میل یا نیاز و تمناست. به این اعتبار ارزش اصولاً ریشه ای اندیشگی دارد (بیرو، 1366). اما این میل هدف بلافاصله و دست یافتن به آن به سرعت نیست. از سوی دیگر به احتمال هدف های ارزش ها دست یابی به نوعی آرمان است که در جوامع بسیار بنیادی اند. ارزش ها نقشی حیاتی در جوامع بازی می کنند و عاملان را برای تفسیر و قضاوت درباره واقعیت اجتماعی مسلح می سازند و به همین سبب الگوهایی برای رفتار و نیز جهت گیری هایی هنجاری در اختیار عاملان می گذارند. می وان به همین دلایل ارزش ها را هسته همبستگی اجتماعی در جوامع دانست. حال سوال آن است که آیا فراغت اصولاً مفهومی ارزشی است و اگر بلی، این ارزش قابلیت تعلق به فضایی جهانی دارد یا در سطح منطقه ای و محدود عمل می کند. چنان که گفته شد، علاوه بر لزوم و اهمیت فراغت نزد اعتقاد عامه مردم، که به نوعی نشان دهنده مطلوبیت و ارزشی بودن کنار گذاشتن وقت آزاد برای فعالیت فراغتی است، در تحقیقات متعدد

همبستگی بین فراغت و دیگر جنبه‌های حیات اجتماعی از جمله اخلاق، دین، سیاست، خانواده، کار، ارزش‌های شخصی (از جمله شادمانی و احساسات دیگر) سنجیده شده است (اشفورد و تیمس، 1992). بنابراین تحقیقات فراغت در جوامع مورد بررسی (در اروپای غربی) جنبه ثانویه داشته و پس از خانواده، کار و تحصیلات قرار گرفته است. همین تحقیقات نشان می‌دهند که فراغت و فعالیت‌های فراغتی ارزشی جهانی نداشته و به صورتی منطقه‌ای مشروعیت این ارزش فراز و فرود پذیرفته است و به هر حال نباید از یاد برد که به منزله ارزشی جدید قلمداد می‌شود و همین امر باعث شده است که تفاسیری که از فراغت صورت می‌گیرد بسته به نحوه درک واقعیت اجتماعی در جوامع گوناگون متفاوت باشد.

ارزش‌های اجتماعی فراغت

فراغت از این حیث که به منزله فعالیت قلمداد می‌شود که برآورنده امیال فردی است به صورتی مستقیم یا غیرمستقیم ارزش تلقی می‌شود. اما ارزش‌های خاص فراغت کدام‌اند، این ارزش‌ها را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد.

1- ارزش‌هایی که به عملکرد فراغت در زندگی اجتماعی راجع‌اند و در نظام ارزش‌های مشروع قرار می‌گیرند.

2- ارزش‌هایی که با فعالیت‌های خاص پیوند دارند و به کنش اجتماعی مشروعیت می‌بخشند. به عبارتی فراغت دارای ارزشی است زیرا به تعریف و تشریح هویت اجتماعی فرد از طریق فعالیت‌هایی که فرد در زمان آزاد خود صورت می‌دهند کمک می‌کند. از همین روست که مباحث تمایز و گذران زندگی روزمره در پیوند با میدان‌های اجتماعی متفاوت شکل می‌بندند. سوالاتی از این دست که چه کسی، کی، با کی، و چگونه فراغت را می‌گذراند شاید در حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی مطرح نشوند یا به این اهمیت هویت دهندگی به فرد در حوزه فراغت نباشند. به این ترتیب این عناصر را می‌توان در ارزش‌های فراغتی تشخیص

داد:

1- اهمیت زمینه اجتماعی فعالیت‌های فراغتی، فضا و امکانات.

2- ایده لذت‌جویی و سرگرمی

3- فعالیت‌هایی روزانه، متداوم و یکنواخت

4- فعالیت‌هایی برای فراهم آوردن آرامش و استراحت

5- زمینه‌ای برای جامعه‌پذیری و رابطه متقابل اجتماعی به ویژه در جوانان

6- جدایی از دیگران، انزوا، آرامش ناشی از سکوت و تنهایی

7- ابزاری برای بیان احساسات و علائق

8- توانایی‌های فرهنگی و تحصیلاتی در فراسوی فعالیت‌های فراغتی

9- ابزاری برای دستیابی به سلامت، تعادل ذهنی و جسمی

جنبه دیگری که فراغت با حیات اجتماعی پیوند می‌خورد درگیر شدن آن در هنجارهاست. و پیوند هنجارها و ارزش‌های مسلط در جامعه با مسائل فراغتی باعث می‌شود که در صورت‌بندی‌های متفاوتی از فراغت شکل گیرند. بالاتی و فالک (2002) نیز در میان هشت عاملی که برای ساخت چارچوب مطالعاتی درباره دخالت در امور اجتماعی شناسایی کرده‌اند به مدیریت زمان موثرتر و درگیر شدن فرد در فعالیت‌های بازتوان‌یابی از جمله هنر، صنایع دستی، ورزش، و سرگرمی تحت عنوان کلی زمان و فراغت اشاره کرده‌اند.

به صورتی خلاصه می‌توان مباحث پیش‌گفته را جمع‌بندی کرد. در ابتدا باید توجه داشت که فراغت در قالب تفسیری از معانی ضمنی در نمادها و نشانه‌های اجتماعی دریافته می‌شود و در سطح بعدی این تفسیر ذهنی در رفتار از طریق نظام فرهنگی فرد تأثیرگذار است. ارزش‌های اجتماعی ساخت‌گرفته در نظام اجتماعی در این مقطع خود را با مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری همخوان می‌سازند و در نهایت مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای حاصل‌الگویی عام برای رفتار را به مثابه قواعدی اجتماعی وضع می‌کنند که در آن

شیوه‌های مطلوب دستیابی به اهداف اجتماعی شکل می‌گیرند. فراغت نیز از این قاعده مستثنی نیست. به این اعتبار معانی اجتماعی فراغت وابسته به نمادها و نشانه‌های اجتماعی و نظام ساخت‌یابی در جامعه است که به نوعی زبان فراغتی جامعه را می‌سازند. این زبان حامل معانی‌ای است که در فرایندهای شناسایی شد، توسط تعاریف اجتماعی و درک شده توسط عوامل پذیرفته شده‌اند و واقعیت اجتماعی هر روزه را برمی‌سازند. از همین رو فراغت در سلسله مراتبی از فعالیت‌های روزمره قرار می‌گیرد که بسیار وابسته به پذیرش نظام فرهنگی محلی و استقرای نظام ارزش‌های جهانی در منطقه است. از این رو می‌توان از مشارکت فرد در نظام فرهنگی از طریق فراغت نیز سخن گفت. نباید از یاد برد که بسیاری از فعالیت‌های فراغتی که در اصل برای بازتوانی فرد جهت درگیر شدن مجدد در زمان اجتماعی منحصر برای کار و کنش صورت می‌گیرند در زمینه‌ای فرهنگی قرار دارند که به باز تولید این نظام توسط فرد از طریق جامعه‌پذیری‌های ثانویه کمک می‌کنند. فعالیت‌های فراغتی از این حیث برای حیات فرهنگی جامعه اهمیت دارند که بازتولید کننده ارزش‌ها و هنجارهایی‌اند که نظام فرهنگی به آنها مشروعیت داده است. در عین حال رویکرد افراد به فعالیت‌های فراغتی خاص در عین حال نشان دهنده تغییرات فرهنگی در این نظام و نیازهای سیاست‌گذاری در بخش فرهنگی برای جهت‌دهی به این تغییرات است. پس به همان گونه که فراغت با مشروعیت فرهنگی تعریف می‌شود، راهی برای تغییر فرهنگی و نیز ابزاری برای درک وضع موجود فرهنگی نیز هست. ب

چنانکه وبر گفته است، جامعه‌شناسی علمی است برای یافتن تعبیری علمی از ماهیت (آثار کنش اجتماعی که آن را درک تفسیر می‌کند) (وبر، 1384). به همین مناسبت می‌توان کنش اجتماعی را به بررسی ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای کنش تحویل کرد و آنگاه بنیادهای مقبولیت کنش را به واسطه نظام فرهنگی دریافت. همچنین، صورت‌های نمادینی از سازمان‌ها و توسعه کنش به این ترتیب قابل شناسایی است. حال روشن تر می‌شود که چرا مطالعه فراغت می‌باید در زیر مجموعه فرهنگ صورت گیرد. برای بررسی پیمایشی فعالیت‌های فراغتی همواره نمونه‌ای از این فعالیت‌ها در برابر پاسخگویان قرار گرفته است و از ایشان خواسته

شده است که در دوره‌ای معین تعداد و زمان فعالیت را مشخص سازند. تلمنا و همکارانش در تحقیقی (2005) پنج گونه متفاوت گذران اوقات فراغت را بازنماینده انواع متفاوت سبک‌های زندگی دانسته و آن‌ها را صورت‌بندی کرده‌اند. در پژوهشی دیگر، ونگ و دیویس (2006) ساخت فراغت را با عناصری از جمله جای مطالعه - مثلا در کتابخانه، مترو، منزل، پارک و ... - استفاده از نوع بازی‌ها و سرگرمی‌ها - موبایل، گیم‌های دستی، کامپیوتر، بازی‌های با توپ و ... - انفرادی یا جمعی همبسته دانسته‌اند. و در این خصوص مقوله‌بندی‌های متفاوت قابل بررسی‌اند و می‌توان فعالیت‌های فراغتی را در این حوزه‌ها مشخص کرد.

1- فعالیت‌های ورزشی و جسمانی

2- فعالیت‌های بیرون از خانه

3- فعالیت‌های فرهنگی و فرهنگی - اجتماعی

4- شرکت در مراکز فرهنگی

5- شرکت در فعالیت‌های هنری مشتمل بر مشارکت جمعی از جمله سینما و تئاتر

6- فعالیت‌های برخورداری از رسانه‌ها

7- موسیقی

8- فعالیت‌های مذهبی

9- عادات خواندن و حضور در کتابخانه‌ها

در زیر به هر یک از این موارد اشاره خواهیم کرد.

1- به طور کلی نمی‌توان تمایز مشخص بین فعالیت‌های بیرون از خانه و فعالیت‌های جسمانی و ورزشی قایل شد. اما به صورت سنتی کلیه فعالیت‌هایی را که در ورزش‌های رسمی و مورد قبول مجامع ورزشی قرار می‌گیرند در فعالیت‌های جسمانی معطوف به ورزش قرار می‌گیرند. نباید از خاطر برد که پرداختن به

فعالیت‌هایی از این دست در حوزه فعالیت‌های مرتبط با سبک زندگی قرار می‌گیرند که به هر دو صورت پذیرفته شده سبک زندگی اجتماعی و سبک‌های زندگی سلامت و پزشکی قابل بررسی‌اند. از این منظر می‌توان پرداختن به ورزشی به صورت حرفه‌ای و ورزشی‌های گهگاهی را از هم جدا کرد و در عین حال ورزش‌های سلامت محور را که به صورت روزانه انجام می‌شوند در مقوله‌ای دیگر قرار داد. گونه دیگری از فعالیت‌های ورزشی آن‌هایی که برای آرامش بخشی فردی به صورت انفرادی یا در قالب گروه‌های متمرکز - مثل یوگا - مدیتیشن - انجام می‌شوند. از همین روی می‌توان ورزش‌های فردی شده را نیز در قالب گونه‌ای دیگر از فعالیت‌های فراغتی شناسایی کرد.

از سوی دیگر، فراغت و فعالیت‌های فرهنگی در خانه و خانواده منجر به تحرک فرهنگی می‌شود. هنگامی که میزان قدرت تکنولوژیک اسباب فراغت خانگی بالا می‌رود (تلویزیون، سی‌دی، گیم‌ها و ویدئو) تصویرسازی جهانی شکل می‌گیرد و نرخ دیگر موارد کاهش می‌یابد. مثلاً زمانی که در پیمایش برای فعالیت‌های مختلف به دست آمده است به این ترتیب تغییر کرده است: 1- کار با کامپیوتر خانگی حرفه‌ای 2- کار با کامپیوتر خانگی مبتدی 3- کار به واسطه دسترسی به اینترنت 4- کار با آلات موسیقی 5- مطالعه کتاب (امیسون، 2003)

2- فعالیت‌های بیرون از خانه بخش بزرگی از فعالیت‌های فراغتی را در برمی‌گیرند. این حوزه شامل جستجو برای یافتن جای مناسب فراغتی، همراهان مناسب و کردارهای فراغتی بیرون از منزل - از جمله پیک‌نیک، اردوهای گروهی، کوه‌پیمایی، صحرا پیمایی، تورهای مسافرتی کوتاه مدت طبیعت گردی و امثالهم - می‌شود. فعالیت‌های مذکور می‌توانند صبغه‌ای ورزشی برای بازتوانی جسمانی و آرامش روحی، یا صبغه‌ای اجتماعی - فرهنگی داشته باشند. صورت‌بندی این گونه فعالیت‌ها نیز به سبک زندگی استفاده کننده از آن و برخی از زمینه‌های فرهنگی او راجع است. ارتباط با گروه و افراد - به ویژه از جنس مخالف - و آموزش‌های ضمن فراغت - از جمله برخورد با وضعیت‌های خاص در گروه و یا پیشامدهای طبیعی - این

گونه فعالیت‌ها را به پدیده‌ای بدل کرده است که سبک زندگی را با طبیعت پیوند می‌زند و در آن میزان اطلاعات، تحصیلات، توجه به سلامت و ارزش‌های که جمع باوری فرد را نشان می‌دهند دخیل می‌باشند.

3- فعالیت‌های فرهنگی و فرهنگی - اجتماعی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. اول فعالیت‌های خاص فراغتی است که در آن بسیاری از مردم برای گذران وقت آزاد خود به جاذبه‌های فرهنگی - از جمله مباحث علمی - توجه می‌کنند. پرداختن به جنبه‌های علمی آماتوری از جمله نجوم آماتوری، پاکیزه‌سازی محیط زیست، فعالیت‌های معطوف به صنایع دستی و هنرها، باستان‌شناسی، حمایت از آثار باستانی و امثال اینها برخی از کردهای فرهنگی در زمان فراغت افراد تلقی می‌شوند که هم از سبک زندگی و منش آموخته‌فرد برمی‌خیزند و هم برای ایجاد بازخوردی مناسب در سطح اجتماعی صورت می‌گیرند. با کمی تسامح می‌توان کلیه فعالیت‌های آماتوری از جمله آموزش‌های آماتور هنری - مثل نواختن موسیقی، تئاتر، سیما و دیگر هنرها - را در این دسته قرار داد. نکته مهم دیگری که در این حوزه قابل بررسی است عکسبرداری و فیلمبرداری است که به منزله‌ی ثبت خاطره یا بحران مقاصد هنری صورت می‌گیرد و در اصل تولید گونه‌ای هنری است که به این وجود تکنولوژی‌های دیجیتال و در دسترسی بودن دوربین‌های عکاسی به فراوانی صورت می‌گیرد (نک، عکاسی هنر میان مایه از بوردیو، 1386). دسته دوم فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی را شامل می‌شوند که همه فعالیت‌ها و کردارهای فراغتی در حوزه آموزش و اطلاع‌رسانی یا افزایش اطلاعات فردی را در برمی‌گیرند. می‌توان به این دسته از فعالیت‌ها، فعالیت‌های فراغت علمی، نام داد و جستجوی هر چه بیشتر این گونه در بین دانشجویان و دانش‌آموزان ضروری است. از دیگر فعالیت‌های فراغتی در این دسته می‌توان به اجرای هنر در قالب‌های مختلف - و این بخش را باید از آموزش هنری که در دسته قبل جای گرفت جدا کرد - اشاره کرد. بسیاری از کسانی که از کودکی نواختن ساز، کشیدن نقاشی، یا بازی در نمایش و فیلمسازی را می‌آموزند، در دوره بزرگسالی اگر به صورت حرفه‌ای به هنر نپردازند، از این امور برای پر کردن اوقات فراغت خود بهره می‌برند. در این خصوص توجه به سن در پیوند این دسته از کردارهای

فرهنگی - اجتماعی با سبک زندگی فرد امری مهم تلقی می‌شود. همین دو دسته از فعالیت‌ها ماهیت فراغت مدرن را نیز به گونه‌ای دیگر - و متمایز با فراغت در جوامع سنتی تر - تعریف می‌کند. پرداختن به علم، افزایش اطلاعات و معرفت، پرداختن به مسائل فناورانه و رویکرد به جمع از این گونه ابعادند.

4- شرکت در مراکز فرهنگی براساس مراجعه به آمار و با توجه به اقبال از آموزشگاه‌ها و مراکز فرهنگی در حوزه فراغت جای می‌گیرد. رفتن به موزه‌ها، گالری‌های نقاشی، خانه‌های شعر و ادب نمایشگاه‌های مجسمه‌سازان، شرکت در شب‌های شعر و امثالهم بخش قابل توجهی از مصرف هنردان و به تبع آن مصرف فرهنگ والا را شامل می‌شود که می‌توان دلالت‌های آن را در سبک زندگی فرد مصرف‌کننده و رویکرد او به فراغت جستجو کرد. مشارکت در برگزاری اینگونه امور را در گروه قبل و در دسته فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی جای داده‌ایم. اما می‌توان شرکت در فعالیت‌های سیاسی معطوف به امور فرهنگی از جمله شرکت در مراکز فرهنگی احزاب، مصرف کالاهای فرهنگی تولید شده توسط گروه‌های سیاسی، شرکت در بحث‌های سیاسی و میزگردها و امثال اینها را نیز ذیل همین مقوله دسته‌بندی کرد. البته نباید از خاطر برد که همگی این موارد تا زمانی فعالیت فراغتی به حساب می‌آیند که جنبه حرفه‌ای به خود نگرفته باشند.

5- شرکت در فعالیت‌های هنری از جمله تئاتر و سینما که لازمه آن مشارکت در جمع مخاطبان است صورت دیگری از مقولات گذران اوقات فراغت است. سینما به طور قطع یکی از صورت‌های هنری پرمخاطب در این حوزه است که در بسیاری از کشورها از جمله کانادا و فرانسه بیش از 50٪ از مردم در انتخاب اول برای گذران اوقات فراغتشان سینما رفتن را انتخاب می‌کنند (پرونووست، 1998). با این همه با توجه به نظریه‌های معطوف به باز خصوصی‌سازی خانواده و بازگشت سینما به درون محل زندگی افراد که منجر به استفاده گسترده از سینماهای خانگی، دستگاه‌های نمایش فیلم در خانه، ویدئو و امثالهم می‌شود، می‌توان دو صورت کلی را برای گذران اوقات فراغت به واسطه سینما در نظر آورد، اول شرکت در سالن سینما و دوم مصرف فیلم در محل زندگی. در همین دسته می‌توان حضور در محل اجرای بازیهای ورزشی - از جمله پر

اهمیت‌ترین آنها یعنی فوتبال - و دیگر مراسم گروهی از جمله جشن‌ها و مراسم مذهبی خاص که نیاز به مشارکت‌های عمده افراد دارد نام برد. یکی از این مراسم اجراهای تئاتری - چه به صورت نمایش‌های صحنه‌ای و چه به صورت نمایش‌های خیابانی - است. شرکت در کنسرت‌های موسیقی و استفاده از مراسم مذهبی خاص مثل اعتکاف علمی نیز از جمله مواردی است که در این مقوله طبقه‌بندی می‌شوند. البته هر دو صورت فعالیت‌های مذکور را می‌باید بررسی کرده و جزو گذران فراغت به منزله یک فعالیت فراغتی به حساب آورد، یعنی فرد هم می‌تواند در خانه به تماشای فوتبال و سایر ورزش‌ها بنشیند، موسیقی گوش کند، نمایش تلویزیونی ببیند و یا درس بخواند، که در این صورت در مقولات دیگری که در همین فصل به آن اشاره کرده‌ایم برمی‌گردد و یا آن که می‌تواند در جمع مشارکت کند و از فواید اجتماعی و فرهنگی این مشارکت نیز نباید غافل بود.

6- فعالیت‌های برخوردار از رسانه‌ها شامل همه فعالیت‌هایی می‌شود که به صورتی در آن مصرف رسانه‌ای به چشم می‌خورد. می‌توان رسانه‌ها را نیز به صورت رسانه‌های چاپی و الکترونیکی تعریف کرد که در این صورت تحقیقات به دو دسته رسانه‌هایی مثل روزنامه و مجله از سویی و رادیو و تلویزیون از سوی دیگر معطوف خواهند شد. میزان جذب اطلاعات فردا از رسانه‌ها و مثلاً استفاده از بعد خبری، جهت‌گیری‌های زندگی سیاسی و اجتماعی فرد که براساس رویکردهای رسانه‌ای شکل می‌گیرد و برانگیخته شدن عقلانی یا احساسی فرد از مواردی‌اند که هم به سبک زندگی فردی و هم به تاثیر رسانه‌ای راجع‌اند. در این خصوص نباید از یاد برد که سنجش امکان دسترسی فرد به رسانه‌ها از مواردی است که می‌باید لحاظ شود. یکی از مهمترین رسانه‌های الکترونیک که لازم است به صورتی خاص‌تر به آن پرداخته شود، رسانه‌های شبکه‌ای و از جمله اینترنت با همه ابعاد آن است. گذران فراغت با اینترنت به واسطه گستردگی این رسانه روز به روز بیشتر می‌شود. وجود انواع سایت‌ها در اینترنت که تقریباً گسترده‌گی این رسانه روز به روز بیشتر می‌شود. وجود انواع سایت‌ها در اینترنت که تقریباً همه ابعاد زندگی فرد را شامل می‌شوند - از

جنبه‌های علمی تا خبر رسانی و سرگرمی و دوستیابی و چت و ... باعث شده است که مصرف اینترنت به عرصه مهمی برای بررسی رفتار فراغتی بدل شود. گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن آن پیامدهای گسترده‌ای را در رابطه با مسایل جنسیتی، الگوهای ارتباطی و فراغت بر جای می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به رهاسازی و عدم وابستگی به زمان و مکان و امکان تغییر هویت خویش در فضای مجازی اشاره کرد (ذکایی، 1383). چنانکه رین در (1994) می‌گوید ارتباطات با کامپیوتر جماعت فراغتی را نیز متأثر ساخته است و کاربران کامپیوتری منجر به تغییرات شگرف در تعاملات اجتماعی شده‌اند. بنابراین رسانه‌ای شدن فراغت و نیز خانگی شدن شدن فراغت دو فرایند عمده‌ای‌اند که در این مقوله از رفتارهای فراغتی قابل بررسی‌اند.

7- موسیقی را در مقوله‌ای مجزا از فعالیت‌های فراغتی جای داده‌ایم زیرا امکان دسترسی به آن روز به روز به واسطه غلبه تکنولوژی‌های الکترونیکی آسان‌تر می‌شود. امکان گوش دادن به موسیقی به واسطه انواع پخش کننده‌های موسیقی همراه (از جمله Mp3 playerها و واکمن‌ها) و نیز امکان دسترسی به انواع موسیقی از طریق اینترنت و پایگاه‌های مختلف هنرمندان، و نیز امکان استفاده از فرستنده‌های رادیویی FM و AM موسیقی و نیز کانال‌های پخش موسیقی در ماهواره و امثالهم روز به روز بیشتر می‌شود. در این بین روی آوری به انواع موسیقی، از جمله موسیقی‌های کلاسیک، سنتی، پاپ، جاز، تلفیقی و موسیقی ملل و نمونه‌های دیگر متأثر از سبک زندگی خواهد بود. در این خصوص نباید از یاد برد که رویکرد به انواع موسیقی متأثر از سن است. تحقیقات نشان داده است که موسیقی راک بیشتر در بین جوانان کم سن و سال و موسیقی‌های سنتی و کلاسیک در بین افراد مسن‌تر طرفدار دارد (محسنی، 1382). در این میان طرفداران و مصرف‌کنندگان موسیقی را می‌توان در چهار دسته طبقه‌بندی کرد. الف) گهگاهی ب) آماتورها ج) مخاطلفان د) همیشگی.

8- فعالیت‌های مذهبی نیز در صورت‌های مختلف با فراغت پیوند می‌خورند. بسیاری از فعالیت‌های مذهبی در زمان فراغت فرد صورت می‌گیرند. از همین روی است که تعطیلات مذهبی شکل گرفته‌اند. دیگر آنکه در نهایت، فعالیت‌های مذهبی به نوعی آرامش نظر دارند که مقصود اصلی فراغت نیز هست در عین آن که اعتلای روحی فرد نیز در هردو به صورت رشد شخصیت مطرح است. از سوی دیگر، فعالیت مذهبی با فراهم کردن زمینه‌ای برای تجمع افراد به ارتباطات انسانی و افزایش مراوداتی جهت‌دار کمک می‌کند که خود امکان تعاملات بعدی بین‌فردی را برای پرکردن اوقات فراغت مهیا می‌سازد.

9- عادات خواندن افراد متأثر از سبک زندگی آنهاست و در اوقات فراغت شکل می‌گیرد. این کردار (خواندن) به صورت‌های گوناگون از جمله روزنامه و مجله خوانی در روز تا خواندن کتاب‌های خاص متفاوت است و هدف از خواندن نیز از افزایش اطلاعات در حوزه‌ای خاص تا سرگرمی و گذران وقت برای ارضای احساسی فرد متغیر می‌باشد. در این میان نوع مواد خواندنی را معرفت برآمده از منش فرد تعیین می‌کند. همین جنبه را می‌توان درباره نسبت حضور فرد در کتابخانه‌ها جستجو کرد. استفاده از کتابخانه‌ها - به ویژه برای دانشجویان - با اهداف متفاوتی صورت می‌گیرد که گاه رفتارهای فراغتی از جمله دیدن دوستان، پاتوق سازی، استراحت و امثالهم را نیز در برمی‌گیرد. عدم دسترسی به مکان‌های تفریحی پاتوق مانند در محیط‌های آموزشی گاه کارکرد کتابخانه را به کارکردی فراغتی بدل می‌سازند.

حال با توجه به موارد هشت‌گانه فوق مشخص است که کردارهای فراغتی با دو جنبه مصرف و سبک زندگی در ارتباط‌اند. سبک زندگی عبارت از کردارهایی است که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات دیگران جلوه می‌کند. این رفتارها بازتابگر هویت‌های شخصی، گروهی و اجتماعی‌اند. ابعاد این مفهوم عبارت‌اند از خصیصه‌های فردی، تفرد و تشخص، انسجام سبک زندگی و انتخاب، بنابراین سبک زندگی دلالت بر شیوه زندگی متمایز گروهی اجتماعی دارد و راه الگویند. مصرف، درک و ارج نهادن به محصولات

فرهنگی است (فاضلی، 1382). ملاحظه می‌شود که سبک زندگی به گونه‌ای بازگو کننده هویت است و برخی آن را مهمترین منبع هویت‌یابی می‌دانند. سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار و حالت‌ها و سلیقه‌هاست که از موسیقی و هنر تا تلویزیون و دکوراسیون و فرش را به صورتی در برمی‌گیرد که رفتاری شخصی به حساب نیامده و غیرمعمول نیستند. به همین سبب در بیشتر مواقع عناصر گونه‌ای سبک زندگی به شکلی متمرکز می‌شوند که بسیاری از افراد را در برمی‌گیرد، به عبارتی می‌توان از سبک زندگی خاص گروهی اجتماعی نام برد. همچنین مجموعه فعالیت‌هایی که در یک حوزه خاص واقع می‌شوند گونه‌ای سبک زندگی خلق می‌کنند که فرد برای حضور در آن میدان خاص موظف به انطباق دادن رفتار خود با آنهاست. از همین روست که می‌توان سخن از سبک زندگی فراغتی و الگوهای فراغتی سبک زندگی به میان آورد. حال اگر چنانکه سوپل (1981) گفته است بپذیریم که سبک زندگی مجموعه رفتارهای مشاهده‌پذیری است که در الگویی خاص قابل استنتاج‌اند، باید به دنبال بررسی فراغت از این منظر بود. از این روی بررسی رفتارهای فرهنگی فراغتی موضوعیت می‌یابد که خود این فعالیت‌ها در چند بخش قابل تعقیب‌اند. می‌توان به سادگی و با مشاهده ساده پی‌برد که حوزه‌های فراغتی قابل تفکیک به حوزه‌های فرهنگی، فرهنگی - اجتماعی، اجتماعی و آموزشی، و رفتارهای ورزشی‌اند که قبلاً بدانها پرداخته‌ایم. به علاوه می‌توان مقولات دیگری را نیز به این مجموعه افزوده که عبارت‌اند از روابط فردی، رابطه با جنس مخالف، گروه دوستان و حضور در محفل‌های خانوادگی و فامیلی. نباید از یاد برد که تمرکز مجموعه‌ای از این فعالیت‌هاست که سبک فراغتی را در رفتار فرد شکل می‌دهد و استراتژی‌های ترکیب این گونه فعالیت‌ها نزد فرد است که الگویی خاص را از فراغت شکل می‌دهد.

فضای فراغتی نیز بنا به تحقیقات صورت گرفته (از جمله دونات و کاژنو، 1990) دارای ابعادی‌اند که به قرار زیرند. الف) بعدی که در آن فضای فراغتی با جهان بیرونی در ارتباط قرار می‌گیرد. ب) بعد دیگر ارتباط فرد را با جهان بیرونی در نظر می‌گیرد و در این ارتباط عواملی از جمله طبقه اجتماعی را در نظر می‌آورد.

ج) بعد دیگر بر فعالیت فراغتی تمرکز دارد و در نهایت د) تفاوت‌های جنسیتی در گذران فراغت و نوع فعالیت فراغتی مدنظر در پایان می‌توان نتیجه گرفت که سبک فراغتی و الگوی گذران اوقات فراغتی با توجه به نحوه فعالیت‌ها و رویکردهای به سن و تفاوت‌های نسلی، جنس و اجتماعی - اقتصادی تعیین شده و براساس مقوله‌بندی فعالیت‌ها شکل می‌گیرد در زیر به بعضی از این مقولات اشاره می‌شود.

در عین حال، بین‌کرت و همکارانش برای پیوند عوامل موثر بر سبک زندگی از سویی و فعالیت‌های فراغتی از سوی دیگر حوزه‌های 1- سرگرمی‌ها 2- تبلیغات 3- علایق و فعالیت‌های اجتماعی 4- تاثیر محصولات جدید 5- عادات خرید 6- و دیگر گرایش‌های عمومی فرد به گذران وقت را مهم دانسته‌اند (1975). بودریار نیز اشاره می‌کند که خرید فعالیت‌ها با جهت‌گیری فراغتی است که برساخته جامعه مدرن و جامعه تصویری شده است. در تحقیق دیگری که رایزینگر و ماوند (2004) صورت داده‌اند، به نکته دیگری در خصوص گذران اوقات فراغت اشاره شده است که تاثیرات روانشناختی شخصیت بر فرد است.

مرور تجربی

عوامل موثر بر نحوه گذران اوقات فراغت (مرور تحقیقات خارجی)

مک‌گوئر (1984) در یک تقسیم بندی عوامل موثر بر فراغت را شناسایی توسط دیگران، شبکه آشنایی-ها، پول، سلامت، وضعیت جسمانی و روانی و اطلاعات و ابزار و دسترسی‌ها می‌داند. در عین حال می‌توان به عوامل چندی اشاره کرد.

تأثیرات نسلی و سن بر گذران فراغت: یکی از عواملی که می‌توان در بحث فراغت و ارتباط آن با نسل در نظر آورد ابژه‌های نسلی است چنانکه بالس می‌گوید (1380) در یک نسل ذهنیتی شکل می‌گیرد که راجع به ابژه‌هایی است که آن نسل داشته‌اند. هر نسلی آن ابژه‌های نسلی، اشخاص، رویدادها و چیزهایی را برمی‌گزیند که برای هویت آن نسل خاص معنایی خاص دارند. ابژه‌های هر نسلی همچنین به صورت بالقوه برای نسلی دیگر واجد اهمیت‌اند، اما این ابژه‌های نسلی معمولاً معنایی متفاوت می‌یابند. تفاوت این ابژه‌ها را در دو سویه می‌توان بررسی کرد: اول در تغییر مصرف که بازتابی از سبک زندگی است یعنی در تفاوت‌های میزان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی و اقتصادی در بین دو نسل که بازتابنده دیدگاه تفاوت نسلی است و دوم در ذهنیت مشترکی که معمولاً بعد از گذشت دوره (تقریبی) نوجوانی در حدود بیست و چند سالگی شکل می‌گیرد. با این همه به واسطه اشتراک فضاهای رسانه‌ای در دنیای امروز، اشتراکات بین نسلی - در حالی که گسست خاص از جمله جنگ، قحطی، حوادث طبیعی فاجعه بار واقع نشود - بیشتر است که چند جنبه مثل همه گیر شدن جهانی رسانه‌های توده‌گیر، ورزش و نسبی‌گرایی‌های ناشی از تأثیرات رسانه‌ای در امور فرهنگی از آن جمله‌اند. در این بین تأثیر سن بی‌نهایت معنادار می‌شود. جوانان عمدتاً مصرف‌کنندگان اصلی فیلم و موسیقی‌های عامه‌پسندند که توسط رسانه‌های توده‌گیر عرضه می‌شوند. مصرف موسیقی خارجی در این بین یکی از شاخصه‌های اصلی نشان دهنده تأثیر سن است. نکته دیگری که اختلاف سنی را بارز می‌سازد توجه به ورزش است. جوانان به نظر می‌رسد اقبال بیشتری به ورزش دارند. همچنین مواد

خواندنی افراد بر اثر افزایش سن تغییر می‌کند و حجم مطالب خواندنی نیز گویا بر اثر افزایش سن کاهش می‌یابد. به هر حال بنا به تحقیقات پیشین، فرهنگ جوانی بسیار معطوف به فرهنگ توده‌ای است که بیشتر فرهنگی تصویری، صوتی و الکترونیکی است تا مبتنی بر فرهنگی کلامی و ادبی. نباید از نظر دور داشت. که مجموعه این جنبه‌های متعدد با یکدیگر است که تولید مکانیسمی برای گذران اوقات فراغت می‌کند.

سنت مطالعات در مورد رفتارهای فراغت این مساله را مورد بحث قرار می‌دهد که سلیقه‌ها، طرز تلقی‌های سیاسی و تعلقات آدمیان با تغییرات سن تغییر می‌کند. اگرچه این سنت ظاهراً موضوعات^۱ خود را از تحلیل اجتماعی و روانشناختی به عاریت می‌گیرد اما ریشه این استدلال در بیولوژیکی دیدن رفتارهای فراغتی است؛ بویژه اینکه چشم انداز بیولوژیکی بر اندیشه تجدید نسل، تولد، نوجوانی و نابالغی، بلوغ، سالمندی و مرگ تاکید می‌کند. برای مثال مطالعات فراغتی بر اساس تحلیل دوره‌های زندگی، این مساله را مطرح می‌کنند که رفتار فراغتی بوسیله " فرایند بلوغ بیولوژیکی - روان‌شناختی "^۲ که زیر بنای تمایز طبقه - جنسیت - نژاد و خرده فرهنگ در مطالعات اوقات فراغت است شکل می‌گیرد (راپاپورت و دیگران، 1975 ص 14) پس مدل نظری تحلیل رفتار فراغتی در بیشتر تحقیقات مدل بیولوژیکی - روانی است و این مدل زیربنای تحلیل نظری رفتارهای فراغتی به مثابه نهادی اجتماعی^۳ است. به عبارت دیگر، اساس مدل بیولوژیکی برای رفتار فراغتی در تنش است با رهیافت‌های فاعلیت^۴ که بر نقش آگاهی و رابطه اش با توسعه فراغت تاکید می‌کند. اگر چه رهیافت‌هایی که به تحلیل دوره زندگی^۵ کمک کرده‌اند متنوع است اما تقریباً همگی بر تمایز دوره های زندگی به سه دوره مهم یعنی دوره جوانی، سالمندی و میانسالی تاکید می‌کنند. برخی از ویژگی‌های اصلی هر مرحله به شرح زیر است. شرح این ویژگی به فهم چالش‌های الگوی سالمندان کمک می‌کند. همین‌طور فراغت در هر دوره ممکن است بر اساس تحلیل بیولوژیکی با دوره دیگر متمایز

-
1. Metaphors
 2. psychological biological maturational process
 3. Social institutional
 4. Agency approach
 5. Life course

شود و تاثیری بر آن نداشته باشد اما قصد ما از بررسی هردوره نشان دادن این مساله است که تا چه حد الگوی فراغت در هر دوره می‌تواند بر الگوی فراغت در دوره دیگر موثر باشد.

ویژگیهای الگوی فراغت در دوره جوانی: الگوی رفتارهای فراغتی این دوره با ویژگیهای مختلفی توأم است. افراد جوان سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی کم، الزامات و اجبارات کم دارند ضمن آنکه با محدودیت منابع مالی مواجهند. شکل‌گیری ابتدایی نقش‌های اجتماعی در میان گروه وجود دارد به نحوی که بر فعالیت فراغتی آنها موثر است. عدم این شکل‌گیری توأم با مسئولیت‌ناپذیری و اعمال پایین الزامات توسط جامعه بر آنها نوع و الگوی فراغت آنها را شکل می‌دهد.

در این دوره زندگی جوانان توسط گروه همالان بیشتر تحت تاثیر و تحریک هستند. اگرچه تحریک توسط دستگاه‌های ارتباط جمعی (نه تحریک توسط خانواده و ارزش‌های جمعی و محلی) نیز بسیار عامل موثری است. همچنین فراغتهای جوانان تحت تسلط فرایند فردگرایی و توسعه هویت‌های جنسیتی است. تا سن 16 سالگی اکثریت جوانان از فراغت‌های میان‌سال استقبالی می‌کنند اما در انجام آنها با محدودیت‌های مالی روبرویند. همین‌طور باید گفت که تحقیقات نشان داده است که 12 الی 17 ساله‌ها کارهای خانگی کمتری انجام می‌دهند. آنها مراقبت از کودکان خردسال کمتر شرکت کرده و به خرید مایحتاج خانواده نمی‌پردازند. در قابل 18-24 ساله‌ها کارهای خانگی بیشتری انجام می‌دهد. و بطور کلی 6 تا 4 ساعت هم بیشتر می‌خوانند (رابینسون و گودبی، 1999: 28).

بهرحال تاثیر فرهنگ باشگاه یا فرهنگ همالان بر این دسته بسیار بیشتر از ارزش‌های خانواده است. (ثورنتون، 1995). با این وجود تغییرات در جهان جدید چه در جامعه بزرگتر و چه در بازارهای کار به تغییرات بیولوژیکی و روانشناختی در تحلیل دوره زندگی جوانی منجر شده است. به عبارت دیگر، با توجه به مبحث جامعه‌پریم بیشترین ریسک‌پذیری در میان این گروه وجود دارد (بک، 1992). اساساً ورود به جامعه اطلاعاتی و چالش ذخیره اطلاعات گروههای مختلف این دوره‌ها را دچار دگرگونی کرده است (روبرت 1999: 115-116). بنابر این همان‌طور که در ابتدا بر حسب سنت مطالعات فراغت نشان داده شد تحلیل

دوره زندگی این استدلال را مطرح می‌کند که فراغت جوانان متمایز از دوره بعدی است. اما تحلیل رفتار فراغت به مثابه نهاد اجتماعی نشان می‌دهد که در دوره جدید رفتارهای پر خطر ممکن است نه تنها بر دوره بعدی تاثیر گذارد بلکه نوع الگوی فراغت جوانان که قبلاً بر اساس مدل بیولوژیکی کنش‌ها راه‌چندانی در آن نمی‌یافتند به سبب اهمیت رهیافت‌های کنش و فاعلیت تغییر دهد (سعیدی، 1386).

جنسیت و تأثیر فراغت: بدون توجه به جنبه‌های سبک زندگی فرد به مثابه مجموعه‌ای از رفتارهای همگن شده، می‌توان گفت که جنسیت بر گذران فراغت تأثیرگذار است. از این رو می‌توان تأثیرات جنسیت را سنجید. انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی فراغت این مقوله را چنین تعریف کرده است که فراغت مجموعه‌ای از اشتغالات فردی است که کاملاً به رضایت خاطر خود، برای استراحت، تفریح یا به منظور توسعه اطلاعات یا آموزش غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی داوطلبانه و بعد از آزاد شدن از استلزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی صورت می‌گیرد. ملاحظه می‌شود که به همین اعتبار سنجش فراغت زنان دشواری‌های بیشتری را دارد زیرا زنان درگیر الزامات خانوادگی بیشتری‌اند که آنان را از داشتن وقت آزادی برای خود محروم می‌سازد. با این همه نحوه گذران وقت فراغت برای زنان به میزان زیادی به تحصیلات و پایگاه اجتماعی آنان بستگی دارد. گذران اوقات فراغت زمانی که در سطح پائین اقتصادی و اجتماعی هستند بیشتر به صورت جمعی و به عبارتی خانوادگی است. همچنین گفتگو، رفت و آمد با همسایگان و اقوام و امثال اینها نیز برای فراغت به منزله رفتار مناسب برگزیده می‌شود اما هر چه سطح تحصیلات و موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان بالاتر می‌رود، این امر جنبه فردی‌تری به خود می‌گیرد و به اموری چون سینما، تئاتر، گروه‌های دوستان و شرکت در کلاس‌های ورزشی و هنری متمایل می‌شود.

یکی از مواردی که لازم است در خصوص فراغت زنان محل توجه قرار گیرد آن است که اصولاً آیا زنان در خانه فراغت بیشتری دارند یا مردان. این امر با عنایت به کار پنهان خانگی که به هر روی فراغت زنان خانه‌دار را از بین می‌برد قابل بررسی است. در عوض برای زنان درآمیختگی کار خانگی و فراغت به منزله

شکلی از گذران وقت مطرح است که با الگوی فراغتی مردان در خانه فرق می‌کند. بحث‌های مرتبط با فراغت به مثابه «اصلا کاری نکردن» و «کاری فارغ از بهره ملموس کردن» از این منظر قابل طرح است. بیت‌من و وایک‌من در تحقیقی (2000) این موضوع را بررسی کرده‌اند و در پایان دریافته‌اند که اصولاً حضور مردان در منزل برای فراغت و تجدید قواست در حالی که همین حضور برای زنان آمیخته با کار و البته نگرانی‌های ناشی از عرضه خدمات مناسب به اعضای خانواده بر اساس تلاش برای برآوردن وظیفه‌ای نانوشته است.

در عین حال، دو نکته دیگر را باید خاطر نشان ساخت. اول اینکه الگویی گذران فراغت زنان از سن آنان نیز تاثیر می‌پذیرد. سرگرمی و تفریحات زنان مسن بیشتر متمایل به سلیقه برآمده از بزرگسالی آنهاست. نکته دوم تاهل و مجرد است که در زمان بیشتر از مردان تاثیرگذار بوده و زنان متأهل را ملزم می‌کند که برای انجام وظایف همسری و مادری وقت خود را چنان تنظیم کنند که از فراغت خود بیشترین بهره را ببرند. بیت‌من و وایک‌من (2000) نوعی تمایز جنسی بین کیفیت زمان فراغت بر پایه فعالیت‌های متفاوت همزمان در نظر گرفته‌اند. ایشان بین فراغت «خالص» و فراغت «منقطع» فرق گذاشته‌اند. مردان بنا به تحقیق ایشان بیشتر زمان فراغت خالص دارند در حالی که فراغت زنان به واسطه همزمانی فعالیت‌های بچه داری و فعالیت‌های متقاطع کار منقطع است. در عین حال به نظر می‌رسد فراغت زنان بیشتر مبتنی بر بازتوانی باشد تا فراغت خالص. ایشان نشان داده‌اند که با لحاظ کردن فعالیت‌های همزمان می‌توان زمان داده شده را با کیفیت فراغت سنجید.

حال شاید بتوان این جمع‌بندی نظری را از مطالب پیش گفته به دست داد که پاسخ‌های سوالاتی که در قبال مقولات مطرح در حوزه فراغت و فرهنگ پیش روی علمای اجتماعی قرار می‌گیرد. به گونه‌ای راجع به تغییر فرهنگی از حیث مطالعه معرفت‌های میدان‌های فراغتی است: افراد با منش‌های شکل گرفته به واسطه گونه‌ای سبک زندگی در حوزه‌های خاص فعالیت‌های فراغتی قرار می‌گیرند و به عمل دست می‌زنند.

مجموعه این اعمال متأثر از مقولاتی است که در عین ایجاد تمایز سبک‌های زندگی، منش بازتولیدکننده این رفتارها را نیز به دست می‌دهد.

سه عامل کلیدی در فراغت عبارت‌اند از: زمان، فعالیت و فضا. و زنان در هر سه مورد وضعیت نامساعدی برای فراغت دارند. وقت آنها برای اوقات و فعالیت‌های فراغتی محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آنجا به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه‌های اوقات فراغت آنها دچار محدودیت است (رفعت‌جاه، 1386).

بنا به نظر فمینیست‌ها فضا و مکان ضمنی نیست بلکه رابطه بین تئوری‌های انتقادی نشان می‌دهد که فضا به سختی با جنسیت در ارتباط است (آیچیسون، 2000) تأثیر جنسی شدن فضا مستقیماً بر فعالیت‌های فراغتی در محیط اجتماعی اثر می‌گذارد و همین امر فضا را برای زنان ریسک‌پذیر می‌سازد. ترس از خشونت این امر را بین زنان و مردان نشان می‌دهد. همین امر درباره کجا رفتن هم صادق است. به این ترتیب می‌توان گفت (گرین، 1990) که فعالیت فراغت زنان متأثر از جنسیت زدگی، لباس و رفتار فراغتی آنان است و بسیار مهم است که فعالیت ایشان در فضای فرهنگی خاصی بررسی شود (آیچیسون، 2000).

فراغت و مصرف: با پذیرفتن این امر که جوامع جدید پای به دوران جوامع مصرفی گذاشته‌اند می‌توان در نظر گرفت که نقش افراد در این گونه از جوامع بشری نحوه گذران فراغت ایشان را نیز تأیید می‌کند. مصرف مفهومی کلیدی است که به گفته آیدریچ (2003) با آن می‌توان قفل فهم جامعه مدرن را باز کرد. گذشته از بار ارزشی مصرف که آن را به دو صورت خوب و بد عرضه می‌کند می‌توان از تقابل آن با تولید و سرمایه‌گذاری و امثالهم نام برد. در عین حال باید ویژگی‌های جامعه مصرفی را که در آن «مصرف‌کنندگی فعال» معنا می‌یابد برشمرد:

1- در دسترس بودن به میزان فراوان از کالاهای مصرفی

- 2- گسترش جنبه‌های بیشتری از تعاملات انسانی در بازار و از همین رو افزایش تعاملات انسان و کالا
- 3- گسترش جنبه‌های سیاسی مصرف از جمله تحریم‌ها، بایکوت‌ها و استفاده‌های خاص از مصرف
- 4- افزایش میزان استفاده از کارت‌های اعتباری و خریدهای اقساطی
- 5- پرداختن تولیدکنندگان به بسته‌بندی و جلوه‌نمایش کالا
- 6- وفور آگهی‌های تجاری در سطح فضاهای شهری و رسانه‌ای
- 7- طراحی‌های جدید و مدهایی روزآمد
- 8- گسترش خرید به منزله‌ فعالیت فراغتی و در عین حال
- 9- گسترش پرسه‌زنی در مراکز خرید بدون قصد خرید و برای استفاده از بازار نمایش
- 10- ایجاد کلکسیون‌های متفاوت و متعدد

حال می‌توان از صورتی دیگر از این جامعه به نام جامعه فراغتی نام برد و آن را هم ارز با جامعه مصرفی در نظر گرفت. در جامعه فراغتی، اوقات فراغت کالایی می‌شوند و امکان مبادله آنها فراهم می‌گردد. از سوی دیگر مصرف فراغت به مسئله اولیه جامعه بدل شده و شکل‌دهی به این فراغت به واسطه مصرف منجر به ایجاد الگوهای فراغتی می‌شود. ملاحظه شد که از یکسو جامعه مصرفی را با انباشت و فراوانی و نمایش کالا تعریف می‌کنند و از سوی دیگر جامعه فراغتی را با نحوه مصرف. نقطه اتصال این دو در نحوه خرید و مصرف مدرن است. امروزه دیگر شاهد مصرف همه چیز به صورت انبوه و نمایش هستیم. به نهای، مراکزی که برای سامان‌دهی به زندگی روزمره فراهم آمده‌اند، سازمان‌هایی‌اند که مصرف را سامان می‌دهند و از همین رو این سازمان‌ها تولیدکننده فراغت‌اند. به همین علت است که گویا این دو امر بهم آمیخته‌اند: در جامعه مصرفی خرید پیشیه‌ای فراغتی است (نیکلای لرد، 1992). به این ترتیب مشخص می‌شود که فراغت به معنای مدرن آن حاصل تغییر در مناسبات نهادهایی مانند کار و خانواده است که در عین حال ناظر بر توسعه اختیارات فرد در گزینش نحوه مصرف خود - به واسطه الزامات سبک زندگی‌اش - و بالاخص مصرف زمان می‌باشد.

حال وقت آن است که به گذران فراغت به منزله مقوله‌ای تئوریک نگاهی مجدد بیاندازیم. گفته شد که میزان زمان فراغت افراد و فعالیت‌های فراغتی آنان متأثر از ویژگی‌هایی مانند پایگاه اقتصادی اجتماعی، جنس، چرخه عمر و امثال اینها و متفاوت است. تنوع و گوناگونی در رفتارهای فراغتی تلاش‌های فکری نظری و پژوهش‌های تجربی پرشماری را در پی داشته است. یکی از مفاهیم رایج برای بررسی تنوع و گوناگونی ترجیحات و رفتارهای فراغتی در بین افراد و گروه‌های اجتماعی سبک فراغتی است. این مفهوم ناظر بر تلاش برای کاستن از تنوع و گوناگونی رفتارهای فراغتی است که انسجام آنها را به واسطه دسته‌بندی و مقوله‌بندی‌های ناظر بر مقاصد تحلیل تضمین می‌کند. بنابراین سبک فراغتی مشتمل بر مجموعه‌ای منسجم از ترجیحات و رفتارهای فراغتی است که به واسطه تأثیر عوامل و تجربیات زمینه‌ای معین قابل تحلیل‌اند. در واقع در سبک فراغتی نقش ساختارهای اجتماعی و تجلیات آنها در انجام رفتارهای فراغتی هویداست. افراد دارای یک سبک فراغتی دو ویژگی مهم دارند.

- 1- مجموعه رفتارهای فراغتی آنان در ارتباط با ساختارهای اجتماعی دارای تعاملات مشترک است.
- 2- رفتارهای فراغتی آنان دارای مشابهت‌های بسیار است.

فراغت و اقتصاد: از مباحث دیگر مطرح در حوزه فراغت بحث اقتصاد فراغت است. فرایندهای بازتوانی و بازیابی خلاقیت به همراه دیگر فعالیت‌های فراغتی بازاری برای تولیدات خاص فراهم آورده است. هر چند در این پژوهش این بخش از مباحث مرتبط با فراغت چندان محل توجه نیست، اما از آنجا که این بازار و قرار دادن تولیدات آن در معرض دسترسی مصرف‌کنندگان به نوعی جهت‌دهی به مصرف‌کنندگان فراغتی است به این موضوع اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم.

تولید سرگرمی، برگزاری همایش‌ها و کلاس‌ها و فراهم آوردن محیط‌های مناسب برای گذران فراغت رفته رفته به یکی از دغدغه‌های اصلی هر دو حوزه دولتی و خصوصی شده و بازاری برای کار و سرمایه‌گذاری فراهم کرده است. ساماندهی به فضا و زمان‌های فراغتی خود به تخصصی بدل شده است که

قابل بررسی است. پارک‌ها، مراکز تفریحی، باشگاه‌های ورزشی، بدنسازی‌ها، کلوپ‌های زیبایی، مراکز آموزش هنری و علمی، آموزش زبان‌های خارجی و بقیه مراکز فرهنگی، موسسات غیرانتفاعی غیردولتی، موسسات هنری و فرهنگی از جمله مراکزی‌اند که محیط اقتصادی و فناورانه جدیدی پدید آورده‌اند که در آن فراغت بدل به زمانی برای استفاده بهینه می‌شود. اگر همدهای کودک و خانه‌های سالمندان را نیز به نوعی در این دسته قرار دهیم، مراکز فراغتی از تولد تا مرگ را پوشش می‌دهند. به هر روی، نگاهی به فعالیت‌های نهادهای معروف به فوق برنامه در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هم نشان می‌دهد که محیط جدید شکل گرفته است که این شاخصه‌ها را می‌توان در آن تشخیص داد:

1. نقش فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی در شکل دادن به فراغت جدید و ایجاد چشم‌اندازهای تازه، به ویژه در زمینه استفاده از رسانه برای خودآموزی.

2. پیدایش صورت‌های جدید فراغتی، به واسطه تکنولوژی‌های جدید مثل اینترنت و تلویزیون کابلی

3. افزایش صورت‌های رفتار فراغتی رسمی

4. چشم‌اندازهای جدید صوتی تصویری در ارتباطات، اطلاع‌رسانی و عادات مطالعه به منزله کردارهایی

فرهنگی

5. فن‌زدگی کردارهای اصلی فراغتی از جمله فعالیت‌های ورزشی و هنری

6. جابه‌جایی فعالیت‌های فراغتی و مشارکت‌های اجتماعی به واسطه انتخابگری گسترده‌تر افراد

7. جابه‌جایی‌های وسیع‌تر در فضا و زمان

8. انعطاف‌پذیری هر چه بیشتر کار و درآمیختن آن با فراغت به واسطه امکان تحرک بیشتر افراد در

هنگام کار از حیث کمک‌های فناورانه

به این لحاظ مشخص است که به نوعی فعالیت‌های کاری افراد نیز با فعالیت‌های فراغتی درآمیخته شده است و این امر به یمن تکنولوژی میسر است. نمونه‌ای از این موارد استفاده از انواع ضبط صوت‌هایی است که دانشجویان در کلاس درس استفاده می‌کنند و کامپیوترهای روپایی و استفاده گسترده از فناوری‌های

ارتباطی تلفن‌های همراه می‌توان گفت که فناوری محیط جدیدی فراهم کرده است که در آن بازار اقتصادی از یک سو و درآمیختن کار فراغت از سوی دیگر وجهه‌های مهم آن‌اند.

بازتوان‌یابی و فراغت سازمان‌یافته: نکته‌ای که در این زمینه قابل توجه به نظر می‌رسد لزوم آموزش‌های قبل از استفاده از فناوری‌های روز است. بنابراین ایجاد بازاری برای آموزش‌ها و تمرینات استفاده از فناوری‌ها و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در این زمینه به مسئله‌ای جدید بدل شده است. البته نباید از خاطر دور داشت که جوانان در برابر اینگونه آموزش‌ها به صورت رسمی مقاومت می‌کنند و بیشتر متمایل به یادگرفتن تکنولوژی به طریقی فراغتی‌اند! این امر از پیش آگاهی ایشان از جنبه‌های مدرن فراغت برمی‌خیزد. از طرف دیگر، بسیاری از کارکردهای فراغت نیز هم از حیث اجتماعی و هم از حیث سیاسی تغییر کرده است. زیرا فرهنگ صنعتی و کاری جدید خلق شده است که در زمینه آن بعضی از موارد که موجب تغییر کارکرد فراغت شده‌اند عبارت‌اند از:

1. آگاهی عمیق از جمعیت و افزایش آن، به همراه تغییرات و منابع و نیازهای جمعیتی
2. برنامه‌ریزی و توسعه سیاست‌های فراغتی برای پاسخگویی به نیازهای افراد به صورت منطقه‌ای
3. طراحی و برنامه‌ریزی برای دسترسی افراد به منابع با در نظر گرفتن فضا و امکانات.
4. جمع‌آوری و عرضه اطلاعات لازم برای ایجاد فعالیت‌های جدید فراغتی و اطمینان از اینکه دانش، فناوری و مدیریت لازم برای عرضه فراغت و بهره‌برداری از آن مهیاست.
5. تطبیق نیازها و ساختارهای موجود برای دسترسی به منابع.
6. ایجاد گروه‌های محلی و بهره‌گیری از افراد برای اجتماعات مددکارانه در فعالیت‌های فراغتی - از جمله آنچه که در دانشگاه‌ها به واسطه گروه‌های خیریه دانشجویی صورت می‌گیرد.
7. ایجاد سازمان‌های خاص فراغتی

حال می‌توان این تقسیم‌بندی‌ها را در دو سطح پی‌گیری کرد: اول آنکه این امر پیامد مستقیم تقسیم اجتماعی کادر جوامع پسا مدرن است. این نظر که بیشتر به جامعه‌شناسان کلاسیک نزدیک است، زمینه و حوزه‌ای از فعالیت‌ها را تعریف می‌کند که بر اثر تقسیم کار پسا مدرن به صورت غیرمتمرکز در کنار کار اصلی مولد ایجاد شده است و در بطن خود بازتوانی کارگران را در حین کار تضمین می‌کند. دومین رویکرد آن است که سیستم فراغتی نظامی از ارزش‌ها فراهم آورده است که رفته رفته معارضه‌اش با ارزش‌های کار کمتر و کمتر شده و به همین سبب نوعی درهم آمیختگی بین این ارزش‌ها، آمیزش فعالیت‌ها را نیز در پی داشته است. به هر روی تغییرات مذکور در جوامع پسامدرن قابل بررسی‌اند، اما لازم است ابتدا میزان نزدیکی جامعه مورد مطالعه به شاخص‌های پسامدرن سنجیده شود.

فراغت و اعتماد اجتماعی: پیش از هر چیز لازم است که برای بررسی اعتماد اجتماعی و نسبت آن با فراغت به سرمایه اجتماعی توجه کنیم.

سرمایه اجتماعی: مفهوم سرمایه اجتماعی امروزه کاربردهای زیادی یافته است. این مفهوم سابقه‌ای چندان طولانی در متون علوم اجتماعی ندارد گرچه ریشه‌های مفهومی آن را می‌توان حتی تا متون کلاسیک جامعه‌شناسی پی گرفت. اساس نظریه سرمایه اجتماعی بسیار واضح است. قضیه مرکزی آن را می‌توان در دو کلمه خلاصه کرد: اهمیت روابط. انسانها از طریق برقراری ارتباط با دیگران و نگهداشت آن در طول زمان، می‌توانند با هم برای به دست آوردن چیزهایی که به تنهایی یا قادر به کسب آنها نیستند و یا با سختی زیادی می‌توانند آنها را به دست آورند، تلاش کنند. انسانها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به هم متصل می‌شوند و تمایل دارند که در ارزشهای مشترک با دیگر اعضای این شبکه‌ها شریک شوند؛ از آنجایی که این شبکه‌ها تشکیل دهنده یک منبع هستند، می‌توان آنها را سازنده نوعی سرمایه دانست. این ذخیره سرمایه همانگونه که در زمینه اصلی خود مفید واقع می‌شود، می‌تواند در دیگر زمینه‌ها هم مفید

باشد. بنابراین به طور کلی، هرچه شما افراد بیشتری را بشناسید و هرچه چشم انداز مشترک بیشتری با آنها داشته باشید، سرمایه اجتماعی بیشتری کسب خواهید کرد (فیلد، 2003). پرداختن به سرمایه اجتماعی خود نشانه چرخشی در اندیشه های اجتماعی سیاستگذاران اجتماعی است. اینکه کیفیت زندگی را تنها نمی توان با بهبود شرایط مادی تغییر داد. همچنین این موضوع یکی از عوامل موثر بر توانایی افراد برای بهبود شرایط مادی زندگی خود میزان پیوندهای اجتماعی و کیفیت شبکه های اجتماعی آنان است. چنین دیدگاهی از سوی بسیاری از نهادهای بین المللی مورد توجه قرار گرفته (به عنوان مثال بانک جهانی¹) و برنامه هایی برای تقویت سرمایه اجتماعی به خصوص در میان فقراء طراحی و اجرا شده است.

اندیشه های سه متفکر، سازنده سه جریان اصلی و متفاوت در حوزه نظری سرمایه اجتماعی هستند به گونه ای که آنها را کلاسیکهای جامعه شناسی نامیده اند: پیر بوردیو، جیمز کلنن و رابرت پاتنام (فولی و ادواردز، 1999: 142). به طور خلاصه، بوردیو با مارکسیسم به خاطر داشتن دغدغه ها و سوالاتی درباره دسترسی نابرابر به منابع و حفظ قدرت اشتراک نظر دارد؛ نقطه شروع کار کلنن این است که افراد برای دستیابی به علائق خود به طور عقلانی عمل می کنند؛ پاتنام وارث و گسترش دهنده ایده همکاری و جامعه مدنی به عنوان اساس انسجام و نیک زیستن است. با وجود این تمایزات، هر سه نفر سرمایه اجتماعی را مشتمل بر ارتباطات فردی و کنش متقابل بین فردی همراه با مجموعه های اشتراکی ارزشها که با این ارتباطات همبسته است، می دانند. ویژگی های سرمایه اجتماعی در دیدگاه بوردیو عبارتند از:

1- او به عوامل ماندگاری طبقه اجتماعی و دیگر اشکال ظالمانه نابرابری علاقمند بود.

2- تعریف مفهوم عادتواره²، بوردیو تاکید کرد که گروهها قادرند از نمادهای فرهنگی به عنوان نشانه های تمایز استفاده کنند، که هر دو اینها نشانه و سازنده موقعیت آنها در ساختار اجتماعی است. (جنکینز، 1386).

3- در نوشته های اولیه بورديو، سرمايه اجتماعى بخشى از تحليل گسترده تر او از مباني واگرای نظم اجتماعى بود.

4- بورديو در يك مصاحبه تلويزيونى، ميدان اجتماعى را با يك كازينو مقايسه كرد: ما تنها با مهره هاى سياه كه نشانه سرمايه اقتصادى ما هستند بازى نمى كنيم، بلكه با مهره هاى آبي كه سرمايه فرهنگى ما هستند و با مهره هاى قرمز كه سرمايه اجتماعى هستند، هم بازى مى كنيم (الهايت، 1996).

5- اين انواع گوناگون سرمايه هميشه نمى توانند جايگزين هم شوند، اما در تركيب با هم مى توانند سرمايه جديدى بوجود آورند.

6- در تحقيق بورديو درباره سليقه و تمايز در ميان طبقه متوسط فرانسو، او تنها به يكي از شاخص سرمايه اجتماعى پرداخت: عضويت در باشگاه هاى گلف، فرض او اين بود كه اين عضويت در تسهيل حيات تجارى موثر است.

7- او سرمايه اجتماعى را چنين تعريف كرده است: سرمايه اجتماعى مجموعه منابع واقعى يا مجازى است كه از طريق داشتن شبكه هاى پاي و كم و بيش نهادينه شده روابط دو طرفه آشنايى و شناخت، براى يك فرد يا گروه انباشته مى شود.

8- او عميقا تحت تاثير جامعه شناسى ماركسيستى قرار داشت. او مى انديشيد كه «سرمايه اقتصادى ريشه تمام انواع سرمايه است.»

9- بورديو استدلال مى كند كه فهم جهان اجتماعى بدون دانستن نقش «تمام اشكال سرمايه و نه تنها شكل اقتصادى آن» امكان پذير نيست

10- كار كرد خاص سرمايه اجتماعى بازتوليد نابرابرى است، با اين اشكال سرمايه به طور كامل جدائى پذير نيستند، اما سرمايه اجتماعى اين كار را تا حدى مستقل از سرمايه اقتصادى و سرمايه فرهنگى انجام مى دهد.

از سوی دیگر کلمن نیز به بحث سرمایه اجتماعی نظر داشته است و در این باره می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی از نظر او عبارت‌اند از

1- کلمن در مجموعه‌ای از مطالعات درباره موفقیت تحصیلی در میان گتو^۱ های امریکایی، توانست نشان دهد که سرمایه اجتماعی به انسانهای قدرتمند محدود نیست، بلکه می‌تواند مزایای زیادی برای اجتماعات فقیر و حاشیه‌ای داشته باشد.

2- به نظر کلمن سرمایه اجتماعی نشانگر یک منبع است چون دربردارنده انتظار عمل متقابل است و از سطح افراد فراتر می‌رود و شبکه‌های گسترده‌ای را که روابط آنها تحت حاکمیت درجه بالایی از اعتماد و ارزشهای مشترک قرار دارد، در بر می‌گیرد.

3- کلمن قصد داشت علوم اجتماعی بین رشته‌ای را توسعه دهد که می‌تواند جامعه‌شناسی و اقتصاد را به هم نزدیک سازد.

4- او می‌خواست مفهوم سرمایه‌اجتماعی را در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی قرار دهد.

5- کلمن این دیدگاه گسترده را گسترش داد که جامعه‌تجمعی از نظامهای اجتماعی رفتار فردی است. او به منظور آشکارکردن بنیانهای نظم اجتماعی اظهار داشت که رفتار سطح سیستم، باید تجزیه شود تا بتوان به اولویتهای افراد و کنشهای آنان دست یافت.

6- مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلمن ابزاری بود برای تبیین اینکه چطور مردم همکاری بین خود را مدیریت می‌کنند.

7- همانطور که باربارا میستال^۲ گفته است نظریه پردازان انتخاب عقلانی همیشه با این هدف مواجه‌اند که نشان دهند همکاری با «اصول موضوع فردگرایی و نفع شخصی» (میستال، 2000 : 102) سازگار است.

1. Getto؛ منطقه‌ای در درون شهر که ویژگی بارز آن تمرکز محرومیت است. این اصطلاح معمولاً با تأکید بر گروههای قومی همراه است. (م به نقل از Marshall, Gordon (1998) Oxford dictionary of Sociology, Oxford University Press, p. 254-255).

2. Barbara Misztal

8- برای کلمن سرمایه اجتماعی راه حلی برای این موضوع بوده است که چرا آدمها حتی هنگامی که منافع آنها با رقابت بهتر ارضاء می شود، با هم همکاری می کنند. عملکرد سرمایه اجتماعی نزد کلمن قابل مقایسه و شبیه به «دست نامرئی» بازار در نظریه اقتصاد کلاسیک است.

9- کلمن می گوید سرمایه اجتماعی دربرگیرنده «ماهیت‌های گوناگونی» است. «تمام این ماهیت‌های گوناگون دربردارنده جنبه‌هایی از ساختارهای اجتماعی هستند، و کنش‌های خاصی را برای کنشگران تسهیل می کنند»

10- عکس سرمایه انسانی و فیزیکی، که معمولا کالایی خصوصی و متعلق به افراد هستند، کلمن سرمایه اجتماعی را کالایی ماهیتا جمعی معرفی کرد که توسط تمام کسانی که بخشی از یک ساختار هستند، ساخته می شود و به آنها سود می رساند و نه تنها کسانی که تلاش‌های آنها برای تحقق بخشیدن به آن لازم است. بنابراین سرمایه اجتماعی نیازمند همکاری میان افرادی است که به دنبال منافع شخصی خود هستند.

11- تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی بعد فردی را به جمعی متصل می کند. او به روشنی سرمایه اجتماعی را به عنوان «یک مجموعه سرمایه‌ای برای فرد» می دید، اما آن را سازنده «منابع ساختاری اجتماع» می دانست.

12- کلمن قطعا معتقد بود که انواع مشخصی از ساختار اجتماعی، بیش از دیگران انتخاب‌های کنشگران را تسهیل می کند. به خصوص که او خانواده را مکان کهن سرمایه اجتماعی می دانست. متفکر دیگری که به سرمایه اجتماعی پرداخته است پاتنام است:

1- پاتنام بیش از همه تحت تاثیر افکار دوتوکویل درباره جامعه مدنی آمریکا قرار دارد.

2- او سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده است: سرمایه اجتماعی در اینجا به جلوه‌هایی از سازمان اجتماعی، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها، اشاره دارد که کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های هماهنگ افزایش دهد (پاتنام، 1993)

3- سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه های بالقوه برای افرادی که از مسئولیت فرار می کنند، موجب می شود که آنها در کنشهای جمعی سهیم شود؛ این کار از طریق تقویت هنجارهای قوی انتظار عمل متقابل و تسهیل جریان اطلاعات انجام می شود.

4- پاتنام در سال 1996 گفت: منظور من از سرمایه اجتماعی جلوه هایی از حیات اجتماعی است- شبکه ها، هنجارها و اعتماد- که مشارکت کنندگان را قادر می سازد که به شکل کاراتری با هم برای رسیدن به چیزهای مشترک عمل کنند.

5- پاتنام سپس بین دو شکل اساسی سرمایه اجتماعی تمایز قائل شد: پیوند دهنده¹ (شمول آور) و محدود کننده² (انحصاری). سرمایه اجتماعی الزام آور تمایل دارد که هویت های انحصاری و همگنی را حفظ کند؛ سرمایه اجتماعی پیوند دهنده افراد را از بخشهای مختلف اجتماعی کنار هم جمع کند

6- پاتنام مانند دوتوکویل از داوطلب بودن و اجتماعی بودن هواخواهی می کند چون این دو منجر به متعادل کردن قدرت افراطی اشتراکی افراد و تعدیل بی عاطفگی اجتماعی می شود.

با اینکه بورديو، کلمن و پاتنام اشتراک نظرهایی دارند، اما تفاوتی اساسی میان آنها وجود دارد. دیدگاه پاتنام امروزه بیش از همه مورد قبول گرفته است و توسعه داده می شود و دیدگاههای بورديو و کلمن تقریباً در حاشیه قرار دارند. اما هر کدام از این دیدگاهها در جای خود کاربرد دارند. اگر پژوهشگری قصد دارد به بررسی نابرابری و امتیازاتی که قشری خاص به خود اختصاص داده است، پردازد بی شک دیدگاه باید قبل از همه به سراغ اندیشه نظری بورديو برود و آنگاه باید به مواردی توجه کنند که شاید در اندیشه کلمن و پاتنام چندان مورد توجه نباشند. اگر پژوهشگری می خواهد به بررسی نقش نهادهای اساسی و سنتی در موفقیت اجتماعی افراد پردازد می تواند به سراغ اندیشه کلمن برود. اما اگر هدف بررسی نقش روابط اجتماعی و پیوندهای اجتماعی بالابردن کیفیت زندگی افراد باشد، اندیشه نظری پاتنام بیش از همه با این هدف سازگار است.

تحقیقات نشان داده اند که سرمایه اجتماعی با بسیاری از نابسامانی های اجتماعی همبستگی منفی دارد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی تاثیری مثبت دارد. به عنوان مثال وجود همبستگی مثبت بین سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی؛ تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر موفقیت تحصیلی کودکان کم بضاعت؛ تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی جوامع و همچنین تاثیر مثبت آن بر یافتن کار تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر امید به زندگی و همچنین سلامت؛ حتی بر اساس یک مطالعه گسترده در سوئد گفته شده است که یک شبکه اجتماعی گسترده می تواند به مقابله با زوال عقلی¹ (در کهنسالان یا بیماران) کمک کند. تاثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش میزان جرم و کجروی نیز تایید شده است.

همانطور که ملاحظه شد، رابطه نزدیکی میان آنچه درباره توسعه اجتماعی گفته شد و مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد. مفهوم سرمایه اجتماعی توضیح دهنده کمبودی است که در برخی جوامع احساس می شود. گسست اجتماعی پیامدهای نامطلوبی برای افراد و کل جامعه در پی دارد. اگر بخواهیم پژوهشهای انجام شده درباره سرمایه اجتماعی جمعبندی کنیم می توانیم مدعی شویم که اغلب آنها به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی پرداخته اند و در بسیاری از موارد هم این رابطه تایید شده است (صدیق، 1386).

بنابراین در کنار رفتارهای پرخطر در زمان فراغت می توان از صورت دیگری از فعالیتها که در زمان فراغت و به صورت داوطلبانه و بدون چشمداشت مادی صورت می گیرد یاد کرد. گروههای فعالیت داوطلبانه دارای مشخصاتی به شرح زیرند:

1. سازمان یافتگی این گروهها براساس اشتراک افراد متعدد است و به صورت گروهی شکل می گیرد.
2. این گروه براساس فعالیتهای ادامه دار تعریف می شود.
3. این سازمانها غیرانتفاعی اند.

4. سازمان‌های مذکور از طریق به اشتراک گذاشتن منابعی از جمله زمان، دانش، پول، ابزار و وسایل و امثال اینها در بین افراد گروه شکل می‌گیرند.

5. هدف از اشتراک منابع به دست آوردن لذت‌های خاص یا اهداف متمرکز گروه است.

6. فعالیت‌های مذکور در برگیرنده فعالیت‌های بیرونی و در زمان‌های آزاد است.

این سازمان‌ها را می‌توان در قالب‌های متفاوت طبقه‌بندی کرد که به اموری از حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی می‌پردازند. سازمان‌های خیریه و امدادسانی، گروه‌های فرهنگی و هنری، گروه‌های سیاسی و مراکز فعالیت‌های اجتماعی خاص از این دسته‌اند.

کارکرد این گونه سازمان‌ها در حوزه فراغت را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد که عبارت‌اند از مشترک و اشتراک در گروه و علایق و مدها و رفتارهای مرکزی گروه حس تعلق و همبستگی بالاتری پیدا می‌کنند و از حیث جامعه‌پذیری ارزش‌ها و هنجارها در حوزه‌های فرهنگ سنتی، همیاری، تعلقات مردانگی و زنانگی و امثالهم هم‌نوایی بهتری می‌یابند.

2. ابزاری برای نوآوری اجتماعی: عمدتاً نوآوری‌های فرهنگی و حتی فنی در این گونه اجتماعات و مؤسسات در حوزه فراغتی شکل می‌گیرد. استبینز (1992) این فعالیت را فراغت جدی می‌نامد که برای افراد آماتور منجر به تغییر در علایق و تمرین کرداری جدید می‌شود.

3. ابزاری برای تحرک اجتماعی: این گونه سازمان‌ها و مؤسسات به افزایش تحرک اجتماعی طی الگوهای خاصی کمک می‌کنند که برخی از آنها عبارت‌اند از این که اولاً داوطلب را به صورت حرفه‌ای به تصدی سمتی منصوب می‌کنند که برای او دارای اهمیت است. دوم آنکه به داوطلب اختیار و قدرت سیاسی برای عمل کردن در حوزه محلی اعطا می‌شود که خود منجر به افزایش حس جمعی در افراد می‌گردد و به بالا بردن منزلت فرد نیز کمک می‌کند و سوم آنکه عضویت داوطلبانه در گروه‌ها و کلوپ‌های اجتماعی موجب ایجاد تعلق به گروهی می‌شود که به احتمال با افزایش سرمایه اجتماعی فرد موجب تحرک اجتماعی می‌شود.

3. ابزاری برای توزیع قدرت: موسسات داوطلبانه عامل اصلی توزیع قدرت در جامعه‌اند. قدرت مذکور ممکن است به دو قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی تقسیم شود و آنگاه می‌توان عضویت فرد در مؤسسات داوطلبانه مذکور را در اوقات فراغتی‌اش بر مبنای توزیع این قدرت جستجو کرد. در این خصوص نکته اصلی آن است که تولید سلسله مراتب در اینگونه مؤسسات به توزیع قدرت اجتماعی کمک می‌کند و بازآرایی گروه در مؤسسات مذکور موجب می‌شود که حدود اختیارات و وظایف هر یک از افراد در محل نقش خویش معین و همین امر قدرتی اجتماعی برای کنش در حیطه اختیار - تکلیف هر یک از افراد در اختیار ایشان قرار دهد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که شکل‌گیری مشارکت‌های اجتماعی و نوآوری‌های فرهنگی در این مؤسسات منجر به افزایش اعتماد بین فردی در اعضای این گونه سازمان‌های داوطلبانه می‌شود که به برآوردن نیازهای بعدی افراد کمک خواهد کرد. از این رو می‌توان وقت فراغت و فعالیت فراغتی در قالب عضویت در این سازمان‌ها را تسهیل‌کننده جمع و انباشت کردن سرمایه اجتماعی افراد داشت.

اعتماد اجتماعی با فراغت از حیث توجه به ابعاد سلامت جسمانی مثل فعالیت‌های جسمانی اوقات فراغت سیگار کشیدن و عادات غذایی در ارتباط است (پورتینگا، 2006) اعتماد اجتماعی بر مبنای توجه به چشم‌انداز گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی شامل روابط مستحکم خانوادگی و دوستان، روابط اجتماعی، مانند عضویت در گروه‌های کار داوطلبانه و خدمات دینی و سرگرمی‌ها و فراغت‌های جمعی نیز تعریف شده است به همین سبب است که می‌توان در نظریه پاتنام (1993) مؤسسات مدنی را به نوعی با جوامع فراغتی مرتبط ساخت، زیرا در واقع فعالیت‌های سرمایه اجتماعی ساز درون جوامعی شکل می‌گیرد که در آن مؤسسات مدنی از جمله سرویس‌های خدمات اجتماعی سازمان‌های مذهبی گروه‌های محیط زیستی گروه‌های مصرف‌گروه‌های حقوق بشری مؤسسات و سازمان‌های هنری تجمعات کارگری و گروه‌های اجتماعی زنان در آن فعال‌اند. به نوعی می‌توان همه این موارد را تحت عنوان کلی جوامع فراغتی شناسایی کرد و به این ترتیب نشان داد که تقابل و تعامل چهره به چهره در این سازمان‌های فراغتی در اصل برسازنده

اعتماد اجتماعی نیز هست (جی یونگ، 2005) از سوی دیگر، عضویت در هر یک از موسسات ورزشی، سازمان‌های ارائه دهنده خدمات سرگرمی یا دیگر موسسات پرکردن اوقات فراغت و همچنین، گروه‌های فراغت‌ساز یا سازمان‌های مشابه به منزله یکی از چهار عامل اصلی شاخص‌های بالقوه در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دانسته شده‌اند (لیلباکا، 2006). با این همه در خصوص اعتماد بین فردی و سرمایه اجتماعی نباید از خاطر برد که تحلیل‌های مبتنی بر رفتارهای فراغتی نباید سازمان‌دهی‌های نظام سیاسی و اقتصادی را در قبال این مقوله نادیده گیرد (پورتز، 1998). همچنین، پر کردن اوقات فراغت با کارکردهای ایدئولوژیک نیز باید مد نظر قرار گیرد.

آسیب‌شناسی گذران اوقات فراغت

بنابر آنچه تاکنون گفته شد، نحوه استفاده از گذران اوقات فراغت و پیامدهای اجتماعی احتمالی ناشی از آنکه مبین شیوه جدیدی در زندگی بشر امروزی است روزبه روز اهمیت بیشتر می‌یابد و رفته رفته روشن‌تر می‌شود که تغییرات در نحوه گذران فراغت طی سبک‌های فراغتی متفاوت با روندهای اجتماعی پیوند خورده است و فهم این تغییرات به هر روی پیوستگی‌های بیشتری با تحلیل روندهای اجتماعی پیدا می‌کند. با تفکیک‌های چندگانه‌ای که در فصول قبل درباره اوقات فراغت برشمردیم روشن شد که هدف از فراغت رفع خستگی و ملال، تفریح و سرگرمی و ایجاد امکانی برای بالا بردن سطح معلومات و مشارکت در فضاهای اجتماعی و پرورش استعدادهای فردی است.

اگر گذران اوقات فراغت به صورتی مناسب صورت گیرد از نظر روان‌شناختی باعث ایجاد تعادل در فرد خواهد شد. در این خصوص پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است که برای نمونه به پژوهش هوارد تبیین لی و بار بارالدود اشاره می‌کنیم. آنان تلاش کردند که تاثیر مشارکت در فعالیتهای مناسب اوقات فراغت را برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی انسان و ایجاد تعاد روحی در او بررسی کنند. برای این منظور 82 فعالیت فراغتی را انتخاب و از 3771 نفر درباره این فعالیت‌ها پرسش شد و رابطه 12 فعالیت

فراغتی با برآورد نیازهای روحی افراد معین شد. براساس این پژوهش، گذران اوقات فراغت اگر به نحوی مناسب و متناسب با نیازها صورت گیرد بر بهداشت روانی فرد موثر است. در عین حال، نباید از خاطر برد که در کنار شکل گذران مثبت اوقات فراغت، گذران منفی و ناسالم نیز وجود دارد که ممکن است به تخریب شخصیت فرد منجر شود و نتایج عکس به بار آورد. از همین روست که از اوقات فراغت گاه به منزله نوعی شکل اجتماعی یاد می‌شود که اگر طرح و نقشه زندگی و کار مردم با برنامه‌هایی که برای اوقات فراغت تنظیم می‌شود مغایرت داشته باشد و اگر تفریحات از نظر ارزشی و فرهنگی با آموزش و ارزش‌های اجتماعی متباین باشند، اوقات فراغت دچار مشکل شده و مسبب تخریب به شمار خواهد آمد و می‌توان از رفتار پرخطر نام برد.

رفتارهای پرخطر رفتارهایی‌اند که سلامت و بهزیستی افراد جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهند. براین اساس، رفتارهای پرخطر به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که بروز آنها سلامت فرد را تهدید می‌کند و گروهی که به تهدید سلامت و آرامش فرد دیگری منجر می‌شود. این رفتارها عبارت‌اند از الف) رفتارهای ضد اجتماعی ب) پرخاشگری ج) اوباشی‌گری د) تخریب‌گری ه) بزهدکاری (ماهر، 1383). می‌توان گفت که این رفتارهای پرخطر و نیز رفتارهای انحرافی که در عرف با هنجارهای جامعه همخوانی ندارند در اوقات فراغت که فشار ساختارهای اجتماعی از طریق سازمان‌ها بر فرد کمتر است امکان ظهور بیشتری دارند. برخی از این رفتارها که در جوانان و دانشجویان به چشم می‌خورد عبارت‌اند از مصرف الکل، مصرف سیگار، مصرف مواد مخدر، رفتارهای جنسی نابه‌هنجار از جمله همجنس‌خواهی، آزار جنسی، ارتباط جنسی نامشروع و مقاربت‌های غیرقانونی و محافظت نشده. این عوامل که به تهدید جامعه و فرسودگی نسل جوان و در نهایت نابودی فرد - در حالت حاد - منجر می‌شوند، با توجه به ایجاد امکان در اوقات فراغت بخت بیشتری برای ظهور و بروز دارند و بر سبک فراغتی فرد به طور کلی تاثیر خواهند گذاشت. تحقیقات نشان داده است که مصرف مواد مخدر و قرص‌های روانگردان توهم‌زا و شادی‌آور در حوزه فراغت از منظر مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد و اصولاً به اعتیاد از این نظر به منزله فعالیتی فراغتی نگریسته می‌شود (گورلی، 2004) دریافت

این خطرات از سوی جوانان به نظام اجتماعی برای سیاستگذاری در این خصوص کمک خواهد کرد. فعالیت‌های فراغتی از نظر فضا و مکان دچار ریسک‌اند. در مطالعه‌ای که صورت گرفته ریسک زنان به واسطه سن، جنسیت، طبقه، نژاد، قومیت و فرهنگ سنجیده شده است. بدن جنسیت شده در این حوزه قابل تأمل است (قدم زدن در خیابان دختران، با هم بودن در مکان خلوت، کافی‌شاپ‌ها، ...) (گرین، 2006).

یکی از راهکارهای اصلی برای جلوگیری از پرداخت هزینه ارتباط با دوستان دارای ریسک بالا و حصول دیگر برون‌دادهای مثبت در زمان فراغت، به کار بستن فراغت سازمان یافته است که در آن فرد برای رسیدن به سطح مطلوبی از توانایی در آینده، زمان فراغت خود را به گونه‌ای که به بازتوانی، خلاقیت و آموزش او کمک کند در قالب فعالیت‌هایی مبتنی بر هم‌آمیزی کار و فراغت سازمان دهد (تلما و همکاران، 2005). این نوع فراغت نزد دانشجویان به اجرای برنامه‌هایی برای دستیابی به کار در قالب تحصیلات مکمل و کارآموزی و آموزش‌های فنی و مهارت‌های کاری منجر می‌شود (کرمین، 2005). اینترنت، فضای مجازی گذران اوقات فراغت است که در حوزه خصوصی و خانهای شدن گذراندن اوقات فراغت در شرایط اجتماعی فعلی، روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. کشانده شدن فعالیت‌ها به فضای مجازی اینترنت از فضای نیمه واقعی خانه و خیابان، ساخت‌های روانی شهرنشینان و به ویژه گروه‌های کم سن و سال را در جهت دور شدن از معنای ارتباطی و تبدالی وقت فراغت سازمان می‌دهد این را باید یک کانون آسیبی در جامعه شهری بدانیم که تعادل میان فضاهای اجتماعی را بر هم زده است. شکاف‌های میان نسلی حاصل از تداوم این ناموزونی بی‌تردید یک مساله مهم اجتماعی است که باید برای آن چاره‌جویی شود (مقدسی، 1386).

وقت آزاد و نحوه گذران آن

حال وقت آن رسیده است که به نحوه گذران اوقات فراغت فردی در زمان متوسطی که هر فرد در شبانه روز در اختیار دارد بپردازیم. این امر از آن رو مهم است که تمایل افراد را به گذران وقت نشان می‌دهد و مدیریت زمان را نزد هر یک به منزله رویکردی روش‌شناختی به دست می‌دهد که به خوبی می‌توان با دیدی انتقادی به باز کاوی آن پرداخت. تمایل مصرف وقت در سطح بین‌المللی را در ابتدا باید ناشی از ساختار بندی روزهای کاری و زمان کار در هر کشور دانست که در مطالعات مدیریت زمان بررسی می‌شوند. با توجه به گستره فعالیت‌هایی که در هر یک از عرصه‌های فراغت دسته‌بندی می‌شوند، وقت واقعی که هر فرد برای هر مقوله صرف می‌کند به صورتی کاملاً فردی معین می‌شود. اما با این همه می‌توان نمایی کلی، که البته بسیار وابسته به وضعیت فرهنگی آن جامعه خاص است، به دست داد. برای مثال گذران وقت فرد در طول شبانه‌روز را برای سه کشور متفاوت در نظر می‌گیریم. این کشورها در دنیای غرب واقع‌اند و به نوعی بازتاب دهنده نیازها و علایق رفتاری آن کشورها و این مسئله را باید در دیدگاه‌های بعدی لحاظ کرد. در جدول 1 مقدار زمان صرف شده در الگوی زمان‌بندی فردی برای کانادا و در جدول دوم این میزان به صورت تفکیکی‌تر و در مقایسه با کشورهای فرانسه و امریکا آورده شده‌اند.

جدول شماره (1-2): الگوی گذران وقت در کانادا

خواب	8 ساعت و 13 دقیقه
فراغت	6 ساعت و 15 دقیقه
رسانه	2 ساعت و 14 دقیقه
فعالیت‌های فرهنگی	39 دقیقه
ورزش	30 دقیقه
فعالیت‌های مرتبط با کار	3 ساعت و 41 دقیقه
نیازهای شخصی شامل صرف غذا	1 ساعت و 53 دقیقه
امور منزل	1 ساعت و 48 دقیقه
خرید	45 دقیقه
بچه‌داری	22 دقیقه
تحصیلات و آموزش	35 دقیقه
برنامه‌ریزی و نظم‌دهی امور	24 دقیقه
وقت باقیمانده یا تلف شده	1 دقیقه

جدول شماره (2-2): بررسی تطبیقی زمان مصرفی در سه کشور کانادا، فرانسه و امریکا

امریکا	فرانسه	کانادا	
9 ساعت و 54 دقیقه	11 ساعت و 58 دقیقه	11 ساعت و 13 دقیقه	نیازهای شخصی
7 ساعت و 42 دقیقه	9 ساعت و 58 دقیقه	8 ساعت و 17 دقیقه	خواب شخصی
1 ساعت و 8 دقیقه	1 ساعت و 33 دقیقه	—	صرف غذا در منزل
—	3 ساعت و 34 دقیقه	4 ساعت و 14 دقیقه	فعالیت‌های مرتبط با کار (شامل آموزش‌های شغلی)
3 ساعت و 59 دقیقه	2 ساعت و 31 دقیقه	3 ساعت و 2 دقیقه	کارهای همیشگی
8 دقیقه	4 دقیقه	2 دقیقه	شغل دوم
—	6 دقیقه	—	استراحت
19 دقیقه	31 دقیقه	40 دقیقه	آموزش سنی
20 دقیقه	22 دقیقه	23 دقیقه	ارتباط با کار
1 ساعت و 52 دقیقه	4 ساعت و 28 دقیقه	3 ساعت و 25 دقیقه	تکالیف و امور منزل (شامل وظایف خانوادگی)
—	1 ساعت و 37 دقیقه	1 ساعت و 26 دقیقه	امور منزل (تکلیف)
—	43 دقیقه	—	سفر
—	25 دقیقه	—	خرید
—	25 دقیقه	—	مواظبت از حیوان خانگی
—	24 دقیقه	—	تهیه لباس (در منزل)
—	17 دقیقه	—	نظافت منزل
—	15 دقیقه	—	خشکشویی و لباسشویی
—	13 دقیقه	20 دقیقه	مواظبت از بچه‌ها
—	5 دقیقه	—	امور آموزشی بچه‌ها
—	4 دقیقه	—	مواظبت از سالمندان

وقت آزاد	5 ساعت و 7 دقیقه	4 ساعت	5 ساعت و 53 دقیقه
تلویزیون	2 ساعت و 17 دقیقه	1 ساعت و 44 دقیقه	2 ساعت و 29 دقیقه
نامه‌نگاری و تلفن	—	31 دقیقه	—
مطالعه	26 دقیقه	27 دقیقه	31 دقیقه
دیدار دوستان	—	17 دقیقه	—
پیاده‌روی، شکار، ماهیگیری	—	17 دقیقه	—
تفریحات	—	11 دقیقه	—
بیرون از خانه	—	9 دقیقه	—
ورزش	21 دقیقه	8 دقیقه	15 دقیقه
رادیو، ضبط صوت	—	16 دقیقه	—
تفکر و آرامش(تن) آرامی) relaxation	—	5 دقیقه	—
سازمان‌دهی و نظم‌دهی	47 دقیقه	3 دقیقه	17 دقیقه
امور مذهبی و اعمال عبادی	—	2 دقیقه	—

حال اگر این سلسله از جداول را در طول یک دوره زمانی تعقیب کنیم ملاحظه می‌شود که روزه روز بر میزان وقت آزاد افزوده شده و از میزان ساعات کار کم می‌شود. سعیدی این امر را با گذر بازار کار از تیلوریسم به پست فوردیسم بررسی کرده است (سعیدی، 1383). با این تعبیر، حوزه کار دچار تغییرات عمیقی شده است که برای فهم آنها لازم است نظام‌های تولیدی را کاوید. بر این اساس، تقسیم کار صنعتی که وظایف هر کارگر را ساده و ساده‌تر کرده است موجب تضعیف قدرت چانه‌زنی کارگران در بازار کار می‌شد و به این ترتیب هزینه دستمزدها پایین نگاه داشته می‌شد (بریورمن، 1974). با توسعه تقسیم کار و شدت آن تولید انبوه به طریق فوریسم شکل گرفت (هانسل، 1984) که در واقع بسط اصول مدیریت علمی به تولید بود. از دهه 1970 به بعد شرکت‌های بسیاری به دنبال توجه به خلاقیت کارگران به رهایی از فوریسم می‌اندیشیدند و رفته رفته در نظام کار سعی بر آن قرار گرفت که بیگانگی کارگر با کار کاهش یابد و این امر به نحوی کار تیمی و افزایش اختلاط مهارت‌ها را پیش کشید. در ارائه این تغییرات و بر اثر ورود تکنولوژی‌های اطلاعاتی اقتصاد دانش محوری شکل گرفت که در آن رقابت در بازار با سرمایه متحرک‌تر صورت می‌گیرد و انعطاف‌پذیری کار افزایش یافته است. سعیدی (1383) به این ترتیب تغییرات بازار کار و به تبع آن بازار فراغت را از تحولات تولید نتیجه می‌گیرد. با این همه تغییرات زمان آزاد فقط ناشی از تغییر نحوه تولید نبوده و به عوامل دیگری نیز بستگی دارد. یکی آن که در استفاده از زمان، خواب رتبه نخست را

به خود اختصاص داده است که قابل مقایسه با زمان کار فرد در طول شبانه‌روز است. همچنین فعالیت‌هایی که فرد در منزل انجام می‌دهد و سازگار با نظریه باز خصوصی‌سازی خانواده گیدنز است از این نظر پشتیبانی می‌کند که زمان گذرانیده شده در فعالیت‌هایی که در منزل صورت می‌گیرند رو به افزایش است. از سوی دیگر مدت زمانی که فرد صرف امور شخصی خود می‌کند نیز هر چه بیشتر بخش فراوانتری از فعالیت‌های زمان فراغت را در برمی‌گیرد. در پژوهش حاضر لازم است که این موارد نیز در حوزه زندگی دانشجویی بررسی شود.

مروری بر تحقیقات داخلی

در این بخش به بررسی پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد و دکترا، طرح‌های پژوهشی و نیز مقالات مرتبط با موضوع اوقات فراغت پرداخته خواهد شد.

پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی را که عمدتاً پیمایشی بوده اند می‌توان بر اساس دوره زمانی ده ساله تقسیم بندی نمود لکن با توجه به محتوای مطالب، این تحقیقات در دو دسته طبقه بندی شده اند:

- سال 1374 و قبل از آن (1354-1374)

- سال 1375 تا کنون (1375-1386)

تقسیم‌بندی فوق - همانگونه ذکر شد - بر اساس محتوای مطالب، روش‌های آماری بکار گرفته شده و استفاده از چارچوب نظری بوده است.

تا قبل از سال 75، عمدتاً تحقیقات به صورت توصیفی بوده و یا به سنجش رابطه در سطح اسمی می‌پرداخته است. ضمن آنکه آنچنان از چارچوب نظری منسجم و مباحث نظری مرتبط نیز برخوردار نبوده است ولیکن در سالهای اخیر شاهد رونق گرفتن تحقیقات در این حوزه و توجه به مباحث نظری و روش‌شناسی، و بکارگیری آمارهای تحلیلی جهت آزمون فرضیه‌ها بوده ایم.

در دهه اخیر بواسطه توجه ویژه سازمان ملی جوانان به مقوله اوقات فراغت، تحقیقات بسیاری در این خصوص انجام شده است.

همچنین طرحها و پیمایشهای ملی توسط این سازمان و دیگر ارگانها نظیر پیمایش ملی رفتارهای فرهنگی ایرانیان، ارزشها، نگرشها، آگاهی ها و... فرصت مغتنمی را در اختیار محققان قرار داد تا با استفاده از این یافته‌ها، فعالیتهای فراغتی در میان مردم ایران را مورد بررسی، بحث و کاوش قرار دهند.

الف) سال 1374 و قبل از آن (1354-1374)

میدان مطالعه اکثر این تحقیقات دانشگاه و مدرسه بوده است و به چگونگی گذران فراغت دانش آموزان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه پرداخته شده است. عمده این تحقیقات توصیفی بوده و به نحوه گذران اوقات فراغت بر حسب ویژگی های فردی نظیر سن، جنسیت، درآمد و... پرداخته است.

اکثر تحقیقات این دوره نشان دهنده استفاده گسترده از برنامه‌های رسانه‌های جمعی در زمان فراغت است (زاهدی اصل، 1358؛ محمودی اشکور، 1369). نتایج تحقیق " بهرام (1367) نشان می‌دهد که میزان اوقات فراغت دانش آموزان به طور متوسط 4 ساعت در روز است و تحقیق مهدی پور (1372) زمان فراغت دانشجویان را بین 3 تا 5 ساعت در روز بیان می‌نماید.

در مورد گزینه‌های مورد نظر افراد در زمان فراغت، یافته‌های پژوهش‌های مورد نظر موارد متعددی را بیان داشته‌اند. فعالیت‌هایی نظیر فعالیت‌های هنری، کتابخانه‌ای، ورزشی و سرگرمی‌های داخل منزل طرفداران اندکی دارد (کیان، 1356) و افراد بیشتر علاقه مند هستند که زمان فراغت‌شان با فعالیتهای جمعی نظیر گردش، تفریح و ورزش پر شود (محمودی، 1356؛ یزدانی فاروقی، 1373) و معاشرت با خانواده و نیز دوستان از اولویتهای فراغت آنان به شمار می‌رود (زاهدی اصل، 1358؛ یزدانی فاروقی، 1373).

در مورد مهمترین موانع گذران اوقات فراغت، مطالعه کیان (1356) نشان می‌دهد که این موانع برای دو گروه درآمد بالا و پائین یکسان نمی‌باشد و افراد پائین برای پرداختن به فعالیتهای فراغتی از کمبود پول

و موانع اجتماعی رنج می برند اما مهمترین مانع برای افراد بالا موانع شخصی و فردی، نظیر کمبود وقت است. حسین محمودی اشکور (1369) به خلاء فراغت یعنی وقت‌های بدون برنامه و توأم با خستگی و سرگردانی در زمان فراغت دانش آموزان اشاره می کند. و یزدانی فاروقی (1373) پائین بودن امکانات و شرایط ایجاد شده را علت گرایش پائین دانشجویان به ورزش می داند.

ب) سال 1375 تا کنون (1375-1386)

در این دوره، طرح‌های پژوهشی متعددی از سوی سازمان ملی جوانان انجام شد. یکی از این مطالعات نشان می دهد که عمده ترین صورت‌های گذران اوقات فراغت در شهر تهران تماشای تلویزیون با 83٪، استراحت با 67٪، دیدار دوستان و خویشاوندان با 58٪، انجام کارهای هنری با 43٪ و بازی و ورزش با 42٪ بوده است و البته تفاوت‌هایی از این حیث میان دختران و پسران و مجردها و متاهلین وجود دارد (سعادت شیخ، 1375).

جوانان مرد بیش از جوانان زن و افراد مجرد بیش از متاهلین به بازی و ورزش می پردازند، به سینما می روند، رادیو گوش می دهند، در مسجد و هیئت مذهبی و مراسم دعا حضور می یابند و روزنامه مطالعه می کنند. زنان بیشتر از مردان به تماشای تلویزیون می پردازند و به انجام کارهای هنری (فعالیت‌های غیر حرفه‌ای) در زمان فراغت خود می پردازند در حالی که جوانان مرد بیشتر از جوانان زن (مخصوصا مجردین) بخشی از وقت خود را با قدم زدن در خیابانها و گردش در مراکز خرید و ایستادن سر کوچه و خیابان می گذرانند و به طور متوسط هر فرد علاقه مند به این فعالیت در روز، در حدود 108 دقیقه از وقت خود را صرف قدم زدن در خیابان‌های و گردش در مراکز خرید می کند. بر این اساس، سرانه زمان قدم زدن در خیابانها و گردش در مراکز خرید، 25 دقیقه در روز برآورد می شود. آنها همچنین بیشتر از زنان در زمان فراغتشان، علاقه مند رفتن به پارک و مناطق خوش آب و هوا هستند. در مورد وضعیت تحصیلی، یافته ها

نشاندهنده وجود رابطه میان تحصیلات و چگونگی گذران اوقات فراغت است (مهدی پور، 1385؛ سعادت شیخ 1375 و اشرف الکتابی، 1379).

در تحقیق دیگری که با حمایت سازمان ملی جوانان به انجام رسید. چگونگی پرداختن به فعالیت‌های مختلف فراغتی در سطح ملی مدنظر بوده است و نتایج حاصل از پژوهش در گروه‌های شهری یک تا چهار حاکی از آنست که از بین فعالیتهای گوناگونی که در گذران اوقات فراغت نوجوانان در فصل تابستان نقش دارند، تماشای تلویزیون، دیدار خویشاوندان و دوستان، بازی و ورزش، مطالعه کتاب، رفتن به پارک و مجموعه‌های تفریحی، صحبت با افراد خانواده، استراحت و دراز کشیدن و انجام کارهای هنری سهم بارزی دارند و در این میان تماشای تلویزیون دارای موقعیت متمایزی نسبت به دیگر فعالیت‌ها برخوردار است. یافته‌ها نشاندهنده آن است که سرانه زمان تماشای تلویزیون در یک شبانه روز، بین نوجوانان پاسخگو، قریب به سه ساعت و نیم و در بین جوانان، نزدیک به سه ساعت است و نوجوانان دختر نسبت به نوجوانان پسر زمان بیشتری را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند (227 دقیقه برای دختران نوجوان در مقابل 190 دقیقه برای پسران و 207 دقیقه برای دختران جوان در مقابل 152 دقیقه برای پسران جوان).

عامل تاهل در جوانان مرد و سن (مرد و زن) بر میزان تماشای تلویزیون تاثیر می‌گذارد و موجب کاهش مدت زمان آن می‌گردد. البته سهم بازی و ورزش نیز قابل توجه است ولی در نزد نوجوانان پسر و دختر متفاوت است و به طور متوسط یک پسر نوجوان دوبرابر دختر نوجوان و یک پسر جوان سه برابر دختر جوان به بازی و ورزش می‌پردازد.

مجردین بیش از متاهل‌ها و مجردهای جوان بیش از دیگران وقت خود را صرف بازی و ورزش می‌کنند. رشته مورد علاقه جوانان مرد، فوتبال و جوانان زن، والیبال است. دختران بیش از پسران به موسیقی گوش می‌دهند و وقت خود را صرف کارهای هنری می‌کنند. سرانه زمان مطالعه در دختران 24 دقیقه و در پسرها 19 دقیقه در روز است و کتابهای رمان و داستان از کتابهای مورد علاقه نوجوانان (بویژه در نزد دخترها) به شمار می‌رود.

ضمن آنکه، سهم اصلی فعالیت‌های اوقات فراغت را بایستی مختص به فعالیت‌های داخل منزل دانست. و نتایج پژوهش در گروه‌های 5 و 6 نشان می‌دهد که تماشای تلویزیون، بازی و ورزش، مطالعه کتاب، دیدار خویشاوندان و دوستان، استراحت، دراز کشیدن و صحبت با افراد خانواده و انجام کارهای هنری رایج‌ترین شیوه‌های گذران اوقات فراغت در بین نوجوانان می‌باشد که سهم زمانی تماشای تلویزیون قابل مقایسه با دیگر فعالیت‌ها نمی‌باشد و سهمی قابل توجه در گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان برعهده دارد و سریالها، فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های ورزشی از برنامه‌های پربیننده تلویزیون در نزد نوجوانان و جوانان به شمار می‌رود (سعادت شیخ، 1386).

پژوهش‌های دانشجویی انجام شده در این حوزه، عمدتاً به میزان فراغت و نحوه اشکال گذران آن اشاره داشته‌اند و بر متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، جنس، تحصیلات، درآمد، شغل و تحصیلات والدین و غیره تاکید نموده‌اند. در اغلب این تحقیقات، آمار توصیفی و در نهایت تحلیل همبستگی ارائه شده و رابطه میان متغیرهای فوق بر این اساس باید گفت که میان سن و اشکال گذران اوقات فراغت (صالحی، 1378)، تحصیلات با نحوه گذران اوقات فراغت (اشرف الکتابی، 1379؛ مهدی پور 1385؛ صالحی، 1378) جنسیت و نحوه گذران اوقات فراغت، در آمد والدین با چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان (مهدی پور، 1385)، میزان درآمد بر چگونگی گذران اوقات فراغت (کیان، 1356 و صالحی، 1378) رابطه معنادار دارد.

همچنین رابطه میان میزان فراغت با ویژگی‌های فردی نشان می‌دهد که میان میزان گذران اوقات فراغت و درآمد خانواده (برازنده تر، 1376؛ سلمان عبادی، 1379؛ مهدی پور، 1385) و نیز میزان فراغت با تحصیلات (براندازه تر، 1376؛ سلاطینی، 1385)، سن (مهدی پور، 1385) و افزایش کارائی و انبساط خاطر (صالحی، 1378) رابطه معنا دار وجود دارد.

در مورد جوانان، اوقات فراغت و رسانه‌ها، تحقیقات جالبی توسط لیونگستون (2002) انجام شده که نتایج آن حاکی از آنست که: مخاطبین امروزی دیگر کمتر بر اساس رضامندی و خشنودی، در جستجوی

رسانه ها هستند، بلکه بیشتر بر اساس نیازها روزمره و یا نیاز و محتوای جامعه از رسانه های نوین استفاده می کنند... (و همچنین) دختران طبقه کارگر، وقت زیادی را صرف موسیقی و تلویزیون می کنند و برای مطالعه، بیشتر مجلات فکاهی را انتخاب می کنند و اگر به کامپیوتر دسترسی داشته باشند، راحت هستند و احساس آسودگی می کنند. ولی نگرش آنها نسبت به والدین، اجتماع و مدرسه، چندان مثبت نیست و لوح های فشرده، کاست ها و نوارهای ویدئویی خوانندگان مشهور را بین هم توزیع و معاوضه می کنند. در مجموع نوجوانان با افزایش سن و نزدیک شدن به اواخر دوره نوجوانی، محیط رسانه ای خصوصی برای خود فراهم می آورند (به خصوص کامپیوتر و موسیقی).

البته برخی تحقیقات به بررسی رابطه گذران اوقات فراغت با دیگر مولفه های اجتماعی پرداخته اند. در دو تحقیق، میزان رضامندی زنان متاهل از چگونگی اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفته است. وضعیت تاهل را یکی از اصلی ترین متغیرهای تاثیر گذار بر نحوه گذران اوقات فراغت به شمار آورده اند. تحقیقات مختلف نشاندهنده تفاوت و نابرابری فعالیتهای فراغتی در میان مردان و زنان است و عامل جنسیت در انجام فعالیتهای فراغتی موثر است (کیان، 1356). زنان و دختران نسبت به مردان، آزادی کمتری در نحوه گذران اوقات فراغت برخوردار هستند (اشرف الکتابی، 1379). اکثریت زنان متاهل از نحوه گذران اوقات فراغت خود قبل از ازدواج رضایت بیشتری داشته اند. ضمن آنکه نتایج این پژوهش نشان می دهد که رابطه معنا داری میان رضایت مندی از گذران اوقات فراغت و رضا مندی از زندگی زناشویی وجود دارد. همچنین زنانی که اوقات فراغتشان را در خانه سپری می کنند، کمتر از زندگی زناشویی شان رضایت دارند (سلاطینی، 1385).

یافته های تحقیق "شفیعی" نیز نشان می دهد که میان تحصیلات زنان، تعداد فرزندان خردسال و پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان و نیز در آمد آنها با میزان رضا مندی از گذران اوقات فراغت رابطه معنا دار وجود دارد (شفیعی، 1383).

رابطه قشربندی اقتصادی و گذران اوقات فراغت - به عنوان یکی از شاخصهای مهم سبک زندگی - در مطالعه شعبانزاده (1384) مورد بررسی قرار گرفته است. او با الهام از نظریه بوردیو و نیز تقسیم بندی پنج گانه دو مازدیر به بررسی تاثیر سرمایه های اقتصادی و فرهنگی بر نحوه گذران اوقات فراغت پرداخته است. یافته ها حاکی از آنست که میان سرمایه فرهنگی پاسخگویان فراغت های جسمانی (ورزش، مسافرت و...) و نیز سرمایه اقتصادی و فراغت های فکری (خواندن کتاب، مجله، تماشای تلویزیون و...) و جسمانی رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین میان قشربندی اجتماعی پاسخگویان (مجموع سرمایه های اقتصادی شامل درآمد، شغل والدین، مجموعه دارایی های خانوار و سرمایه فرهنگی شامل میزان تحصیلات والدین) و فراغت های فکری و جسمانی رابطه مستقیم و فعالیت های عملی (نظیرسفال سازی، باغبانی و...) رابطه منفی وجود دارد. از اینرو می توان گفت که از میان طبقه بندی پنج گانه دومازدیر (شامل فراغتهای هنری، عملی، اجتماعی، فکری و جسمانی)، دو فراغت آخری بیشترین تاثیر را از قشر اجتماعی اخذ نموده اند.

همچنین با استفاده از تحلیل ثانویه و استفاده از طرحها و پیمایشهای ملی، مقالات متعددی در چند سال اخیر به رشته تحریر درآمده است. موضوع مشترک چندین مقاله - تقریباً بیش از نیمی از مقالات - پرداختن به نقش فضاهای شهری در گذران اوقات فراغت بوده است (مژگان عظیمی، دکتر عبدالرضا باقری بنجار، ناصر فکوهی، علی اکبر مجدی، حمید مقدس فرد، حامد بخشی، ژاله جلیلی و محمد نوعی)

فضاهای شهری که شامل فضاهای مربوط به فضاهای ورزشی، بازی، فرهنگی، تفریحی و تغذیه است، از طریق برقراری روابط اجتماعی، بستری را برای زندگی شهرنشینان فراهم ساخته و به شخصیت شهری شکل می دهند. همانگونه که بهبود ساختارهای اقتصادی و فرهنگی و ساماندهی نظام اجتماعی موجب تحول فعالیت های فرهنگی شهروندان می گردد، کمبود یا ناکارآمدی این فضاها، موجب رواج برخی پدیده ها می گردد که از جمله آن می توان به تضعیف انسجام شهری و رواج فراغتهای منفعل و استفاده از فضاهای خصوصی تر و محدودتر افراد در زمان فراغت اشاره نمود.

"محمد نوعی" در مقاله خود اشاره می نماید که فعالیت های فراغتی که نیاز به برقراری رابطه اجتماعی

چندانی ندارد و در یک محیط خصوصی تر انجام می‌گیرد، استقبال بیشتری از آن می‌شود تا فعالیت‌های فراغتی که مستلزم برقراری روابط اجتماعی در محیط عمومی تر جامعه یا همان فضاهای شهری است.

دکتر آزاد ارمکی، ژاله جلیلی، مژگان عظیمی و حمید مقدس فرد نیز در مقالات خود و با استفاده از یافته‌های پیمایش‌های ملی به مسئله غلبه الگوهای منفعل و گذران فراغت در محیط‌های بسته و عمدتاً خانه پرداخته‌اند. "حمید مقدس فرد" کهنگی ساختارها در فضای شهری، استاندارد نبودن آن، کمبود امکانات و موانع فرهنگی و سیاسی را موجب کشیده شدن فعالیت‌های فراغتی به درون خانه‌ها و محیط‌های بسته می‌داند و بازسازی فضاهای شهری در سه جنبه فیزیکی (سرزمینی)، اقتصادی و مدنی را پیشنهاد می‌نماید و تغییر کاربری زمین و ساختن منطقه‌عاری از اتومبیل و سازماندهی فعالیت‌های عام‌المنفعه جمعی، افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مربوط به منابع عمومی همچون حمل و نقل عمومی و زیرساخت‌های ارتباطی (جنبه اقتصادی) و نوسازی فضای شهری مدنی جهت مشارکت عمومی و شهروندی عمومی را مدنظر قرار می‌دهد.

ضمن آنکه فقدان یا عدم فضای شهری برای گذران اوقات فراغت و یا غیر استاندارد بودن این فضاها منجر به برهم خوردن تعادل میان فعالیت‌های مربوط به گذران اوقات فراغت در جامعه و فضاهای شهری می‌گردد که بازتعریف فضاهای شهری توسط شهروندان و رواج پدیده‌هایی چون تفریح سواره، پاساژگردی و غیره از پیامدهای آن می‌باشد. "حامد بخشی" (1385) در مقاله خود، ناهمخوانی ساختارهای شهری کشورهای جهان سوم با نیازهای افراد جامعه را موجب بازتعریف ساختارهای موجود توسط افراد می‌داند. به عبارتی، بواسطه پاسخگو نبودن نیازهای مردم و کمبود فرصت‌های اوقات فراغت، بازتعریف یا استفاده دوگانه از فضاهای شهری به عنوان یک راه حل جبران مطرح می‌شود و شهروندان از فضاهای شهری که با نیت و قصد دیگری ساخته شده‌اند، برای گذران اوقات فراغت خود استفاده می‌نمایند که از نمونه‌های آن می‌توان به استفاده از فضای سبز شهری و بلوارها و میادین برای استفاده تفرجگاهی در روزهای تعطیل، استفاده از فضاهای آسفالتی شهری به عنوان میادین ورزشی، به ویژه فوتبال و استفاده از مکانهای خرید

عمومی و به ویژه بوتیک های لباس و اشیاء فانتزی، برای برقراری ارتباط با جنس مخالف و دوست یابی های جنسی اشاره نمود.

”زاله جلیلی“ (1385) کمبود امکانات تفریحی در شهر و احساس آزادی بیشتر در حریم نیمه خصوصی اتومبیل، کم هزینه بودن گردش سواره در شهر، کمبود فضاهای باز شهری، سرانه پایین فضاهای سبز و باز و پاسخگو نبودن یا ناکارآمدی این فضاها را از دلایل استفاده از اتومبیل به عنوان وسیله تفریح بر می شمارد. و از اینروست که ”ندا قاضی زاده و علیرضا منعم“ در مقاله ای مشترک به الزامات طراحی در فضاهای مخاطب محور، با تاکید بر استفاده کنندگان از فضا، در محیط های باز شهری می پردازند و استفاده کنندگان شامل گروه خانواده ها، گروههای دانش آموزی و دانشجویان و گروههای دوستی را اصلی ترین معیار برای طراحی فضاهای تفرجگاهی برمی شمارند.

به اینترنت به عنوان یکی از اشکال جدید گذران اوقات فراغت در مقاله ”پاک سرشت و نوری نیا“ (1385) و با استفاده از نتایج یافته های ”پیمایش ملی رفتارهای فرهنگی و فراغتی سازمان ملی جوانان“ توجه شده است. آنها به تاثیر کاربرد اینترنت بر فراغت اجتماعی، رفتار رسانه ای و نیز رفتارهای سرگرم کننده پرداخته و نشان داده اند که، تعداد دوستان صمیمی کاربران اینترنتی و نیز میزان معاشرت آنها با دوستان، شرکت در میهمانی های دوستانه و ترجیح دوستان بر خانواده برای گذران فراغت، بیش از جوانان غیر کاربر می باشد. همچنین، میزان مطالعه کتاب، روزنامه و مجله، در بین کاربران بیشتر است در حالی که میزان تماشای تلویزیون در بین کاربران کمتر از غیر کاربران می باشد. کاربران بیش از غیر کاربران فیلم تماشا می کنند، به سینما و یا تئاتر می روند و ماهواره تماشا می کنند و موسیقی گوش می دهند. آنها همچنین بیشتر به پارک و مراکز تفریحی می روند و به ورزش و رفتارهای پرتحرک می پردازند. و در نهایت نویسندگان مقاله، نقش ترغیب کننده کاربرد اینترنت در رفتارهای سرگرم کنندگی و تفریحی را به دلیل تاثیر شبکه روابط دوستانه و در نتیجه تمایل به رفتارهایی می دانند که این روابط را تقویت می کند.

از دیگر مسائل مورد توجه در مقالات، بررسی الگوی نسلی فراغت بوده است. ”مرتضی منادی“ (1385)

در تحقیق خود در پی شناسایی فرهنگی و اوقات فراغت جوانان و والدینشان بوده است و با مقایسه تماشای ماهواره، زمان و نوع تماشای برنامه های تلویزیون، زمان و نوع مطالعه، زمان و نوع موزیک، زمان و نوع ورزش، ارتباط با هنر، فعالیتهای مذهبی و سیاسی و در نهایت فرهنگ با تمامی هویت اجتماعی، فرهنگی والدین با فرزندان جوانشان، به این نتیجه دست یافت که تفاوت فاحشی بین سرمایه های فرهنگی، دنیای فرهنگی یا فرهنگ و نظام و ارزش ها و باورهای والدین و جوانان در جامعه فعلی وجود دارد و به عوامل متعددی چون تاثیر فضاهای فرهنگی اطراف جوانان، وجود ماهواره و اینترنت، محدود کردن جوانان، بی توجهی به احساسات آنها و نبود فعالیتهای متناسب با سن و نیاز آنها، غمگین بودن برنامه های تلویزیونی و برخوردهایی که بعضا در محیط های عمومی با جوانان می شود و غیره در ساختن دنیای فرهنگی متفاوت از دنیای والدینشان اشاره می نماید.

"دکتر آزاد ارمکی" (1385) نیز در مقاله خود با عنوان "الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران" و با استفاده از نتایج دو طرح ملی و استانی (تهران) به ارائه سیمای کلی از گذران اوقات فراغت پرداخته و الگوی فراغت را با گذشته مقایسه نموده است. نتایج کلی این مطالعه نیز نشاندهنده آنست که روند تغییرات از نسل اول به نسل سوم نوسانی و چند خطی است. اوقات فراغت نسل دوم مرتبط با کار و زندگی واقعی است در حالیکه نسل اول و سوم بیشتر فراغت خود را به ورزش و تماشای آن، گردش و تماشای فیلم و گوش دادن به موسیقی می گذرانند. نسل سوم به لحاظ کم تحرکی یا بی علاقهگی تمایل کمتری به مسافرت و خارج شدن از منزل دارند.

ضمن آنکه متغییر جنسیت و ساختار طبقاتی جامعه را باید متغییرهایی تعیین کننده دانست. مردان و زنان نسل اول تمایل به مسافرت از نوع زیارت و دیدار از اقوام بیشتر از مسافرتهای تفریحی است. در حالیکه این نسبت در مورد زنان و مردان نسل دوم و سوم کاملا برعکس است. همچنین، طبقات پایین جامعه، روش ها و شیوه های متفاوتی در گذران فراغت از طبقه بالای جامعه دارند.

مسئله دیگری که در مقالات با استفاده از تحلیل ثانویه و استفاده از یافته های پژوهش ملی "مصرف

کالاهای فرهنگی در ایران " توسط دکتر جوادی یگانه و سید ضیاء هاشمی بدان پرداخته شده است، مساله مطالعه در اوقات فراغت است. بر اساس نتایج این پژوهش، سرانه مطالعه کتاب برای جمعیت 7 سال به بالای کشور، 6.7 دقیقه در شبانه روز و مطالعه مطبوعات برای کل جمعیت 20 دقیقه، برای باسوادان 23 دقیقه و برای اهل مطالعه 54 دقیقه در شبانه روز است. نویسندگان این مقاله با جمع بندی نظرات صاحب نظران در خصوص علل پایین بودن میزان مطالعه در ایران، این نظرات را در چهار دسته ذیل جای داده‌اند.

1- در سطح فردی و نظام آموزشی (فقدان آموزش در خصوص کتاب، پایین بودن سطح سواد در فرهنگ و گرفتارهای معیشتی)

2- سطح حکومت و نظام سیاسی (عدم اعتماد متقابل نویسندگان و ناشر با حکومت و برنامه‌ریزی های نادرست حمایتی)

3- نظام فرهنگی (فقدان نظام برنامه ریزی فرهنگی در کشور، نقش مخرب رسانه در پرکردن اوقات فراغت، نشر خارج از برنامه و انبوه کتاب و بی توجهی به نیاز مخاطب و پایین بودن سطح محتوای کتابها)

4- صنعت کتاب (کم بودن تعداد کتابفروشی ها در سطح کشور و توزیع نامناسب، فقدان تبلیغات، گرانی و نیز ناکارآمدی کتابخانه های عمومی و عدم تجهیز به امکانات روز)

بیان همه این مسائل و نارضایتی ها در حالی است که اکثریت مردم، دولت را مسئول برنامه ریزی و اجرای فعالیت‌های فراغتی می‌دانند.

براساس یک تحقیق ملی که بر روی جوانان ساکن در شهرهای بزرگ انجام شده، فقط حدود 38 درصد از آنان از گذران اوقات فراغت خود اظهار رضایت کرده‌اند. حدود 71 درصد نیز اظهار کرده‌اند که احساس می‌نمایند اوقات فراغتشان را به بطالت می‌گذرانند. این در حالی است که 80 درصد از آنان برنامه‌های دولتی را در این خصوص مطلوب نمی‌دانند و 74 درصد بر این باورند که دولت متولی برنامه‌ریزی گذران اوقات فراغت جوانان می‌باشد (نوعی). و بررسی های سازمان ملی جوانان در این خصوص نیز، حکایت از

نارضایتی حدود یک سوم جوانان کشور از برنامه های اوقات فراغت و رضایت تنها 35 درصد پسران و 22 درصد دختران از نحوه گذران اوقات فراغت دارد و این در شرایطی است که 69.5 درصد پسران و 7.61 درصد دختران، دولت را مسئول اصلی تدارک برنامه های فراغت می دانند (عصاریان، 1385 به نقل از خیرخواه).

در ایران الگوی فراغت جوانان و از آن جمله دانشجویان جزو مهمترین مسایلی است که می باید شناخته شود تا به واسطه آن امکان برنامه ریزی و سیاست گذاری اجتماعی در حوزه جوانان فراهم شود. اوقات فراغت هر چند به معنای دقیق فعلی پدیده ای جدید و متعلق به جهان معاصر است اما در گذشته به صورت سنتی، با گردش و تفریحات محلی و نیز با مراسم مذهب و عبادی و مناسک خاص و نیز با گردهمایی های خانوادگی و قبیله ای در آمیخته بوده است. در واقع در جوامع سنتی که هنوز تفکیک بین ساعات کارهای متفاوت صورت نگرفته است، و در ایران نیز چنین بود، گاه می شود که به اقتضای شغل حتی روزهای تعطیل نیز به کار می گذرد. رفته رفته که زمان به صورت کمی تقسیم بندی شد، فراغت نیز به صورت مقطعی مجزا درآمد که لازم بود از طریق انجام امور غیر حرفه ای، کارهای ذوقی و شرکت در امور داوطلبانه پر می شد. همین امر بود که به تدریج فراغت را به چنان جایگاهی رساند که فرد قبل از انتخاب کار به اوقات فراغت می اندیشد و قبل از انتخاب محل سکونت به امکانات فراغتی در دسترس اش. از سوی دیگر در آسیب شناسی اوقات فراغت می توان گفت در جوامع در حال رشد مسئله فراغت گروه های مختلف اجتماعی از آن روی اهمیت خاصی دارد که در این گونه جوامع، بر اثر گسستن نسبی و تدریجی افراد از مراکز سنتی گذران اوقات فراغت مانند مساجد، امامزاده ها، قهوه خانه ها و محیط طبیعی اطراف شهرها و همزمان با آن فراهم آمدن زمان بیشتر فراغت از سویی و کمبود تاسیسات و مراکز کافی برای گذران اوقات فراغت خلأیی پدید می آید که به هر روی می باید پر شود. یکی از راه های پر کردن این خلأ روی آوری به فعالیت های انحرافی است که در پیش گفته شد. قاضی مرادی (1386) جنبه دیگری از فراغت ایرانیان را بررسی کرده است. او که فراغت ایرانی را در برابر کار قرار می دهد تلاش می کند با بررسی عوامل موثر بر بیگانگی کار نزد

ایرانیان، که از آن به نام زحمت و اشتغال نام می‌برد و آن را فعالیتی اجباری و معطوف به تلاش معاض و تقلا برای بقا معرفی کرده است، بیگانگی فراغت را نیز مفهوم‌سازی کند. او این بیگانگی از فراغت را به صورت سرگرمی خواهی صورت‌بندی می‌کند و آن را در برابر فراغت رهایی بخش قرار می‌دهد. «اگر شخص در هر روز و در کل عمر مفید کاری‌اش همواره در طلب خلاص شدن از زحمت و اشتغال، جدا شدن از اوضاع و احوالی که او را به چنین رنجی واداشته و رسیدن به آسایش و راحتی است، بنابراین زمان فراغت خود را اصلاً با رسیدن به آسایش و راحتی و آرامش درک می‌کند. یعنی دلخواست او در زمان فراغت راحتی و آسودگی و آرامش می‌شود. بروز همین دلخواست است که با گرایش به سرگرم شدن و سرگرم ماندن مشخص می‌شود (قاضی مرادی، 1386: 31) او گرایش افراطی به سرگرمی و سرگرمی‌خواهی را نتیجه استغراق در سرگرمی برای بیگانگی از فراغت می‌داند و تاکید می‌کند که فراغت بیگانه شده در ایران که به صورت سرگرمی‌خواهی افراطی بروز می‌کند با فراغت بیگانه شده در غرب که با کالا پرستی و مصرف‌گرایی بروز می‌یابد متفاوت است. به نظر او در سرگرمی خواهی حوزه انتخاب فرد به حداقل می‌رسد. او می‌خواهد سرگرم باشد پس با هر نوع سرگرمی که در اختیارش گذاشته می‌شود سرگرم می‌ماند. برای چنین فردی پایان زمان زحمت و اشتغال روزمره به معنای آغاز زمان راحتی و آسایش طلبی و بی‌خیالی است. با این همه این ادعا نیاز به بررسی‌های تجربی‌ای دارد که صحت یا سقم آن را مدلل سازد. با این همه نباید از یاد برد که نحوه گذران اوقات فراغت با نظام ارزشی حاکم بر جامعه و فرد در ارتباط است و ناشی از ارزش‌های مورد قبول جامعه است و از طرف دیگر چگونگی گذران آن بر ارزش‌ها هم اثر می‌گذارد و ممکن است باعث دوام یا فروپاشی آنها شود. از همین روی است که اوقات فراغت بر اجتماعی شدن و یادگیری ارزش‌ها و هنجارها تاثیر دارد و از نظر فرهنگی به حفظ کلیت نظام اجتماعی کمک می‌کند. اوقات فراغت نوعی نهاد اجتماعی تلقی می‌شود که ارزش‌ها و هنجارها را به فرد منتقل می‌کند و به شکل دادن و ساختن جامع یاری می‌رساند. از همین روی است که یکی از نقش‌هایی که برای نهاد آموزش و پرورش به خصوص در جوامع مدرن در نظر گرفته شده است پرورش مهارت‌هایی برای گذران اوقات فراغت است. انجام کارهای

هنری خلاق و تقویت مهارت‌های ورزشی از طریق ساعات بازی رسمی و غیررسمی، ترتیب دادن مسابقات ورزشی و برپا کردن کلاس‌های امور فوق برنامه در دانشگاه‌ها، همچنین انواع و اقسام مسابقات کتابخوانی و فرهنگی و هنری، از جمله کلاس‌ها و مسابقات نقاشی و موسیقی و خطاطی و مجسمه‌سازی، تشکیل گروه‌های هنری متفاوت بازدیدهای دانشجویی و امثالهم به همین منظور صورت می‌گیرند. حال سوالی اساسی‌تر که در این مقطع از دو نظر پیش گفته می‌توان استنتاج کرد این است که آیا اصولاً تحصیل خود امری فراغتی است یا آنکه به منزله یک شغل باید بدان نگریست. یعنی آیا درس خواندن شغل بدون دستمزد دانشجویست و در این صورت میزان مطالعه لازم برای او را چگونه می‌توان تعیین کرده و سنجیده و آیا اصولاً دانشجویان دارای وقت فراغت مشخص‌اند که بتوانند سنجیده شود و در این بین وضع دانشجویان شاغل چگونه خواهد بود؟ پاسخ اولیه این است که امروزه مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان جایگزین و جانشین اشتغال عمل می‌کنند. امروز این نظر مطرح است که هر روز بیکاری باید با سرمایه‌گذاری در آموزش و فراگیری جبران شود.

مثلاً با استفاده از تحقیق آماری¹، جدول‌های گوناگون تنوع اوقات فراغت و فعالیت فرهنگی شهروندان تهرانی در مورد 500 خانواده با جمعیت 1947 نفر از سن 6 تا 64 سالگی به بالا (3/50 درصد زن و 7/49 درصد مرد) دارای شرایط متفاوت اجتماعی - اقتصادی را بررسی نموده که مباحث و داده‌های آن در جدول زیر به صورت جمع‌بندی (سنتز) آورده است.

جدول شماره (3-2): اوقات فراغت و فعالیت‌های فرهنگی عده‌ایی از شهروندان تهرانی

مدت زمان فراغت متوسط افراد در روزهای معمول هفته بیش از 5 ساعت و در روزهای تعطیل هفته 8 ساعت است.	زمان فراغت
پاسخ 87/2 درصد خانواده‌ها مثبت بوده است و 13 درصد منفی	کتاب و کتابخوانی
پاسخ 87 درصد خانواده‌ها (420 خانواده) مثبت بوده است و 13 درصد منفی	روزنامه و مجله خوانی
83 درصد پاسخ مثبت و 17 درصد پاسخ منفی	استفاده از رادیو
بالای 93 درصد پاسخ مثبت و باقی منفی	استفاده از تلویزیون

1. رفتارهای فرهنگی ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی پائیز 1381.

استفاده از ویدئو	44/9 درصد خانواده‌ها از ویدئو استفاده کرده و 55/1 درصد پاسخ منفی داده‌اند
استفاده از ضبط صوت	79/9 درصد خانواده‌ها ضبط صوت دارند و 20/1 درصد فاقد ضبط صوت‌اند
رفتن به سینما و تئاتر	پاسخ 49/9 درصد خانواده‌ها (241 خانواده) مثبت و پاسخ 50/1 درصد منفی بوده است.
انواع فعالیت مذهبی	92/8 درصد خانواده‌ها دارای فعالیت مذهبی هستند.
فعالیت و مشارکت اجتماعی به مانند انجمن‌ها، تشکل‌ها و کانون‌های مختلف	در 45/1 درصد خانواده‌ها حداقل یک نفر در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته است
فعالیت هنری و دستی	70/8 درصد خانواده (342 خانواده) دارای فعالیت هنری بوده‌اند.
گردش و تفریح	66 درصد خانواده‌ها رفتن به پارک‌ها و 26/9 درصد اهل بازدید از نمایشگاه و جشنواره خانواده‌های دیگر اهل رفتن به موزه و بازار هستند.
مسافرت	99/8 درصد (482 خانواده) پاسخ مثبت داده‌اند.
ورزش	70/8 درصد خانواده‌ها (342 خانواده) اهل ورزش بوده‌اند.
وسایل بازی و سرگرمی به مانند آتاری، میکرو، سگا، شطرنج کامپیوتر و ...	60/5 درصد خانواده‌ها از یک وسیله بازی، 28/2 درصد با 2 وسیله بازی و 8/4 درصد با سه وسیله و 3 درصد با بیش از 3 نوع وسیله سرگرمی دارند.

در مورد چگونگی تسهیلات فرهنگی هر یک از شهروندان تهرانی نسبت به شرایط مسکونی مناطق متفاوت فضای شهری از کتاب فروشی، دکه مطبوعاتی، ویدئوکلپ و فروشگاه عرضه محصولات فرهنگی، پارک و فضای سبز، سالن و زمین ورزشی، مسجد و حسینیه و زیارتگاه بهره‌وری می‌نماید. (باقری، 1386).

فرا تحلیل پژوهش‌های اوقات فراغت

فرا تحلیل حاضر کوششی خواهد بود برای تحلیل مجدد و جمع بندی نتایج پژوهش‌های متعدد اعم از پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی و نیز مقالات مرتبط با موضوع اوقات فراغت، جهت الفت بخشیدن و یکپارچه‌سازی یافته‌ها در استفاده علمی و کاربردی نمودن نتایج آن و نیز ارائه راهکارهای مطلوب جهت برنامه‌های فراغتی.

برای انجام این فراتحلیل چهل تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخی از این تحقیقات با استفاده از جمع آوری داده‌ها انجام شده و برخی دیگر با استفاده از تحلیل ثانویه ناشی از نتایج پیمایش‌های ملی و استانی به انجام رسیده است.

هدف اصلی از انجام کار، بررسی پژوهش‌های انجام شده با موضوع اوقات فراغت می‌باشد که بر طبق آن، موضوعات و نظریه‌های مطروحه دسته بندی شده و نتایج تحقیقات مورد تحلیل و جمع‌بندی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره (4-2): معرفی تحقیقات مورد بررسی

محقق	عنوان تحقیق	سال	رشته	نوع تحقیق
1 اشرف الکتابی، منوچهر	بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل	1379	جامعه‌شناسی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
2 انصاری مهابادی، فرشته	بررسی نحوه گذران اوقات فراغت و نقش آن بر شکل‌گیری شخصیت فرهنگی	1379	انسان‌شناسی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
3 آزاد ارمکی، تقی	الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران	1385	جامعه‌شناسی	مقاله
4 باقری بنجار، عبدالرضا	نقش فضای شهری در زندگی اجتماعی و اوقات فراغت شهروندان تهرانی	1385	جامعه‌شناسی	مقاله
5 بخشی، حامد	بازتعریف فضاهای باز شهری در اوقات فراغت	1385	جامعه‌شناسی	مقاله
6 برازنده تر، علیرضا	بررسی عوامل موثر بر چگونگی اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	1377	جامعه‌شناسی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی
7 بهرام، عباس	بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان رزمنده با تاکید بر فعالیتهای ورزشی	1367	تربیت بدنی و علوم ورزشی	پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس
8 پاک سرشت، سلیمان حسین نوری نیا	بررسی پیامدهای کاربرد فراغتی اینترنت بر رفتارهای فراغتی جوانان تهرانی	1385	جامعه‌شناسی	مقاله
9 جلیلی، ژاله	اوقات فراغت، تفریح سواره و فضاهای شهری	1385	جامعه‌شناسی	مقاله
10 جواد یگانه، محمدرضا و سید ضیاء هاشمی	جای خالی کتاب در اوقات فراغت	1385	جامعه‌شناسی	مقاله
11 خداداد کاشی، حمید	تعیین اثربخشی فعالیتهای ورزشی فوق برنامه دانشگاه‌های تهران و ارائه الگوی اثربخش	1384	تربیت بدنی و علوم ورزشی	پایان نامه دکتری

12	خیرخواه، طاهره	اوقات فراغت	1385	جامعه شناسی	مقاله
13	رفعت جاه، مریم	قدرت، جنسیت و فراغت	1385	جامعه شناسی	مقاله
14	زاهدی اصل، محمد	چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان دانشگاه تهران	1358	مدیریت امور فرهنگی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
15	سازمان ملی جوانان	بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان	بی تا	-	طرح سازمان ملی جوانان
16	سعادت شیخ	چگونگی پرداختن به فعالیت های فراغت بین نوجوانان جوانان در شهر تهران	1375	-	طرح سازمان ملی جوانان
17	سعادت شیخ	چگونگی پرداختن به فعالیتهای فراغت بین نوجوانان و جوانان در جامعه شهری	1376	-	طرح سازمان ملی جوانان
18	سعیدی، علی اصغر	چالش های الگوهای فراغت سالمندان در ایران	1385	جامعه شناسی	مقاله
19	شفیعی، سمیه سادات	بررسی میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت	1383	جامعه شناسی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
20	سلاطینی، سحر	بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت زنان متأهل و ارتباط آن با میزان رضامندی از زندگی زناشویی در شهر اصفهان	1385	مددکاراجتماعی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
21	شعبانزاده، مهناز	بررسی رابطه قشربندی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش آموزان دختر شهرستان لنگرود	1384	برنامه ریزی رفاه اجتماعی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
22	صالحی، نظر علی	بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان اداره کل شیلات استان گیلان	1378	جامعه شناسی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
23	صدیق سروسنایی، رحمت الله	نظام کنترل اجتماعی، اوقات فراغت و آسیب های اجتماعی آن	1385	جامعه شناسی	مقاله
24	عبادی، سلمان	گذران اوقات فراغت دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه هندیجان و عوامل موثر بر آن	1379	امور فرهنگی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
25	عظیمی هاشمی، مژگان	نیازهای فراغتی و شهر پایدار	1385	جامعه شناسی	مقاله
26	فروزانفر، حمید	مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان منطقه پارک ولیهد(بی سیم نجف آباد) که عضو مرکز رفاه خانواده پارک ولیهد می باشند با نوجوانانیکه عضویت این مرکز ندارند.	1354	مدیریت خدمات اجتماعی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
27	فکوهی، ناصر	مساله "اقلیت های جماعتی" و اوقات فراغت در کلان شهرها با تاکید بر تهران	1385	جامعه شناسی	مقاله
28	قاضی زاده، ندا و علیرضا منعم	استفاده کنندگان؛ اصلی ترین معیار طراحی فضاهای تفرجگاهی	1385		مقاله
29	کیان، علی	مطالعه و بررسی فعالیتهای فراغتی (گردشهای جمعی) دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و تعاون در دو گروه درآمد(بالا و پایین)	1356	-	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
30	لطیفی، غلامرضا	سیمای جهانی گذران اوقات فراغت جوانان	-	-	طرح سازمان ملی جوانان
31	محمودی اشکور، حسین	وسایل ارتباط جمعی و گذران اوقات فراغت، تحقیقی در دبیرستانهای ساوجبلاغ	1369	جامعه شناسی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
32	مجدالدین، اکبر	بررسی ساختار ارزشی ایستار رزمندگان در دو مقطع جنگ و پس از جنگ با تاکید بر نحوه گذران اوقات فراغت	1377	جامعه شناسی	پایان نامه دکتری دانشگاه تهران
33	مجدی، علی اکبر	گیم نت، فضای فرهنگی مغفول شهری	1385	جامعه شناسی	مقاله
34	مقدس فرد، حمید	در جست و جوی فضای گم شده، پیشنهاد یک پارادایم	1385	جامعه شناسی	مقاله

برای فضای شهری					
35	منادی، مرتضی	اوقات فراغت و چالش های جهانی شدن مقایسه دو نسل	1385	جامعه شناسی	مقاله
36	مهدی پور آکردی، علی	چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان مقطع متوسطه در شهرستان نکا و عوامل موثر بر آن	1385	مطالعات فرهنگی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
37	مهدی پور، عبدالرحمان	بررسی جایگاه تربیت بدنی و ورزش در گذران اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی تهران و عوامل موثر بر آن	1372	تربیت بدنی و علوم ورزشی	پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس
38	نوعی، محمد	آسیب شناسی نهادهای اوقات فراغت در زندگی شهری مدرن	1385	جامعه شناسی	مقاله
39	هنری، لئو بی و دیگران	اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان	-	-	طرح تحقیقاتی
40	یزدانی فاروقی، شهریار	بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان قهرمان آسیای میانه	1373	تربیت بدنی و علوم ورزشی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

چارچوب‌های نظری مورد استفاده در تحقیقات

صاحب نظران حوزه های مختلف علوم نظیر فلسفه، تربیت بدنی، روان شناسی و نیز جامعه شناسی هر یک از زاویه ای خاص، اوقات فراغت را مورد بحث و کنکاش قرار داده اند. اکثر تحقیقات، از نظریه‌های جامعه شناسی و در برخی موارد روان شناسی بهره برده اند. نظریاتی که محققان از آنها استفاده نموده اند، عبارتست از:

1- دیدگاه کارکردگرایی (مجدالدین، 1377 و اشرف‌الکتابی، 1379)

از دیدگاه مکتب کارکرد گرایی، مواردی که دلالت بر اوقات فراغت می کند را باید جزئی از فرایند جامعه پذیری افراد به حساب آورد که به یادگیری ارزش ها و هنجارها و در نهایت حفظ کلیه نظام اجتماعی یک جامعه، مدد می رساند. اوقات فراغت، ارزشها و هنجارها را منتقل نموده و به هماهنگ نمودن جامعه یاری می رساند و لذا کارکردی مشابه با خانواده، آموزش و دین می یابد.

2- دیدگاه پارسونز (اشرف‌الکتابی، 1379)

از نظر پارسونز 5 ملاک است که منزلت اجتماعی افراد را تعیین و در نحوه گذران اوقات فراغت در نزد اقشار مختلف اجتماعی تاثیر گذارند. این 5 ملاک عبارتند از:

- شبکه خویشاوندی و ساختار خانواده (منظور هسته ای یا گسترده بودن آن است).

- ویژگی های فرد (مجموعه آن دسته از عواملی که خارج از کنترل خود اند).

- دارایی (متعلقات مادی خود)

- موقعیت (داشتن شغل و ...)

- اقتدار (منزلت قانونی فرد)

نظریات روان شناسانه پیدایش فراغت (فرشته انصاری، 1379 و سلاطینی 1385 و...)

الف) اولین نظریه حاکی از این است که مبنای تفریح "مذهب" است، چنانکه در جوامع اولیه عملاً رسوم مذهبی از بازی و تفریح جدا نبوده و رقص و آواز و نمایش رابطه تنگاتنگ با سنن مذهبی داشته است.

ب) دومین نظریه راجع به فراغت، فرضیه غریزی "بازی و تفریح" است. از طرفداران این نظریه می توان جیمس بالدوین، ویلیام مک دوگال، کارل گروس را نام برد. بالدوین معتقد است که بازی انسان مانند بازی حیوانات از یک نیاز فطری سرچشمه می گیرد و وظیفه اصلی بازی در سنین کودکی آماده سازی طفل برای بزرگسالی است.

ج) سومین نظریه، فرضیه مبتنی بر کسب لذت است. توماس، میل رهایی از یکنواختی و بدست آوردن تجربیات را عامل پیدایش تفریح و بازی می شمارد. پاتریک روان شناس امریکایی پیدایش تفریح فراغت را، رهایی انسان از فعالیت مداوم و تلاش خسته کننده، که نتیجه آن خستگی جسمی و روحی شدید افراد جامعه است می داند.

3- دیدگاه تفهیمی (مجدالدین، 1377)

جرج زیمل در مقاله خود با عنوان "کوه پیمایی در آلپ" ورزش (یا به طور خاص کوه پیمایی) را نوعی زیبایی شناسی غیر اخلاقی یا نوعی گریز از واقعیت در نظر می گیرد که آدمیان در آن گرفتار شده اند. او همچنین با اشاره به نقش "پول خرد" در جامعه، آنرا در راستای صرف نمودن اوقات پس از

کار در خیابان و خرید و تماشای مغازه ها - نوعی گذران اوقات فراغت - می داند که هیچ هدف والایی در آن وجود ندارد.

4- مکتب فرانکفورت (مجدالدین، 1377)

به اعتقاد آدورنو، گذران اوقات فراغت در قدیم با جریان فرهیخته شدن فرد رابطه داشته است و در طی آن فرد به استقلال و بلوغ می رسید، لکن در حال حاضر وسائل ارتباط جمعی موجب از بین رفتن بلوغ و تبدیل فرد به یک مصرف کننده صرف شده اند.

5- جامعه شناسی آرایشی

نوربرت الیاس و دانیگ، ورزش و اوقات فراغت را جایگزینی برای خویهای سرکوب شده افراد در عصر جدید دانسته اند. ورزش نوعی تقلید از جنگ و اوقات فراغت، انگیزته شدن اشکال لذت بخش هیجان است و از اینروست که بشر در عصر جدید بواسطه خسته شدن از یک نوع اوقات فراغت، مدام در جهت تنوع در اوقات فراغت است.

6- نظریه بوردیو (شعبانزاده، 1384)

7- نظریه دومازیدیر (تحقیق شعبانزاده، 1384)

دومازدیر انواع فراغت را بر اساس نیازهای جسمی و روانی افراد به 5 دسته فراغتهای جسمانی (ورزش، مسافرت و...) فراغت های هنری (رفتن به سینما، نواختن موسیقی و...) فراغت های عملی (سفال سازی، باغبانی و...) فراغت های فکری (خواندن کتاب و مجله، تماشای -تلویزیون و گوش دادن به رادیو و...) و فراغت های اجتماعی (تفریح، دید و بازدید و...) طبقه بندی نموده است.

8- نظریه نومیر (عبادی، 1379 و مهدی پور، 1385 و...)

نومیر عوامل جغرافیایی، اقتصادی، ابداعات و اختراعات، سازمانهای سیاسی و آموزشی را تاثیرگذار بر رفتار فراغتی افراد می داند. در مطالعات فوق سه عامل جمعیتی، آموزشی و اقتصادی مد نظر قرار گرفته اند.

9- نظریه مازلو (در شکل اصلاح شده آن) [برازنده تر، 1377]

هر چه هزینه لازم برای گذراندن یک نوع فراغت پایین باشد و یا اینکه زمان صرف شده در آن کم و قابل دسترسی و ممکن باشد آن فراغت اولویت خواهد داشت... فراغت ها دارای سلسله مراتب می باشند و به ترتیب از فراغتهای غیر حرکتی که کم هزینه بوده و نیاز به زمان خاصی ندارند شروع شده، به سمت فراغتهای هنری که علاوه بر صرف مبالغ متنابهی هزینه، مستلزم اختصاص زمان نیز می باشند، امتداد می یابند.

10- نظریه روزانک (سلاطینی، 1385)

روزانک، سن، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اشتغال خارج از منزل، تعداد فرزندان و کارخانگی را عوامل مهمی در گذران اوقات فراغت بر می شمارد.

11- تئوری رفع خستگی جی تی پاتریک (بهرام، 1367 و عبدالرحمان مهدی پور، 1372)

پاتریک ادعا می کند که بازی و اثرات مفید و موثر آن، برای سلامت و تندرستی انسان جامعه مدرن، ضروری بوده است.

12- تئوری انرژی مازاد اسپنسر (بهرام، 1367 و عبدالرحمان مهدی پور، 1372)

بازی برای مصرف بی هدف انرژی اضافی ضروری است و این انرژی است که انگیزه فعالیت می گردد.

13- تئوری تفریح و تجدید قوا از موريس لازاروس (بهرام، 1367 و عبدالرحمان مهدی

پور، 1372)

بازی ها به جای اینکه انرژی اضافی را از بین ببرد، باعث ذخیره و انباشته شدن انرژی می گردد.

14- تئوری تصفیه و پالایش (بهرام، 1367 و عبدالرحمان مهدی پور، 1372)

بازی ها باعث تصفیه روح می شوند، به ویژه بازی های پرتحرک و رقابتی، که دریچه اطمینانی

برای خالی کردن احساسات سرکوفته می شوند.

15- نظریات تورستن ویلن، ارسطو، سباستین دگرازی، دی گرازی، ماکس کاپلان، جورج لوندبرگ،

هانری لوفریبر، تارگور، مارکس، انگلس، اگوست کنت، اندرسون، فریدمن، فرانکی، دولگه (تحقیق یزدانی

فاروقی)

این صاحب نظران، موجودیت و اصالت فرهنگ یک جامعه را، در میزان فراغت مردم آن جامعه

می دانند.

16- تئوری انرژی مازاد (خداداد، 1384)

این تئوری از نظرات فردریخ شیلر بوده و اشاره دارد که، انسان از طریق ورزش و حرکت طولانی

مدت، بسیاری از توانایی های خود را توسعه داده است. بازی و ورزش، وسیله بسیار مناسبی برای

خارج نمودن این انرژی اضافی است.

17- تئوری اوقات فراغت

بدن انسان به یک نوع بازی برای بازسازی و تجدید حیات احتیاج دارد. بنابراین بازی نوشدارویی

برای اعصاب خسته، فکر خسته و احساسات ناآرام می باشد.

18- تئوری آرامش بخش

در گذشته هنگام کار، عضلات بسیار کوچک کمتر مورد استفاده قرار می گرفته ولی امروزه استفاده

می شود. بازی و فعالیتهای آرام، باعث شده که فشار از سیستم های مختلف برداشته شود و مجددا

بدن به حالت عادی برگردد و آماده برای دیگر فعالیتهای روزانه گردد.

19- تئوری وراثت

مردم حرکات بنیادینی را که در زمانهای اولیه مورد استفاده قرار می گرفته، به کار می گیرند.

20- تئوری غریزی بازی

بازی و ورزش یک پدیده طبیعی است که در مراحل اولیه رشد و تکامل به توسعه حرکات بنیادین

یاری می رساند.

21- تئوری ارتباط اجتماعی

میزان آمادگی انسان بر نوع فعالیت او اثر می گذارد. بنابراین سطح فعالیتهای فرد، نشان دهنده

توانمندی های روانی، فیزیکی و فیزیولوژیکی او می باشد.

عوامل موثر بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت

مرور تحقیقات حاکی از آنست که عوامل مختلفی همچون جنسیت، وضعیت تاهل، پایگاه اقتصادی،

اجتماعی، درآمد، تحصیلات، محل سکونت و... بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت تاثیرگذار می باشند.

تحقیقات متعدد نشان می دهد که یکی از مهمترین متغیرهای تاثیر گذار در میزان و نحوه گذران اوقات

فراغت، جنسیت است. به عبارتی، به رغم فاصله گرفتن فعالیتهای فراغتی از محدودیتهای اجتماعی و

فرهنگی، همچنان جنسیت به عنوان یکی از مهمترین مولفه های نابرابری در فعالیتهای فراغتی به شمار

می رود و یافته های بسیاری از تحقیقات نشان میدهد که در پرداختن به برنامه های فراغتی، تفاوت های

جنسیتی وجود دارد. ضمن آنکه "زنان و دختران نسبت به مردان، از آزادی کمتری در نحوه گذران اوقات

فراغت برخوردار هستند" (اشرف الکتابی، 1379). "مریم رفعت جاه" در مقاله خود به سه عامل کلیدی

زمان، فعالیت و فضا اشاره می نماید و اینکه زنان از وضعیت نامساعدی برای فراغت برخوردارند و از نظر

زمان، فضاهای فیزیکی و اجتماعی و گزینه های اوقات فراغت با محدودیت روبرو هستند.

فمنیست‌ها، فرایند فراغت برای مردان و زنان را برابر نمی‌دانند و آنرا تقویت‌کننده سلطه و انقیاد دانسته و بر تغییر بنیادی تصور فراغت برای زنان تاکید دارند. آنها بر این نکته اشاره دارند که عادت‌های فراغتی دختران و پسران، الگوهای مرسوم جنسیتی را که ناشی از عرف و سنت جامعه است، منعکس می‌نماید. عمدتاً ارزشها و اعتقادات عرفی و سنتی از دختران خواسته‌هایی دارند که از پسران انتظار نمی‌رود. "بسیاری از این تفاوتها، نشانگر تفاوت در نقش‌هایی است که از قدیم به مردان و زنان نسبت داده شده‌اند. یک زن معمولاً وقت آزاد و فراغت کمتری نسبت به همسر خود دارد و در طی اوقات فراغت خود، دامنه فعالیت‌های او محدودتر است. تحقیقی در مورد بودجه بندی در دوازده کشور نشان می‌دهد که: مردان متأهل، به طور متوسط، وقت فراغت بیشتری نسبت به زنان متأهل دارند و زنان بی‌کار و مجرد، بیشترین وقت را دارند" (غلامرضا لطیفی، 1384).

همچنین "غالب تحقیقات انجام شده حاکی از آنست که دخترها کمتر از پسرها به ورزش می‌پردازند" (بررسی وضعیت اوقات فراغت). تحقیق محمودی اشکور (1369) نیز حاکی از آنست که دانش‌آموزان پسر بیش از دختران به گزارشات ورزشی علاقمندند در حالیکه دختران علاقه بیشتری به فیلم و سریال دارند. آنها همچنین بیش از دختران به گزارشهای خبری و ورزشی روزنامه‌ها توجه دارند. در حالیکه دختران به مقالات ادبی، شعر و قصه علاقمندند و کتابهایی با موضوعات داستانی، شعر و رمان را ترجیح می‌دهند در صورتیکه پسران بیشتر کتابهای علمی و تاریخی را مطالعه می‌کنند. همچنین دختران بیش از پسران با تلویزیون و رادیو در ارتباطند.

یافته‌های تحقیق "هنری و دیگران" در خصوص اوقات فراغت و سبک‌های زندگی نشان می‌دهد که مردان جوان بیشتر احتمال دارد در ورزش و برنامه‌های سازمان یافته اوقات فراغت شرکت کنند، در حالیکه زنان جوان تمایل بیشتری به رفت و آمد با دوستان و حضور در سینما و دیسکو دارند. آنها همچنین کمتر از مردان نوجوان به ورزش می‌پردازند و تاکید بیشتری بر جنبه تفریحی ورزش دارند. ضمن آنکه دختران نوجوان بیشتر به موسیقی، کتاب و معاشرت با دوستان دل می‌بندند، در حالیکه

پسران نوجوان بیشتر احتمال دارد که به سرگرمی‌ها علاقمند باشند. همچنین پسران نوجوان نسبت به دختران نوجوان، اهمیت بیشتری بر جذابیت و سازگاری با هنجارهای گروه همسالان قائل‌اند، اما تحملشان نسبت به نظارت‌های برونی بر شیوه لباس پوشیدن و رفتار خویش، از سوی مسئولین و افراد صاحب قدرت در خارج از خانه کمتر است."

نابرابری جنسیتی در فعالیتهای فراغتی در خصوص زنان متأهل، دختران طبقات پایین و اقلیت‌های قومی، دختران مناطق محروم و نیز دختران معلول شکل مضاعفی می‌یابد. آنچنان که در تحقیق علی‌کیان (1356) اشاره شده، "میزان مشارکت دختران گروه درآمد پایین در گردش‌های جمعی دانشجویی، نسبت به شرکت دختران گروه درآمد بالا، کمتر است و نیز دختران گروه بالا هنگامی که برای تفریح و گردش با دوستان پسر خود به سر می‌برند نسبت به دختران گروه پایین آزادی عمل بیشتری دارند."

همچنین عامل تاهل نیز بر میزان و نحوه گذران فعالیتهای فراغتی اثر می‌گذارد. پژوهش‌هایی که توسط سازمان ملی جوانان انجام شده گواه آنست که عامل تاهل در میزان تماشای تلویزیون در جوانان مرد، پرداختن به بازی و ورزش روزانه، گوش دادن به نوار موسیقی، پرداختن جوانان مرد به کارهای هنری موثر است و مجردها نسبت به جوانان متأهل، زمان بیشتری از وقت روزانه را صرف فعالیتهای فراغتی فوق می‌نمایند.

همچنین باید به رابطه اوقات فراغت با عوامل اقتصادی اشاره نمود. با وجود آنکه یکی از ویژگی‌های فراغت جدید را خارج شدن انحصار فعالیتهای فراغتی در نزد طبقات بالای اجتماع و همگانی شدن آن برمی‌شمارند، لکن همچنان رابطه ای نزدیک میان کیفیت و کمیت اوقات فراغت با مولفه‌های اقتصادی- اجتماعی افراد وجود دارد.

در بسیاری از تحقیقات رابطه میان میزان فراغت و نیز نحوه گذران اوقات فراغت با پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد تایید شده است. فعالیتهای فراغتی افراد با ساختار طبقاتی جامعه مرتبط

است و هر جامعه‌ای تعریف، روش و شیوه‌ی متفاوتی از فعالیتهای فراغتی دارد.

عمدتاً، "گروههای پردرآمد، هدفی را که از گذران اوقات فراغت دارند روشن است و منظور آنها از شرکت در تفریحات و سرگرمی‌های بیرون، اغلب گرفتن امتیازات روانی از قبیل کسب حیثیت اجتماعی و منزلت طبقاتی است. اما گروه‌های کم‌درآمد با وجود گذران فراغت، هدف مشخصی در این زمینه برای خود نمی‌یابند" (کیان، 1356). ضمن آنکه، افراد مرفه برای انواع فعالیتهای فراغتی دارای امکانات و تسهیلات مالی مناسب می‌باشند. از اینرو به سوی استفاده از انواع خاصی از فعالیتهای فراغتی سوق می‌یابند. به عبارتی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی افراد می‌تواند موجب مشارکت و یا علاقمندی افراد به اشکال متعدد گذران اوقات فراغت گردد.

دکتر آزاد ارمکی (1385) در مقاله خود با عنوان "الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران" می‌نویسد: "از لحاظ پایگاه اجتماعی، کسانی که در پایگاه اجتماعی بالا قرار دارند، درصد بیشتری از آنها اوقات فراغت خود را با مطالعه کتب، گردش خارج از محل سکونت، تماشای فیلم و گوش دادن به موسیقی و دید و بازدید می‌گذرانند و در میان افراد با پایگاه اجتماعی پایین، ورزش و تماشای آن، ماندن در منزل و شرکت در مراسم مذهبی سهم بیشتری را دارد."

از متغیرهای دیگر می‌توان به تحصیلات اشاره نمود. میزان و نوع تحصیلات بر چگونگی گذران اوقات فراغت تاثیر می‌گذارد و بررسی‌های متعدد نشان داده است که میان تحصیلات افراد و چگونگی گذران اوقات فراغت آنان و نیز میزان فراغت رابطه معنادار وجود دارد. در پژوهش "اشرف‌الکتابی، 1379" آمده است که افراد و گروه‌هایی که از سطح بالای تحصیلات برخوردارند، از وسایل و امکانات رفاهی خارج از خانه بیشتر استفاده می‌کنند. ضمن آنکه تحقیقات مختلف نشان دهنده آن هستند که نحوه گذران اوقات فراغت اعضای هر خانواده علاوه بر عوامل متعددی که اشاره گردید با میزان تحصیلات والدین نیز تعیین می‌گردد که این در پژوهشهای مهدی پور آکردی و برازنده تر تایید شده است.

همچنین عوامل جغرافیایی و محل سکونت که در نظریات اندیشمندانی نظیر منتسکیو و نومیر بدان‌ها اشاره شده است، بر نحوه گذران اوقات فراغت تاثیر گذار می باشد. "محمودی اشکور، 1369" در تحقیق خود نشان می دهد که دانش آموزان شهری بیش از دانش آموزان روستایی در ارتباط با تلویزیون و رادیو هستند، توجه بیشتری به کتابهای تاریخی و اجتماعی-تربیتی نشان می دهند، بیشتر از دانش آموزان روستایی روزنامه و مجله می خوانند و کتب غیر درسی مطالعه می نمایند.

ویژگی‌های ساختار اوقات فراغت در ایران

در مجموع و با مرور این تحقیقات می توان ساختار اوقات فراغت در ایران را دارای ویژگی هایی به شرح ذیل دانست:

- شکل گیری خرده فرهنگهای خاص در میان جوانان
- تاثیر مجموعه ای از عوامل فردی و اجتماعی بر میزان و نوع انتخاب فعالیتهای فراغتی
- فردی شدن فراغت و غلبه گرایشهای فردگرایانه
- تجاری شدن فراغت و گستره سیطره بخش دولتی و خصوصی در گذران اوقات فراغت
- رواج فعالیتهای فراغتی منفعل
- غلبه فراغتهای خانگی و محیط های خصوصی بر فراغت فضاهای عمومی
- رسانه محور شدن فعالیتهای فراغتی
- غلبه فراغت بر کار در جامعه ایرانی
- بازتعریف فضاها و زمان به منظور فعالیتهای فراغتی
- غلبه کارکرد تفریحی و سرگرم کنندگی بر دیگر کارکردهای فراغتی

شکل گیری خرده فرهنگهای خاص در میان جوانان

در سال‌های اخیر ظهور فراغتهای جدید، فرصتی را در اختیار جوانان قرار داد تا بتوانند ماهیت واقعی خود را به نمایش بگذارند. به عبارتی، با ظهور اشکال جدید اوقات فراغت زمینه برای بروز هویت‌ها و سبک‌های زندگی جدید و شکل‌گیری خرده فرهنگهای گوناگون فراهم آمده و موجب شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های خاص در میان جوانان گشته است.

خرده فرهنگ‌هایی که در زمان زمان فراغت شکل گرفته اند نظیر گیم‌نت‌ها، کافی‌شاپ‌ها، کافی‌نت‌ها و غیره، بعضاً در تقابل با فرهنگ مسلط و رسمی جامعه می‌باشند.

این خرده فرهنگها به منزله منابع جدیدی برای هویت‌یابی در نزد جوانان عمل می‌کنند و شکل متفاوت و جدیدی از رفتار، گفتار و اعمال را به نمایش می‌گذارند و باورهای مشترک و حتی استفاده از کلمات، الفاظ و اعمال خاص از ویژگی‌های آن به شمار می‌رود.

علی‌اکبر مجدی در مطالعه خود در خصوص گیم‌نت به شکل‌گیری گروههای کوچک اجتماعی و ایجاد خرده فرهنگ خاص در میان نوجوانان و جوانان استفاده‌کننده از بازی‌های کامپیوتری اشاره نموده و ظهور باورهای مشترک و استفاده از کلمات و الفاظ خاص را از ویژگی‌های این خرده فرهنگ می‌داند که چندان تناسبی با فرهنگ کلان و رسمی جامعه ندارد.

همچنین در تحقیق دکتر آزاد ارمکی و وحید شالچی، کافی‌شاپ‌ها به عنوان عرصه‌های شکل‌گیری و بروز سبک زندگی پسا مدرن معرفی شده اند و دارای مقاومت گفتمانی در برابر گفتمان انقلاب اسلامی‌اند. به عبارتی، شکل‌گیری این خرده فرهنگها در فضایی محدود، جهانی هرچند کوچک را در برابر جوانان می‌گشاید و می‌تواند جولانگاه اعمال و رفتار خاصی باشد که عمدتاً در تقابل با فرهنگ رسمی و مسلط است.

تاثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی و اجتماعی بر میزان و نوع انتخاب فعالیت‌های فراغتی

میزان و نحوه گذران اوقات فراغت جوانان به شدت متأثر از عوامل متعددی است. به عبارتی، مجموعه‌ای از عوامل متعدد نظیر قومیت، نژاد، طبقه اجتماعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سن، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل، جنسیت و... بر میزان و نوع انتخاب فرد تأثیرگذار می‌باشند.

"جی رابرتس" (1981) به فرایندی اشاره می‌کند که طی آن افراد پس از اینکه به طور آگاهانه یا غیرآگاهانه ایده مربوط به شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت را از مجموعه‌ای از فیلترهای "اجتماعی" و "تصمیم‌گیری" گذرانند. در این گونه فعالیتهای شرکت می‌کنند. فیلترهای اجتماعی شامل سن، جنس، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی و تحصیلات، طبقه اجتماعی و تحرک اجتماعی و فیلترهای تصمیم‌گیری شامل انگیزه، آگاهی از فرصت، وقت آزاد و هزینه می‌باشد" (هنری و دیگران، 1380).

تجاری شدن فراغت و گستره حضور بخش دولتی و خصوصی در گذران اوقات فراغت

در گذشته نهادهایی همچون آموزش و پرورش، خانواده و نهادهای مذهبی نقش مهمی در نحوه گذران اوقات فراغت برعهده داشته‌اند لکن در حال حاضر، دولت نقش برجسته‌ای در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیتهای فراغتی برعهده دارد.

برخی با دید انتقادی، دخالت دولت را موجب اغفال و اعمال سلطه بر مردم تلقی می‌نمایند و برخی با نگاهی خوشبینانه، حضور دولت را موجب فراهم آوردن شرایط مناسب برای مردم می‌دانند. بواسطه در اختیار داشتن ابزارها و امکانات، مردم نیز انتظاراتی از دولت دارند و برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت در ارتباط با گذران اوقات فراغت را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

پژوهش‌های متعدد در جامعه ما نشان می‌دهد که میان برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت و نیازها، اقتضات و انتظارات جوانان ناهماهنگی و عدم تعادل وجود دارد به گونه‌ای که موجب نوعی خلاء فراغتی و نیز نارضایتی در گذران اوقات فراغت جوانان گردیده است.

یافته‌های تحقیق ملی "که بر روی جوانان ساکن در شهرهای بزرگ کشور انجام شده نشان

می‌دهد که فقط حدود 38 درصد از آنان، از گذران اوقات فراغت خود اظهار رضایت کرده‌اند... و 80 درصد از آنان برنامه‌های دولتی را در این خصوص مطلوب نمی‌دانند و 74 درصد بر این باورند که دولت متولی برنامه‌ریزی گذران اوقات فراغت جوانان می‌باشد" (نوعی، 1385).

همچنین، "بررسی‌های سازمان ملی جوانان در این خصوص، مبنی بر نارضایتی حدود یک سوم جوانان کشور از برنامه‌های اوقات فراغت و رضایت تنها 35 درصد پسرها و 22 درصد دختران از نحوه گذران اوقات فراغت، گویای این است که مسئولین هنوز نتوانسته‌اند برنامه‌ای موفق را در این زمینه داشته باشند و این در شرایطی است که 69/5 درصد پسران و 61/7 درصد دختران، دولت را مسئول اصلی تدارک برنامه‌های فراغت می‌دانند (خیرخواه، 1385).

غلبه فراغت‌های خانگی و حضور در محیط خصوصی بر فراغت فضاهای عمومی

فراغت را فعالیت آزاد و مستقلی تعریف می‌نمایند که با آزادی انتخاب و خودمختاری فردی و اجتماعی پیوند خورده است و موجب تعامل و تبادل ارتباطات اجتماعی و افزایش مشارکت در حوزه عمومی می‌گردد، لکن برخی پژوهشها از اختصاص زمان فراغت در منزل و فضای محدود نظیر آن حکایت دارد. بیشتر افراد تمایل به استفاده از فضاهای خصوصی تر و محدودتر دارند.

نتایج پیمایش ملی "آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان" حاکی از آنست که فعالیتهای فراغتی که نیاز به برقراری رابطه چندانی ندارد و در یک محیط خصوصی تر انجام می‌گیرد (نظیر تماشای تلویزیون و استراحت در خانه) استقبال بیشتری از آن می‌شود تا فعالیتهای فراغتی که مستلزم برقراری روابط اجتماعی در محیط عمومی تر جامعه یا همان فضاهای شهری است، همانند: رفتن به قهوه‌خانه‌ها و کافه‌ها و یا شرکت در انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت‌های مدنی. حتی رواج برخی فعالیتهای فراغتی نظیر پاساژگردی، اتومبیل سواری، غذاخوردن در رستوران و... را نیز می‌توان نوعی اشکال معیوب حضور در عرصه عمومی دانست چراکه گذران فراغت در یک

فضای محدود و گسسته از دیگران و بدون تعامل گسترده با آنان روی می دهد که پیامد آن عدم تبادل اجتماعی و انسجام اجتماعی در جامعه است.

حمید مقدس فرد (1385) در مقاله خود با عنوان "در جست و جوی فضای گمشده.." معتقد است که "استاندارد نبودن فضای شهری برای گذران اوقات فراغت از یک طرف و محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نبودن امکانات تفریحی عمومی، و از طرف دیگر، خانه را به محل اصلی وقت گذرانی فراغتی تبدیل کرده، که این امر نشانگر سیطره حوزه خصوصی بر حوزه عمومی است. انواع فعالیت‌های خانگی نظیر: تماشای تلویزیون، ویدئو، استفاده از گیرنده ماهواره ای، مهمانی های خصوصی و استفاده از اینترنت به همین دلیل رواج یافته است.

به عبارتی، در فعالیت‌های فراغتی، سهم عمده و اصلی را می توان به فعالیت‌های داخل منزل اختصاص داد و تنها با توسعه فضای عمومی و حوزه همگانی و برنامه ریزی جهت افزایش مشارکت عمومی و بالا رفتن سرمایه فرهنگی می توان به تغییر آن مبادرت نمود.

فردی شدن فراغت و غلبه گرایش‌های فردگرایانه

فراغت در دنیای کنونی به سوی فردی شدن و غلبه گرایش‌های فردگرایانه پیش می رود. اوقات فراغت فردی، نشانه دنیای مدرنیته متاخر می باشد.

دکتر تقی آزادارمکی (1385) در مقاله "الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران"، به نحوه گذران اوقات فراغت اشاره می نماید و می نویسد "یکی از تغییرات صورت گرفته در ساختار فراغت، تغییر از وضعیت جمعی به فردی است. از اینرو می توان شاهد بود که جهت گیری نسل جدید در گذران اوقات فراغت بیشتر فردی است تا جمعی. یافته ها نیز حاکی از آنست که در خصوص نحوه مسافرت (به تنهایی/با اعضای خانواده/ با خویش و قوم/ با دوستان) در میان سه نسل مورد مطالعه، تفاوت معناداری مشاهده می شود. به گونه ای که نسل جدید بیشتر ترجیح می دهند که به تنهایی و

یا با دوستان مسافرت کنند و نیز تمایل کمتری برای گذران اوقات فراغت با فامیل دارند." یافته‌های پیمایش "ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان" نیز نشان می‌دهد که "مطالعه، استفاده از رسانه‌های صوتی، تصویری و وسایل الکترونیکی، استراحت و فعالیت‌های شخصی، عمده‌ترین فعالیت‌های فراغتی در نزد ایرانیان می‌باشد.

رواج فراغت های منفعل

شیوه گذران اوقات فراغت را می‌توان به دو گونه فعال و غیر فعال تقسیم نمود. "در فراغت فعال، فرد آگاهانه دست به آفرینش و ایجاد رابطه می‌زند. اما گاهی شخص، فقط مصرف کننده است و به هیچ وجه در خلق اثر یا فعالیتی دخالت ندارد. برای مثال به موسیقی گوش می‌دهند که به آن فراغت منفعل گفته می‌شود. طبق آمارهای موجود، بیشتر جوانان ایرانی، شیوه گذراندن اوقات فراغتشان، به شیوه فردی غیرفعال هم چون تماشای تلویزیون با 82٪ بیشترین سهم را در گذراندن اوقات فراغت داشته است. به گزارش خبرگزاری ایسنا به نقل از سازمان ملی جوانان، رسانه های صوتی و تصویری با 5/23، مطالعه 7/22 و استراحت 7/15 درصد، بیشترین فراوانی را در پرکردن وقت آزاد جوانان برعهده داشته اند و 62/8 درصد از جوانان نیز، اوقات فراغت خود را در درون خانه، و در تنهایی به صورت فردی می‌گذرانند" (خیرخواه).

در تحقیق "سعادت شیخ" (1376) نیز اشاره شده که "سهم عمده با فعالیتهایی است که فرد (نوجوان یا جوان) تقریباً در وضعیت "منفعل" قرار دارد و پرداختن به فعالیتهایی که حضور "فعال" فرد را می‌طلبد، با استقبال کمتری همراه است" (سعادت شیخ، 1376).

نتایج بسیاری از پژوهشها حاکی از آنست که تماشای تلویزیون و استراحت کردن عمده ترین صورتهای گذران اوقات فراغت در میان جوانان به شمار می‌رود.

بازتعریف فضاها و زمان به منظور فعالیت‌های فراغتی

مجموعه‌ای از موانع و محدودیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجرایی موجب می‌شود تا جوانان به بازتعریف فضاها یا استفاده دوگانه یا چندگانه از فضا پرداخته و آنرا با منظور و نیتی متفاوت از هدف و نیت مدیران و سیاستگذاران تعریف نموده و استفاده نمایند.

محدودیت‌های اقتصادی همچون کمبود فضاها یا غیر استاندارد بودن امکانات، برخی محدودیت‌ها و موانع فرهنگی ناشی از تاثیر سنت و آداب و رسوم اجتماعی و یا حتی دغدغه نشدن فراغت در جامعه و آنرا مشکل و مسئله تعریف کردن و نیز موانع اجرایی و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های نامناسب و مقطعی و... موجب شده تا جوانان از فضاهایی که با کاربری و نیت دیگری ایجاد شده اند، استفاده دیگری نمایند.

غلبه فراغت بر کار در جامعه ایرانی

فراغت را می‌بایست در یک رابطه متقابل با کار دید. رابطه‌ی منطقی کار با فعالیت‌های فراغتی موجب غنای فراغت و افزایش کارایی و بهره‌وری در کار می‌گردد.

"دکتر آزاد ارمکی" (1385) مدعی‌اند که آمار بالای انجام مسافرت در کشور، وجود فضاهای متعدد برای تولید و مصرف اوقات فراغت و نیز طراحی بسیاری از نهادها و سازمانهای اجتماعی برای سامان دادن به نحوه گذران اوقات فراغت نشاندهنده غلبه جنبه فراغتی بر جنبه کار و تلاش در کشور است.

"دکتر فکوهی" (1385) دلیل آنرا برخورداری ایران از ثروت‌های طبیعی استثنایی و جمعیت نسبتاً کم می‌داند که بدون کار اجتماعی بسیار سنگین و متراکم _حتی در نزد جمعیت فعال_ از سطح زندگی نسبتاً بالایی برخوردار است و بنابراین از لحاظ ذهنی، بین فراغت و کار رابطه‌ای منطقی ایجاد نمی‌شود و از اینرو معنی اوقات فراغت به ناچار دستخوش دگرگونی می‌گردد که کژکارکردی شدن اوقات فراغت می‌تواند از پیامدهای آن می‌باشد.

غلبه کارکرد تفریحی و سرگرم کنندگی فعالیت‌های فراغتی بر دیگر کارکردها

دوم‌زادیه، فراغت را فعالیتی هدفمند می‌داند که فرد با کمال میل و از روی انتخاب شخصی بدان می‌پردازد. فراغت، فردیت شخص را تکامل بخشیده و موجب رشد و تکامل فرد می‌گردد. او سه کارکرد را برای فراغت بر می‌شمارد که عبارتست از: ۱- رفع خستگی؛ ۲- تفریح و سرگرمی؛ ۳- رشد و شکوفایی فردی.

به اعتقاد دوم‌زادیه و بسیاری از صاحب نظران حوزه فراغت، زمان فراغت بهترین فرصت برای شکوفایی خلاقیت‌های فردی است. به عبارتی از آنجاییکه عمدتاً فعالیت‌های فراغتی آزادانه و بر اساس علائق فردی انتخاب می‌شوند، علاوه بر احساس رضایت، آرامش و رفع خستگی، موجب شکوفایی توانایی‌های بالقوه فردی می‌گردد.

اما نتایج تحقیقات انجام شده در ایران نشانگر آنست که کارکرد تفریحی و سرگرم کنندگی فراغت بر دیگر جنبه‌های فراغت غلبه دارد و فعالیت‌های فراغتی نظیر تماشای تلویزیون، استراحت در منزل، خواندن رمان، رفتن به پارک و تماشای مسابقات ورزشی از عمده ترین فعالیت‌های فراغتی در نزد ایرانیان به شمار می‌رود.

جدول شماره (5-2):

محقق	عنوان تحقیق	روش تحقیق	جامعه آماری	حجم نمونه	تکنیک نمونه‌گیری	تکنیک جمع‌آوری داده‌ها
1 اشرف الکتابی، منوچهر	بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده های شهر تهران طی سه نسل	پیمایش	خانواده های مناطق 22 گانه شهر تهران	383 نفر	-	پرسشنامه
2 انصاری مهلبادی، فرشته	بررسی نحوه گذران اوقات فراغت و نقش آن بر شکل گیری شخصیت فرهنگی	اسنادی+ پیمایش	دانش آموزان دختر دو دبیرستان در شمال و جنوب تهران	21 نفر	-	مشاهده+ پرسشنامه+ مصاحبه+ عکسبرداری
3 آزاد ارمکی، تقی	الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران	تحلیل ثانویه	ملی و استانی (تهران)	2532 و 1600 نفر	خوشه ای چند مرحله ای	-
4 باقری بنجار، عبدالرضا	نقش فضای شهری در زندگی اجتماعی و اوقات فراغت شهروندان تهرانی	تحلیل ثانویه	پیمایش رفتارهای فرهنگی ایرانیان	-	-	-
5 بخشی، حامد	بازتعریف فضاهای باز شهری در اوقات فراغت	-	-	-	-	-
6 برازنده تر، علیرضا	بررسی عوامل موثر بر چگونگی اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	پیمایش	کارمندان رسمی و متاهل بانک مرکزی	142 نفر	نمونه گیری تصادفی سیستماتیک	پرسشنامه
7 بهرام، عباس	بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان رزمنده با تاکید بر فعالیتهای ورزشی	پیمایش	دانش آموزان رزمنده دبیرستانی استان تهران	550 نفر	-	پرسشنامه
8 پاک سرشت، سلیمان و حسین نوری نیا	بررسی پیامدهای کاربرد فراغتی اینترنت بر رفتارهای فراغتی جوانان تهرانی	مطالعه اسنادی تحلیل ثانویه	پیمایش ملی رفتارهای فرهنگی و فراغتی سازمان ملی جوانان (1385)	-	-	-
9 جلیلی، زاله	اوقات فراغت، تفریح سواره و فضاهای شهری	-	-	-	-	-
10 جوادی یگانه، محمدرضا و سید ضیاء هاشمی	جای خالی کتاب در اوقات فراغت	تحلیل ثانویه	پژوهش ملی مصرف کالاهای فرهنگی در ایران	-	-	-
11 خداداد کاشی، حمید	تعیین اثربخشی فعالیتهای ورزشی فوق برنامه دانشگاههای تهران و ارائه الگوی اثربخش	پیمایش	دانشجویان و کارکنان دانشگاههای تهران و ادارات تربیت بدنی	400 دانشجو 65 کارمند ادارات تربیت بدنی	-	پرسشنامه
12 خیرخواه، طاهره	اوقات فراغت	اسنادی و کتابخانه ای	پژوهش اوقات فراغت جوانان سازمان ملی جوانان	-	-	-
13 رفعت جاه، مریم	قدرت، جنسیت و فراغت	-	-	-	-	-
14 زاهدی اصل، محمد	چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان دانشگاه تهران	پیمایش	کارکنان دانشگاه تهران	144 نفر	نمونه گیری نسبی (طبقه بندی)	پرسشنامه
15 سازمان ملی جوانان	بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان	کتابخانه ای	-	-	-	-
16 سعادت شیخ	چگونگی پرداختن به فعالیت های فراغت بین نوجوانان و جوانان در شهر تهران	پیمایش	نوجوانان و جوانان ساکن در تهران	1200	-	پرسشنامه
17 سعادت شیخ	چگونگی پرداختن به فعالیتهای فراغت بین نوجوانان و جوانان در جامعه شهری	پیمایش	نوجوانان و جوانان ساکن در مناطق شهری ایران	30/000 نفر	نمونه گیری طبقه بندی+خوشه‌ای+صادفی	پرسشنامه
18 سعیدی، علی اصغر	چالش های الگوهای فراغت سالمندان در ایران	-	-	-	-	-
19 شفیعی، سمیه سادات	بررسی میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت	پیمایش	کارکنان و اساتید زن متاهل دانشگاه علامه	117 نفر	تمام شماری	پرسشنامه

20	سلاطینی، سحر	بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت زنان متأهل و ارتباط آن با میزان رضامندی از زندگی زناشویی در شهر اصفهان	پیمایش	کلیه زنان متأهل شهر اصفهان	200 نفر	نمونه گیری تصادفی	پرسشنامه + مصاحبه حضوری
21	شعبانزاده، مهناز	بررسی رابطه قشربندی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش آموزان دختر شهرستان لنگرود	پیمایش	دانش آموزان دختر پایه دهم و سوم متوسطه شهرستان لنگرود	300 نفر	نمونه گیری ترکیبی (خوشه ای+طبقه ای نسبی+تصادفی)	پرسشنامه
22	صالحی، نظر علی	بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان اداره کل شیلات استان گیلان	پیمایش	کارکنان اداره کل شیلات استان گیلان	75 نفر	نمونه گیری تصادفی	پرسشنامه
23	صدیق سروسرستانی، رحمت الله	نظام کنترل اجتماعی، اوقات فراغت آسیب های اجتماعی آن	مطالعه اسنادی تحلیل محتوا	بیش از 20 مقاله، تالیف، ترجمه یا طرح پژوهشی			
24	عبادی، سلمان	گذران اوقات فراغت دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه هندیجان و عوامل موثر بر آن	پیمایش	دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه هندیجان استان خوزستان	278 نفر	نمونه گیری طبقه بندی	پرسشنامه
25	عظیمی هاشمی، مژگان	نیازهای فراغتی و شهر پایدار	کتابخانه ای	پیمایش سازمان ملی جوانان			
26	فرورزافر، حمید	مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان منطقه پارک ولیعهد(بی سیم نجف آباد) که عضو مرکز رفاه خانواده پارک ولیعهد می باشند با نوجوانانیکه عضویت این مرکز را ندارند.	پیمایش	نوجوانان منطقه پارک ولیعهد تهران	100 نفر (50 شاهد و 50 گروه اصلی)	نمونه گیری تصادفی سیستماتیک	-
27	فکوهی، ناصر	مساله "اقلیت های جماعتی" و اوقات فراغت در کلان شهرها با تاکید بر تهران		-	-		
28	قاضی زاده، ندا و علیرضا منعم	استفاده کنندگان؛ اصلی ترین معیار طراحی فضاهای تفرجگاهی		-			
29	کیان، علی	مطالعه و بررسی فعالیتهای فراغتی (گردشهای جمعی) دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و تعاون در دو گروه درآمد(بالا و پایین)	پیمایش	دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران	110 نفر		پرسشنامه
30	لطیفی، غلامرضا	سیمای جهانی گذران اوقات فراغت جوانان	-				
31	محمودی اشکور، حسین	وسایل ارتباط جمعی و گذران اوقات فراغت، تحقیقی در دبیرستانهای ساوجبلاغ	پیمایش	کلیه دانش آموزان دختر و پسر اول تا سوم دبیرستانهای ساوجبلاغ	300 نفر	نمونه گیری طبقه بندی+نمونه گیری اتفاقی سیستماتیک	پرسشنامه
32	مجدالدین، اکبر	بررسی ساختار ارزشی ایستار رزمندگان در دو مقطع جنگ و پس از جنگ با تاکید بر نحوه گذران اوقات فراغت	پیمایش	بسیجیان به جبهه رفته کرجی	177 نفر	نمونه گیری ساده	پرسشنامه
33	مجدی، علی اکبر	گیم نت، فضای فرهنگی مغفول شهری		-			
34	مقدس فرد، حمید	در جست و جوی فضای گم شده، پیشنهاد یک پارادایم برای فضای شهری		-			
35	منادی، مرتضی	اوقات فراغت و چالش های جهانی شدن مقایسه دو نسل	پیمایش	چهار دبیرستان دولتی	84 دانش آموز و 44 خانواده		پرسشنامه و مصاحبه
36	مهدی پور آکردی، علی	چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان مقطع متوسطه در شهرستان نکا و عوامل موثر بر آن	پیمایش	دانش آموزان مقطع متوسط شهرستان نکا	244 نفر	نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای	پرسشنامه
37	مهدی پور، عبدالرحمان	بررسی جایگاه تربیت بدنی و ورزش در گذران اوقات فراغت دانشجویان	پیمایش	پسران دانشجوی کارشناسی دانشگاههای تهران	550 نفر	نمونه گیری تصادفی+خوشه	پرسشنامه

	ای				پسر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی تهران و عوامل موثر بر آن		
			پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان و مصرف کالاهای فرهنگی	تحلیل ثانویه	آسیب شناسی نهادهای اوقات فراغت در زندگی شهری مدرن	نوعی، محمد	38
پرسشنامه	تصادفی طبقه بندی شده خوشه ای	10/000 نفر از جوانان اسکاتلندی	-	پیمایش	اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان	هنری، لثو بی و دیگران	39
پرسشنامه	-	204 نفر	دانشجویان قهرمان شرکت کننده در بازی ها همبستگی کشورهای اسلامی	پیمایش	بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان قهرمان آسیای میانه	یزدانی فاروقی، شهریار	40

نتیجه‌گیری از تحقیقات داخلی

در اغلب تحقیقات مرور شده - به ویژه پایان نامه های دانشجویی - آمار توصیفی و در نهایت تحلیل همبستگی ارائه شده است. به عبارتی، اکثر این پژوهشها تا مرحله توصیف و حداکثر تفسیر و بیان رابطه میان متغیرها پیش رفته اند و آمارگرایی در پژوهشها و ارائه نتایج آماری بیش از تبیین و تفسیر جامعه شناسانه به چشم می خورد. حتی در برخی موارد، فرضیات بسیار بدیهی و بدون پشتوانه نظری، مورد آزمون قرار گرفته است.

در مجموع، مرور این تحقیقات بیانگر آنست که میزان و نحوه گذران اوقات فراغت متاثر از عواملی همچون جنسیت، تاهل، درآمد، تحصیلات، پایگاه اقتصادی اجتماعی، محل سکونت و... می باشد. این بدان معناست که میان میزان و نحوه گذران اوقات فراغت با متغیرهای فوق رابطه معنادار وجود دارد.

همچنین، متأسفانه برخی از تحقیقات صرفاً مروری بر تحقیقات پیشین بوده و یافته ها و مباحث جدیدی ارائه نداده‌اند و به ندرت با توجه به نتایج حاصله از این پژوهشها، پیشنهادات و راهکارهایی برای بهبود وضعیت برنامه‌ریزی در حوزه اوقات فراغت ارائه شده و یا در اغلب موارد راهکارهای کلیشه ای و تکراری ارائه شده است.

با در نظر گرفتن تمامی این مطالعات باید گفت که فعالیتهای فراغتی جوانان به سوی فردی شدن و تجاری شدن، فعالیتهای فراغتی منفعل، سرگرم کننده و خانگی و غلبه رسانه های همگانی به ویژه تلویزیون در فعالیتهای فراغتی سوق یافته است. از اینرو سیاست گذاری در حوزه فراغت می بایست در جهت افزایش سواد رسانه ای، ارائه تسهیلات و ایجاد امکانات رفاهی، تفریحی و ورزشی عمومی و توجه به آموزش همگانی به انجام رسد.

چارچوب نظری تحقیق

با توجه به سنت‌های عرضه شده در قسمت‌های پیشین به نظر می‌رسد بتوان مدلی نظری برای بررسی وضعیت گذران اوقات فراغت دانشجویان به دست داد. به این منظور با توجه به این امر که پژوهش حاضر از نوع اکتشافی-توصیفی است که در آن، محقق در پی پاسخ به پرسش «چگونگی» است، لذا لازم می‌آید که مدل نظری راهی برای سازمان‌دهی یافته‌ها به دست دهد. به این منظور، پژوهش حاضر با پاسخ به این پرسش اصلی که «در میان دانشجویان کشور، نحوه گذران اوقات فراغت چگونه است؟» در پی بررسی سبک‌های زندگی فراغتی دانشجویان برای به دست دادن الگوهایی بر مبنای رویکرد سبک زندگی (نک: رویکرد سبک زندگی در مرور نظری تحقیق حاضر) می‌باشد. با عنایت به تعریف سبک زندگی از منظر گیدنز و فدرستون، «سبک‌های زندگی رفتارهای عادی روزمره هستند که در قالب عادات لباس پوشیدن، خوردن، محیط‌های مورد پسند برای تعامل با دیگران خود را نشان می‌دهد. اما این رفتارهای عادی روزمره در پرتو ماهیت متغیر تشخیص در معرض تغییر هستند.» (گیدنز، 1991 به نقل از شهابی، 1386). اما فدرستون (1991) با مبهم دانستن مفهوم سبک زندگی، فعالیت‌های فراغتی را از شاخص‌های سبک مصرفی فرد می‌داند (به نقل از شهابی، 1386). از سوی دیگر، می‌دانیم که سبک زندگی در سه شاخه فعالیت‌های فراغتی، فعالیت‌های بهداشتی و فعالیت‌های مصرفی قابل تقسیم‌بندی است که دو مورد از آن‌ها نیز قابل جمع با فعالیت‌های فراغتی‌اند. یعنی به صورتی خلاصه می‌توان گفت که شناسایی فعالیت‌های فراغتی در نهایت منجر به شناسایی سبک زندگی فرد خواهد شد. اما نباید از یاد برد که سویه دیگر پژوهش حاضر عرضه الگوهایی نظام‌مند از این فعالیت‌های فراغتی است. به این منظور، بنا به تقسیم‌بندی صورت گرفته در بخش نظری و با جمع‌بندی تحقیقات پیشین و در نهایت با گونه‌ای رویکرد مفهومی برای حصول مبنایی برای تحقیق توصیفی بر اساس مفاهیم فراغت-سبک زندگی این نتیجه حاصل شد که می‌توان فعالیت‌های فراغتی جوانان دانشجوی ایرانی را در 8 مقوله طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از

1- رسانه محور: کلیه فعالیت‌های فراغتی مرتبط با مصرف رسانه‌های مکتوب، صوتی، تصویری و الکترونیکی یا مجازی

2- ورزش محور: کلیه فعالیت‌های فراغتی مبتنی بر اجرای برنامه‌های ورزشی

3- دانش محور: کلیه فعالیت‌های صورت گرفته برای ارتقای دانش در اوقات فراغت در قالب درس یا غیر

آن

4- فضا(مکان) محور: فعالیت‌های فراغتی ناظر به مصرف فضاهای اجتماعی یا مکان‌های فراغتی از قبیل

کافه‌ها و پاتوق

5- هنر محور: فعالیت‌های هنری اعم از آموزشی یا عرضه هنر در اوقات فراغت

6- دین محور: شرکت در مراسم و مناسک مذهبی و دینی و حضور در فضاهای مقدس مذهبی

7- سیاست محور: پرداختن به حوزه‌های متفاوت کنش سیاسی در اوقات فراغت

8- اجتماعی محور: شرکت در مجامع و سازمان‌های خدمات داوطلبانه و نهادهای خدمت رسانی در

اوقات فراغت و نیز هرگونه فعالیت برای افزایش سرمایه اجتماعی فرد در این اوقات

حال اگر نگاهی به سیر مفاهیم فراغت، مصرف و سبک زندگی بیاندازیم می‌توان تمرکز این مفاهیم را در

یک مدل نظری نزد بوردیو بازشناخت. بوردیو برای ارائه تحلیلی از فضای اجتماعی در پی آن است که مدلی

بر مبنای قاعده تعریف کند و به این منظور در پی پاسخ دادن به این سوال است که رفتار انسانی چگونه

می‌تواند تنظیم شود بدون آن که محصول اطاعت صرف از قاعده باشد. او به این منظور دستگاهی از مفاهیم

نظری بنا می‌کند که استعداد یا تمایل یکی از آنهاست و آن را به واسطه منش توضیح می‌دهد. منش

مجموعه استعدادهای تجربی برای کنش به طریقی خاص هستند. این مفهوم هم به سویه خودآگاه و هم به

سویه ناخودآگاه فرد در زندگی اجتماعی نظر دارد و از سویی نیز با مفهوم عقل عملی بوردیو ملازمت

دارد. بوردیو (1991) مجموعه این منش‌ها را در قالب سبک زندگی قرار می‌دهد. مفهوم سبک زندگی به این

ترتیب نزد بوردیو به منزله دسته‌ای از اعمال کنش‌های خاص است که در قالب متمایز شناسایی می‌شوند.

نباید از یاد برد که مفهوم سبک زندگی چنان که فدرستون (1991) می‌گوید تا اندازه‌ای مبهم و تا اندازه‌ای نیز زمینه‌مند است و اصولاً مشاجره بر سر این امر که آیا در همه کشورها سبک زندگی شکل گرفته یا قابل شناسایی است به آن صورتی که بورديو این سبک‌ها را در فرانسه شناسایی کرده بود ادامه دارد. با این همه نظام مفهومی بورديو این امکان را برای پژوهش حاضر فراهم می‌آورد که نظام تمایلات مشروط به تجربه فردی را با سرمایه‌های فردی مرتبط سازد. به این منظور از مفهوم دیگری نزد بورديو استفاده می‌کنیم که تمایز است. می‌دانیم که بورديو در اثر پر ارجاع خود با نام تمایز (1984) تلاش می‌کند تا اصولی بیابد که بر اساس آن موقعیت عامل در فضای اجتماعی معین روشن شود. بورديو این امر را دقیقاً برای توصیف جامعه مدرن به کار می‌برد و از آن دریافتی توصیفی دارد. او در پی این است که با بررسی منش و کیفیاتی مانند سبک زندگی موضع هر فرد را در اجتماع روشن و تناسبات این مواضع را با یکدیگر روشن سازد. ملاحظه می‌شود که بورديو برای این توصیف از نوعی محور مختصات بهره می‌برد که در آن وزن نسبی هر یک از سرمایه‌های چندگانه‌ای که تعریف کرده است بر محورهای افقی و عمودی درج شده است. در یک نگاه کلی می‌توان این دو محور را با سرمایه کلی حاصل از جمع سرمایه‌های متفاوت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نمادین و امثال آن معین کرد و وزن نسبی سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی را در دو جهت معکوس بر محور دیگر منطبق ساخت. بورديو خود در کتاب تمایز (1984) مشاغل پاریس را در این قالب گنجانیده است

به نظر می‌رسد که می‌توان در قالب چهارربعی حاصل از محورهای مختصات مذکور به جای مشاغل، چنان که بورديو نشان داده است، منش‌ها یا به عبارتی سبک‌های زندگی را گذاشت. نکته مهم این است که با این مدل می‌توان از توصیف فراتر رفت و به پیش‌بینی نیز دست زد. به این منظور، لازم است که هر یک از 8 محور فراغتی پیش‌گفته را بر اساس سرمایه‌های متفاوت افراد منتسب به آن محورهای فعالیتی شناسایی و سپس بر مبنای توصیفات حاصل شناخت.

حال لازم است که اجتماعی از متغیرهای برساننده هر یک از سرمایه‌ها را شناسایی کرد. در این جهت میزان درآمد، نحوه سکونت در خوابگاه و پانسیون یا خانه دانشجویی یا با خانواده، نوع اتومبیل و امثالهم

سازنده سرمایه اقتصادی؛ میزان مصرف کالاهای فرهنگی، کتابخوانی، نوع کتاب‌های مطالعاتی، موسیقی، فیلم، و امثال اینها شاخص سرمایه فرهنگی؛ مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، اعتبار دانشگاه محل تحصیل بنا به رتبه بندی وزارت علوم و امثال ذلک سازنده سرمایه نمادین؛ و به طبع میزان حضور در انجمن‌ها و مجامع فعالیت اجتماعی و نیز اعتماد بینافردی شاخص سرمایه اجتماعی است. همچنین می‌توان به تبعیت از بورديو این منظومه را گسترد و از سرمایه‌های سیاسی بر اساس میزان مشارکت فرد در فعالیت‌های سیاسی و اطلاع سیاسی او، و سرمایه دینی بر اساس اشتغال فرد به مراسم و مناسک دینی و از این دست اهتمام ورزید. نتیجه آن که می‌توان فضایی اجتماعی بر مبنای تجمع سرمایه‌ها در هر یک از سبک‌های زندگی تعریف و با توجه به آن به موضع‌گیری هر یک از سبک‌های زندگی شناسایی شده در این فضا پرداخت و امکان پیش‌بینی سرمایه فرد به لزوم حضور در یک سبک زندگی یا به‌عکس پیش‌بینی نحوه سبک زندگی فرد به اعتبار سرمایه‌های او دست زد.

فصل سوم: روش تحقیق

روش تحقیق

معرفی روش تحقیق: در این طرح از روش‌های کمی استفاده خواهد شد. با توجه به ماهیت طرح روش گردآوری داده‌ها بصورت پیمایشی خواهد بود. روش کمی که برای انجام این مطالعه مورد استفاده قرار خواهد گرفت، روش تحقیق میدانی است که طی آن جمع‌آوری اطلاعات با مراجعه مستقیم به جامعه آماری انجام خواهد گرفت. تکنیک مورد استفاده در این مطالعه، تکمیل پرسشنامه خواهد بود که طی آن سوالات تعیین شده با تک تک افراد مورد مطالعه مطرح و پاسخ‌های آنها به صورت علامت‌گذاری بر گزینه مناسب یا یادداشت عین پاسخ، روی پرسشنامه منعکس خواهد شد.

جامعه آماری، واحد مشاهده و تحلیل، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری

جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی روزانه سطح کشور می‌باشند که از میان آن نمونه‌ای به حجم تقریباً 7360 نفر انتخاب خواهد شد.

واحد مشاهده و تحلیل

در این تحقیق، واحد مشاهده و تحلیل فرد می‌باشد.

حجم نمونه

بنا به آمار آموزش عالی کشور حدود 731000 نفر در دوره‌های متفاوت آموزش عالی روزانه دولتی در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل‌اند. حال با توجه به تحقیقات قبلی و با عنایت به قوانین آماری محاسبه حجم نمونه داریم:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

که در آن N تعداد دانشجویان کل و t^2 برابر $3/84$ و s برابر 2.2 و d برابر $0/050$ است و بنابراین داریم:

$$n = \frac{731,000 \times 3,84(2,2)^2}{731,000 \times (0/50)^2 + 3,84 \times (2,2)^2}$$

$$n = 7360$$

در طرحنامه پیش‌بینی شده بود که حدود 10 دانشگاه کشور در این پژوهش مورد بررسی قرار گیرند اما با توجه به تکنیک نمونه‌گیری و اقتضای تحقیق، در نهایت 16 دانشگاه و موسسه دانشگاهی انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری

روش‌های نمونه‌گیری را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

(1) احتمالی (2) غیراحتمالی

در این پژوهش از نمونه‌گیری احتمالی استفاده می‌شود که در آن شانس انتخاب هر یک از واحدهای جمعیت یکسان است. این نمونه‌گیری خود دارای انواعی است.

(1) تصادفی ساده (2) سیستماتیک (3) طبقه‌بندی شده (4) خوشه‌ای

در برآورد حجم نمونه ابتدا چارچوب کل واحدهای مشاهده و سپس چارچوب نمونه‌ای تعیین می‌شود. در

چارچوب کلی مجموعه‌ای از واحدها قرار دارند که صفت یا صفات مشترک دارند.

در این پژوهش از نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌بندی شده چند مرحله‌ای استفاده شده است. در نمونه

گیری طبقه‌بندی شده عناصر جمعیت بر اساس خصوصیات مشخصی شناسایی می‌شوند. اگر این کار

ممکن باشد می‌توان عناصر مورد نظر را در مقوله‌های مورد نظر دسته‌بندی کرد. با استفاده از نسبت نمونه

گیری متناسب در هر طبقه توزیع جمعیت برحسب این ویژگی به صورت متناسب در نمونه نیز بازنموده

خواهد شد و این برای آنست تا از همه مقوله‌های تحت مطالعه به تعداد کافی در نمونه حضور داشته باشند.

در نمونه گیری خوشه ای، خوشه واحدی است که حاوی جمعی از عناصر جمعیت است. نمونه گیری خوشه ای در هر انتخاب بیش از یک عنصر جمعیتی را انتخاب می کند، برای مثال یک کلاس از دانشجویان، یک حومه شهری، یک خیابان یا بلوکی از ساکنان شهری، یک سال از انتشارات یک روزنامه یا یک ماه از تقاضانامه های شهروندی. نمونه گیری خوشه ای عموماً هنگامی مورد استفاده قرار می گیرد که فهرست کردن همه عناصر غیر ممکن یا بسیار دشوار باشد.

و در نمونه گیری چند مرحله ای، غالباً در مرحله اول، یا شاید در یکی از مراحل، از نمونه گیری خوشه ای استفاده می شود. برای انتخاب خوشه ها، یا پس از آن برای انتخاب های درون خوشه ها می توان از هریک از سه روش نمونه گیری احتمالی استفاده کرد.

در پژوهش حاضر برای نمونه گیری از آمار آموزش عالی ایران، از انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برای بدست آوردن نام و تعداد مراکز آموزش عالی تحت پوشش وزارت علوم و نیز دانشگاه های علوم پزشکی استفاده شد و در نهایت، با توجه به اینکه تعداد 166 مرکز آموزش عالی و دانشگاه علوم پزشکی شناسایی شد، به نسبت ¹ از این مراکز برای پرسشگری انتخاب گردید که 17 مرکز آموزشی را در برمی گرفت به این ترتیب، از لیست مراکز آموزش عالی به روش نمونه گیری سیستماتیک تعداد مراکز گزینش شده عبارت اند از

1. دانشگاه تهران
2. دانشگاه علم و فرهنگ
3. دانشگاه کردستان
4. دانشگاه خلیج فارس
5. دانشگاه علوم پزشکی قزوین
6. دانشگاه علوم پزشکی مازندران
7. دانشگاه باقرالعلوم قم

8. دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان

9. دانشگاه سیستان و بلوچستان

10. دانشگاه شیراز

11. دانشگاه علوم پزشکی فسا

12. دانشگاه اصفهان

13. دانشگاه تبریز

14. دانشگاه یزد

15. دانشگاه فردوسی مشهد

16. دانشگاه امیرکبیر

17. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

بدیهی است که تعداد نمونه‌ها به نسبت جمعیت دانشجویی و به تفکیک جنسیت و گروه‌های آموزشی (علوم پزشکی، علوم انسانی، علوم پایه، فنی و هنر) در هر یک از دانشگاه‌ها توزیع شده است. به این ترتیب، نمونه‌گیری در مرحله بعد براساس در نظر گرفتن حجم دانشجویان (و نسبت جنسی، گروه‌های آموزشی علوم پزشکی، انسانی، پایه، فنی و هنر و مقاطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی) هر یک از مراکز آموزش عالی مذکور معین شده و سپس براساس نمونه‌گیری تصادفی از بین دانشکده‌ها و یا گروه‌های هر یک از این مراکز نمونه‌های نهایی بر اساس فهرست حاصل و محاسبه حجم نمونه فرعی بر اساس اصل تخصیص متناسب و بر حسب جنسیت دانشجویان و با رعایت نسبت مقطع تحصیلی در هر یک از گروه‌های آموزشی پنجگانه انتخاب شده اند. منطق اساسی نمونه‌گیری تصادفی حکم می‌کند که در این مرحله در هر یک از دانشکده‌ها یا گروه‌های انتخاب شده لیست همه دانشجویان تهیه شده و به صورت تصادفی، تعداد نمونه انتخاب و آنگاه از دانشجویان دعوت به عمل آید تا

به پرسشنامه پاسخ دهند، اما با توجه به وقت‌گیر بودن این روش و با عنایت به تجارب قبلی که این روش را عملاً ناکارآمد می‌داند، می‌توان با مشخص شدن تعداد نمونه در هر دانشکده یا گروه، پرسشگر به سه طریق به انتخاب نمونه پردازد:

1- پرسشنامه‌ها را توسط دانشجویان حاضر در فضاهای عمومی دانشکده از جمله کتابخانه، کافه، کانون‌ها به صورت تصادفی پر کنند.

2- کلاس‌های هر محل را بررسی کرده و تعدادی از این کلاس‌ها را به صورت تصادفی انتخاب و تعداد پرسشنامه را در این کلاس‌ها تقسیم و پرسشگری را به انجام برساند.

3- در ورودی دانشگاه از دانشجویانی که وارد می‌شود به یک نسبت معین پرسشگری کند. بهترین روش در این پژوهش بر اساس مشورت با محققان و ناظر محترم طرح رجوع به کلاسها براساس نوعی انتخاب تصادفی تشخیص داده شد. بنابراین از میان کلاسهای دایر در دانشکده کلاسهایی به طور تصادفی انتخاب و کل دانشجویان آن کلاس (با در نظر داشتن نسبتها) مورد پرسش قرار گرفتند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیرهای وابسته

الف) سبک زندگی اجتماعی محور عبارت از آن شیوه زندگی فرد است که در آن فعالیت‌های اجتماعی او برجسته و بررسی می‌شوند. در پژوهش حاضر این سبک زندگی بر اساس این فعالیت‌ها شناسایی شده است: وضعیت فعالیت در تشکلهای صنفی، کمک به انجمن‌های خیریه، فعالیت‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه، فعالیت در کانون‌های عمومی دانشگاه.

ب) سبک زندگی رسانه محور بر اساس میزان مصرف رسانه‌ها توسط فرد تعریف می‌شود و در آن این موارد لحاظ شده است: استفاده از رادیو، استفاده از تلویزیون، استفاده از دستگاه پخش صوت، ویدئو و دی-وی دی، برنامه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، mp3 , mp4 و موبایل را دربر می‌گیرد.

ج) سبک زندگی علمی محور که بر اساس مطالعه کتاب غیر درسی، روزنامه، مجله، مقالات اینترنتی، همکاری با کانون‌های علمی داخل و خارج دانشگاه و به صورت مجموعه اعمال مذکور در قالب کسب علم در اوقات فراغت تعریف می‌شود.

د) سبک زندگی هنری محور بر اساس فعالیت‌های گوش دادن به موسیقی، رفتن به تئاتر، رفتن به سینما، رفتن به موزه، مطالعه رمان و مطالعه شعر، پرداختن به خطاطی، نقاشی و داستان نویسی، و شرکت در کلاس‌های آموزش هنر شناسایی می‌شود.

ه) سبک زندگی تفریح محور شامل مجموعه فعالیت‌های قدم زدن در خیابان، رفتن به پارک و مراکز خرید، رفتن به کوه و جنگل، پرسه زنی با اتومبیل، رفتن به رستوران و کافی شاپ، رفتن به اردوهای علمی، ایرانگردی و سفرهای خارجی است.

و) سبک زندگی سیاسی محور با سنجیدن میزان فعالیت سیاسی فرد در موارد زیر شناسایی می‌شود: پیگیری اخبار سیاسی، استفاده از سایت‌های اینترنتی سیاسی، فعالیت در تشکل‌های سیاسی، کمک به احزاب و گروه‌های سیاسی، شرکت در سخنرانی‌ها و مشارکت در بحث‌های سیاسی.

ز) سبک زندگی مذهبی محور بر مبنای این فعالیت‌ها تعریف می‌شود: شرکت در نماز جماعت، قرائت قرآن، خواندن کتب دعا و نمازهای مستحبی، شرکت در مراسم مذهبی و رفتن به مسجد، شرکت در کانون‌ها و کلاس‌های مذهبی در داخل یا خارج از دانشگاه، شرکت در مراسم اعتکاف، زیارت اماکن مذهبی.

ح) سبک زندگی ورزش محور تعلق فعالیت‌های فرد به هر یک از مواد ورزشی را در بر می‌گیرد.

ط) امکانات فراغتی آن دسته از امکاناتی‌اند که فرد برای گذران وقت فراغت خود بر اساس نوع سبک زندگی فراغتی و فعالیت‌های فراغتی خود به آن نیازمند است.

ی) فضای فراغتی به معنای مجموعه مکان‌هایی است که در آن فرد امکان می‌یابد به فعالیت‌های تعریف شده در هر یک از سبک‌های زندگی خود بپردازد.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این تحقیق عمدتاً متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، جنس، میزان درآمد. وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی، وضعیت اشتغال، گروه آموزشی، هزینه ماهانه، نوع سکونت‌اند.

اعتبار و پایایی ابزار سنجش (تحلیل عاملی سبک‌های فراغتی)

اوقات فراغت در این تحقیق با استفاده از 8 بُعد سنجش شده است. برای مشخص کردن ابعاد اوقات فراغت متغیرهای نهفته و زیربنایی آن از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. قبل از عامل بندی، متغیرها از طریق آماره K.M.O یا معیار «کایزر - مایر- اولکین^۱» و آماره B.T.S یا آزمون بارتلت^۲ مورد آزمون قرار گرفتند. معیار K.M.O یکی از معیارهایی است که نشان می‌دهد تا چه حد عوامل مشترک، تبیین‌کننده واریانس متغیرهاست. آزمون بارتلت که براساس آماره «کی دو» محاسبه می‌شود و ماتریس همبستگی موجود برای تحلیل عاملی را با ماتریس واحد که در آن قطرها برابر یک و بقیه عناصر صفر است مقایسه می‌کند. معنادار بودن این آزمون نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی موجود، قابلیت تحلیل عاملی را دارد. نتایج هر دو آزمون در مورد متغیر اوقات فراغت مبین این واقعیت است که اولاً ایده تحلیل عاملی برای سئوالات ایده مطلوبی است. ثانياً ماتریس همبستگی بین متغیرها ماتریس واحد نیست.

تحلیل عاملی 8 بُعد اوقات فراغت با استفاده از روش «تجزیه به مولفه های اصلی^۳» و روش «چرخش عامل^۴» بصورت اورتوگونا(متعامد یا مستقل) و از میان روش های روتیشن، نوع «چرخش واریماکس^۵» انجام شده است.

(متعامد یا مستقل) و از میان روش های روتیشن، نوع «چرخش واریماکس^۶» انجام شده است.

-
1. Kaiser – Meyer – Olkin
 2. Bartlett test of Sphericity
 3. Principal Component Analysis
 4. Factor Rotation
 5. Varimax Rotation
 6. Varimax Rotation

جدول شماره (3-1): معیار K.M.O و آزمون بارتلت ابعاد اوقات فراغت

0.93	معیار K.M.O	
114071	Approx . Chi-Square	آزمون بارتلت
1830	df	
• 0.00	Sig.	

از آنجا که در این پژوهش با تعداد کثیری از متغیرها مواجهیم برای خلاصه کردن داده ها و بررسی همبستگی درونی آنها از روش تحلیل عاملی سود جسته ایم. در این روش متغیرها به هم وابسته تلقی شده و به طور همزمان مد نظر قرار می گیرند (کلانتری، 1387، 283). در این روش ابتدا برای تعیین و تشخیص مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی از روش K.M.O استفاده شده است. مقدار K.M.O محاسبه شده بیش از مقدار تعیین شده (0.69) یعنی 0.93 می باشد و نشان دهنده همبستگی های موجود برای انجام تحلیل عاملی مناسب است.

جدول شماره (3-2): نتایج اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی مذهب محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
6.247	10.24	0.789	در نماز جماعت شرکت می کنم	اول
		0.807	قران می خوانم	
		0.828	کتاب دعا می خوانم	
		0.746	نماز مستحبی می خوانم	
		0.815	در مراسم مذهبی شرکت می کنم	
		0.813	به مسجد می روم	
		0.714	شرکت در کانون ها و کلاس های مذهبی در دانشگاه یا خارج از آن	
		0.621	شرکت در اعتکاف	
		0.735	رفتن به زیارت اماکن مذهبی	

جدول شماره (3-3): نتایج اجزاء تحلیل عاملی سبک فرغتی سیاست محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
4.854	7.975	0.689	اخبار سیاسی را دنبال می کنم	دوم
		0.737	به سایت های اینترنتی سر می زنم	
		0.792	در تشکل های دانشجویی فعالیت سیاسی می کنم	
		0.752	به احزاب و گروه های سیاسی موجود کمک می کنم	
		0.803	در سخنرانی ها و مجالس سیاسی شرکت می کنم	
		0.786	با دوستانم بحث سیاسی می کنم	

جدول شماره (3-4): نتایج اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی ورزش محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
4.344	7.121	0.483	فوتبال	سوم
		0.53	ورزش رزمی	
		0.552	والیبال	
		0.534	شنا و ورزش های آبی	
		0.518	شطرنج	
		0.531	کوه پیمایی و پیاده روی	
		0.694	دویدن	
		0.675	آمدگی جسمانی یا ایروبیک	
		0.637	بدنسازی	
		0.58	کشتی	
		0.52	پی گیری اخبار ورزشی	

جدول شماره (3-5): نتایج اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی تفریح محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
4.155	6.811	0.643	قدم زدن در خیابان	چهارم
		0.573	رفتن به پارک	
		0.697	رفتن به مراکز خرید	
		0.498	رفتن به کوه و جنگل	
		0.477	اتومبیل گردی	
		0.554	رستوران و کافی شاپ	
		0.447	اردوهای علمی	
		0.405	ایران گردی	
0.532	سفرهای خارجی			

جدول شماره (3-6): نتایج اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی هنر محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
3.941	6.461	0.601	موسیقی گوش می کنم	پنجم
		0.538	تئاتر می روم	
		0.428	سینما می روم	
		0.605	موزه می روم	
		0.651	رمان می خوانم	
		0.632	شعر می خوانم	
		0.593	نقاشی یا خطاطی می کنم	
		0.637	داستان نویسی	
		0.564	کلاس های آموزش هنر	

جدول شماره (3-7): نتایج اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی اجتماع محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
3.102	5.085	0.449	در تشکل های صنفی دانشجویی فعالیت می کنم	ششم
		0.318	به انجمن های خیریه کمک می کنم	
		0.377	فعالیت هایی در حوزه صندوق های قرض الحسنه دارم	
		0.388	فعالیت های در کانون های عمومی دانشگاه چون دفتر شاه و ایثارگر یا استعدادهای درخشان	

جدول شماره (3-8): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغتی رسانه محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
2.324	3.810	0.37	رادیو	هفتم
		0.538	تلویزیون	
		0.402	ضبط صوت	
		0.411	ویدئو، دی وی دی	
		0.469	شبکه های ماهواره	
		0.696	اینترنت	
		0.341	3mp-4mp	
		0.531	موبایل	

جدول شماره (3-9): نتایج و اجزاء تحلیل عاملی سبک فراغت محور

مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	سنجه ها	عامل ها
1.977	3.241	0.489	مطالعه کتاب غیر درسی	هشتم
		0.505	مطالعه روزنامه	
		0.403	مطالعه مجله	
		0.426	مطالعه مقالات از طریق اینترنت	
		0.453	همکاری با کانونهای علمی در دانشگاه و خارج آن	

مقدار ویژه‌های به دست آمده همگی بیشتر از 1 (حد مقبول برای معنی‌داری) می باشند و این موید معنی‌دار بودن عامل‌ها برای تحلیل است. برای عامل سبک فراغتی مذهب محور 6/24، سیاست محور 4/85، ورزش محور 4/34، تفریح محور 4/15، هنر محور 3/94، اجتماع محور 3/10، رسانه محور 2/22 و عامل سبک فراغتی مطالعه محور 1/97 محاسبه شده است.

از سویی ضروری است که از میان عوامل استخراج شده عامل‌هایی برگزیده شوند که بیشترین توان را در تبیین واریانس سبک‌های مختلف فراغتی دارا باشند. معیار بارهای عاملی یکی از شیوه‌هایی است که معنی‌داری هر یک از عامل‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد. بر اساس این معیار بارهای عاملی که $+0.30$ باشند معنی‌دار تلقی می‌شوند. بارهای عاملی که بزرگ‌تر از $+0.40$ باشند دارای سطح معنی‌داری بالا و بارهایی که بزرگتر از $+0.50$ باشند بسیار معنی‌دار تلقی می‌شوند. بنابراین هر چه میزان بار عاملی بیشتر باشد سطح معنی‌داری آنها نیز در تفسیر تغییر ماتریس عاملی افزایش می‌یابد. بر این اساس عامل مذهب با دارا

بودن بالاترین میانگین بار عاملی اولین و سپس به ترتیب سیاست، ورزش، تفریح، هنر، اجتماع، رسانه و در نهایت مطالعه بالاترین سطح معنی داری را در تفسیر تغییر ماتریس عامل ها به خود اختصاص داده‌اند.

گزارش پایایی مقیاس‌ها و تعریف عملیاتی متغیرها

پایایی سبک فراغتی مذهب محور

در این سبک غالب فعالیت های افراد به عبادات، مراسم و مناسک مذهبی راجع است. یا به عبارتی فرد بیشتر اوقات خود را به اعمالی اختصاص می دهد که به مذهب مربوطند.

جدول شماره (10-3): پایایی سبک فراغتی مذهب محور

پایایی	شماره سنجه ها	سنجه ها	بعد
0/92	109 تا 118	در نماز جماعت شرکت می‌کنم	مذهب محور
		قران می‌خوانم	
		کتاب دعا می‌خوانم	
		نماز مستحبی می‌خوانم	
		در مراسم مذهبی شرکت می‌کنم	
		به مسجد می‌روم	
		شرکت در کانون‌ها و کلاس‌های مذهبی در دانشگاه یا خارج از آن	
		شرکت در اعتکاف	
رفتن به زیارت اماکن مذهبی			

سوالات 118 تا 109 سنجه‌هایی را شامل می‌شود که سبک فراغتی مذهب محور را مورد سنجش قرار می‌دهند. پایایی بدست آمده برای معرف‌های این سبک برابر با 0.92 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه‌های فوق‌الذکر است.

پایایی سبک فراغتی سیاست محور

در این سبک بیشتر فعالیت های افراد به کنش های راجع است که با مقوله سیاست و قدرت در سطوح خرد و کلان یا به صورت فردی و جمعی (نهادی یا حزبی) مربوط باشد.

جدول شماره (3-11): پایایی سبک فراغتی سیاست محور

پایایی	شماره سنجه ها	سنجه ها	بعد
0/89	119 تا 125	اخبار سیاسی را دنبال می‌کنم	سیاست محور
		به سایت های اینترنتی سر می‌زنم	
		در تشکل های دانشجویی فعالیت سیاسی می‌کنم	
		به احزاب و گروه های سیاسی موجود کمک می‌کنم	
		در سخنرانی ها و مجالس سیاسی شرکت می‌کنم	
با دوستانم بحث سیاسی می‌کنم			

سوالات 119 تا 125 سنجه‌هایی را شامل می‌شود که سبک فراغتی سیاست محور را مورد سنجش قرار می‌دهند. پایایی بدست آمده برای معرف‌های این سبک برابر با 0.89 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه‌های فوق‌الذکر است.

پایایی سبک فراغتی ورزش محور

در این سبک بیشتر فعالیت های افراد به امور ورزشی مربوط است. به عبارتی فعالیت‌های ورزشی به نحو چشمگیرتری در اوقات فراغت این دسته از افراد گنجانده شده است.

جدول شماره (3-12): پایایی سبک فراغتی ورزش محور

پایایی	شماره سنجه ها	سنجه ها	بعد
0/83	78 تا 89	فوتبال	ورزش محور
		ورزش رزمی	
		والیبال	
		شنا و ورزش های آبی	
		شطرنج	
		کوه پیمایی و پیاده‌روی	
		دویدن	
		آمادگی جسمانی یا ایروبیک	
		بدنسازی	
		کشتی	
پی گیری اخبار ورزشی			

سوالات 78 تا 89 سنجه‌هایی را شامل می‌شود که سبک فراغتی سیاست محور را مورد سنجش قرار می‌دهند. پایایی بدست آمده برای معرف‌های این سبک برابر با 0.83 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه‌های فوق‌الذکر است.

پایایی سبک فراغتی تفریح محور

این سبک از لحاظ پیامدها و کارکردهای روانی تا حدودی به سبک فراغتی ورزش محور شباهت دارد با این تفاوت که فعالیت‌هایی که در این سبک به انجام می‌رسد جنبه آموزشی و تعلیم جسمانی سبک یاد شده را نادیده می‌گیرد و بیشتر به تفنن و تفریح معطوف است.

جدول شماره (13-3): پایایی سبک فراغتی تفریح محور

پایایی	شماره سنجه‌ها	سنجه‌ها	بعد
0/83	90 تا 98	قدم زدن در خیابان	تفریح محور
		رفتن به پارک	
		رفتن به مراکز خرید	
		رفتن به کوه و جنگل	
		اتومبیل‌گردی	
		رستوران و کافی شاپ	
		اردوهای علمی	
		ایران گردی	
سفرهای خارجی			

سوالات 90 تا 98 سنجه‌هایی را شامل می‌شود که سبک فراغتی تفریح محور را مورد سنجش قرار می‌دهند. پایایی بدست آمده برای معرف‌های این سبک برابر با 0.83 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه‌های فوق‌الذکر است.

پایایی سبک فراغتی هنر محور

این سبک در بر دارنده فعالیت هایی است که فرد به هنر در صورت های مختلف آن اختصاص می دهد. ادبیات، هنرهای تجسمی، موسیقی و شرکت در کلاس های هنری از جمله اموری هستند که به تربیت احساسات و افکار افراد یاری می رساند. این قسم فعالیت ها جزء فعالیت های فراغتی-آموزشی محسوب می شوند.

جدول شماره (3-14): پایایی سبک فراغتی هنر محور

پایایی	شماره سنجه ها	سنجه ها	بعد
0/81	99 تا 108	موسیقی گوش می کنم	هنر محور
		تئاتر می روم	
		سینما می روم	
		موزه می روم	
		رمان می خوانم	
		شعر می خوانم	
		نقاشی یا خطاطی می کنم	
		داستان نویسی	
		کلاس های آموزش هنر	

سوالات 99 تا 108 سنجه هایی را شامل می شود که سبک فراغتی هنر محور را مورد سنجش قرار می دهند. پایایی بدست آمده برای معرف های این سبک برابر با 0.81 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه های فوق الذکر است.

پایایی سبک فراغتی اجتماع محور

این سبک در بر دارنده فعالیت هایی است که فرد با انگیزه یاری رسانی و خدمت به دیگران مبادرت به انجام آن میکند. این اموری اغلب نیاز به تشریک مساعی و مراودت با دیگر افراد جامعه دارد.

جدول شماره (15-3): پایایی سبک فراغتی اجتماع محور

پایایی	شماره سنجه ها	سنجه ها	بعد
0/81	126 تا 130	در تشکل های صنفی دانشجویی فعالیت می کنم	اجتماع محور
		به انجمن های خیریه کمک می کنم	
		فعالیت هایی در حوزه صندوق های قرض الحسنه دارم	
		فعالیت های در کانون های عمومی دانشگاه چون دفت شاهد و ایثارگر یا استعدادهای درخشان	

سوالات 126 تا 130 سنجه هایی را شامل می شود که سبک فراغتی اجتماع محور را مورد سنجش قرار می دهند. پایایی بدست آمده برای معرف های این سبک برابر با 0.81 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه های فوق الذکر است.

پایایی سبک فراغتی رسانه محور

این سبک به آن دسته از فعالیت هایی معطوف است که فرد در زمان فراغت به رسانه های جمعی اختصاص می دهد. رسانه ها شامل رسانه های تصویری یا صوتی و یا داخلی و خارجی می شود.

جدول شماره (16-3): پایایی سبک فراغتی رسانه محور

پایایی	شماره سنجه ها	سنجه ها	بعد
0/79	69 تا 77	رادیو	رسانه محور
		تلویزیون	
		ضبط صوت	
		ویدئو، دی وی دی	
		شبکه های ماهواره	
		اینترنت	
		3mp-4mp	
		موبایل	

سوالات 69 تا 77 سنجه‌هایی را شامل می‌شود که سبک فراغتی رسانه محور را مورد سنجش قرار می‌دهند. پایایی بدست آمده برای معرف‌های این سبک برابر با 0.79 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه‌های فوق‌الذکر است.

پایایی سبک فراغتی مطالعه محور

این سبک به آن دسته از مطالعات افراد مربوط می‌شود که جزء تکالیف تحصیلی یا شغلی آنها نباشد. این مطالعات می‌تواند به صورت مکتوب و یا تصویری مجازی باشد.

جدول شماره (3-17): پایایی سبک فراغتی مطالعه محور

پایایی	شماره سنجه‌ها	سنجه‌ها	بعد
0/78	63 تا 68	مطالعه کتاب غیر درسی	مطالعه محور
		مطالعه روزنامه	
		مطالعه مجله	
		مطالعه مقالات از طریق اینترنت	
		همکاری با کانونهای علمی در دانشگاه و خارج آن	

سوالات 64 تا 68 سنجه‌هایی را شامل می‌شود که سبک فراغتی مطالعه محور را مورد سنجش قرار می‌دهند. پایایی بدست آمده برای معرف‌های این سبک برابر با 0.78 است که نشان دهنده بالا بودن قابلیت اتکای به سنجه‌های فوق‌الذکر است.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش‌های تحلیل کمی در چهار مقوله اصلی قرار می‌گیرند: توصیف، پیوستگی، علیت و استنباط روش‌های توصیفی برای گزارش دادن توزیع‌های یک نمونه یا جمعیت بر حسب چندین متغیر (با استفاده از هر چهار سطح سنجش) و نیز برای فراهم آوردن سنجه‌های خلاصه‌کننده ویژگی‌های این توزیع‌ها به کار می‌روند. این سنجه‌ها شامل توزیع‌های فراوانی (که به صورت نموداری نیز نمایش داده می‌شوند)، سنجه‌های گرایش به مرکز (نما، میانه و میانگین) و سنجه‌های پراکندگی توزیع (مثل دامنه چارکی و انحراف معیار) هستند.

سنجه های پیوستگی برای نشان دادن میزان تغییرات هماهنگ دو متغیر به کار می روند، یعنی آیا موقعیت یک متغیر به صورت سازگار با موقعیت های متغیر دیگر پیوستگی دارد یا نه.. شیوه یافتن پیوستگی به سطوح سنجش بستگی دارد و اینکه آیا دو متغیر یا بیشتر از دو متغیر، مورد تحلیل قرار می-گیرند.

و به منظور بررسی شبکه روابط و اثبات علیت، از روش تحلیل عامل، استفاده می شود. و در نهایت آمار استنباطی که به دو مقصود مورد استفاده قرار می گیرد: برای برآورد ویژگی های جمعیتی (پارامترها) از ویژگی های نمونه (آماره ها)، و برای محرز کردن اینکه آیا انتظار می رود که تفاوت ها یا روابط مشاهده شده در نمونه در جمعیت نیز وجود داشته باشد و برای دستیابی بدان از آزمونهای معناداری استفاده می شود.

در این تحقیق برحسب ضرورت از این مقولات چهار گانه استفاده شده است. در ابتدا با توجه به توصیفی بودن طرح تحقیق، لازم بود که پرسش های توزیع شده متفاوت در سطح پرسشنامه بر اساس طرح نظری از پیش تنظیم شده در کنار یکدیگر قرار گیرند و با توجه به آن جداول مربوط به هریک از محورهای فعالیت های فراغتی حاصل شد. سپس بر مبنای تفکیک های لازم بر اساس متغیرهای زمینه ای و یا به تفکیک دانشگاه های مورد پرسش نسبت هر یک از الگوهای فراغتی در سبک زندگی دانشجویان معین گردید. در این مرحله پاسخ سوال چگونگی گذران اوقات فراغت با طبقه بندی فعالیت های فراغتی در الگوهای فعالیتی خاص به دست آمد. و در مرحله بعد با تحلیل یافته های حاصل به تحلیل توصیفی یافته ها در قالب نظریه ای برای تمایز سبک های فراغتی پرداخته ایم و در نهایت با تحلیلی تفسیری به بسندگی معنایی یافته های حاصل دست زده ایم.

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

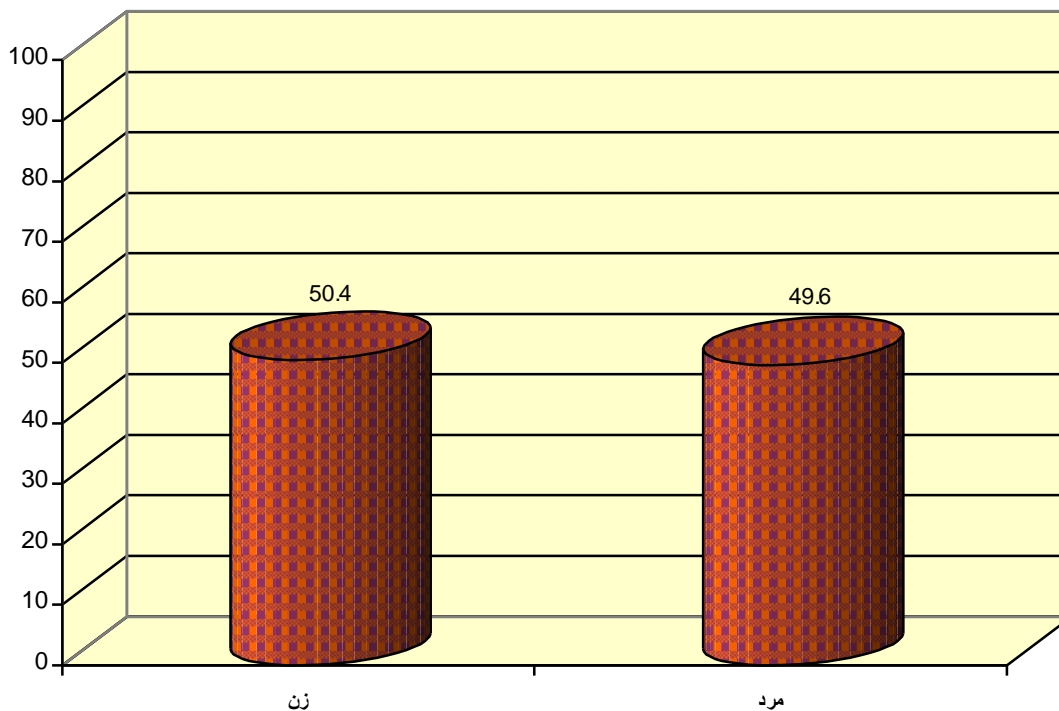
1. جنس پاسخگویان

جدول شماره (1-4) توزیع پاسخگویان را برحسب جنس نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود 50.4 درصد پاسخگویان را زن و 49.6 درصد آنان را مرد تشکیل داده‌اند. 2.6 درصد هم به سوال جنسیت پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (1-4): جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
زن	3671	49.1	50.4
مرد	3613	48.3	49.6
بی‌جواب	192	2.6	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (1-4) : جنسیت پاسخگویان



2. سن پاسخگویان

جدول شماره (2-4) برخی آماره های مربوط به سن پاسخگویان را نشان می دهد. میانگین سن دانشجویان در این تحقیق تقریباً 22 سال می باشد. بنابراین سن دانشجویی سن جوانی است و در مراحل از سن قرار دارند که برنامه ریزی در اوقات فراغت آنان را اجتناب ناپذیر می سازد. حداقل سن نیز 17 سال و حداکثر سن دانشجویان پاسخگو 50 سال بوده است.

جدول شماره (2-4): سن پاسخگویان

فرآوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
سن	17	50	21.99	2.781

در جدول شماره (3-4) شاهد گروه های سنی هستیم. 64.8 درصد دانشجویان مطالعه شده در رده سنی 17 تا 22 سال، 30.9 درصد در رده سنی 23 تا 29 سال و 1.7 درصد نیز در رده سنی 30 سال و بالاتر بوده اند.

جدول شماره (3-4): سن پاسخگویان

سن	فرآوانی	درصد	درصد معتبر
17-22 ساله	4847	64.8	66.6
23-29 ساله	2308	30.9	31.7
30 ساله و بالاتر	127	1.7	1.7
بی جواب	194	2.6	
جمع کل	7476	100.0	

3. قومیت

جدول شماره (4-4) توزیع پاسخگویان را بر حسب قومیت نشان می دهد. چنانکه مشاهده می شود 12.6 درصد از پاسخگویان آذری، 59.5 درصد فارس، 9.7 درصد کرد، 4.6 درصد مازنی - بلوچ، 2.5 درصد بلوچ، 1.0 درصد عرب، 5.3 درصد لر و 1.2 درصد سایر و 2.6 درصد نیز جواب نداده اند.

جدول شماره (4-4): قومیت پاسخگویان

قومیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
آذری	940	12.6	13.0
فارس	4449	59.5	61.7
کرد	728	9.7	10.1
مازنی - گیلکی	341	4.6	4.7
بلوچ	189	2.5	2.6
عرب	75	1.0	1.0
نُر	395	5.3	5.5
سایر	90	1.2	1.2
بی جواب	26.9	3.6	
جمع کل	7476	100.0	

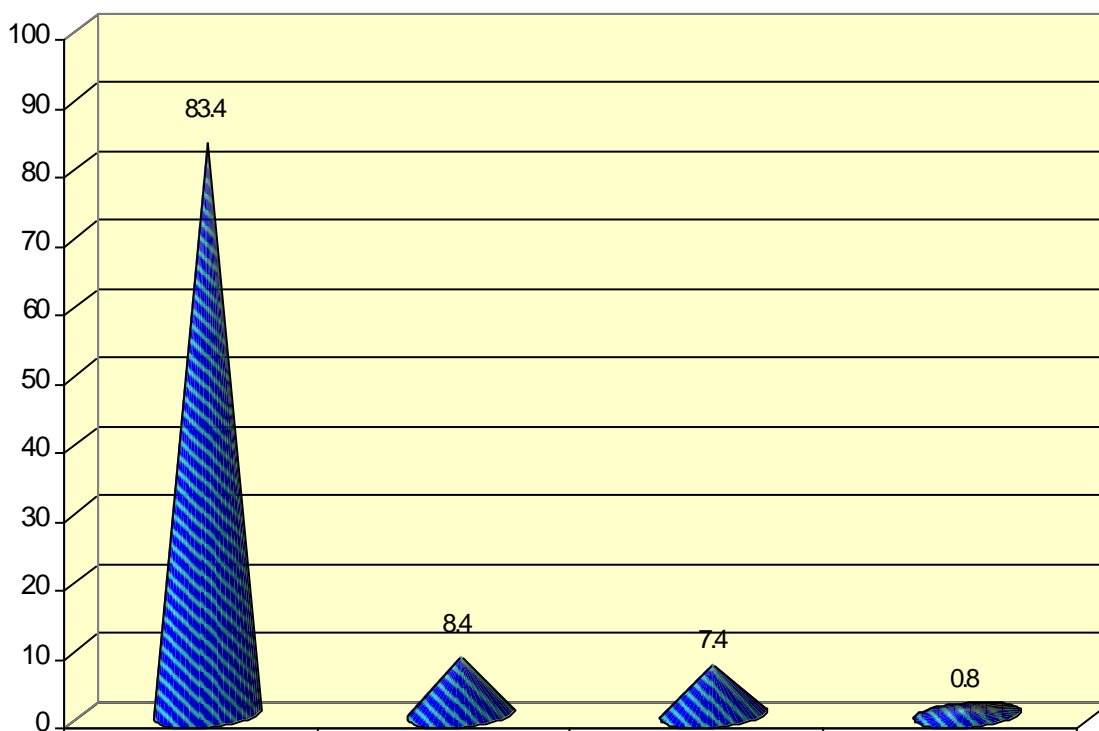
4. وضعیت تاهل

جدول شماره (4-5) توزیع پاسخگویان را برحسب وضعیت تاهل را نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود 81.8 درصد پاسخگویان را مجرد، 8.2 درصد آنان را متاهل، 7.3 درصد از آنها را نامزد یا در حال آشنایی و 0.8 درصد از آنها جدا شده در اثر طلاق یا فوت شده تشکیل داده‌اند. 1.9 درصد از آنها به سوال وضعیت تاهل پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-5): وضعیت تاهل پاسخگویان

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد	درصد معتبر
مجرد	6114	81.8	83.4
متاهل	614	8.2	8.4
نامزد یا در حال آشنایی	545	7.3	7.4
جدا شده در اثر طلاق یا فوت	60	0.8	0.8
بی جواب	143	1.9	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-2) : وضعیت تأهل پاسخگویان



در جدول شماره (4-6) نتایج آشنایی جدا شده دانشجویان مطالعه شده در مقطع کاردانی و کارشناسی و 14.2 درصد از دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی هستند. 1.5 درصد از پاسخگویان نیز به سوال مقطع تحصیلی پاسخ نداده‌اند.

جدول شماره (4-6): مقطع تحصیلی پاسخگویان

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کاردانی و کارشناسی	6304	84.3	85.6
تحصیلات تکمیلی	1060	14.2	14.4
بی‌جواب	112	1.5	
جمع کل	7476	100.0	

6. گروه آموزشی

در جدول شماره (4-7) گروه آموزشی پاسخگویان را نشان می‌دهد. 37.1 درصد پاسخگویان مطالعه شده در رشته علوم انسانی، 18.4 درصد پاسخگویان در رشته علوم پایه، 30.6 درصد در رشته فنی - مهندسی، 8.1 درصد در رشته علوم پزشکی و 4.6 درصد از پاسخگویان در رشته هنر - معماری مشغول به تحصیل می‌باشند. 1.1 درصد از پاسخگویان نیز به این پرسش جوابی نداده‌اند.

جدول شماره (4-7): گروه آموزشی پاسخگویان

گروه آموزشی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
علوم انسانی	2775	37.1	37.5
علوم پایه	1375	18.4	18.6
فنی - مهندسی	2290	30.6	31.0
علوم پزشکی	604	8.1	8.2
هنر - معماری	347	4.6	4.7
بی‌جواب	85	1.1	
جمع کل	7476	100.0	

7. مذهب

در جدول شماره (4-8) مذهب پاسخگویان به تصویر کشیده شده است. 9.6 درصد از پاسخگویان سنی، 84.3 درصد از پاسخگویان شیعه و 0.5 درصد از پاسخگویان مذاهب دیگری دارند. 5.6 درصد از پاسخگویان نیز به این پرسش پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-8): مذهب پاسخگویان

مذهب	فراوانی	درصد	درصد معتبر
سنی	716	9.6	10.1
شیعه	6303	84.3	89.3
سایر	37	0.5	0.5
بی‌جواب	420	5.6	
جمع کل	7476	100.0	

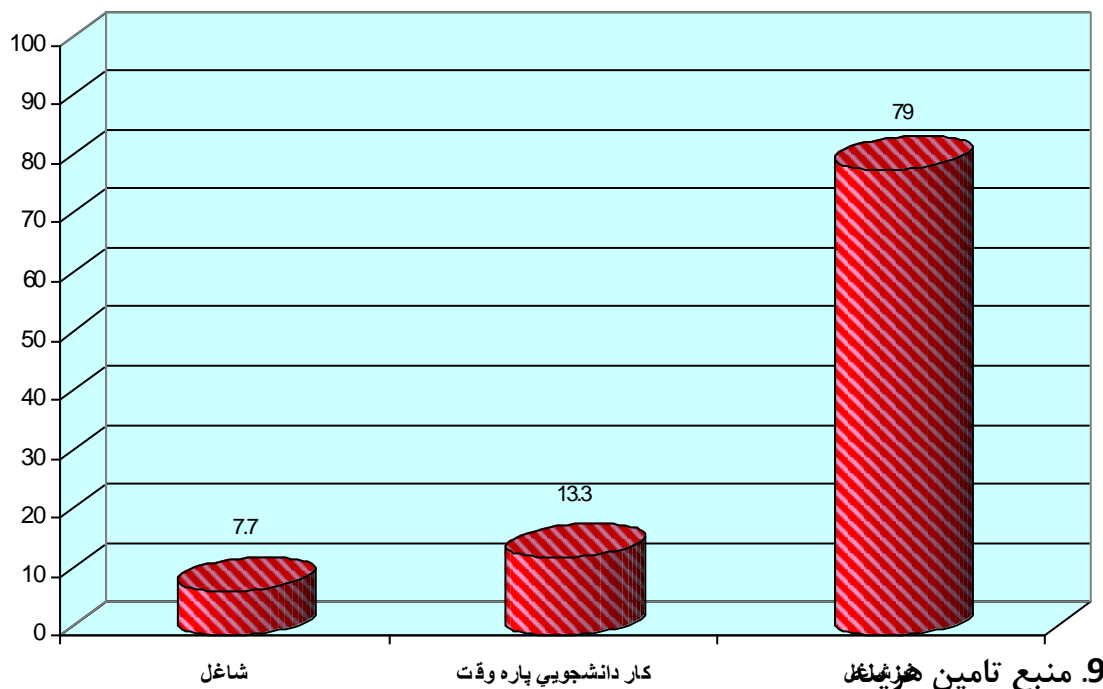
8. وضعیت اشتغال

در جدول شماره (4-9) وضعیت اشتغال دانشجویان را مشاهده می‌نماییم. 7.5 درصد از پاسخگویان شاغل، 13.0 درصد از پاسخگویان کار دانشجویی و پاره‌وقت و 77.1 درصد از پاسخگویان غیرشاغل هستند. 2.3 درصد از پاسخگویان به سوال وضعیت اشتغال پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-9): وضعیت اشتغال پاسخگویان

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد	درصد معتبر
شاغل	563	7.5	7.7
کار دانشجویی و پاره‌وقت	973	13.0	13.3
غیرشاغل	5766	77.1	79.0
بی‌جواب	174	2.3	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-3): وضعیت اشتغال دانشجویان



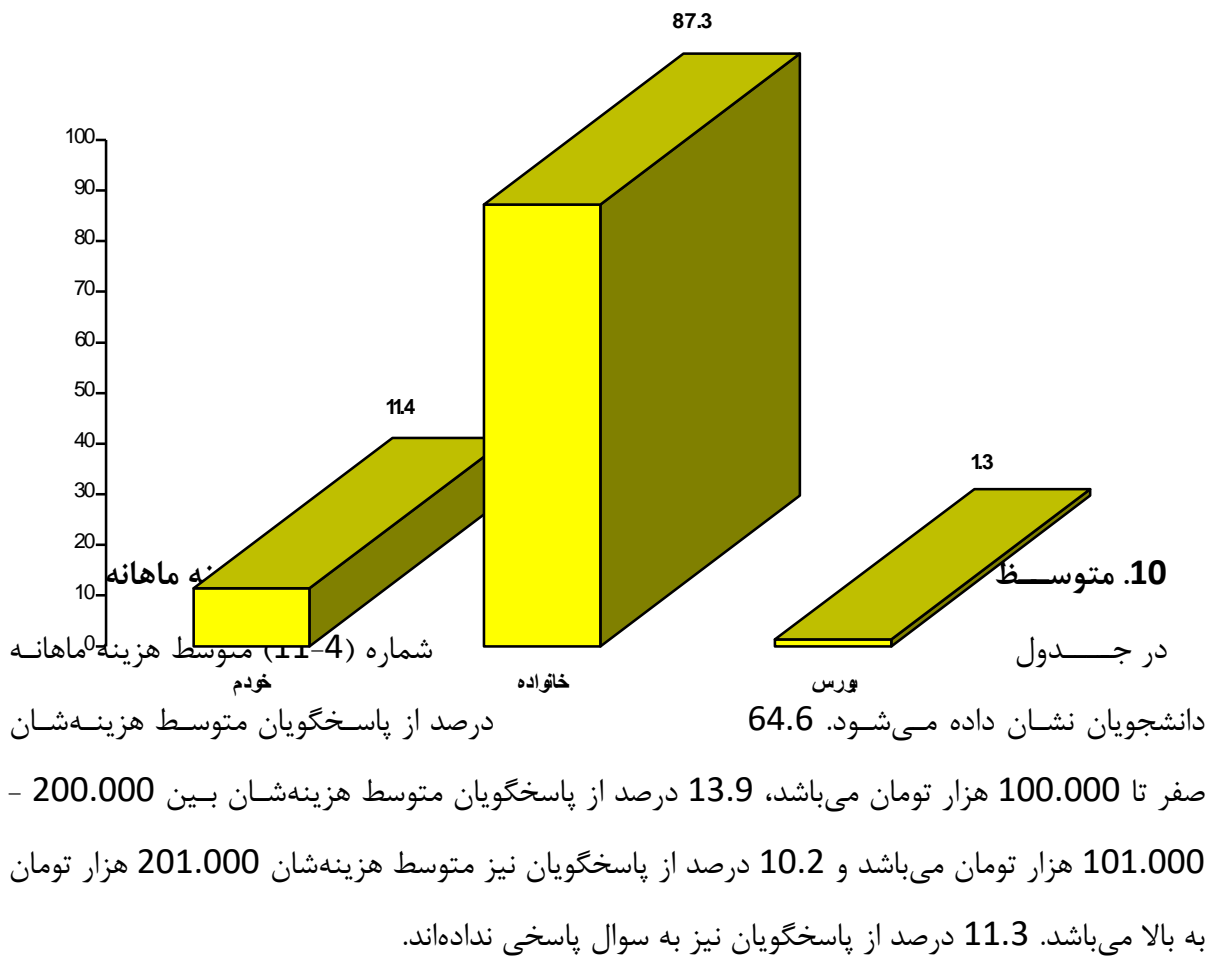
در جدول شماره (4-10) از دانشجویان در مورد اینکه هزینه‌های زندگی‌شان بیشتر از کدام منبع تامین می‌شود مورد سوال قرار گرفته‌اند. 11.1 درصد از پاسخگویان خودشان هزینه‌هایشان را

تامین می‌کنند، 84.8 درصد از آنها توسط خانواده‌شان هزینه‌شان تامین می‌شود و 1.2 درصد از پاسخگویان از طریق بورس دانشجویی هزینه‌های خود را تامین می‌کنند. 2.8 درصد از پاسخگویان نیز به این سوال پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-10): تامین هزینه‌های زندگی شما بیشتر از کدام منبع است؟

تامین هزینه	فراوانی	درصد	درصد معتبر
خودم	831	11.1	11.4
خانواده	6342	84.8	87.3
بورس دانشجویی	91	1.2	1.3
بی‌جواب	212	2.8	
جمع کل	7476	100.0	

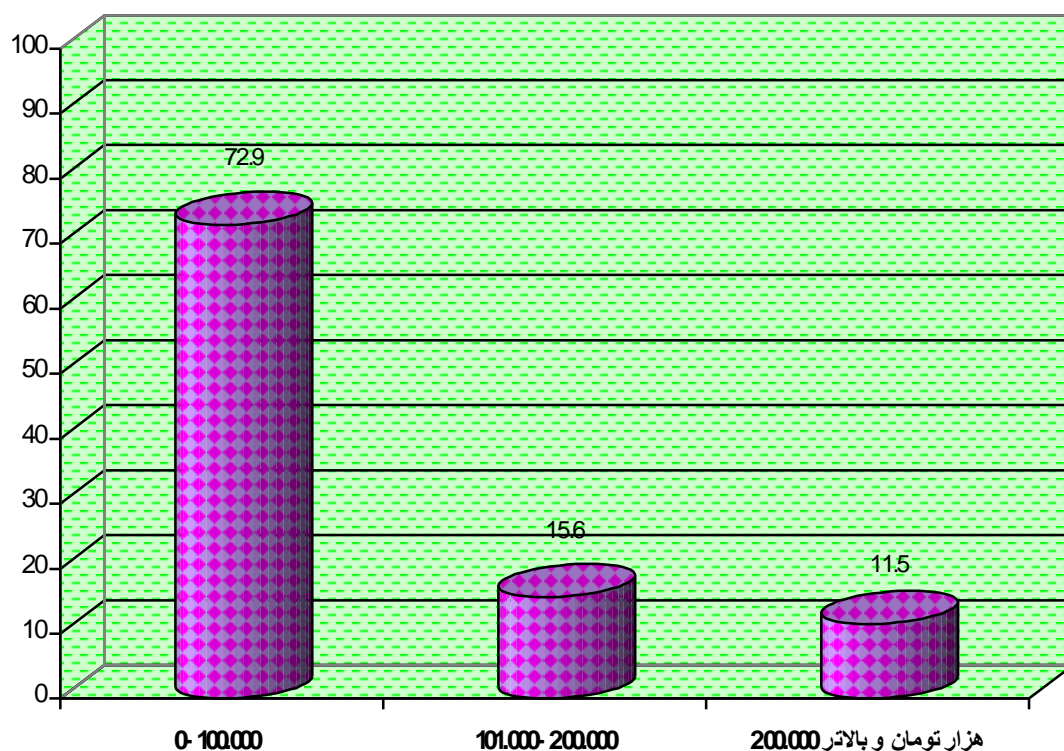
نمودار شماره (4-3): منبع تامین هزینه دانشجویان



جدول شماره (4-11): متوسط هزینه ماهانه شما چقدر است؟

میزان هزینه	فراوانی	درصد	درصد معتبر
0 - 100.000 هزار تومان	4833	64.6	72.9
101.000 - 200.000 هزار تومان	1038	13.9	15.6
201.000 هزار تومان به بالا	762	10.2	11.5
بی جواب	843	11.3	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-4): میزان هزینه‌های دانشجویان در ماه



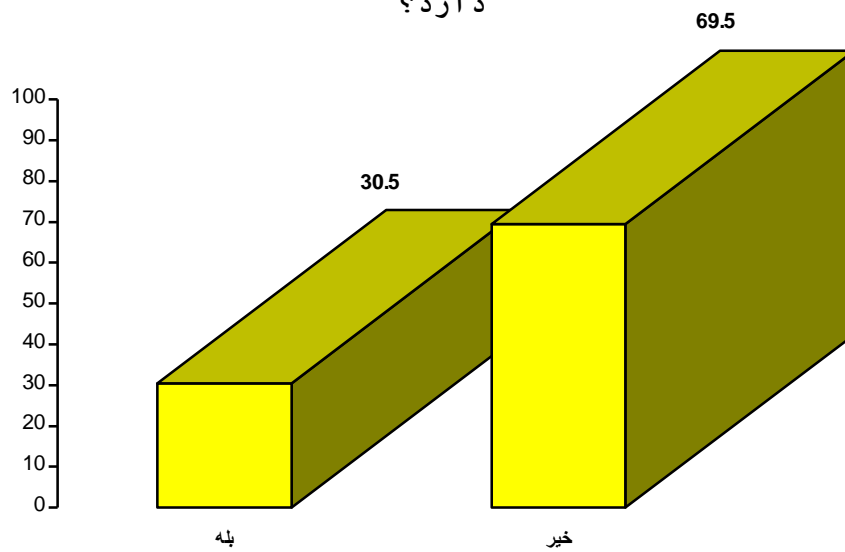
11. امکان استفاده از اتومبیل شخصی

جدول شماره (4-12) توزیع پاسخگویان برحسب اینکه امکان استفاده از اتومبیل شخصی را دارند یا نه مورد بررسی قرار داده است. 30.1 درصد از پاسخگویان امکان استفاده از اتومبیل شخصی را دارند و 68.7 درصد از پاسخگویان امکان استفاده از ماشین شخصی برای‌شان وجود ندارد. 1.2 درصد از پاسخگویان نیز به این سوال پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-12): آیا امکان استفاده از ماشین شخصی برای شما وجود دارد؟

امکان استفاده از ماشین	فراوانی	درصد	درصد معتبر
بله	2251	30.1	30.5
خیر	5134	68.7	69.5
بی جواب	91	1.2	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-6): آیا امکان استفاده از ماشین شخصی برای شما وجود دارد؟



12. قیمت اتومبیل

جدول شماره (4-13) قیمت اتومبیل پاسخگویان را نشان می‌دهد. 39.3 درصد از پاسخگویان قیمت ماشین‌شان کمتر از 13 میلیون تومان می‌باشد، 13.4 درصد از پاسخگویان قیمت ماشین‌شان بین 13 تا 24 میلیون تومان می‌باشد و 3.5 درصد از پاسخگویان نیز قیمت ماشین‌شان 25 میلیون تومان به بالا می‌باشد. 43.9 درصد از پاسخگویان نیز به این سوال پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-13): اگر خودتان یا والدین‌تان اتومبیل دارید قیمت آن چقدر است؟

قیمت ماشین	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کمتر از 13 میلیون تومان	2938	39.3	70.0
13 تا 24 میلیون تومان	1000	13.4	23.8
25 میلیون تومان و بالاتر	259	3.5	6.2
بی‌جواب	3279	43.9	
جمع کل	7476	100.0	

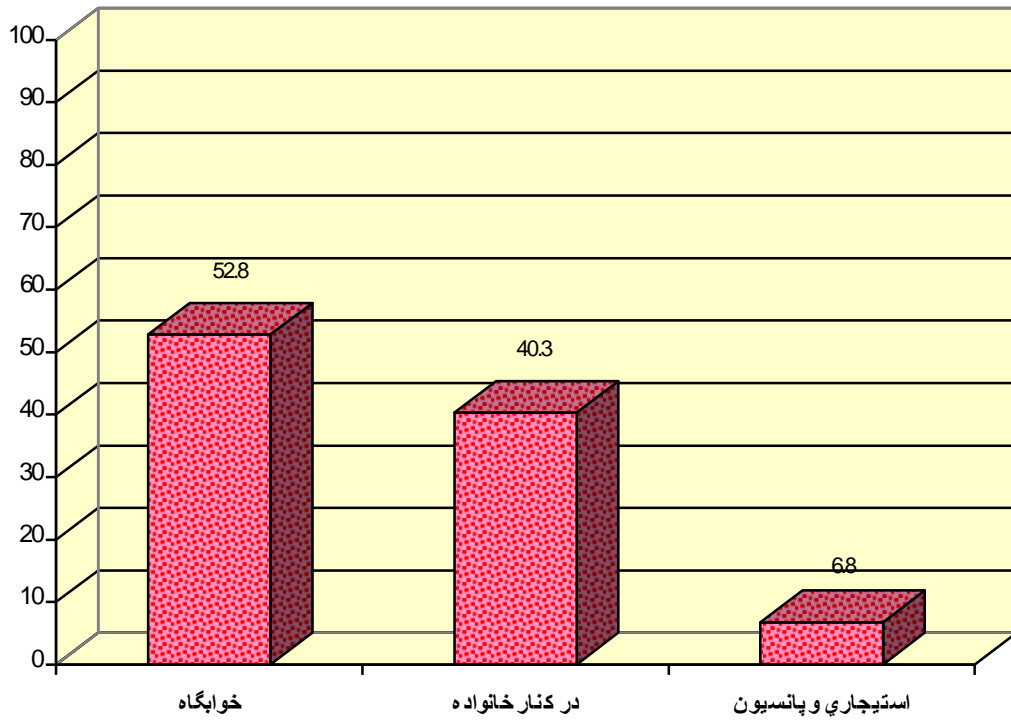
13. محل سکونت

در جدول شماره (4-14) توزیع پاسخگویان برحسب محل سکونت آنها مشاهده می‌شود. 51.1 درصد از پاسخگویان در خوابگاه سکونت دارند و 39.0 درصد از پاسخگویان نیز در کنار خانواده‌شان زندگی می‌کنند و 6.6 درصد نیز در خوابگاه‌های استیجاری و پانسیون سکونت دارند. 3.3 درصد از پاسخگویان به سوال محل سکونت پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-14): در حال حاضر محل سکونت شما کجاست؟

محل سکونت دانشجویی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
خوابگاه	3817	51.1	52.8
در کنار خانواده	2916	39.0	40.3
استیجاری و پانسیون	494	6.6	6.8
بی‌جواب	249	3.3	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-7) : محل سکونت دانشجویان



وضعیت زمان، فضا و امکانات فراغتی

توزیع زمانی فراغت دانشجویان

جدول شماره (4-15) برخی آماره‌های مربوط به زمان فراغت پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین زمان فراغت دانشجویان در طول روز نزدیک به 7 ساعت است.

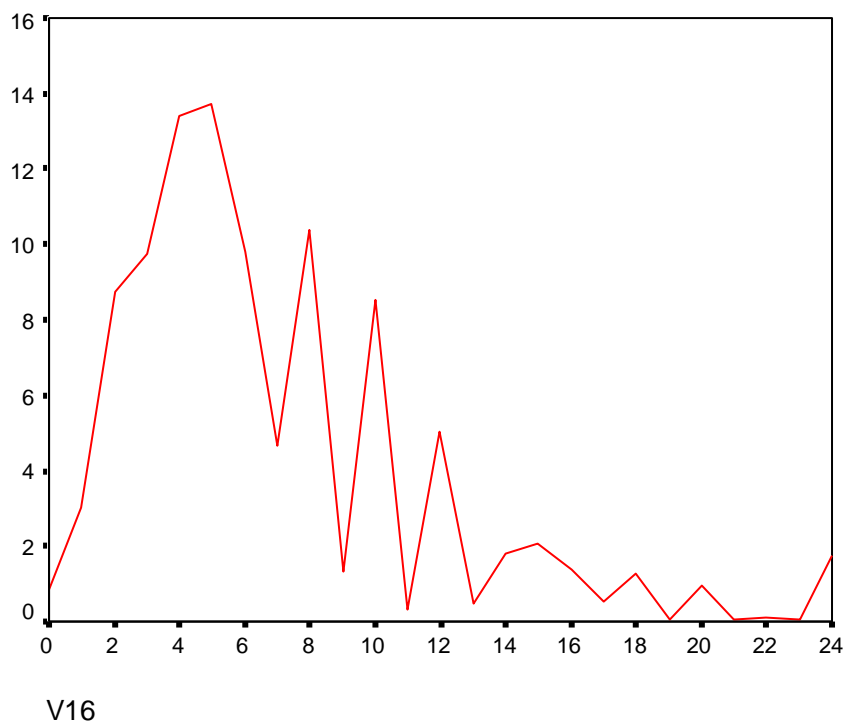
نمودار شماره (4-8) نیز توزیع زمانی فراغت را نشان می‌دهد. براساس این نمودار، بیشترین دانشجویان حدود 4 ساعت زمان فراغت در طول شبانه روز دارند.

جدول شماره (4-15): زمان فراغت دانشجویان

فراوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
6788	0	24	6.90	4.695

تا 24 ساعت چقدر اوقات فراغت دارید؟

نمودار شماره (4-8): تراکم مدت زمان فراغت دانشجویان کشور



جدول شماره (4-16) گروه‌بندی‌های توزیع زمان فراغت دانشجویان را نشان می‌دهد. 67.5 درصد دانشجویان در شبانه روز بین 1 تا 8 ساعت زمان فراغت دارند و 19 درصد آنها نیز 9 تا 16 ساعت زمان فراغت دارند. در عین حال حدود 5 درصد دانشجویان گفته‌اند که تقریباً همیشه از زمان فراغت برخوردارند و 9.2 درصد نیز به این سوال پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-16): اگر زمان فراغت را زمان‌هایی بدانیم که ما از کار اجباری و ضروری فارغ می‌شویم در آن صورت

شما در شبانه‌روز چند ساعت زمان در اختیار خود دارید؟

زمان فراغت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
1 تا 8 ساعت	5046	67.5	74.3
9 تا 16 ساعت	1421	19.0	20.9
17 تا 24 ساعت	321	4.3	4.7
بی‌جواب	688	9.2	
جمع کل	7476	100.0	

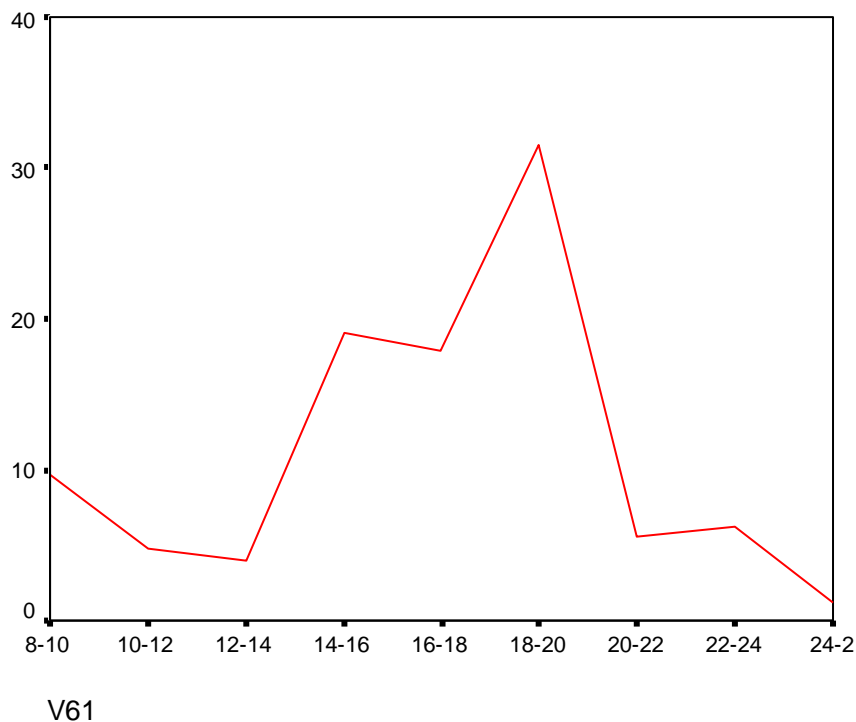
جدول شماره (4-17) پراکنش ساعت‌های فراغت دانشجویان را نشان می‌دهد. مثلاً مشخص می‌کند که چه ساعت‌هایی از روز بیشتر برای دانشجویان زمان فراغت محسوب می‌شود. طبق جدول زیر بعد از ظهرها بیشترین زمان فراغت محسوب می‌شود این زمان فراغت بین ساعت 14 تا 20 شب می‌باشد.

جدول شماره (4-17): زمان فراغت شما بیشتر در چه ساعاتی از شبانه روز است؟

توزیع زمان فراغت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
8_10	402	5.4	9.7
10_12	200	2.7	4.8
12_14	165	2.2	4.0
14_16	795	10.6	19.1
16_18	745	10.0	17.9
18_20	1312	17.5	31.5
20_22	231	3.1	5.6
22_24	258	3.5	6.2
24_2	51	0.7	1.2
بی‌جواب	3317	44.4	
جمع کل	7476	100.0	

براساس نمودار شماره (4-9): می‌توان گفت که بیشترین ساعت فراغتی افراد در طول شبانه‌روز ساعت 6 تا 8 شب است.

نمودار شماره (4-9): توزیع زمان فراغت دانشجویان کشور



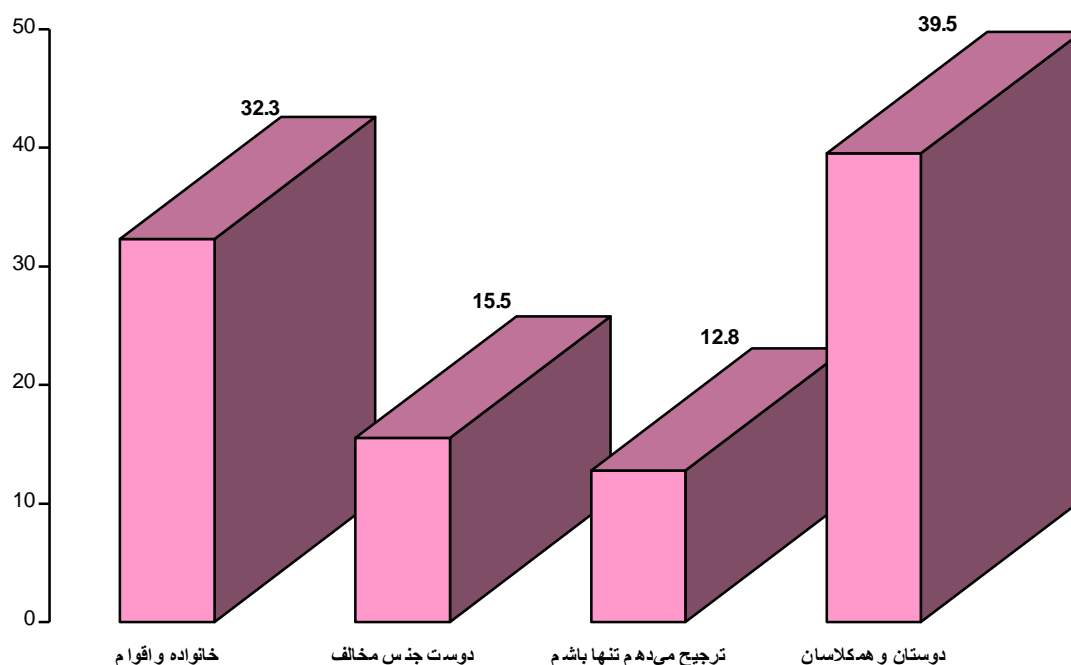
همنشینان زمان فراغت

در جدول شماره (4-18) تمایل افراد در همنشینی در زمان فراغت سنجیده شده است. بیشتر دانشجویان (31.5) ترجیح می‌دهند که زمان فراغت خود را با دوستان و همکلاسی‌های خود بگذرانند. و در مرتبه بعد خانواده اهمیت زیادی دارد، به گونه‌ای که 25.7 درصد نیز گفته‌اند خانواده برای گذران اوقات فراغت آنها در اولویت قرار دارد. در عین حال 12.5 درصد همنشینی با جنس مخالف را ترجیح داده‌اند و 12.8 درصد نیز گذران فراغت در تنهایی را دوست دارند. 20.2 درصد نیز به سوال ما جواب نداده‌اند.

جدول شماره (4-18): بیشتر مایلید در زمان فراغت با چه کسانی باشید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	همنشینان فراغت
32.3	25.7	1925	خانواده و اقوام
15.5	12.4	925	دوست جنس مخالف
12.8	10.2	762	ترجیح می‌دهم تنها باشم
39.5	31.5	2354	دوستان و همکلاسان
	20.2	1510	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-10) : بیشتر مایلید در زمان فراغت با چه کسانی باشید؟



جدول شماره (4-19) رابطه گروه‌های همنشین را با مصرف مواد و سیگار نشان می‌دهد. نتایج بر نقش خانواده در پیشگیری تاکید می‌کنند. دانشجویانی که زمان فراغت خود را بیشتر با خانواده سپری می‌کنند بسیار کمتر از سایر دانشجویان به مصرف سیگار، مواد مخدر یا مشروبات الکلی روی آورده‌اند. بیشترین مصرف مواد، سیگار و مشروبات الکلی در دانشجویانی رواج داشت که با دوست جنس مخالف خود یا به تنهایی زمان فراغت شان را سپری می‌کنند.

جدول شماره (4-19): در زمان فراغت بیشتر مایلید با چه کسانی باشید و چه چیزی مصرف می‌کنید؟

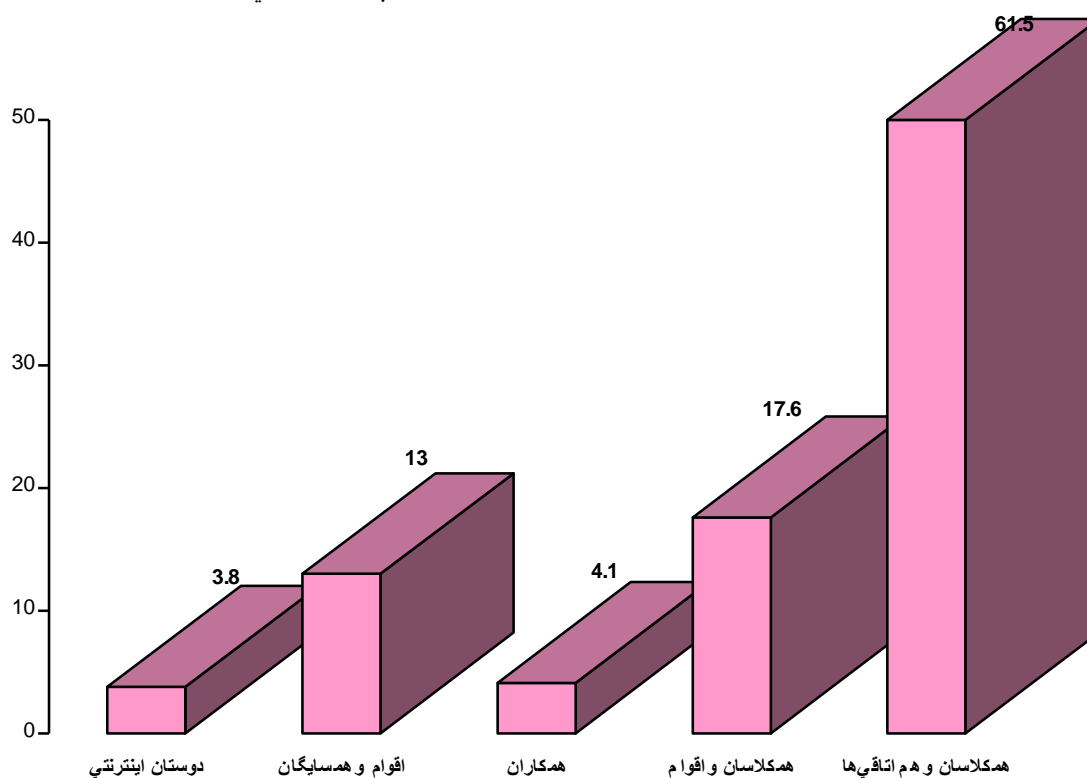
سیگار و قلیان	مشروبات الکلی	مواد مخدر	مواد ترکیبی	هیچکدام	جمع کل	
تعداد	148	10	15	7	1590	1770
درصد	14.1	4.9	14.6	7.9	39.0	32.0
تعداد	270	55	37	40	457	859
درصد	25.7	26.8	35.9	44.9	11.2	15.5
تعداد	103	24	17	17	553	714
درصد	9.8	11.7	16.5	19.1	13.6	12.9
تعداد	530	116	34	25	1477	2182
درصد	50.4	56.6	33.0	28.1	36.2	39.5
تعداد	1051	205	103	89	4077	5525
درصد	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0

جدول شماره (4-20) شبکه دوستی دانشجویی را به ما نشان می‌دهد. پاسخ این سوال که دانشجویان ما بیشتر در چه شبکه‌ای از دوستی قرار دارند، مقوم نتایج جدول همنشینی زمان فراغت است. از میان دانشجویانی که به ما پاسخ داده‌اند، قوی‌ترین شبکه دوستی دانشجویان، همکلاسی‌ها و دوستان (61.5 درصد) هستند. البته باید توجه داشت که بین همکلاسی‌ها و دوستان تفاوت وجود دارد. ممکن است دوستان خارج از همکلاسی‌ها، انتخاب شوند و اساساً ربطی به رشته دانشجوی هم نداشته باشد. در مرتبه بعد ترکیب همکلاسی‌ها و اقوام دانشجویان (17.6 درصد) در شبکه دوستی آنها قرار دارند. اقوام و همسایگان نیز در اولویت سوم (13 درصد) دانشجویان قرار دارند. دوستان اینترنتی (3.8 درصد) و همکاران (4.1 درصد) کمترین فراوانی گروه دوستان را در بین دانشجویان تشکیل داده‌اند.

جدول شماره (4-20): گروه دوستان چه کسانی هستند؟

شبکه دوستی دانشجویان	فراوانی	درصد	درصد معتبر
دوستان اینترنتی	176	2.4	3.8
اقوام و همسایگان	603	8.1	13.0
همکاران	192	2.6	4.1
همکلاسان و اقوام	814	10.9	17.6
همکلاسان و هم اتاقی‌ها	2852	38.1	61.5
بی جواب	2839	38.0	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-11): گروه دوستان چه کسانی هستند؟



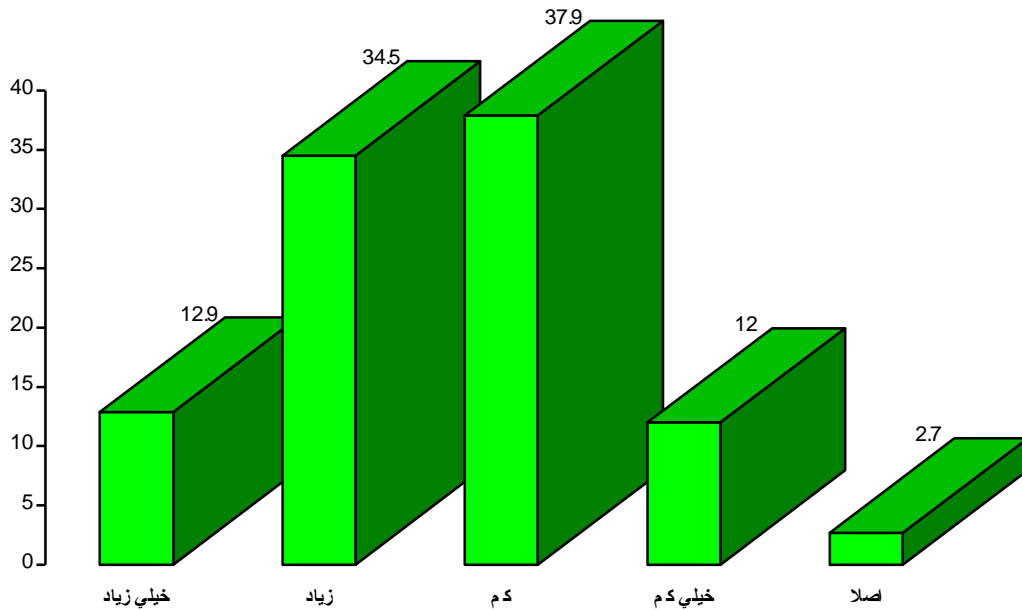
ارزیابی دانشجویان از زمان فراغت‌شان

جدول شماره (4-21) تصور دانشجویان را از زمان فراغتی که در اختیار دارد می‌سنجد. سوال این است که آیا اساساً دانشجویان تصور می‌کنند که زمان کافی از فراغت در اختیار دارند؟ از میان دانشجویانی که به سوال ما پاسخ داده‌اند، حدود 47.2 درصد آنان معتقدند که از زمان کمی برای فراغت برخوردارند. 49.9 درصد نیز تصور می‌کنند که از زمان کافی فراغت برخوردار نیستند و 2.7 درصد اساساً معتقدند زمانی برای فراغت در اختیار ندارند که البته این میزان بخش کمی از دانشجویان را شامل می‌شود. در عوض نزدیک به نیمی از دانشجویان (49.9 درصد) معتقدند که زمان کافی فراغت ندارند به عبارتی دیگر، از زمان کمی برای فراغت برخوردارند. البته اگر دقیقتر بخواهیم در باب خصیصه‌های دانشجویانی که زمان فراغت کافی ندارند تأمل کنیم داده‌ها به ما نشان داده‌اند که بیشتر این دانشجویان از مقطع تحصیلات تکمیلی و از گروه‌های آموزشی فنی مهندسی و علوم پزشکی و علوم پایه هستند. بر عکس، بیشتر دانشجویانی که تصور می‌کنند زمان فراغت کافی در اختیار دارند از مقطع کارشناسی و کاردانی و از گروه آموزشی علوم انسانی هستند.

جدول شماره (4-21): فکر می‌کنید تا چه اندازه زمان فراغت کافی در اختیار دارید؟

ارزیابی از زمان فراغت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
خیلی زیاد	952	12.7	12.9
زیاد	2540	34.0	34.5
کم	2787	37.3	37.9
خیلی کم	883	11.8	12.0
اصلاً	195	2.6	2.7
بی جواب	119	1.6	
جمع	7476	100.0	

نمودار شماره (4-12): فکر می‌کنید تا چه اندازه زمان فراغت کافی در اختیار دارید؟



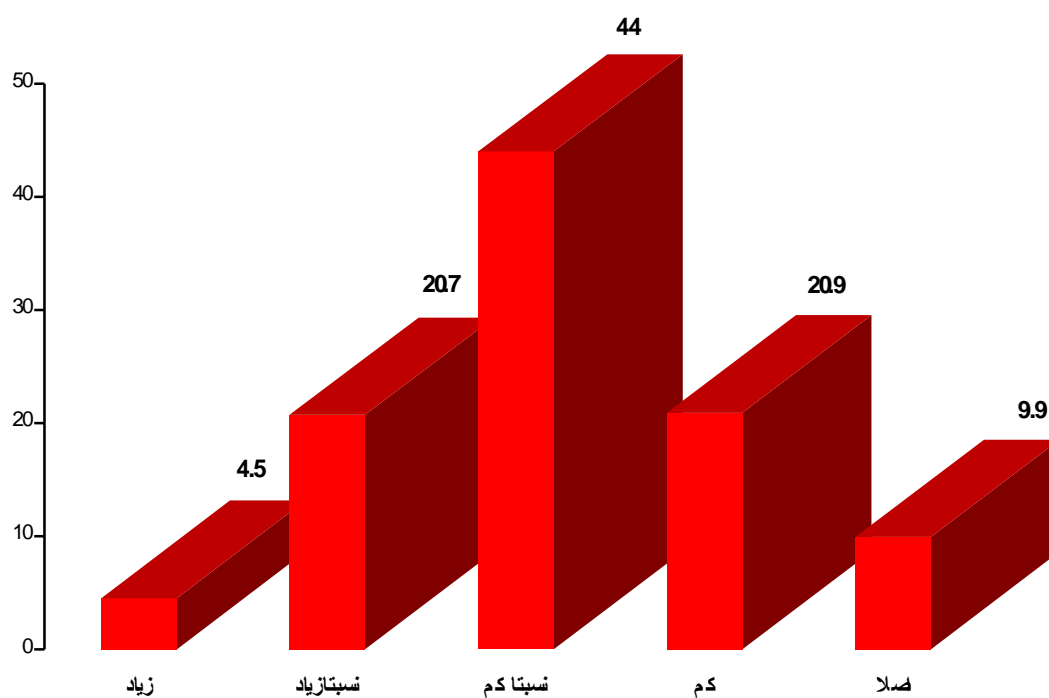
ارزیابی دانشجویان از فضا و امکانات فراغتی شان

جدول شماره (4-22) نظرسنجی از دانشجویان از وضعیت امکانات فراغتی در دانشگاه است. از میان کل دانشجویان، 24.7 درصد دانشجویان معتقد بودند که فضا و امکانات فراغتی کافی در دانشگاه در اختیار دارند. بیشتر دانشجویان، یعنی 63.6 درصد آنان معتقد بودند که این فضا و امکانات در دانشگاه کم است. 9.7 درصد بیان داشته‌اند که این فضا و امکانات اصلا وجود ندارد و 2 درصد نیز به سوال ما پاسخی نداده‌اند. بنابراین بیشتر دانشجویان از امکانات فراغتی دانشگاه رضایت چندانی ندارند. بدین منظور می‌توان برنامه‌ریزی جدی‌تری برای تجهیز مکان‌ها و فضاهای فراغتی دانشگاه انجام داد. البته سه دانشگاه تهران، سیستان و بلوچستان و دانشگاه اصفهان بیشترین رضایت را داشته‌اند. در عین حال دانشجویان ناراضی نیز بیشتر در دانشگاه علم و فرهنگ، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، تحصیلات تکمیلی زنجان و در دانشگاه سیستان و بلوچستان قرار دارند. در دانشگاه سیستان و بلوچستان هم تعداد ناراضیان و هم راضیها به نسبت سایر دانشگاه‌ها بالاست. به عبارت دیگر جمعیت دانشجویان در این دانشگاه دو قطبی شده است.

جدول شماره (4-22): تا چه اندازه در محیط دانشگاه، فضا و امکانات فراغتی کافی در اختیار دارید؟

امکانات فراغتی در دانشگاه	فراوانی	درصد	درصد معتبر
خیلی زیاد	327	4.4	4.5
زیاد	1514	20.3	20.7
کم	3224	43.1	44.0
خیلی کم	1533	20.5	20.9
اصلا	725	9.7	9.9
بی جواب	153	2.0	
جمع	7476	100.0	

نمودار شماره (4-13) : تا چه اندازه در محیط دانشگاه، فضا و امکانات فراغتی کافی در اختیار دارید؟



جدول شماره (4-23) ارزیابی امکانات فراغتی خوابگاهها و دانشگاهها را به تفکیک از نگاه دانشجویان نشان می‌دهد. در نگاه دانشجویان کمترین امکانات فراغتی موجود در خوابگاهها فعالیت‌های فرهنگی؛ سیمنارها و اردوهای علمی و فرهنگی و همچنین کانون‌های مذهبی است و در دانشگاهها، دسترسی به رسانه‌هایی چون تلویزیون، اردوهای علمی فرهنگی، و کانونهای مذهبی است. بیشترین امکانات فراغتی موجود در خوابگاهها و دانشگاهها شامل فضای سبز، کامپیوتر و کتابخانه می‌شود.

جدول شماره (4-23): تا چه اندازه در دانشگاه و خوابگاه‌تان تا چه میزان از امکانات فراغتی زیر برخوردارید؟

دانشگاه				خوابگاه		
اصلا	کم	زیاد		اصلا	کم	زیاد
8.7	46.4	45	کامپیوتر و سایت اینترنتی	44.1	41	15
36.9	50.3	12.7	اردوی علمی و تفریحی	53.6	37.4	9.0
31.7	49.5	18.8	فضا و امکانات ورزشی	32.6	45.9	21.5
26.9	51.8	21.3	مجله و نشریه دانشجویی	47.4	41.0	11.6
35.7	48.4	16.8	فعالیت فرهنگی و هنری	52.0	37.9	10.1
38.2	38.1	23.7	کانون مذهبی	46.1	33.6	20.3
30.8	47.8	21.4	سمینار و سخنرانی خارج از موضوع درس	52.3	35.6	12.1
44.4	38.7	16.9	تشکل‌ها و انجمن‌های سیاسی	60.9	30.1	9.1
12.8	46.0	41.2	کتابخانه و سالن مطالعه	27.9	46.0	26.1
28.5	49.1	22.4	سالن نمایش فیلم یا تالار اجتماعات	46.9	36.6	16.5
16.6	38.2	45.2	فضای سبز	28.8	35.4	35.8
45.7	35.0	10.3	دسترسی به رسانه‌ها از جمله تلویزیون	26.8	51.7	21.5

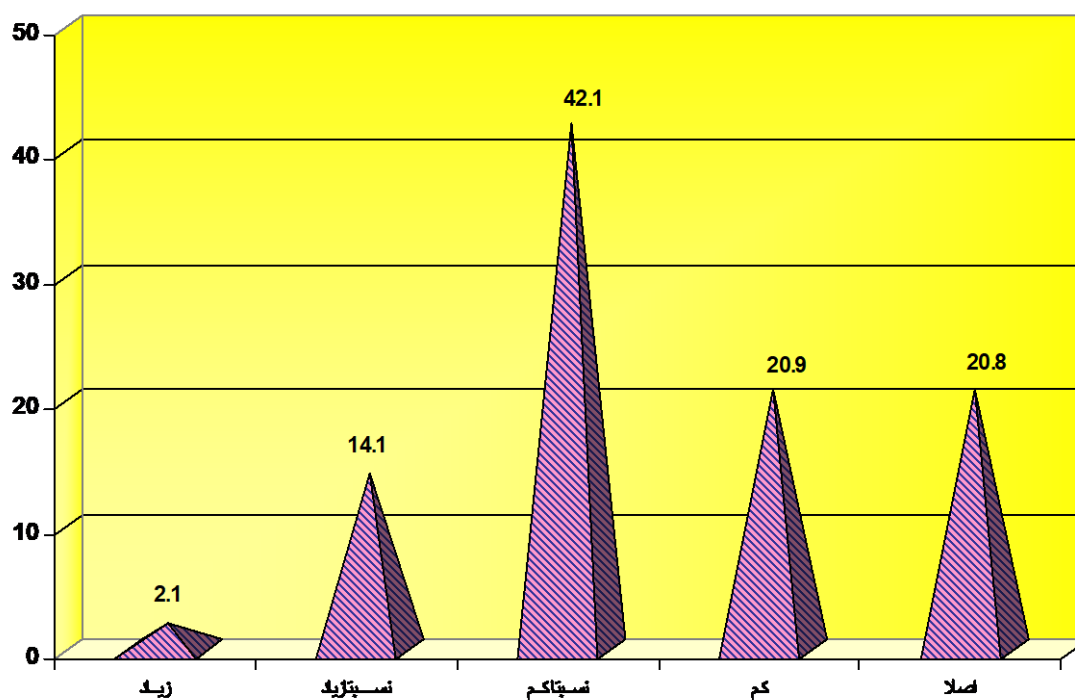
رضایت و استفاده از برنامه‌های فراغتی دانشگاه

جدول شماره (4-24) رضایت از برنامه‌های دانشگاه را در بین دانشجویان می‌سنجد. از میان دانشجویان، 15.5 درصد دانشجویان از برنامه‌های دانشگاه رضایت بالا دارند. این عده عمدتاً کسانی هستند که از برنامه‌های دانشگاه نیز استفاده می‌کنند (جدول بعدی). دانشجویان کمتر راضی حدوداً 60.1 درصد دانشجویان هستند و 19.9 درصد دانشجویان نیز اصلاً از برنامه‌های دانشگاه راضی نیستند. 4.5 درصد نیز به سوال ما پاسخ نداده‌اند. نتایج مقایسه‌ای نشان می‌دهد که ناراضیان، همان کسانی هستند که از برنامه‌های دانشگاه کمتر استفاده می‌کنند.

جدول شماره (4-24): چقدر از برنامه‌های فراغتی موجود در دانشگاه رضایت دارید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	رضایت از برنامه های فراغتی
2.1	2.0	150	خیلی زیاد
14.1	13.5	1007	زیاد
42.1	40.2	3003	کم
20.9	19.9	1490	خیلی کم
20.8	19.9	1487	اصلا
	4.5	339	بی جواب
	100.0	7476	جمع

نمودار شماره (4-14): چقدر از برنامه‌های فراغتی دانشگاه رضایت دارید؟

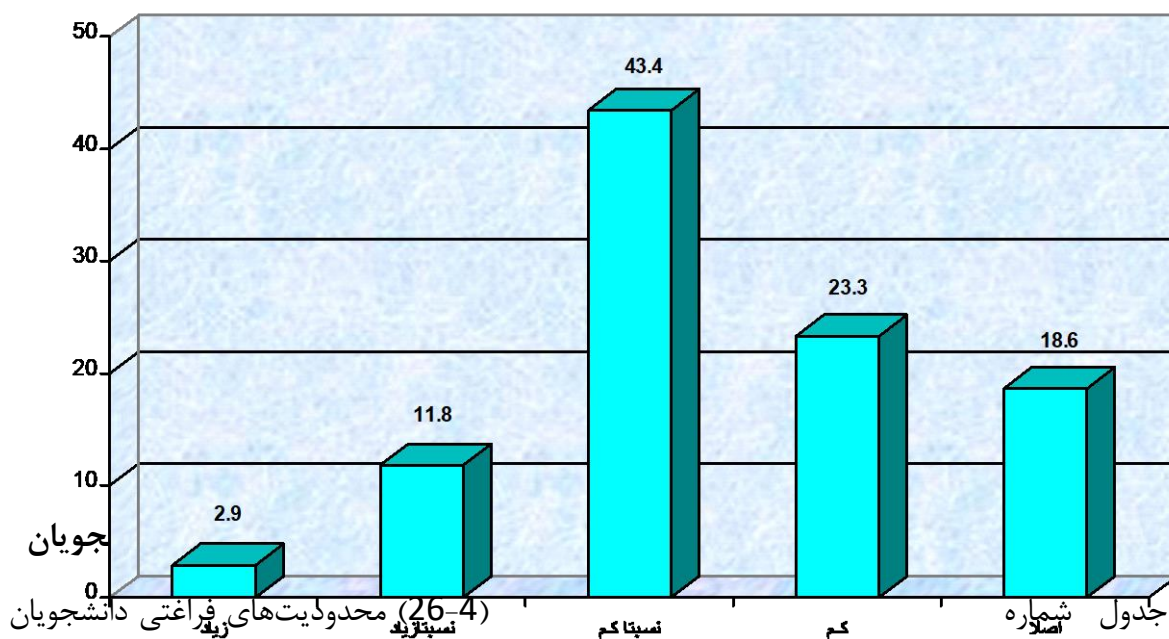


میزان استفاده از برنامه‌های دانشگاه، پرسش دیگری است که در جدول شماره (4-25) مورد بررسی قرار داده‌ایم. 14.7 درصد دانشجویان از برنامه‌های فراغتی دانشگاه زیاد استفاده می‌کنند. این نرخ با نرخ میزان رضایت (15.5 درصد) که در بالا آمده است قابل مقایسه است. ما تعامل میان این دو نرخ را مقایسه کرده‌ایم و رابطه معناداری بین این دو یافته‌ایم. همان طور که بیان شد، بین استفاده از برنامه‌های فراغتی دانشگاه با رضایت از آن رابطه معناداری وجود دارد. 65.6 درصد دانشجویان از برنامه‌های دانشگاه کم راضی هستند و 18.3 درصد نیز اساساً رضایتی ندارند. 1.8 درصد دانشجویان نیز به سوال ما پاسخی نگفته‌اند.

جدول شماره (4-25): تاکنون به چه میزان از برنامه‌های فراغتی (یا فوق برنامه) دانشگاه استفاده کرده‌اید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	استفاده از برنامه‌های فراغتی دانشگاه
2.9	2.8	211	خیلی زیاد
11.8	11.6	865	زیاد
43.4	42.7	3189	کم
23.3	22.9	1713	خیلی کم
18.6	18.3	1366	اصلاً
	1.8	132	بی جواب
	100.0	7476	جمع

نمودار شماره (4-15): تاکنون به چه میزان از برنامه‌های فراغتی (یا فوق برنامه) دانشگاه استفاده کرده‌اید؟

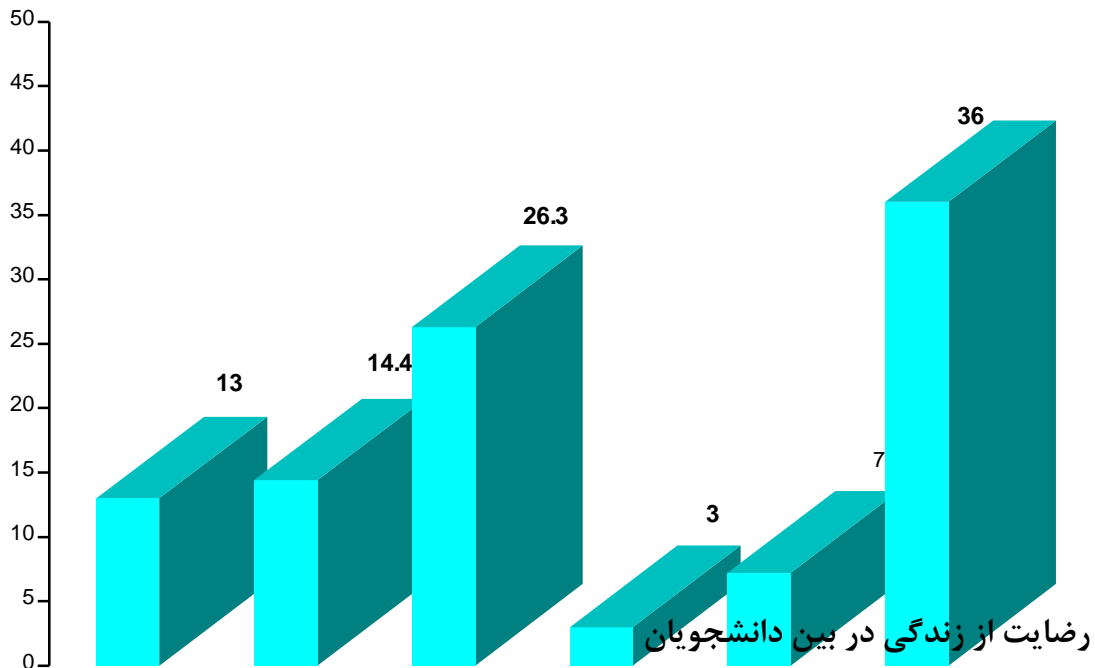


را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پاسخ به این سوال که همه دانشجویان به آن پاسخ داده‌اند. از نظر دانشجویان، محدودیت زمانی (26.3 درصد) اولویت اول محدودکننده گذران فراغت آنها به حساب می‌آید. البته همان طور که در صفحات پیش بیان شد، این محدودیت‌های زمانی به گروه‌های آموزشی خاصی چون دانشجویان فنی تعلق دارد و همین طور با مقطع تحصیلی افراد نیز ارتباط دارد. مشکلات مالی نیز در اولویت بعدی از نظر دانشجویان قرار دارد. یعنی 14.4 درصد دانشجویان گفته‌اند که مهمترین عامل محدود کننده آنها مشکلات مالی است. این نکته در خور اهمیتی است که برنامه‌های فراغتی باید هرچه بیشتر برای دانشجویان ارزان‌تر باشند. بنابراین تنها در دسترس بودن مهم نیست بلکه هزینه فراغتی نیز از اهمیت برخوردار است. 13 درصد دانشجویان نیز امکانات موجود یا عدم امکانات در دانشگاه را اولویت اول محدودیت فراغتی خود دانسته‌اند. محدودیت‌هایی که خانواده‌ها ممکن است ایجاد کنند یا محدودیت‌های ناشی از قوانین دولتی یا دانشگاهی از اهمیت کمی برای دانشجویان برخوردار است. با این حال، تعداد بسیاری از دانشجویان (36 درصد) نیز بوده‌اند که جمیع عوامل ذکر شده را در محدودیت فراغتی خود دخیل دانسته‌اند.

جدول شماره (4-26): محدودیت فراغتی شما چیست؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	محدودیت‌های فراغتی دانشجویان
13.0	13.0	974	امکانات
14.4	14.4	1078	مشکلات مالی
26.3	26.3	1969	محدودیت زمانی
3.0	3.0	224	محدودیت خانوادگی
7.2	7.2	542	محدودیت دولتی
36.0	36.0	2689	همه موارد بالا بدون اولویت
100.0	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-16) : محدودیت فراغتی شما چیست؟



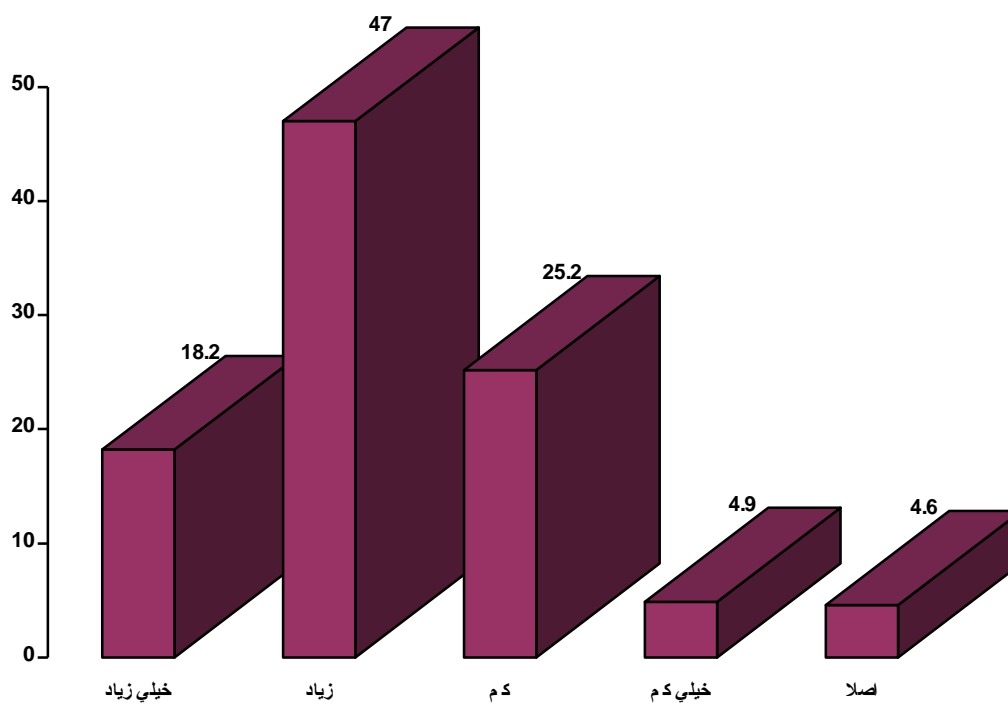
جدول شماره (4-17) : محدودیت فراغتی دانشجویان دانشگاه تبریز است. رضایت از زندگی عامل اولویت

مهمی در کیفیت زندگی است و با گذران فراغت دانشجویان مرتبط است. جالب اینجاست که نفس زمان فراغت با رضایت از زندگی مرتبط نیست بلکه این چگونگی گذران اوقات فراغت است که رضایت زندگی و کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد. حتی استفاده‌کنندگان از برنامه‌های فراغتی دانشگاه رضایت بیشتری به نسبت سایر دانشجویان از زندگی خود داشته‌اند. 64.4 درصد دانشجویان در مجموع از زندگی خود رضایت زیاد دارند. 29.4 درصد نیز رضایت کمی از زندگی خود دارند. 4.5 درصد نیز اصلاً رضایت ندارند و 2.5 درصد به این سوال ، پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-27): آیا از زندگی تان در مجموع راضی هستید؟

رضایت از زندگی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
خیلی زیاد	1330	17.8	18.2
زیاد	3426	45.8	47.0
کم	1839	24.6	25.2
خیلی کم	357	4.8	4.9
اصلا	339	4.5	4.6
بی جواب	185	2.5	
جمع	7476	100.0	

نمودار شماره (4-17) : آیا از زندگی تان در مجموع راضی هستید؟



ارزیابی دانشجویان از نحوه فعلی گذران فراغت‌شان

در مورد ارزیابی از نحوه فعلی اوقات فراغت، جدول شماره (4-28) نشان می‌دهد که 30.5 درصد کل دانشجویان ارزیابی مثبتی از گذران اوقات فراغت خود دارند. اما بیشتر دانشجویان یعنی 54.3 درصد آنان اعتقاد دارند که نحوه فعلی گذران فراغت‌شان در پیشرفت فردی‌شان کمک کمی می‌کند. 9.5 درصد نیز معتقدند که اصلاً گذران فراغت‌شان تاثیری در پیشرفت فردی‌شان ندارد. 4.7 درصد نیز به این سوال پاسخی نداده‌اند.

جدول شماره (4-28): به نظر خودتان تا چه اندازه نحوه فعلی گذران فراغت‌تان به پیشرفت فردیتان کمک می‌کند؟

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
خیلی زیاد	474	6.3	6.7
زیاد	1810	24.2	25.4
کم	2934	39.2	41.2
خیلی کم	1202	16.1	16.9
اصلاً	707	9.5	9.9
بی جواب	349	4.7	
جمع	7476	100.0	

نیازمندی‌های فراغتی دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه

جدول شماره (4-29) نیازمندی‌های فراغتی دانشجویان را در دانشگاه و خوابگاه نشان می‌دهد. این نیازمندی‌های فراغتی دانشجویان با اولویت مشخص شده است. به این معنا که امکانات ورزشی از نظر 42.2 درصد دانشجویانی که به سوال ما پاسخ داده‌اند در اولویت اول قرار دارد. 25 درصد دانشجویان پاسخ دهنده، امکانات سایت اینترنتی و کامپیوتری را در اولویت اول نیازمندی‌های خود بیان داشته‌اند. به طور کلی امکانات رفاهی و تفریحی از نظر 18.5 درصد دانشجویان در اولویت اول نیازمندی‌ها قرار دارد. امکانات هنری اولویت اول 6.5 درصد دانشجویان و امکانات علمی دانشگاهی چون کتابخانه و کتاب نیز اولویت اول 7.8 درصد دانشجویان است.

در ادامه فهرست نیازمندی‌هایی که از سوال باز پرسشنامه استخراج کرده‌ایم فهرست می‌گردند:

مهمترین نیازمندی دانشجویان مرتبط با امکانات ورزشی شامل کلاس‌های ورزشی، سالن‌های ورزشی همچون استخر، فوتبال، فوتسال و سالن بلیارد و انواع باشگاه‌های رزمی و بدن سازی، و سایر امکانات ورزشی بوده است.

نیازمندی‌ها در خصوص اینترنت و سایت روشن است که این نیازمندی‌ها برای دانشجویان همزمان در خوابگاه و دانشگاه مطرح است. در اختیار داشتن کامپیوتر در اتاق‌ها نیز یکی از نیازمندی‌های مهم دانشجویان بوده است. بیشترین نیازمندی رفاهی مواردی شامل تلویزیون در خوابگاه و اتاق دانشجویان بوده است. بوفه و کافی‌شاپ، فضای سبز، اردوهای مختلف نیز از مهمترین نیازهای این مقوله بوده است.

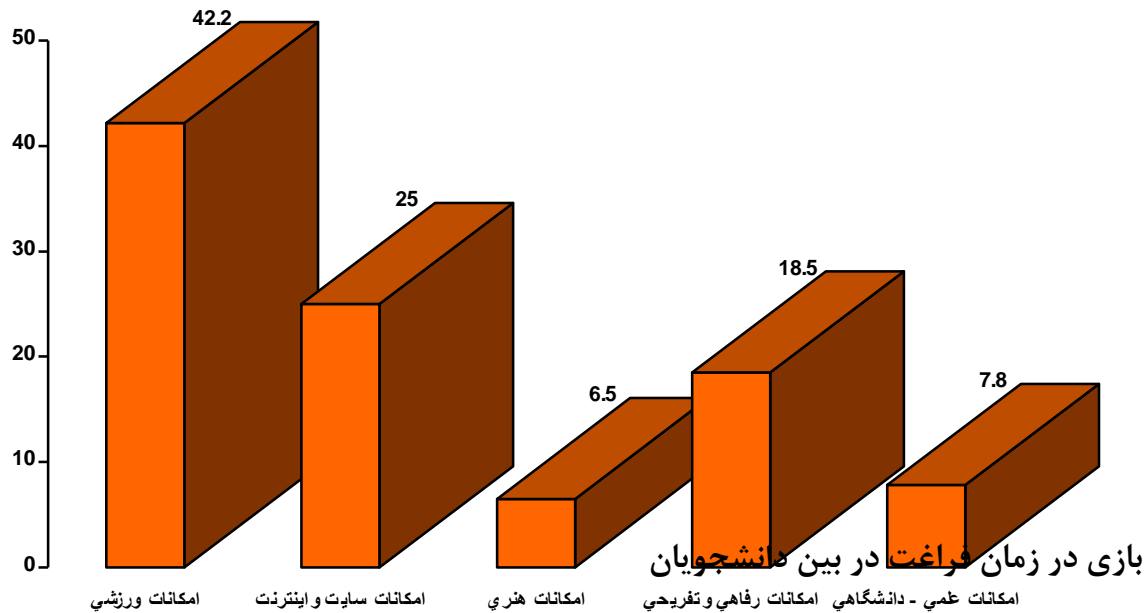
مهمترین نیازمندی‌های هنری ذکر شده در این تحقیق توسط دانشجویان شامل سینما، تئاتر، پخش و توزیع فیلم و تاسیس کانون‌های هنری از جمله فیلم و موسیقی، برگزاری کلاس‌های آموزشی در انواع فعالیت‌های هنری و موسیقی می‌باشد.

نیازمندی‌های بخش علمی نیز شامل برگزاری کلاس‌های آموزشی، در اختیار قرار دادن کتاب، تجهیز کتابخانه و سالن مجله، سالن مطالعه، بوده است.

جدول شماره (4-29): مهمترین امکانات فراغتی مورد نیاز شما در محیط دانشگاه یا خوابگاه چیست؟

نیازمندیهای فراغتی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
امکانات ورزشی	1233	16.5	42.2
امکانات سایت و اینترنت	730	9.8	25
امکانات هنری	190	2.5	6.5
امکانات رفاهی و تفریحی	540	7.2	18.5
امکانات علمی - دانشگاهی	229	3.1	7.8
بی جواب	4554	60.9	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-18) : مهمترین امکانات فراغتی مورد نیاز شما در محیط دانشگاه یا خوابگاه چیست؟



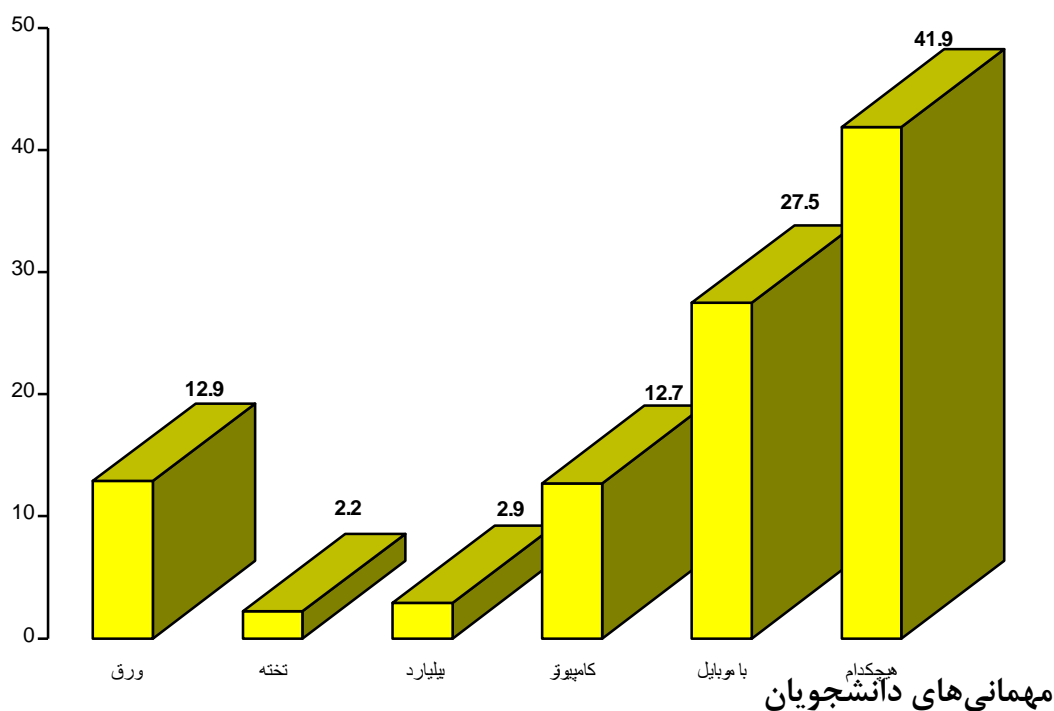
بازی‌ها یکی از مهمترین رفتارهای فراغتی دانشجویان را شامل می‌شوند. جدول شماره (30-4) به

بخشی از مهمترین بازی‌های رایج در بین دانشجویان اشاره دارد و وضعیت هر یک را به تصویر کشیده است. از میان بازی‌های لیست شده رایج‌ترین بازی در بین دانشجویان، بازی با موبایل است. به گونه‌ای که 27.5 درصد دانشجویان از طریق موبایل بازی می‌کنند. بازی با موبایل نوعی بازی دیجیتالی و رسانه محور است. مجدداً بر نقش رسانه در زندگی فراغتی دانشجو اشاره شده است. به این معنا که رسانه‌ها نقش مهمی در زندگی دانشجویان دارند و مفید و مضر بودن این شکل فراغتی در جای خود باید مورد تامل قرار گیرد. در هر صورت بازی رسانه محور و از جمله موبایل نوعی بازی کم تحرک و فردگرایانه است و آسیب‌های آن نیز از همین دریچه درخور تامل است. بعد از بازی‌های موبایلی، بازی‌های کامپیوتری (12.7 درصد) و بازی با ورق (12.9 درصد) تقریباً در رتبه دوم بازی‌های دانشجویی قرار می‌گیرند. البته بازی با موبایل و بازی با کامپیوتر از سنخ بازی با ورق نیستند. به این معنا که بازی با کامپیوتر و موبایل هر یک می‌تواند اشکال متعددی از بازی‌ها را (و از جمله ورق) در بر گیرد. اما بازی با ورق فقط به یک شکل بازی اشاره دارد. این امر نشانه رایج بودن بازی با ورق در بین دانشجویان است. شاید بتوان گفت که این بازی بیش از سایر اشکال بازی‌های دیگر در بین دانشجویان رایج است. دو بازی بیلیارد و تخته نیز به ترتیب با 2.9 و 2 درصد توسط دانشجویان استفاده می‌شود.

جدول شماره (4-30): در زمان فراغت تان چه بازی‌هایی می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
12.9	12.9	963	ورق
2.2	2.2	161	تخته
2.9	2.9	218	بیلیارد
12.7	12.7	947	کامپیوتر
27.5	27.5	2057	با موبایل
41.9	41.9	3130	هیچکدام
100.0	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-19): در زمان فراغت تان چه بازی‌هایی می‌کنید؟



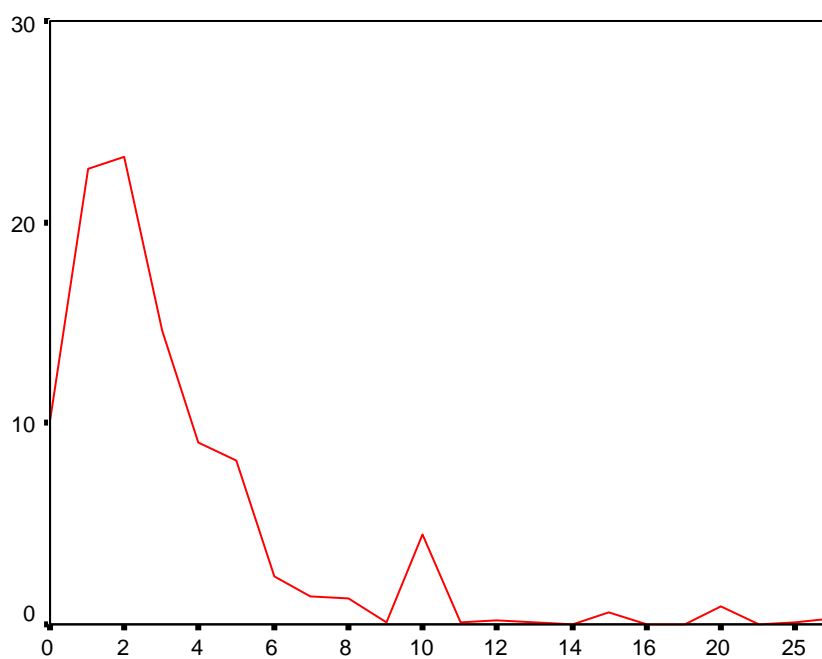
در جدول شماره (4-31) از دانشجویان پرسیده‌ام که چند بار در ماه به مهمانی می‌روید؟ از میان افرادی که پاسخ داده‌اند می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که دانشجویان به طور متوسط 3.15 بار در ماه به مهمانی می‌روند. که البته کمترین‌شان هیچ بار در ماه است و بیشترین دانشجویان نیز 30 بار در ماه به مهمانی می‌روند.

نمودار شماره (4-18) نیز نشان می‌دهد که بیشتر دانشجویان 3 بار در ماه به مهمانی می‌روند.

جدول شماره (4-31): تعداد مهمانی‌ها

انحراف معیار	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	فراوانی	تعداد مهمانی‌ها
3.463	3.15	30	0	6150	

نمودار شماره (4-20): توزیع تعداد مهمانی‌های دانشجویان در ماه



V44

جدول شماره (4-32) نشان می‌دهد که 10.1 درصد کسانی که به سوال ما جواب داده‌اند در ماه اصلا به مهمانی نمی‌روند و 60.6 درصد دانشجویان نیز 3 بار و کمتر در ماه به دانشگاه می‌روند. و تعداد دانشجویانی که بیش از 10 بار در ماه به مهمانی می‌روند کمتر از 7 درصد کل پاسخگویان است.

جدول شماره (4-32) در ماه چند بار به مهمانی می‌روید؟

در ماه چند بار به مهمانی می‌روید؟	فراوانی	درصد	درصد معتبر
0	624	8.3	10.1
1	1393	18.6	22.7
2	1432	19.2	23.3
3	900	12.0	14.6
4	556	7.4	9.0
5	504	6.7	8.2
6	146	2.0	2.4
7	88	1.2	1.4
8	81	1.1	1.3
9	8	0.1	0.1
10	272	3.6	4.4
11	7	0.1	0.1
12	12	0.2	0.2
13	4	0.1	0.1
14	2	0.0	0.0
15	35	0.5	0.6
16	3	0.0	0.0
17	1	0.0	0.0
20	58	0.8	0.9
24	1	0.0	0.0
25	6	0.1	0.1
30	17	0.2	0.3
بی‌جواب	1326	17.7	
جمع کل	7476	100.0	

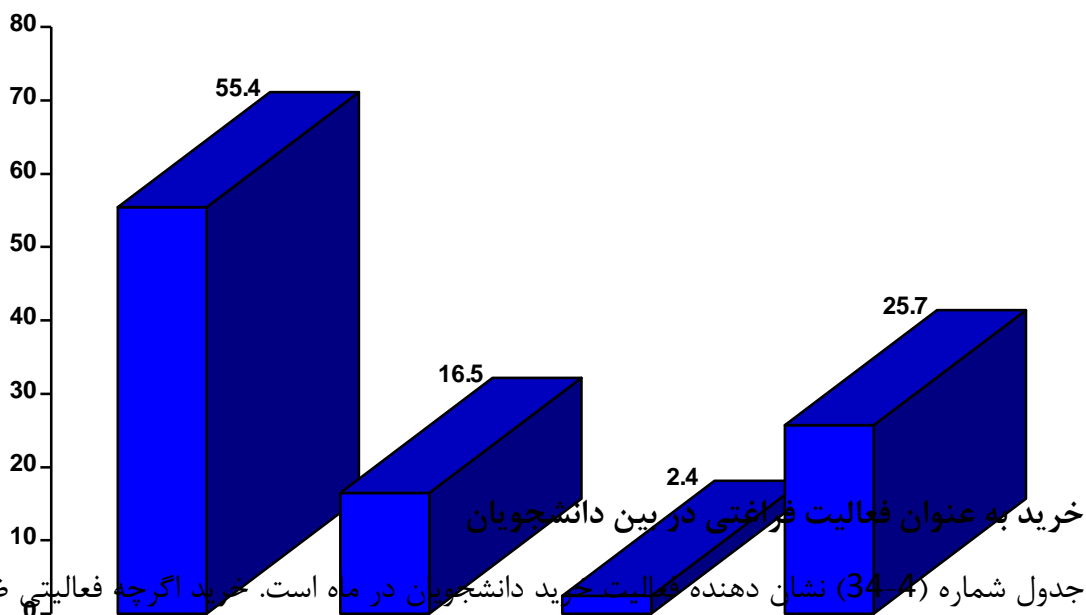
جدول شماره (4-33) نشان می‌دهد که از میان دانشجویانی که به مهمانی می‌روند بیشتر به کجاها می‌روند و در چه مهمانی‌هایی شرکت می‌کنند. بیشترین مهمانی‌های دانشجویان را، مهمانی‌های خانوادگی تشکیل می‌دهد. یعنی 55.4 درصد دانشجویان پاسخ دهنده، مهمانی‌های خانوادگی می‌روند و در مرتبه بعد ترکیب مهمانی خانوادگی و دوستان (25.7 درصد دانشجویان) در اولویت قرار دارد. مهمانی

صرفاً با دوستان نیز با 16.5 درصد دانشجویان در مرتبه سوم قرار دارد. کمترین نوع مهمانی‌ها دعوت اینترنتی و دوستان مجازی دانشجویان است که 2.4 درصد دانشجویان را شامل می‌شود.

جدول شماره (4-33): در چه مهمانی‌هایی شرکت می‌کنید؟

در چه مهمانی شرکت می‌کنید؟	فراوانی	درصد	درصد معتبر
خانوادگی	3852	51.5	55.4
دوستان	1150	15.4	16.5
دعوت‌های اینترنتی	164	2.2	2.4
خانوادگی و دوستان	1786	23.9	25.7
بی جواب	524	7.0	
جمع کل	7476	100.0	

نمودار شماره (4-21): در چه مهمانی‌هایی شرکت می‌کنید؟



جدول شماره (4-34) نشان دهنده فعالیت خرید دانشجویان در بین دانشجویان است. خرید اگرچه فعالیتی ضروری است اما در جامعه مصرفی و متأخر، خرید عملی فراغتی نیز محسوب می‌شود و تلفیقی از اضطراب و لذت، کار و تفریح است. به خصوص در مصاحبه گروهی به عمل آمده از دانشجویان، دانشجویان دختر بیشتر به فعالیت خرید به مثابه عملی فراغتی علاقمند بوده‌اند. به طور متوسط دانشجویان 5 تا 6 بار در ماه به خرید می‌روند. تحلیل‌های آماری نیز نشان دهنده جنسیتی بودن خرید است. به این معنا که دختران دانشجو بیش از پسران دانشجو به فعالیت خرید می‌پردازند.

جدول شماره (4-34): در ماه چقدر زمان صرف خرید می‌کنید؟

انحراف معیار	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	فراوانی	در ماه چقدر زمان صرف خرید می‌کنید؟
7.097	5.46	60	0	5788	

در جدول شماره (4-35) مشخص می‌شود که 5.3 درصد کل دانشجویان مطالعه شده اساساً در ماه خرید نمی‌کنند و نزدیک 40 درصد دانشجویان در ماه 5 بار و بیشتر به خرید می‌روند.

جدول شماره (4-35) در ماه چقدر صرف خرید می‌کنید؟ (غیر از خریدهای ضروری همچون مواد غذایی)

درصد معتبر	درصد	فراوانی	در ماه چند بار به خرید می‌روید؟
6.9	5.3	398	0
15.7	12.1	907	1
17.6	13.6	1017	2
12.1	9.4	700	3
9.7	7.5	560	4
10.7	8.3	617	5
4.3	3.3	249	6
1.5	1.1	85	7
2.6	2.0	153	8
0.5	0.4	31	9
9.6	7.4	553	10
0.1	0.1	4	11
1.1	0.9	64	12
0.1	0.1	7	13
0.3	0.2	15	14
1.1	0.8	61	15
0.1	0.1	8	16
0.0	0.0	2	17
0.1	0.1	6	18
2.8	2.2	164	20
0.0	0.0	2	21
0.0	0.0	1	22
0.7	0.5	40	24
0.1	0.1	4	25
1.1	0.8	63	30
0.0	0.0	1	31
0.1	0.1	4	36
0.0	0.0	1	38
0.0	0.0	1	39
0.4	0.3	24	40
0.0	0.0	2	43
0.0	0.0	2	44
0.1	0.1	4	45
0.3	0.2	15	48
0.2	0.2	12	50
0.0	0.0	1	52
0.2	0.1	10	60
	22.6	1688	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

رفتن به پارک

جدول شماره (4-36) نشان می‌دهد که دانشجویان نزدیک به 4.5 ساعت در ماه به پارک می‌روند. که کمترین آنها صفر بار در ماه است که طبق جدول بعدی (4-37) 14.2 درصد کل دانشجویان را شامل می‌شود. و بیشترین آنها نیز 30 بار در ماه است که 1.3 درصد کل دانشجویان را در بر می‌گیرد.

جدول شماره (4-36): آماره‌های مربوط به پارک رفتن دانشجویان در ماه

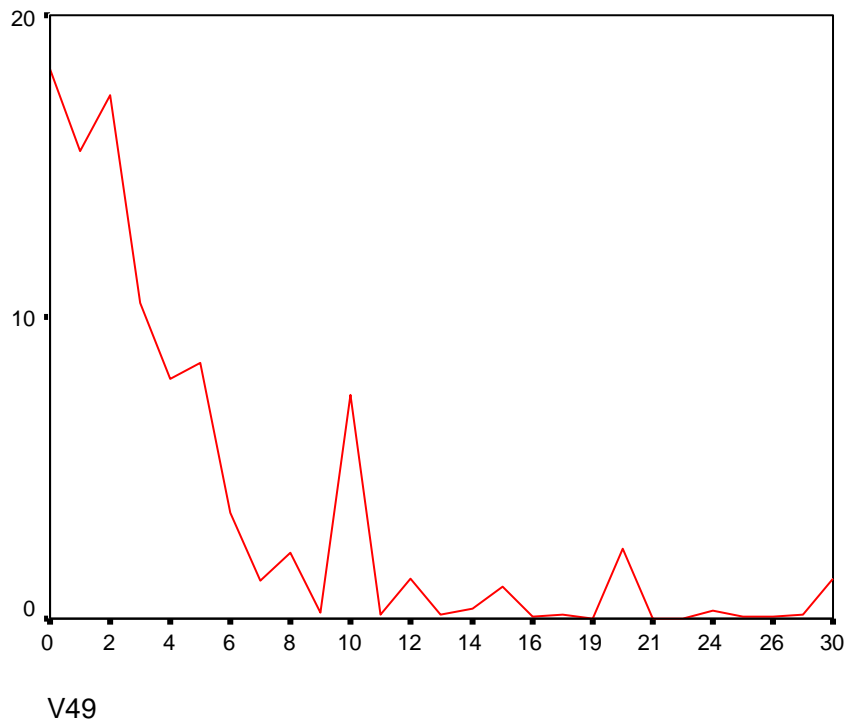
فرآوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
آماره مربوط به پارک رفتن دانشجویان در ماه	0	30	4.24	5.400

در جدول شماره (4-37) نشان داده شده است که دانشجویان چند ساعت در ماه برای گذران اوقات فراغت خود به پارک می‌روند.

جدول شماره (4-37) چند ساعت برای گذران فراغت در ماه به پارک می‌روید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
18.2	14.2	1058	0
15.5	12.0	899	1
17.4	13.5	1008	2
10.5	8.1	608	3
7.9	6.2	461	4
8.5	6.6	491	5
3.5	2.7	202	6
1.2	1.0	72	7
2.2	1.7	126	8
0.2	0.2	12	9
7.4	5.8	430	10
0.1	0.1	6	11
1.3	1.0	78	12
0.1	0.1	8	13
0.3	0.3	20	14
1.0	0.8	60	15
0.1	0.1	5	16
0.1	0.1	8	18
0.0	0.0	1	19
2.3	1.8	134	20
0.0	0.0	1	21
0.0	0.0	1	23
0.3	0.2	17	24
0.1	0.1	5	25
0.0	0.0	2	26
0.1	0.1	8	28
1.3	1.0	78	30
	22.4	1677	بی جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-22): تعداد دفعات رفتن به پارک در ماه



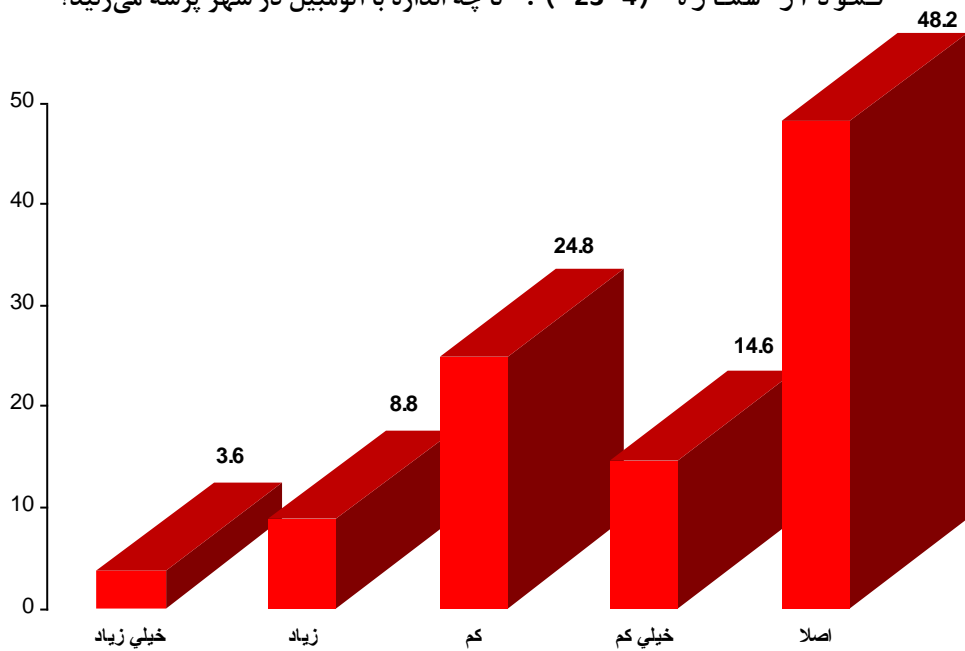
پرسه‌زنی با ماشین

جدول شماره (4-38) پرسه‌زنی با اتومبیل را در بین دانشجویان به عنوان فعالیتی فراغتی نشان می‌دهد. امروزه اتومبیل به خصوص در تهران یکی از مهمترین ابزارهای فراغتی شهروندان است. در جامعه‌ای که فضاهای فراغتی به قدر کافی وجود ندارد ماشین و خیابان تبدیل به مکانی برای وقت‌گذرانی می‌شود. اما این قصه برای دانشجویان که بخش قابل توجهی از آنها زندگی خوابگاهی دارند و بخش عمده‌ای نیز به دلیل پایین بودن سن و فقدان منبع مالی فاقد اتومبیل هستند تا اندازه زیادی فرق می‌کند. با این حال، 12.4 درصد دانشجویان زیاد و خیلی زیاد با ماشین در شهر پرسه می‌زنند. و در مجموع بیش از 50 درصد پاسخگویان به سوال ما (از زیاد تا کم) از ماشین برای پرسه‌زنی در شهر استفاده می‌کنند. 48.2 درصد پاسخ‌دهندگان اساساً از ماشین برای پرسه زدن استفاده نمی‌کنند.

جدول شماره (4-38): تا چه اندازه با اتومبیل در شهر پرسه می‌زنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
3.6	3.4	255	خیلی زیاد
8.8	8.4	628	زیاد
24.8	23.6	1762	کم
14.6	13.9	1040	خیلی کم
48.2	45.9	3430	اصلاً
	4.8	361	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-23) : تا چه اندازه با اتومبیل در شهر پرسه می‌زنید؟



مصرف زیر زمینی و فراغت‌های آیینی

یکی از مهمترین فعالیت‌های فراغتی دانشجویان، مصرف زیرزمینی و فراغت‌های آیینی است. مصرف زیر زمینی اگر واژه درستی باشد برای مجموع مصرف‌ها یا فعالیت‌های غیرقانونی یا کمتر قانونی اشاره دارد. البته باید تاکید کنیم که همه فعالیت‌هایی که در اینجا ذکر می‌شوند (برای مثال یوگا) زیر زمینی محسوب نمی‌شود. به این دلیل که غلبه رفتارها با فعالیت‌هایی از این دست بوده است نام مذکور برای این جدول انتخاب شد. اگر بخواهیم قضاوتی کلی داشته باشیم مصرف‌کنندگان این‌گونه فعالیت‌ها بخش کمی از دانشجویان را در بر می‌گیرد.

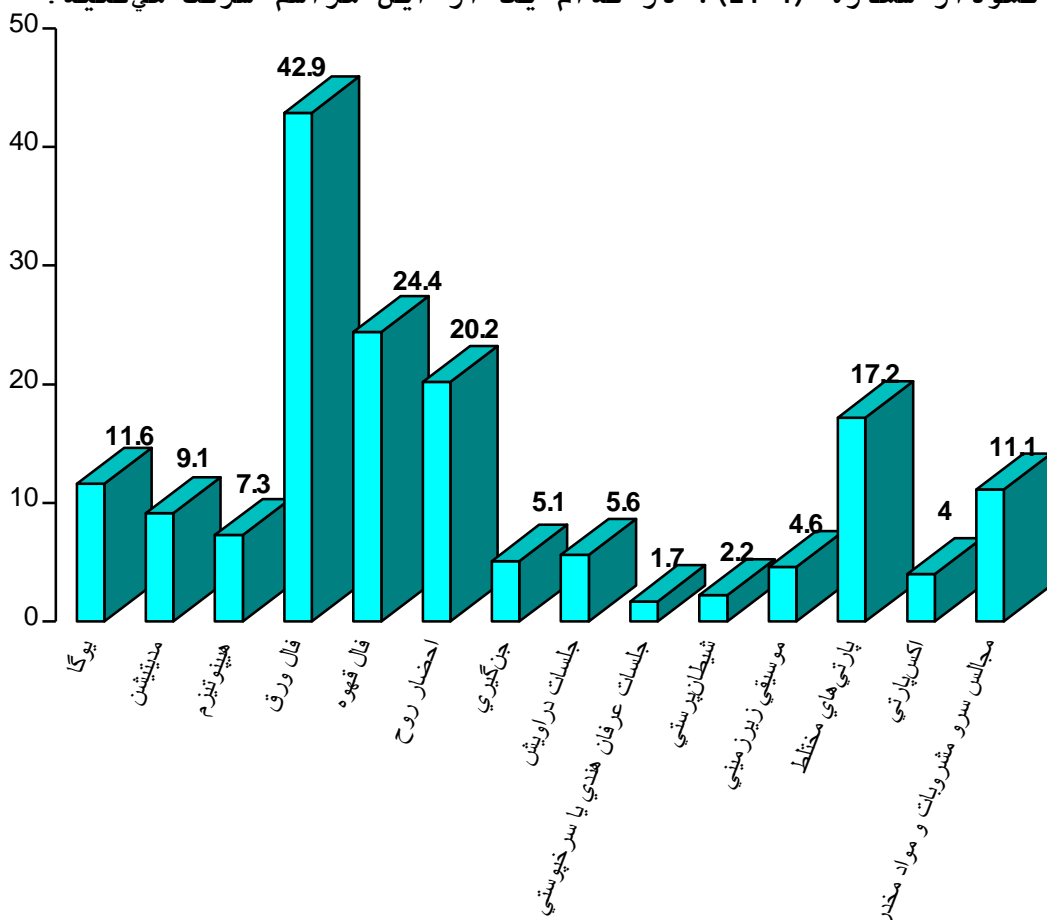
تنها 1.7 درصد دانشجویان پاسخ دهنده به سوال ما به عرفان سرخ پوستی و هندی علاقه نشان داده‌اند و 2.3 درصد شیطان پرستی، 4 درصد اکس پارتی، 4.6 درصد موسیقی زیر زمینی، 5.1 درصد مراسم جن گیری، 5.6 درصد جلسات دراویش، 7.3 درصد در هیپنوتیزم و 9.1 درصد در مدیتیشن. اینها کم مصرف‌ترین فعالیت‌های آیینی و زیر زمینی بوده است. اما دسته دوم فعالیت‌ها که فراگیری بیشتری نسبت به گروه قبل دارند شامل موارد زیر می‌شوند. 11.6 درصد در مراسم یوگا و 11.7 درصد در جلسات سرو مشروبات و 17.2 درصد در پارتی‌های مختلط حاضر شده‌اند. در مرتبه بعد 20.2 درصد در جلسات احضار ارواح، و 24.4 درصد فال قهوه و 42.9 درصد تجربه فال ورق داشته‌اند. البته این درصدها به تعداد کل دانشجویانی بر می‌گردد که به سوال ما جواب داده‌اند که تقریباً 50 درصد تعداد دانشجویان مطالعه شده را در بر می‌گیرد. در نتیجه فال ورق و فال قهوه مهمترین فعالیت فراغتی در این مجموعه را شامل می‌شود. به لحاظ جنسیتی می‌توان گفت که یوگا، مدیتیشن، فال قهوه و فال ورق بیشتر فعالیتی مرتبط با دختران دانشجویان و فعالیت‌هایی چون هیپنوتیزم، جن گیری، جلسات دراویش، موسیقی زیر زمینی، پارتی مختلط، اکس پارتی و شرکت در مراسم سرو مشروبات الکلی بیشتر فعالیتی مرتبط با پسران دانشجویان است. جدول شماره (4-39) به تفصیل فعالیت‌های مذکور را نشان می‌دهد.

جدول شماره (4-39): در کدام یک از این مراسم تاکنون شرکت کرده یا می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی		
88.4	42.1	3146	شرکت نمی‌کنم	یوگا
11.6	5.5	414	شرکت می‌کنم	
	52.4	3916	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
90.9	43.2	3232	شرکت نمی‌کنم	مدیتیشن
9.1	4.3	324	شرکت می‌کنم	
	52.4	3920	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
92.7	44.1	3300	شرکت نمی‌کنم	هیپنوتیزم
7.3	3.5	258	شرکت می‌کنم	
	52.4	3918	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
57.1	27.2	2031	شرکت نمی‌کنم	فال ورق
42.9	20.4	1526	شرکت می‌کنم	
	52.4	3919	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
75.6	36.0	2692	شرکت نمی‌کنم	فال قهوه
24.4	11.6	867	شرکت می‌کنم	
	52.4	3917	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
79.8	38.0	2841	شرکت نمی‌کنم	احضار ارواح
20.2	9.6	717	شرکت می‌کنم	
	52.4	3918	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
94.9	45.2	3377	شرکت نمی‌کنم	جن گیری
5.1	2.4	181	شرکت می‌کنم	
	52.4	3918	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
94.4	44.9	3358	شرکت نمی‌کنم	جلسات درآویش
5.6	2.7	200	شرکت می‌کنم	
	52.4	3918	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
98.3	46.8	3496	شرکت نمی‌کنم	جلسات عرفان هندی یا سرخپوستی
1.7	0.8	62	شرکت می‌کنم	
	52.4	3918	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
97.8	46.5	3477	شرکت نمی‌کنم	شیطان پرستی
2.2	1.1	80	شرکت می‌کنم	

	52.4	3919	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
موسیقی زیرزمینی	95.4	45.4	شرکت نمی کنم	
	4.6	2.2	شرکت می کنم	
		52.4	بی جواب	
		100.0	جمع کل	
پارتی های مختلف	82.8	39.4	شرکت نمی کنم	
	17.2	8.2	شرکت می کنم	
		52.4	بی جواب	
		100.0	جمع کل	
اکس پارتی	96.0	45.7	شرکت نمی کنم	
	4.0	1.9	شرکت می کنم	
		52.4	بی جواب	
		100.0	جمع کل	
مجلس سرو مشروبات و مواد مخدر	88.3	42.0	شرکت نمی کنم	
	11.7	5.6	شرکت می کنم	
		52.5	بی جواب	
		100.0	جمع کل	

نمودار شماره (4-24) : در کدام یک از این مراسم شرکت می کنید؟

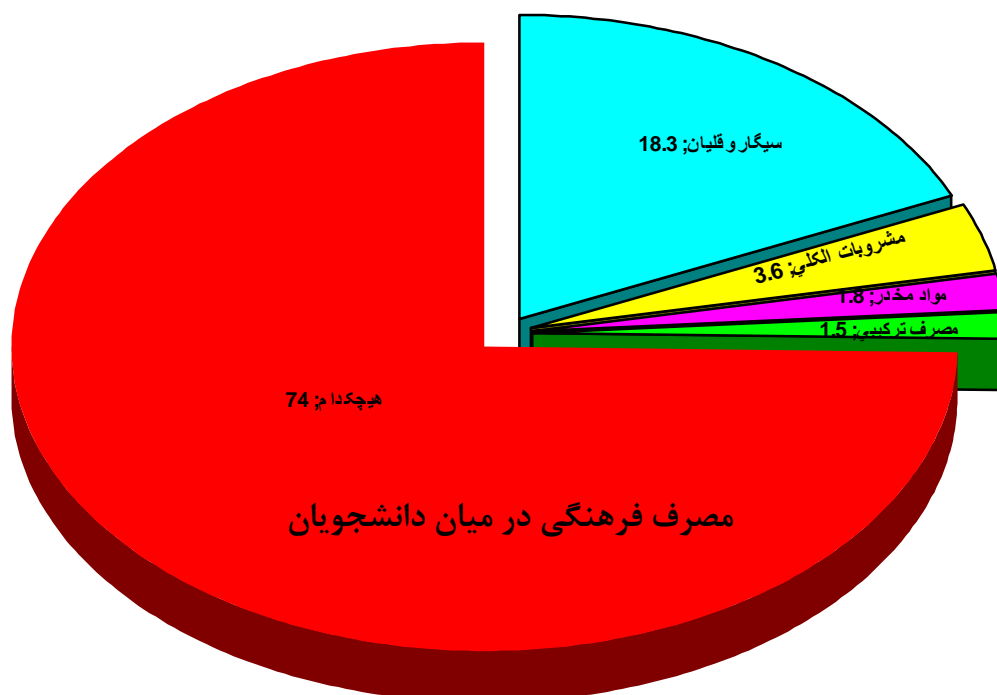


جدول شماره (4-40) به طور دقیق تر مصرف سیگار، قلیان و مشروبات الکلی و مواد مخدر را در بین دانشجویان نشان می‌دهد. از میان دانشجویانی که به سوال ما پاسخ داده‌اند، 18.3 درصد در اوقات فراغت‌شان سیگار و قلیان می‌کشند. 3.6 درصد نیز تجربه مصرف مشروبات الکلی دارند و در اوقات فراغت آن را مصرف می‌کنند. 1.8 درصد پاسخگویان ما مواد مخدر مصرف می‌کنند و 1.5 درصد نیز ترکیبی از مواد ذکر شده در بالا را مصرف کرده‌اند. در مجموع 74.8 درصد پاسخگویان گفته‌اند که هیچکدام از موارد بالا را مصرف نکرده‌اند.

جدول شماره (4-40): در اوقات فراغت‌تان چه مصرف کرده یا می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
18.3	16.8	1259	سیگار و قلیان
3.6	3.3	246	مشروبات الکلی
1.8	1.7	126	مواد مخدر
1.5	1.4	103	مواد ترکیبی
74.8	68.8	5140	هیچکدام
	8.1	602	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-25) : در اوقات فراغت‌تان چه مصرف کرده یا می‌کنید؟



الف) روزنامه، مجله و کتاب

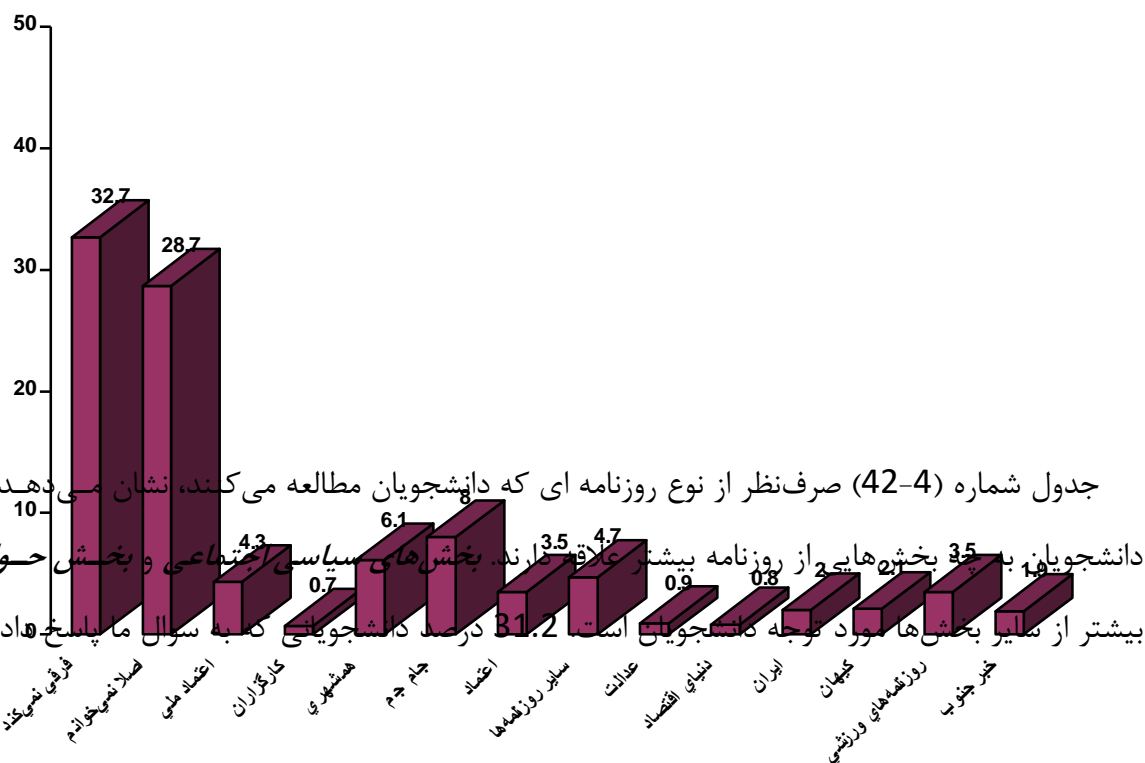
در این بخش نشان داده می‌شود که دانشجویان چقدر به مصرف روزنامه، مجله و کتاب می‌پردازند و چه نوعی از آنها را مطالعه می‌کنند. در جدول شماره (4-41) پرسیده شده است که کدام روزنامه توسط دانشجویان بیشتر مطالعه می‌شود. 28.7 درصد دانشجویان اساساً به مطالعه هیچ نوع از روزنامه‌ای نمی‌پردازند. به عبارت دیگر، 71.3 درصد دانشجویان مصرف‌کننده روزنامه هستند. از میان مصرف‌کنندگان روزنامه، برای 32.7 درصد اصلاً مهم نیست که کدام روزنامه را بخوانند. به عبارت دیگر این دسته از دانشجویان دانشجویان بی تفاوت و "باری به هر جهت" محسوب می‌شوند. در میان مصرف‌کنندگان، بیشترین علاقه در زمینه روزنامه‌های عامه پسند متمرکز شده است. به عبارت دیگر روزنامه جام جم (8.0 درصد) و روزنامه همشهری (6.1 درصد) بیشترین مصرف را در بین دانشجویان دارند. این دسته از جمله روزنامه‌هایی هستند که مصرف عامتری در بین مردم دارند. و به مطالب عمومی‌تر و مختلفی‌بها می‌دهند. در بین روزنامه‌های سیاسی، روزنامه اعتماد ملی (4.3 درصد) و اعتماد (3.5 درصد) در اولویت قرار دارند و روزنامه عدالت (0.9) و دنیای اقتصاد (0.8) مصرف‌کنندگان کمتری دارد. روزنامه ورزشی نیز به نسبت (با 3.5 درصد دانشجویان) از اهمیت برخوردار است.

4.7 درصد دانشجویان نیز سایر روزنامه‌ها را که در لیست زیر نیامده است مطالعه می‌کنند. لازم به یادآوری است که سوال مورد نظر به صورت باز پرسیده شده است و نام روزنامه‌هایی که در لیست نیست اما در کشور منتشر می‌شود در واقع به دلیل آنکه زیر 1 درصد خواننده داشته است در مقوله سایر روزنامه‌ها گنجانده شده است.

جدول شماره (4-41): کدام روزنامه را بیش از همه می‌خوانید؟

فرآوانی	درصد	درصد معتبر
فرقی نمی‌کند	2328	31.1
اصلا نمی‌خوانم	2038	27.3
اعتماد ملی	306	4.1
کارگزاران	50	0.7
همشهری	437	5.8
جام جم	569	7.6
اعتماد	249	3.3
سایر روزنامه‌ها	334	4.5
عدالت	66	0.9
دنیای اقتصاد	54	0.7
ایران	141	1.9
کیهان	151	2.0
روزنامه‌های ورزشی	251	3.4
خبر جنوب	136	1.8
بی‌جواب	366	4.9
جمع کل	7476	100.0

نمودار شماره (4-26): کدام روزنامه را بیش از همه می‌خوانید؟

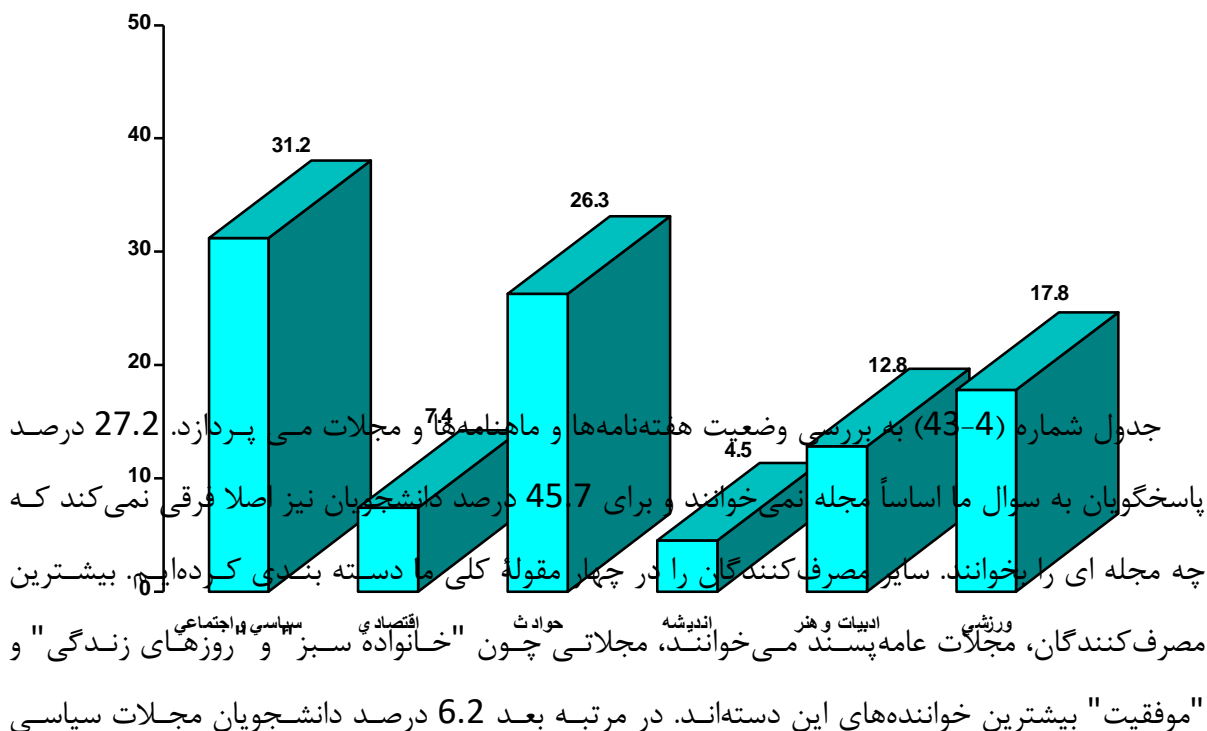


بخش سیاسی اجتماعی را در اولویت اول می‌خوانند و 26.3 درصد نیز ابتدا صفحه حوادث را مطالعه می‌کنند. سپس 17.8 درصد به صفحه ورزشی اهمیت می‌دهند. ادبیات و هنر 12.8 درصد و اندیشه 4.5 درصد و صفحه اقتصادی نیز 7.4 درصد خواننده‌ای دارد که برای آن اولویت قائل اند. زنان بیشتر بخش‌های حوادث، ادبیات و هنر را مطالعه می‌کنند و مردان به صفحه ورزشی بیشتر علاقمندند.

جدول شماره (4-42): چه بخشی از روزنامه‌ها برای تان بیشتر اهمیت دارد؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
31.2	18.7	1397	سیاسی و اجتماعی
7.4	4.4	331	اقتصادی
26.3	15.8	1181	حوادث
4.5	2.7	202	اندیشه
12.8	7.7	573	ادبیات و هنر
17.8	10.7	800	ورزشی
	40.0	2992	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-27): چه بخشی از روزنامه‌ها برای تان بیشتر اهمیت دارد؟

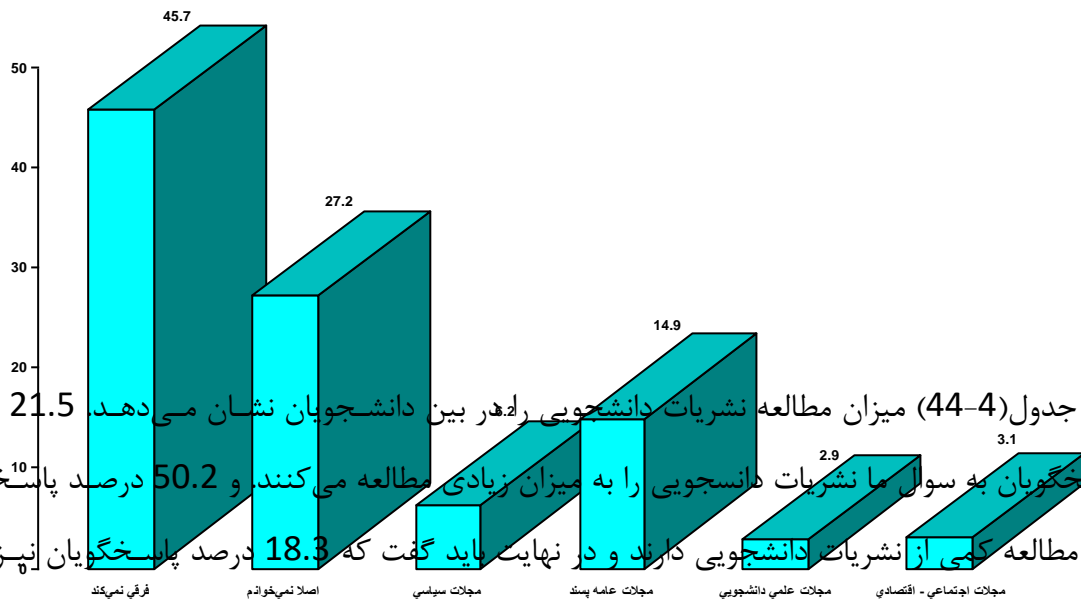


می خوانند که بیشترین فراوانی این مجلات را مجلاتی چون "شهروند امروز" و "چلچراغ" در بر می گیرد. 3.1 درصد دانشجویان نیز مجلات اجتماعی اقتصادی می خوانند که برای مثال می توان "مجله فیلم"، "جهان" ارتباط را نام برد. 2.9 درصد پاسخگویان نیز مجلات علمی دانشجویی مطالعه می کنند.

جدول شماره (4-43): کدام هفته نامه، ماهنامه یا فصلنامه را بیشتر از همه می خوانید؟

فراوانی	درصد	درصد معتبر
3041	40.7	45.7
1810	24.2	27.2
413	5.5	6.2
991	13.3	14.9
190	2.5	2.9
209	2.8	3.1
822	11.0	
7476	100.0	

نمودار شماره (4-28): کدام هفته نامه، ماهنامه یا فصلنامه را بیشتر از همه می خوانید؟



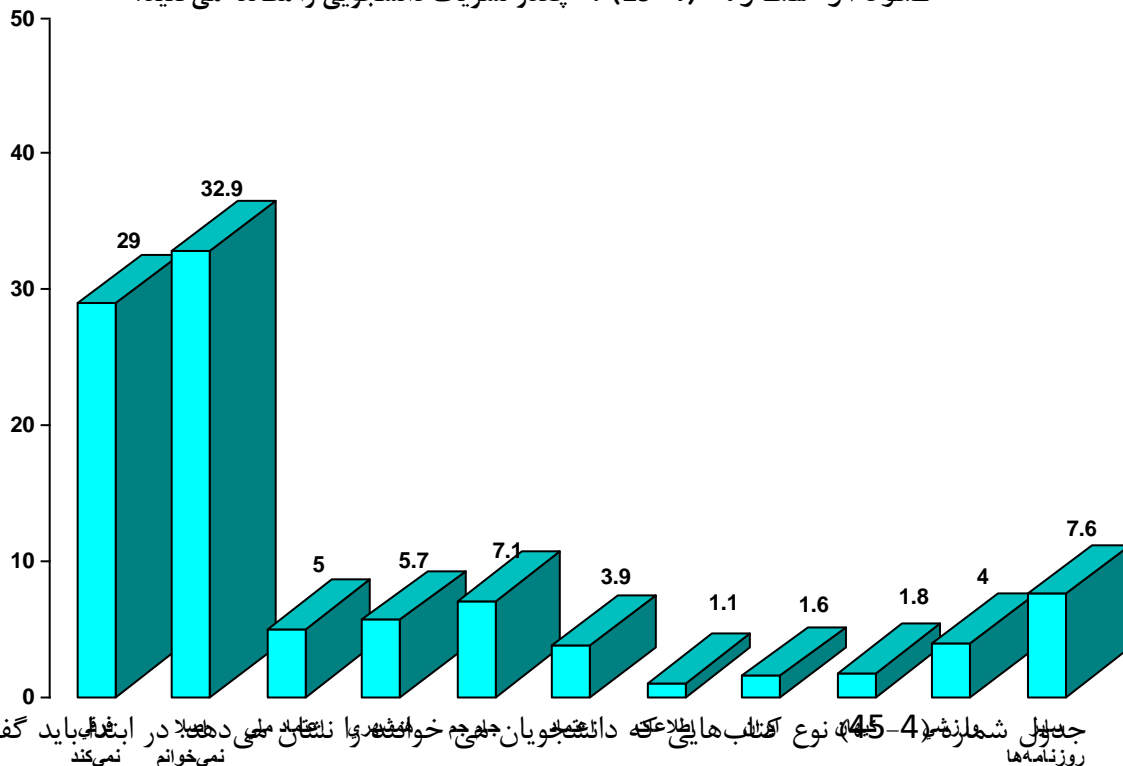
جدول (4-44) میزان مطالعه نشریات دانشجویی را در بین دانشجویان نشان می دهد. 21.5 درصد پاسخگویان به سوال ما نشریات دانشجویی را به میزان زیادی مطالعه می کنند و 50.2 درصد پاسخگویان نیز مطالعه کمی از نشریات دانشجویی دارند و در نهایت باید گفت که 18.3 درصد پاسخگویان نیز اصلاً نشریات دانشجویی را نمی خوانند.

جدول شماره (4-44): چقدر نشریات دانشجویی را مطالعه می کنید؟

فراوانی	درصد	درصد معتبر
324	4.3	4.5
خیلی زیاد		

17.0	16.2	1212	زیاد
39.8	38.0	2840	کم
20.4	19.5	1459	خیلی کم
18.3	17.5	1307	اصلاً
			بی جواب
100.0			جمع کل
7476			

نمودار شماره (4-29) : چقدر نشریات دانشجویی را مطالعه می کنید؟



جدول شماره (4-45) : نوع کتب های مطالعه دانشجویان در نشریات دانشجویی را مطالعه می کنید؟

42.2 درصد دانشجویان کتاب های علمی در رشته خود را در اوقات فراغت مطالعه می کنند. سپس کتب رمان با 17.1 درصد بیشترین خواننده را در بین دانشجویان دارد. 13.8 درصد، دانشجویانی که به سوال ما جواب داده اند کتاب هایی در حوزه ادبیات، شعر و نمایشنامه می خوانند. کتب روان شناسی نیز 7.9 درصد خواننده دارد. در نهایت کتب های زیر تقریباً در رتبه یکسانی در بین دانشجویان قرار دارند. 5.3 درصد کتب سیاسی اجتماعی، 5.1 درصد کتب دینی، 4.4 درصد کتب تاریخی و 4.1 درصد نیز کتب فلسفی می خوانند.

از آنجا که سوال ما از دانشجویان، سوالی باز بوده است ما ضمن دسته بندی آنها می توانیم در هر دسته پرخواننده ترین کتاب ها را نیز بیان کنیم. ما در اینجا فقط کتاب هایی که فراوانی بالایی دارند را فهرست

می‌کنیم. در حوزه رمان، صد سال تنهایی گابریل گاریس مارکز، کتب جورج ارول به خصوص 1984 وقعه حیوانات، سینوهه، ابله داستایوفسکی، عقاید یک دلک، آناکارینا، بادبادک باز، بامداد خمار، بارهستی، بیگانه کامو، بوف کور هدایت، دالان بهشت نازی صفوی، گندم مودب پور، هری پاتر، جنگ و صلح تولستوی، کلیدر دولت آبادی، کیمیاگر پائلو کویلو، کوری سارا ماگو نام برده شدند.

در حوزه کتب مذهبی پرخواننده‌ترین کتاب‌ها ابتدا کتب استاد مطهری و در مرحله بعد کتب شریعتی را می‌توان نام برد.

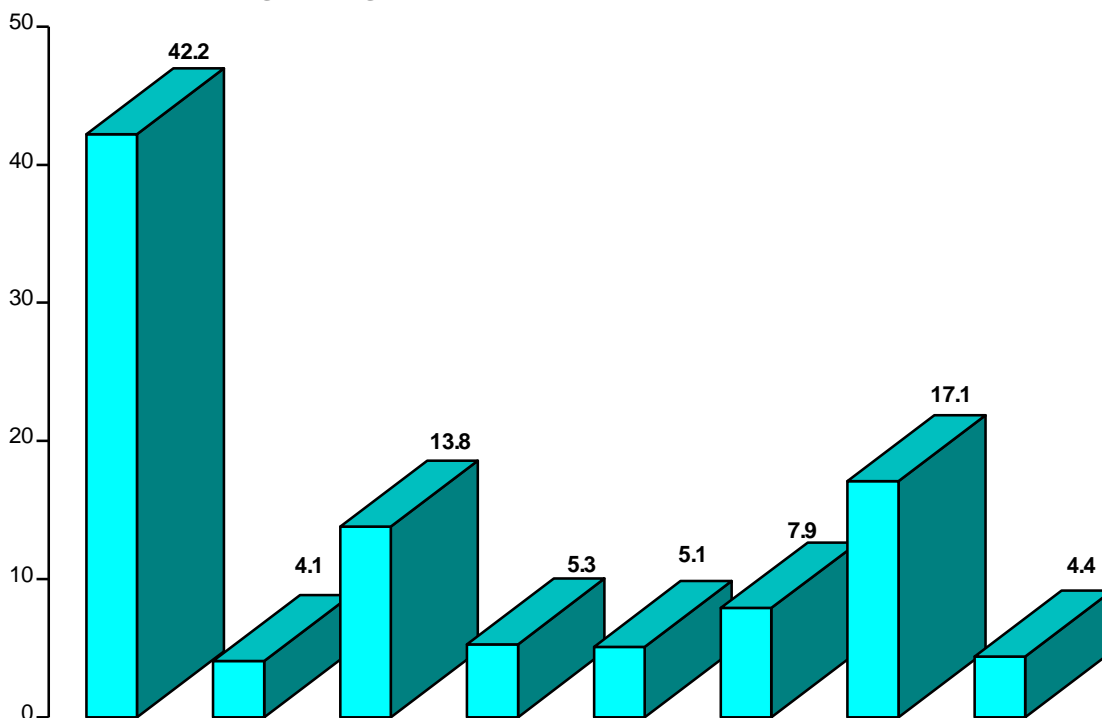
در حوزه روان‌شناسی کتاب‌هایی چون آیین زندگی کارنگی، آنچه زنان باید در مورد مردان بدانند. آیا تو آن گمشده‌ام هستی، چه کسی پنیر مرا برداشت را می‌توان نام برد.

در حوزه سیاسی اجتماعی کتاب خاصی در این حوزه به طور مشخص از برجستگی برخوردار نیست. و در زمینه ادبیات و هنر می‌توان به آثاری چون هشت کتاب سهراب سپهری، کتب احمد شاملو، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، فرویدون مشیری، سعدی و حافظ اشاره کرد و در حوزه فلسفه بیشترین کتاب‌هایی که دانشجویان نام برده‌اند شامل کتبی مانند دنیای سوفی، چنین گفت زردتشت نیچه می‌شود.

جدول شماره (4-45): چه نوع کتاب‌هایی بیشتر می‌خوانید؟

فراوانی	درصد	درصد معتبر
1666	22.3	42.2
161	2.2	4.1
546	7.3	13.8
209	2.8	5.3
202	2.7	5.1
313	4.2	7.9
676	9.0	17.1
173	2.3	4.4
3530	47.2	
7476	100.0	

نمودار شماره (4-30): چه نوع کتاب‌هایی بیشتر می‌خوانید؟



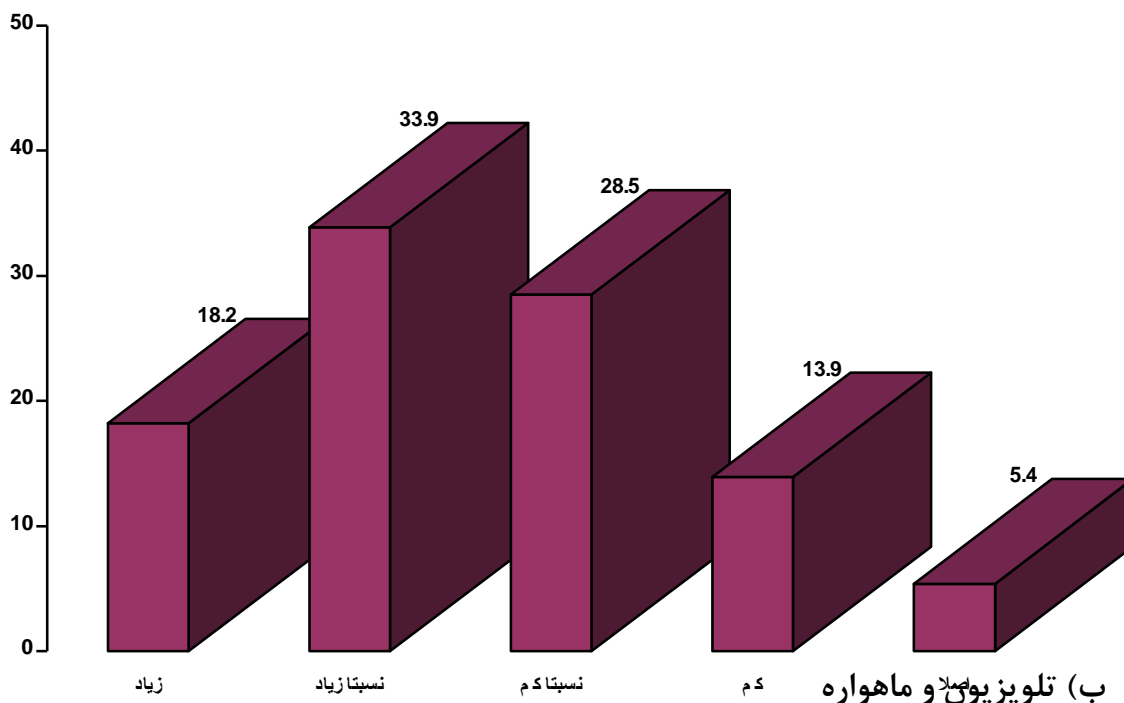
جدول شماره (4-46): میزان مطالعه دانشجویان از کتب و جزوه‌های درسی را نشان می‌دهد. در مجموع

52.1 درصد دانشجویان این گونه کتب را زیاد مطالعه می‌کنند و 42.4 درصد نیز مطالعه کمی دارند و 5.4 درصد اصلا مطالعه نمی‌کنند.

جدول شماره (4-46): مطالعه کتب و جزوه‌های درسی

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
18.2	17.7	1320	زیاد
33.9	32.8	2452	نسبتاً زیاد
28.5	27.6	2065	نسبتاً کم
13.9	13.5	1008	کم
5.4	5.2	388	اصلاً
	3.3	243	بی جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-31) : مطالعه کتب و جزوه‌های درسی



بخشی از مصرف فرهنگی دانشجویان به مشاهده تلویزیون ملی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای اختصاص دارد. ما در این بخش به سنجش مصرف آنها پرداخته‌ایم و سعی می‌کنیم نشان دهیم که چه نوع برنامه‌هایی نیز بیشتر مورد توجه دانشجویان بوده است.

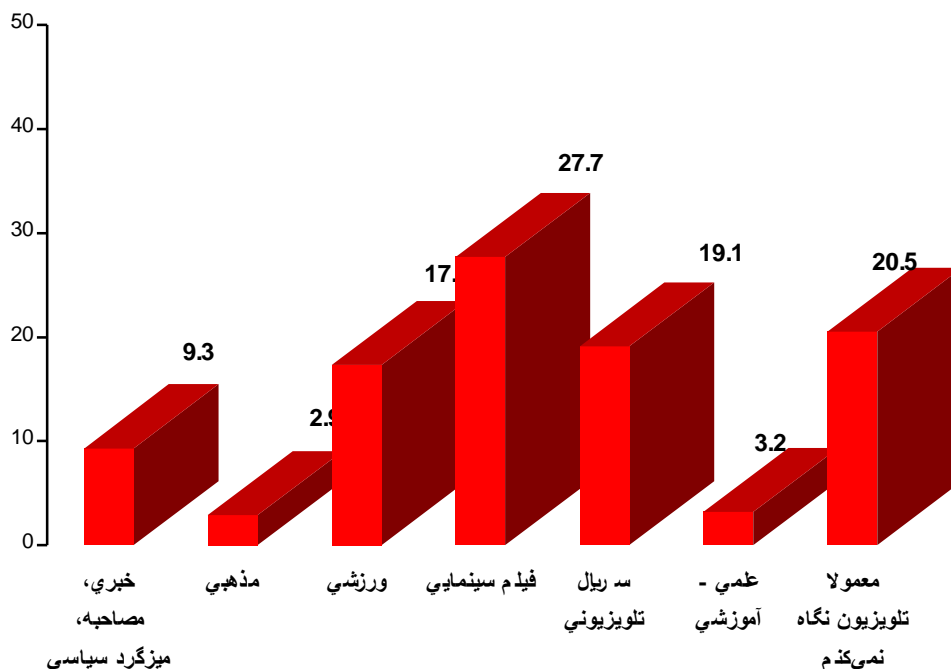
جدول شماره (4-47) نشان می‌دهد که چند درصد دانشجویان تلویزیون ملی ایران را مشاهده می‌کنند و تماشاکنندگان بیشتر به چه برنامه‌هایی علاقمندند. 20.5 درصد دانشجویانی که به سوال ما پاسخ داده‌اند اساساً تلویزیون ملی را تماشا نمی‌کنند و از میان افرادی که به تماشای تلویزیون می‌پردازند، 27.7 درصد فیلم سینمایی و 19.1 درصد نیز سریال تلویزیونی مشاهده می‌کنند. بنابراین بیشترین مصرف تلویزیونی

دانشجویان به تماشای فیلم و سریال اختصاص دارد که بیشتر فعالیتی مرتبط با دانشجویان دختر است. در عوض پسران دانشجو بیشتر برنامه‌های ورزشی و مصاحبه‌ها و میزگردهای سیاسی علاقه نشان داده‌اند. برنامه‌های ورزشی تلویزیون 17.3 درصد و میزگردهای سیاسی و بخش خبری نیز 9.3 درصد بیننده دارد. کمترین بیننده به برنامه مذهبی با 2.9 درصد و برنامه علمی و آموزشی با 3.2 درصد اختصاص دارد.

جدول شماره (4-47): کدام برنامه از برنامه‌های تلویزیون را بیشتر نگاه می‌کنید؟

فراوانی	درصد	درصد معتبر
445	6.0	9.3
138	1.8	2.9
834	11.2	17.3
1331	17.8	27.7
921	12.3	19.1
153	2.0	3.2
988	13.2	20.5
2666	35.7	
7476	100.0	

نمودار شماره (4-32) : کدام برنامه از برنامه‌های تلویزیون را بیشتر نگاه می‌کنید؟

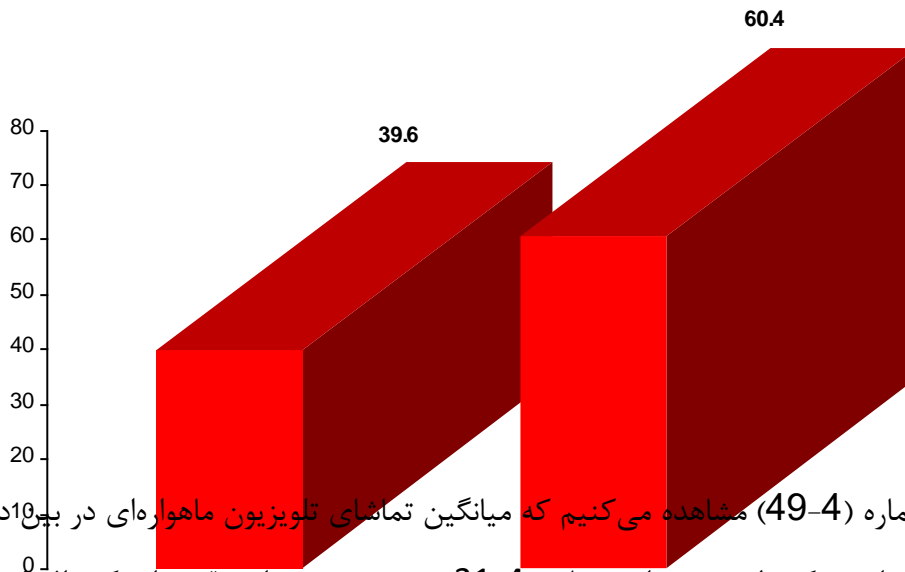


در زمینه مشاهده شبکه‌های ماهواره‌ای نیز جدول شماره (4-48) نشان می‌دهد که 39.6 درصد کل پاسخ‌دهندگان از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند و 60.4 درصد نیز اساساً از برنامه‌های این شبکه‌ها استفاده نمی‌کنند. بیشتر استفاده‌کنندگان از برنامه‌های ماهواره‌ای را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که خانه اجاره‌ای دارند یا در کنار خانواده خود زندگی می‌کنند.

جدول شماره (4-48): آیا از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
39.6	38.3	2864	بله
60.4	58.3	4361	خیر
	3.4	251	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-33) : آیا از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنید؟

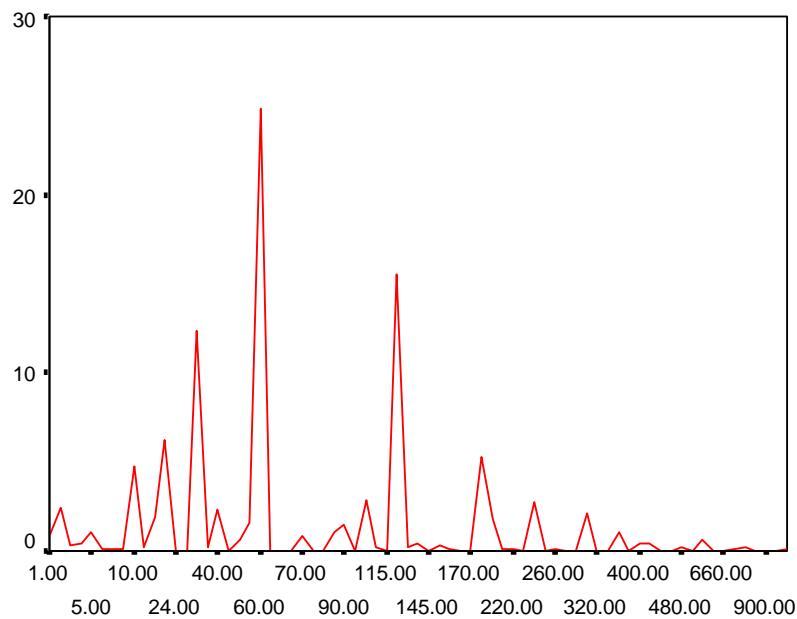


در جدول شماره (4-49) مشاهده می‌کنیم که میانگین تماشای تلویزیون ماهواره‌ای در بین دانشجویان 36 دقیقه در روز است، که طبق نمودار شیپاره (4-31) بیشترین میزان دقیقه‌ای که افراد تلویزیون ماهواره‌ای نگاه می‌کنند بین 40 تا 70 دقیقه در روز است.

جدول شماره (4-49): چند دقیقه در روز از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنید؟

فرآوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
چند دقیقه در روز از ماهواره استفاده می‌کنید؟	0.0	1.000	36.2626	80.54680

نمودار شماره (4-34): توزیع زمانی استفاده از شبکه ماهواره‌ای (به دقیقه)



VR34

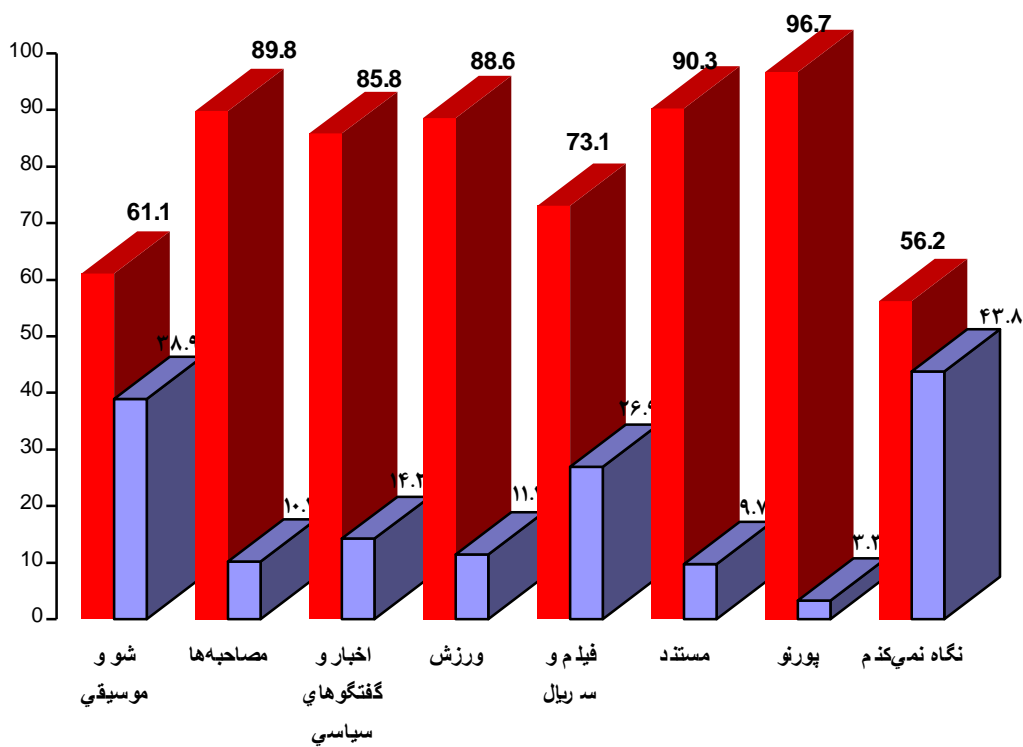
در جدول شماره (4-50) فراوانی تماشای برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای را به تفکیک برنامه‌های آن می‌بینیم. در این سوال که نوعی سنجش دوباره سوال قبل نیز است ما متوجه شدیم که درصد بیشتری از دانشجویانی که در سوال قبل گفته‌اند از تلویزیون ماهواره‌ای استفاده می‌کنند در واقع تماشاگر ماهواره هستند. این سوال برای نفس استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای نوعی سوال دام محسوب می‌شود. در این سوال 43.8 درصد دانشجویان گفته‌اند که برنامه‌های ماهواره‌ای را می‌بینند. تقریباً در اینجا 8 درصد بیشتر از آماره قبل (39.6 درصد) ما مصرف‌کننده تلویزیون ماهواره‌ای داریم. اما پربیننده‌ترین برنامه‌ها شامل برنامه‌های شو و موسیقی (38.9 درصد پاسخگویان)، فیلم و سریال (26.9 درصد) می‌شود. در مرحله بعد اخبار و گفتگوهای سیاسی (14.2 درصد) و برنامه‌های ورزشی (با 11.4 درصد) قرار دارند.

جدول شماره (4-50): چه برنامه‌هایی را از ماهواره می‌بینید؟

فراوانی	درصد	درصد معتبر	
3464	46.3	61.1	نمی‌بینم
2210	29.6	38.9	می‌بینم
1802	24.1	100.0	بی‌جواب
7476	100.0		جمع کل
5093	68.1	89.8	نمی‌بینم
579	7.7	10.2	می‌بینم
1804	24.1		بی‌جواب
7476	100.0		جمع کل
4866	65.1	85.8	نمی‌بینم
805	10.8	14.2	می‌بینم
1805	24.1		بی‌جواب
7476	100.0		جمع کل
5023	67.2	88.6	نمی‌بینم
648	8.7	11.4	می‌بینم
1805	24.1		بی‌جواب
7476	100.0		جمع کل
4147	55.5	73.1	نمی‌بینم
1524	20.4	26.9	می‌بینم
1805	24.1		بی‌جواب
7476	100.0		جمع کل
5122	68.5	90.3	نمی‌بینم
551	7.4	9.7	می‌بینم

	24.1	1803	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
96.7	73.3	5480	نمی بینم	پورنو
3.3	2.5	187	می بینم	
	24.2	1809	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
56.2	42.6	3184	نمی بینم	نگاه نمی کنم
43.8	33.2	2485	می بینم	
	24.2	1807	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	

نمودار شماره (4-35) : آیا از برنامه های شبکه های ماهواره ای استفاده می کنید؟



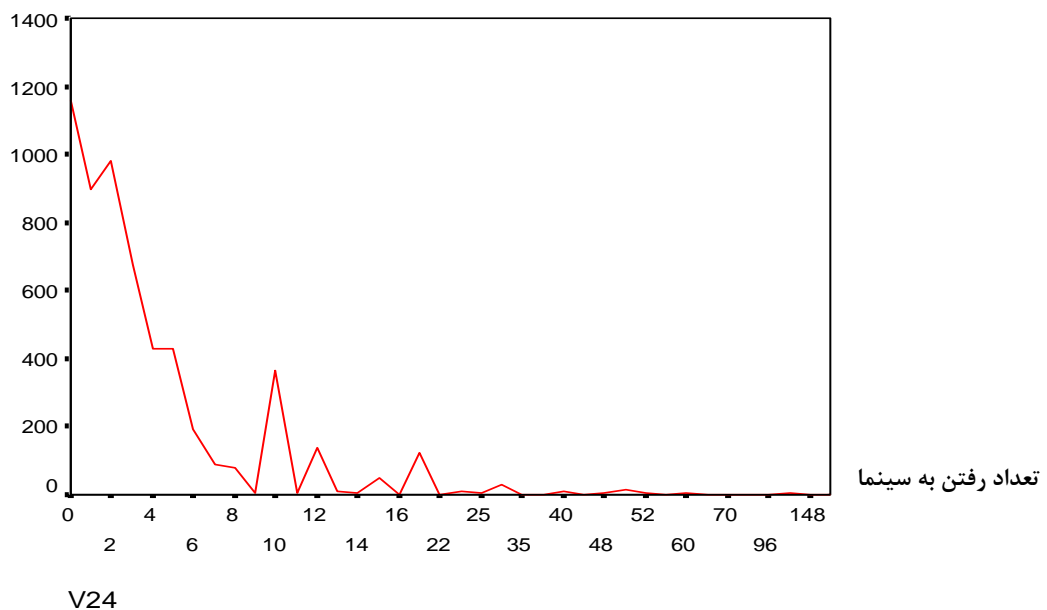
ج) سینما و تئاتر

در جدول شماره (4-51) نشان داده شده است که به طور متوسط دانشجویان 4.31 بار در سال به سینما می‌روند. حدود 20.4 درصد پاسخگویان گفته‌اند اساساً در سال به سینما نمی‌روند. و به طور کلی 92 درصد دانشجویان در سال 9 بار و کمتر به سینما می‌روند. تعداد دانشجویانی که 30 بار و بیشتر در سال به سینما می‌روند کمتر از 1 درصد پاسخگویان ما را شامل می‌شود.

جدول شماره (4-51): در سال چند بار به سینما می‌روید؟

فرآوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانه	انحراف معیار
در سال چند بار سینما می‌روید	0	200	4.31	7.762

نمودار شماره (4-36): توزیع رفتن به سینما در سال (تعداد بار)

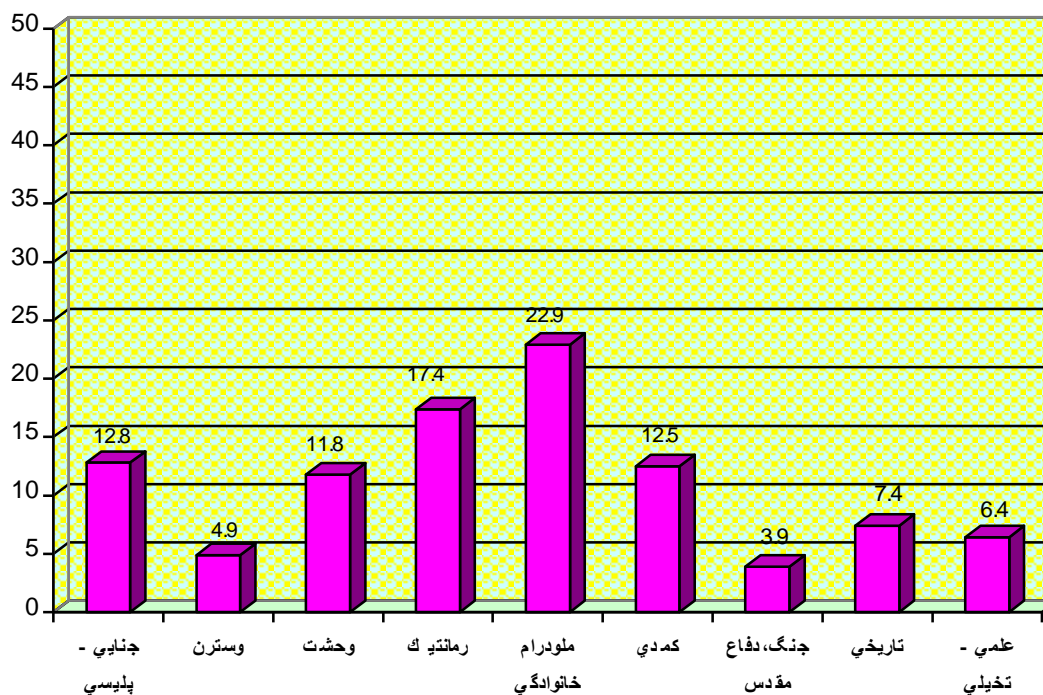


در جدول شماره (4-52) علاقمندی به ژانرهای سینمایی در بین دانشجویان مشخص شده است. بیشترین ژانری که دانشجویان به آن علاقه دارند ژانر ملودرام خانوادگی است (22.9 درصد پاسخگویان) و در مرتبه بعد 17.4 درصد پاسخگویان به ژانر رمانتیک و 12.8 درصد جنایی و پلیسی و 12.5 درصد کمدی علاقه نشان داده‌اند کمترین ژانر مورد علاقه دانشجویان، ژانر وسترن با 4.9 درصد و ژانر جنگ و دفاع مقدس با 3.9 درصد بوده است.

جدول شماره (4-52): به چه ژانری (نوعی) در فیلم‌های سینمایی علاقه دارید؟

فرآوانی	درصد	درصد معتبر
جنایی - پلیسی	528	7.1
وسترن	202	2.7
وحشت	486	6.5
رمانتیک	717	9.6
ملودرام خانوادگی	945	12.6
کمدی	516	6.9
جنگ، دفاع مقدس	163	2.2
تاریخی	305	4.1
علمی - تخیلی	266	3.6
بی‌جواب	3348	44.8
جمع کل	7476	100.0

نمودار شماره (4-37): به چه ژانری (نوعی) در فیلم‌های سینمایی علاقه دارید؟



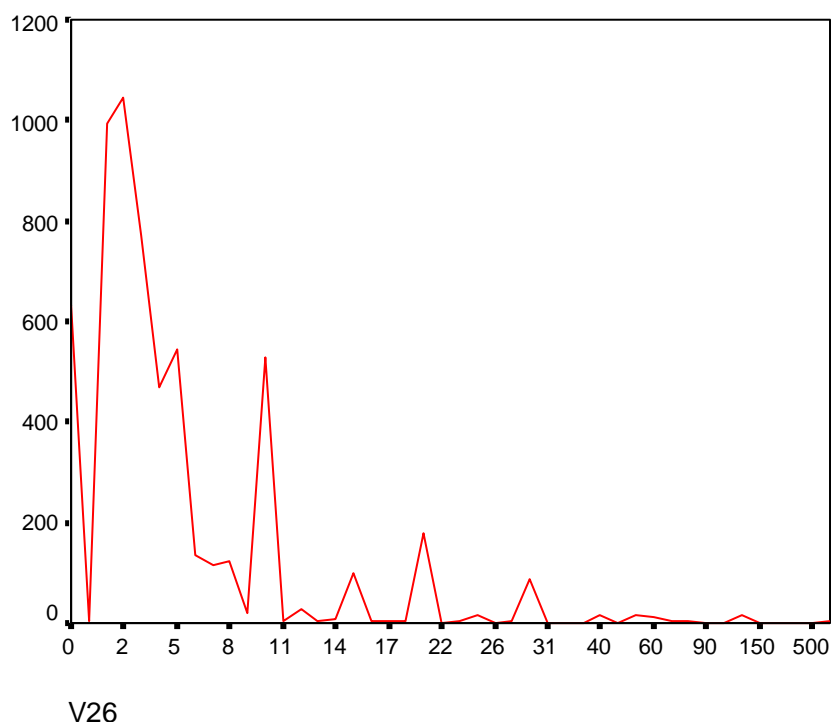
اما دانشجویان در ماه چند فیلم در منزل یا خوابگاه می‌بینند؟ جدول شماره (4-53) نشان می‌دهد که به طور میانگین نزدیک به 6 فیلم در ماه دیده می‌شود. 10.7 درصد پاسخگویان به سوال ماه، اساساً فیلمی در ماه در خانه یا خوابگاه نمی‌بینند و 90 درصد دانشجویان نیز 10 فیلم و کمتر در ماه در منزل یا خوابگاه می‌بینند. و 1 درصد دانشجویان نیز بیش از 40 فیلم در ماه در منزل یا خوابگاه می‌بینند.

جدول شماره (4-53): در ماه چند فیلم در منزل یا خوابگاه (غیر از فیلم‌های تلویزیونی داخلی یا ماهواره‌ای) می‌بینید؟

فرآوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
در ماه چند فیلم در منزل یا خوابگاه می‌بینید؟	0	1000	5.98	25.205

نمودار شماره (4-38) نشان می‌دهد که بیشترین فرآوانی دیدن فیلم در منزل یا خوابگاه 1 تا 3 بار در ماه است.

نمودار شماره (4-38): تعداد تماشای فیلم در منزل یا خوابگاه در ماه



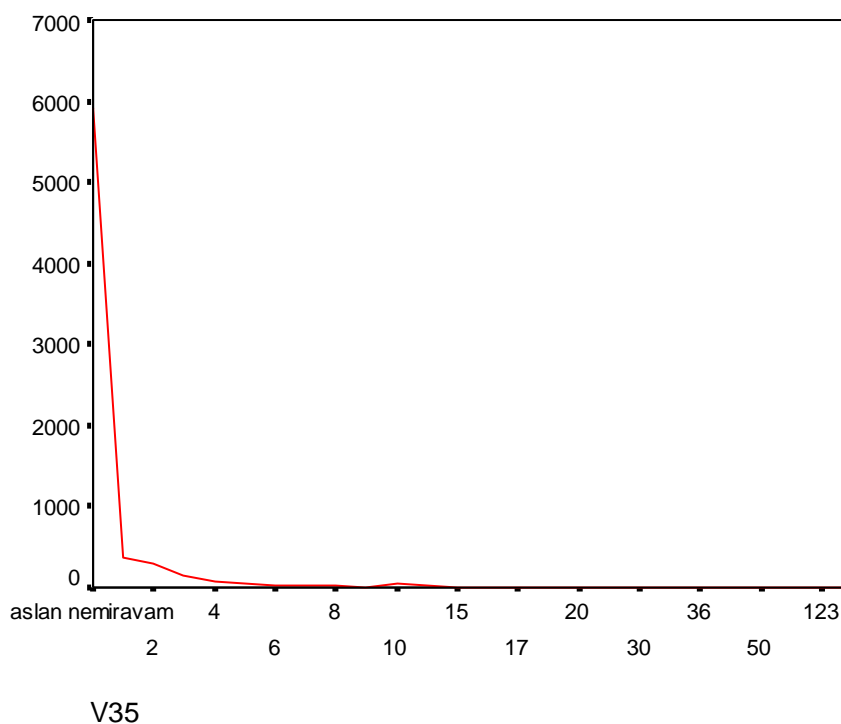
جدول شماره (4-54) نشان می‌دهد که دانشجویان در سال چند بار به تماشای تئاتر می‌روند. میانگین تماشای تئاتر در سال کمتر از 1 نفر است. 84.4 درصد پاسخگویان اساساً در سال به تئاتر نمی‌روند. و 4 درصد دانشجویان بیش از 5 بار در سال به تئاتر می‌روند.

جدول شماره (4-54): در سال چند بار به تئاتر می‌روید؟

فرآوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
در سال چند بار در سال می‌روید؟	0	100	0.63	3.639

نمودار شماره (4-39) نشان دهنده میزان پایین تماشای تئاتر در بین دانشجویان است. به گونه‌ای که 84.4 درصد (5925 نفر) پاسخگویان اصلاً به تئاتر نمی‌روند.

نمودار شماره (4-39): تعداد تماشای تئاتر در سال



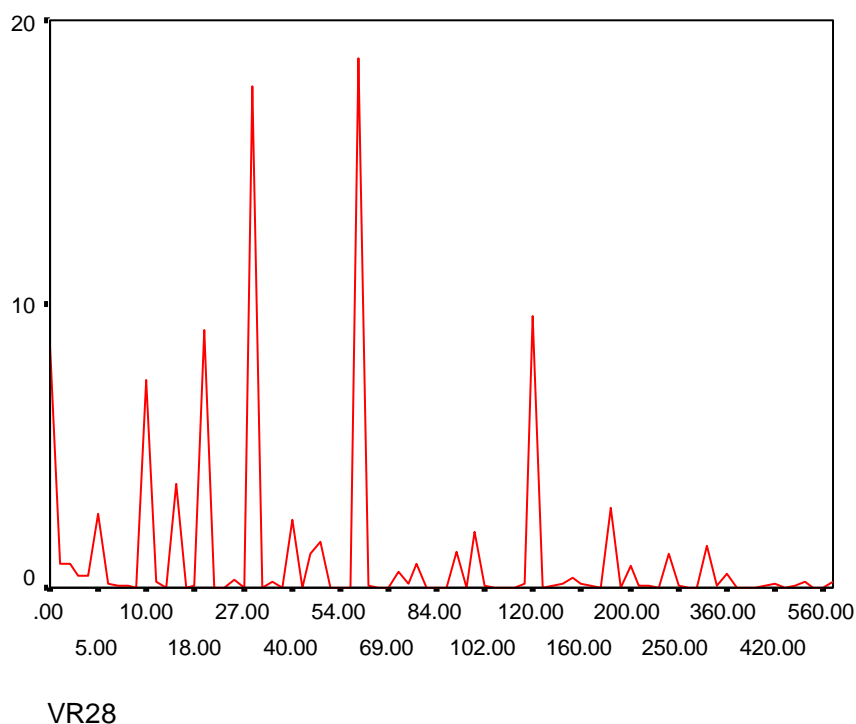
د) مصرف دیجیتالی (اینترنت و موبایل)

اینترنت: جدول شماره (4-55) نشان می‌دهد که به طور متوسط دانشجویان یکساعت (60 دقیقه) در روز با اینترنت کار می‌کنند. 8.5 درصد دانشجویان اساساً از اینترنت استفاده نمی‌کنند و یک درصد دانشجویان نیز بیش از 400 دقیقه (تقریباً 7 ساعت) از اینترنت استفاده می‌کنند. بیشترین زمان استفاده 10 ساعت (600 دقیقه) در روز می‌باشد.

جدول شماره (4-55): چند دقیقه در روز با اینترنت کار می‌کنید؟

فرآوانی	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
چند دقیقه در روز با اینترنت کار می‌کنید؟	0.0	600.0	60.4677	74.69190

نمودار شماره (4-40): توزیع زمانی میزان ساعت کار با اینترنت در روز (به دقیقه)

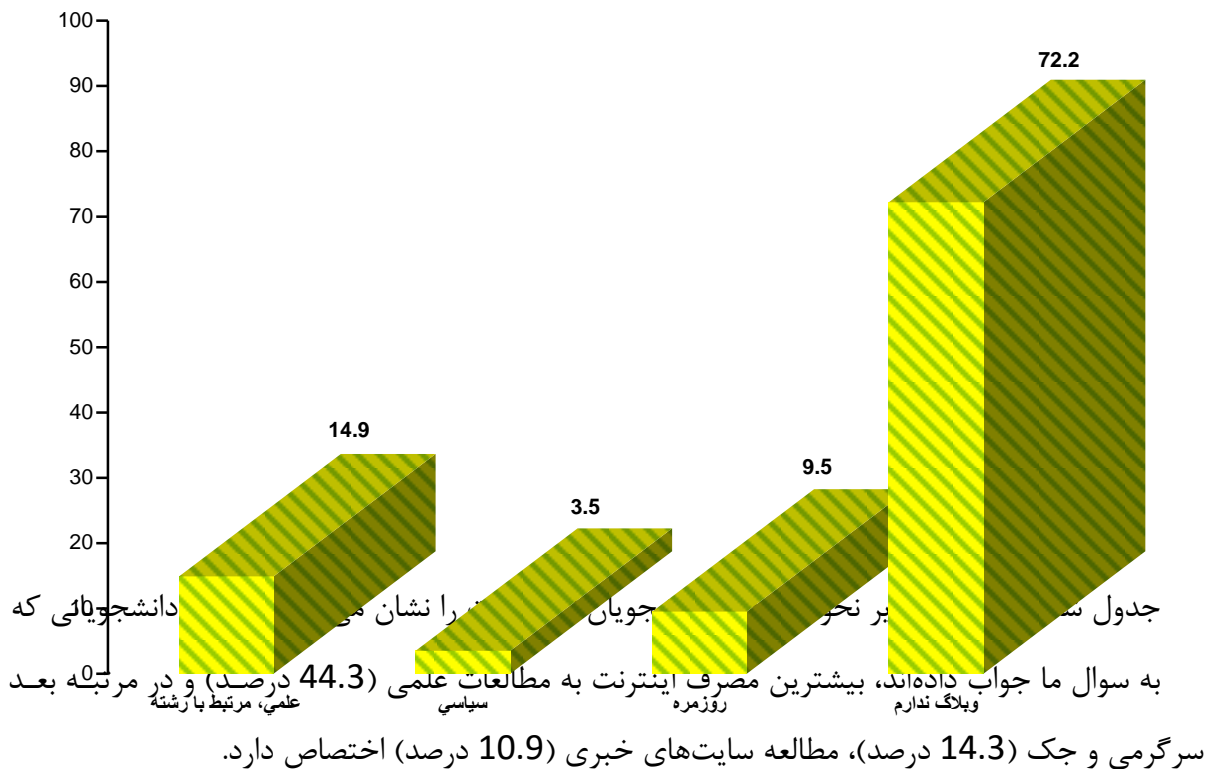


از دانشجویان پرسیده شده است که آیا وبلاگ دارید و اگر دارید وبلاگتان در چه زمینه‌ای است. بر اساس جدول شماره (4-56) 60.4 درصد دانشجویان وبلاگ ندارند. و 12.4 درصد نیز وبلاگشان مرتبط با حوزه علمی خودشان است. 9.5 درصد وبلاگ‌ها به مسائل روزمره اختصاص دارد و 3.5 درصد وبلاگ‌ها نیز سیاسی است. 16.4 درصد دانشجویان اساساً به سوال ما جواب نداده‌اند.

جدول شماره (4-56): وبلاگتان در چه زمینه‌ای است؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
14.9	12.4	929	علمی، مرتبط با رشته
3.5	2.9	216	سیاسی
9.5	7.9	592	روزمره
72.2	60.4	4515	وبلاگ ندارم
	16.4	1224	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

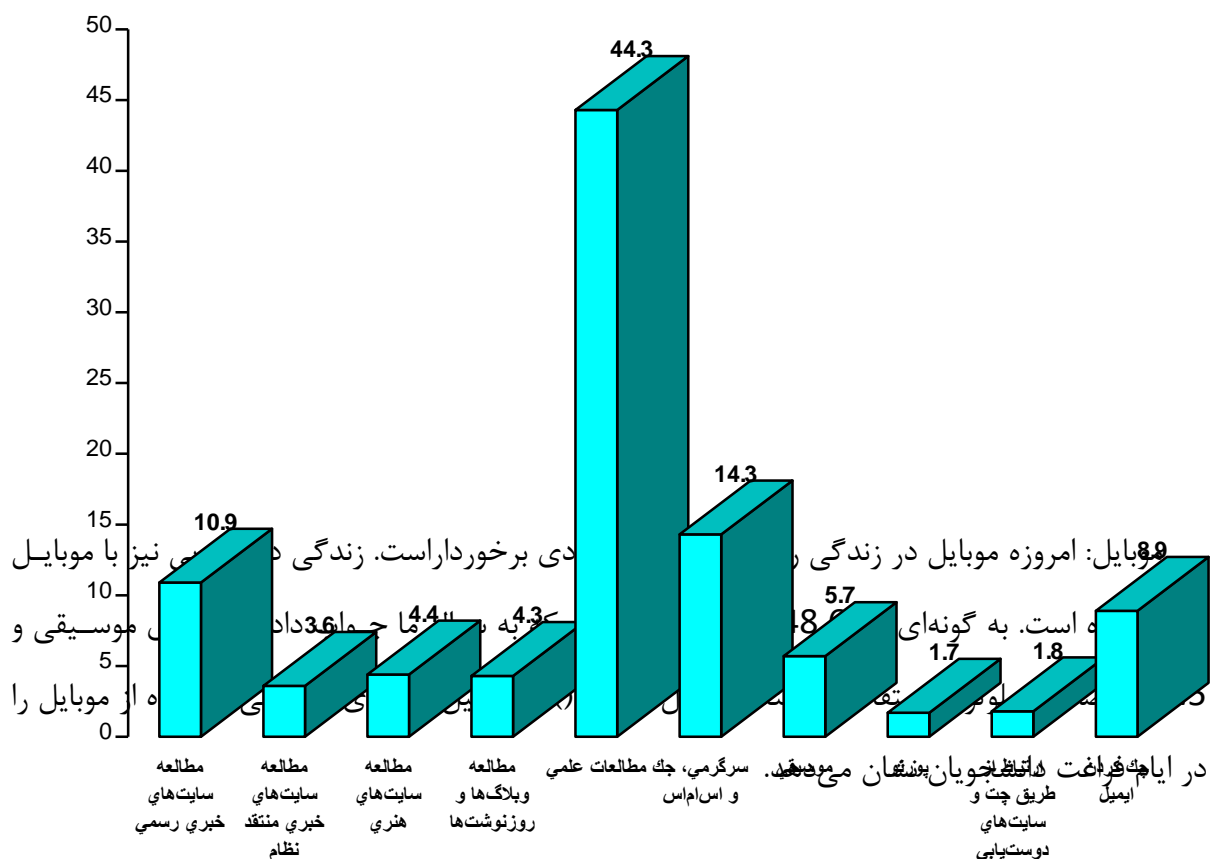
نمودار شماره (4-41) : وبلاگتان در چه زمینه‌ای است؟



جدول شماره (4-57): معمولا چه استفاده‌ای از اینترنت می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
10.9	5.0	373	مطالعه سایت‌های خبری رسمی
3.6	1.7	124	مطالعه سایت‌های خبری منتقد نظام
4.4	2.0	152	مطالعه سایت‌های هنری
4.3	2.0	146	مطالعه وبلاگ‌ها و روزنوشت‌ها
44.3	20.3	1515	مطالعات علمی
14.3	6.5	489	سرگرمی، جک و اس‌ام‌اس
5.7	2.6	196	موسیقی
1.7	0.8	58	پورنو
1.8	0.8	60	ارتباط از طریق چت و سایت‌های دوست‌یابی
8.9	4.1	306	چک کردن ایمیل
	54.3	4057	بی‌جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-42) : معمولا چه استفاده‌ای از موبایل‌تان می‌کنید؟

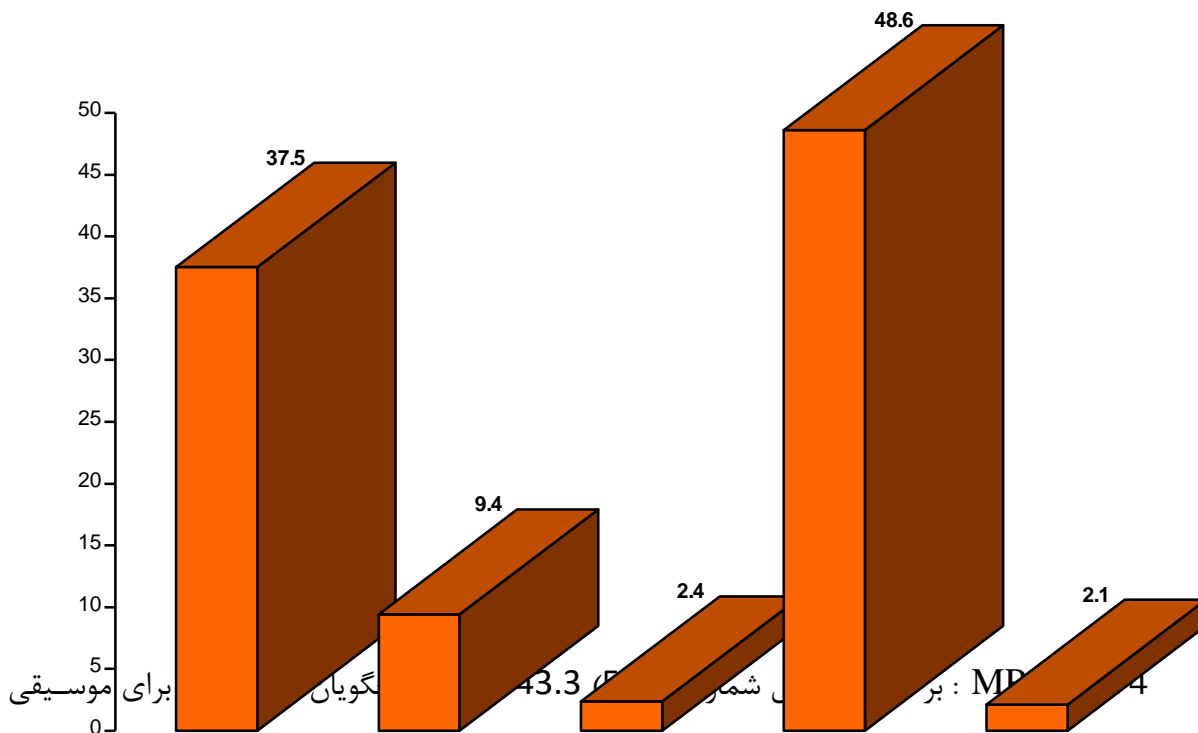


جدول شماره (4-58): از موبایل‌تان چگونه برای گذران فراغت استفاده می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
37.5	21.9	1638	با بلوتوث

9.4	5.5	412	بازی
2.4	1.4	103	مزاحمت تلفنی
48.6	28.4	2124	گوش دادن به موسیقی
2.1	1.2	93	گرفتن تصویر
	41.5	3106	بی جواب
	100.0	7476	جمع کل

نمودار شماره (4-43) : معمولاً چه استفاده‌ای از اینترنت می‌کنید؟



از MP4 و MP3 استفاده می‌کنند و بیشتر واقع مصرف کننده موسیقی گویا بهترین کاربرد را استفاده از موبایل، کامپیوتر و MP3 و MP4 است.

جدول شماره (4-59): اگر MP3 یا MP4 دارید بیشتر چه نوع استفاده‌ای می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
43.3	33.0	2469	گوش کردن موسیقی
5.8	4.5	333	حمل اطلاعات
4.5	3.4	256	استفاده درسی و علمی
3.1	2.4	177	برای تقویت زبان خارجی
43.2	32.9	2462	ندارم
	23.8	1779	بی جواب

100.0	7476	جمع کل
-------	------	--------

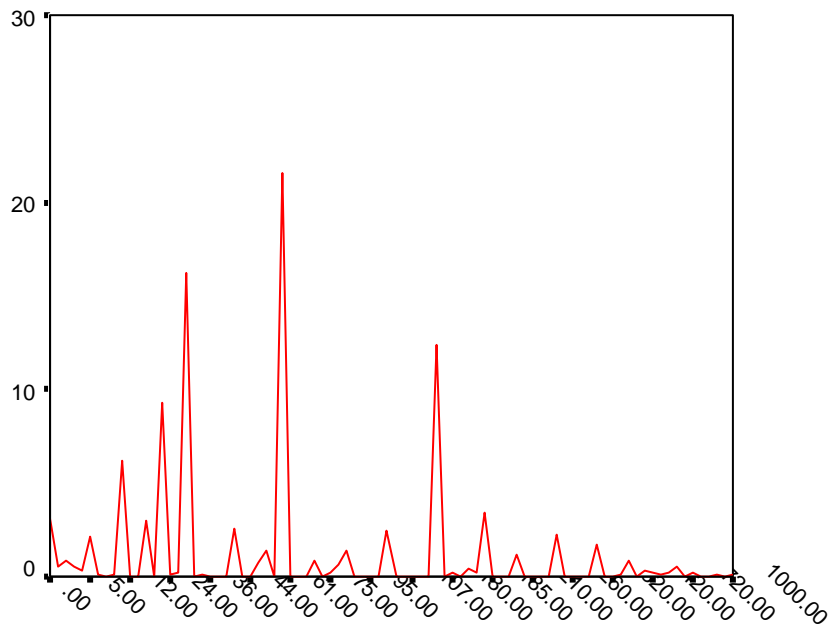
هـ) مصرف موسیقی

در جدول شماره (4-60) مصرف موسیقی در بین دانشجویان مشخص شده است. به طور میانگین دانشجویانی که به سوال ما پاسخ دادند، 79 دقیقه در روز به موسیقی گوش می‌کنند یعنی چیزی نزدیک به یکساعت و بیست دقیقه و حداکثر استفاده از موسیقی نیز 1000 دقیقه در روز بوده است.

جدول شماره (4-60): چند دقیقه در روز به موسیقی گوش می‌کنید؟

انحراف معیار	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	فراوانی	
101.97878	79.0147	1.000	0.0	6209	چند دقیقه در روز به موسیقی گوش می‌کنید؟

نمودار شماره (4-44): میزان گوش کردن به موسیقی در روز (به دقیقه)



RV37

اما در جدول شماره (4-61) نشان داده می‌شود که دانشجویان بیشتر چه نوع موسیقی‌هایی را گوش می‌کنند؟ موسیقی پاپ داخلی بیشترین مصرف‌کننده را دارد. 42.3 درصد دانشجویان به مقدار زیاد از این نوع موسیقی گوش می‌کنند. موسیقی سنتی ایرانی نیز طرفداران زیادی دارد و 39.6 درصد از دانشجویانی که به سوال ما پاسخ دادند از این موسیقی به اندازه زیاد استفاده می‌کنند. کمترین استفاده از موسیقی در بین دانشجویان به موسیقی جاز (11.6 درصد)، متال (9.6 درصد) و موسیقی عربی (9.4 درصد) تعلق دارد.

جدول شماره (4-61) : هر یک از انواع موسیقی زیر را چقدر گوش می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی		
25.4	22.2	1663	زیاد	کلاسیک غرب
39.4	34.5	2580	کم	
35.2	30.8	2302	اصلاً	
	12.5	931	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
39.6	36.7	2743	زیاد	سنتی ایران
43.1	39.9	2984	کم	
17.3	16.0	1195	اصلاً	
	7.4	554	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
42.3	38.1	2846	زیاد	پاپ ایرانی داخلی
38.5	34.6	2588	کم	
19.2	17.3	1295	اصلاً	
	10.0	747	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
24.8	21.2	1582	زیاد	لوس آنجلسی
30.7	26.2	1959	کم	
44.4	37.9	2833	اصلاً	
	14.7	1102	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
11.6	9.4	705	زیاد	جاز
29.8	24.3	1815	کم	
58.7	47.8	3577	اصلاً	
	18.4	1379	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
14.0	11.4	852	زیاد	راک
26.1	21.2	1587	کم	
59.9	48.7	3643	اصلاً	
	18.6	1394	بی‌جواب	

	100.0	7476	جمع کل	
19.2	16.1	1202	زیاد	
29.9	25.0	1872	کم	
51.0	42.8	3197	اصلاً	رپ
	16.1	1205	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
9.6	7.7	572	زیاد	
22.9	18.4	1372	کم	
67.5	54.1	4041	اصلاً	متال
	19.9	1491	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
20.2	16.8	1255	زیاد	
33.3	27.7	2071	کم	
46.5	38.7	2896	اصلاً	محلّی
	16.8	1254	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
9.4	7.8	583	زیاد	
33.1	27.3	2043	کم	
57.5	47.6	3555	اصلاً	عربی
	17.3	1295	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
15.9	13.2	989	زیاد	
31.2	25.9	1939	کم	
52.9	44.0	3293	اصلاً	ترکی
	16.8	1255	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
13.9	11.2	834	زیاد	
35.5	28.5	2129	کم	
50.5	40.5	3027	اصلاً	تلفیقی
	19.9	1486	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	

و) شرکت در کلاس‌های آموزشی

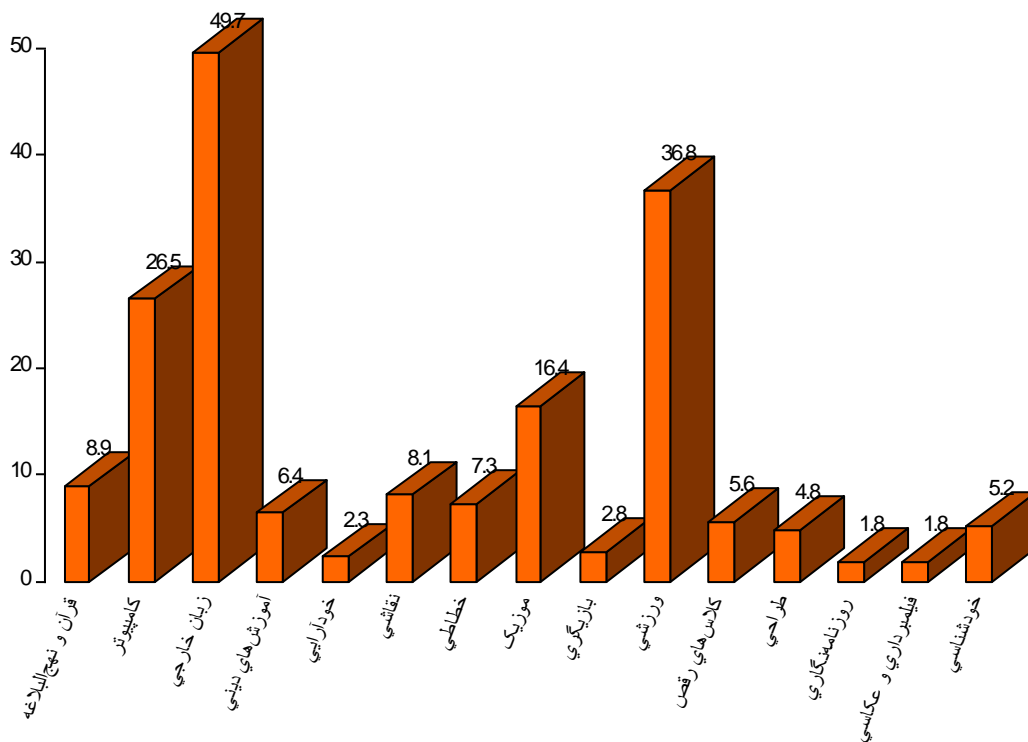
جدول شماره (4-62) شرکت در کلاس‌های آموزشی در بین دانشجویان را به تفکیک نشان می‌دهد. کلاس‌های زبان خارجی و کلاس‌های ورزشی بیش از همه مورد استفاده دانشجویان قرار گرفته‌اند. در واقع، 49.7 درصد پاسخگویان در کلاس‌های زبان و 36.8 درصد پاسخگویان در کلاس‌های ورزشی آموزش دیده‌اند. کلاس‌های کامپیوتر با 26.5 درصد و موسیقی با 16.4 درصد در مرتبه بعد قرار می‌گیرند. 8.9 درصد دانشجویان کلاس‌های قرآن و نهج البلاغه، 8.1 درصد کلاس نقاشی و 7.3 درصد کلاس خطاطی شرکت کرده‌اند. بین جنسیت و نوع آموزش کلاس‌ها در برخی مواد تفاوت معنادار وجود داشته است. برای مثال دختران دانشجو بیشتر در کلاس‌های کامپیوتر، زبان، خودآرایی، نقاشی، خطاطی، رقص و طراحی شرکت کرده‌اند و پسران دانشجو بیشتر در کلاس‌هایی چون قرآن و نهج البلاغه، بازیگری و کلاس‌های ورزشی آموزش دیده‌اند.

جدول شماره (4-62): در چه کلاسی (غیر از کلاسهای درسی خودتان) شرکت کرده یا می‌کنید؟

درصد معتبر	درصد	فراوانی		
91.1	69.1	5163	شرکت نکردم	قرآن و تفسیر و نهج البلاغه
8.9	6.8	505	شرکت کردم	
	24.2	1808	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
73.5	55.7	4164	شرکت نکردم	کلاس‌های مربوط به کامپیوتر
26.5	20.1	1499	شرکت کردم	
	24.3	1813	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
50.3	38.1	2847	شرکت نکردم	زبان‌های خارجی
49.7	37.6	2814	شرکت کردم	
	24.3	1815	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
93.6	70.8	5294	شرکت نکردم	آموزش‌های دینی
6.4	4.9	365	شرکت کردم	
	24.3	1817	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
97.7	74.0	5531	شرکت نکردم	خودآرایی
2.3	1.7	129	شرکت کردم	
	24.3	1816	بی‌جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
91.9	69.6	5202	شرکت نکردم	نقاشی
8.1	6.1	456	شرکت کردم	

	24.3	1818	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
92.7	70.2	5249	شرکت نکردم	خطاطی
7.3	5.5	411	شرکت کردم	
	7.3	1816	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
83.6	63.3	4732	شرکت نکردم	موسیقی
16.4	12.4	925	شرکت کردم	
	24.3	1819	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
97.2	73.6	5500	شرکت نکردم	بازیگری
2.8	2.1	158	شرکت کردم	
	24.3	1818	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
63.2	47.8	3574	شرکت نکردم	ورزشی
36.8	27.8	2082	شرکت کردم	
	24.3	1820	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
94.4	71.4	5337	شرکت نکردم	رقص
5.6	4.3	319	شرکت کردم	
	24.3	1820	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
95.2	72.0	5382	شرکت نکردم	طراحی
4.8	3.6	272	شرکت کردم	
	24.4	1822	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
98.2	74.3	5552	شرکت نکردم	روزنامه نگاری و خبرنویسی
1.8	1.4	104	شرکت کردم	
	24.3	1820	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
98.2	74.3	5553	شرکت نکردم	فیلمبرداری و عکاسی
1.8	1.4	104	شرکت کردم	
	24.3	1819	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	
94.8	71.8	5367	شرکت نکردم	خودشناسی (تفکر خلاق و ...)
5.2	3.9	294	شرکت کردم	
	24.3	1815	بی جواب	
	100.0	7476	جمع کل	

نمودار شماره (4-45): در چه کلاسي (غير از کلاسهاي درسي رشته خودتان) شرکت کرده يا در حال حاضر شرکت ميکنيد؟



فصل پنجم: تحلیل سبک‌های

فراغتی دانشجویان

تحلیل سبک‌های فراغتی دانشجویان با متغیرهای زمینه‌ای

برای بررسی وجود رابطه بین هر یک از متغیرهای خاستگاهی (سن، جنس، وضعیت تاهل و تحصیلات) با سبک‌های فراغتی از آماره‌های متناسب با سطوح سنجش این متغیرها استفاده کرده‌ایم. از آزمون T برای آزمون متغیرهای جنسیت و وضعیت تاهل و از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه جهت بررسی رابطه متغیرهای سن و درآمد با هر یک از سبک‌های هشتگانه فراغتی بهره برده ایم.

الف) جنسیت و سبک‌های فراغتی دانشجویان

نتایج آزمون T بیانگر این نکته است که سبک‌های فراغتی مطالعه محور، ورزش محور، هنر محور، سیاست محور، اجتماع محور و مذهب محور با جنسیت افراد دارای رابطه معنادار آماری است. به گونه‌ای که جنسیت افراد با اتخاذ هر یک از سبک‌های یاد شده در تناظر است. در مقابل سبک‌های فراغتی رسانه محور برای هر دو جنس یکسان است. به عبارتی جنسیت افراد ارتباطی با چند و چونی با این سبک فراغتی ندارد.

جدول شماره (5-1): آزمون t تست بین جنسیت و سبک‌های فراغتی

t-test for Equality of Means			Levene's Test for Equality of Variances		
Sig. (2-tailed)	df	t	Sig.	F	
0.000	6686	7.053	000.0	18.729	با فرض واریانس یکسان
0.000	6631.375	7.047			با فرض واریانس نابرابر
0.229	6373	1.203	0.182	1.785	با فرض واریانس یکسان
0.229	6366.460	1.203			با فرض واریانس نابرابر
0.000	5606	21.512	0.000	181.211	با فرض واریانس یکسان
0.000	5374.99	21.594			با فرض واریانس نابرابر
0.648	6385	-0.456	0.000	17.315	با فرض واریانس یکسان
0.648	6342.521	-0.456			با فرض واریانس نابرابر
0.000	6385	-9.808	0.345	0.892	با فرض واریانس یکسان
0.000	6384.495	-9.810			با فرض واریانس نابرابر
0.000	6410	-4.242	0.000	29.788	با فرض واریانس یکسان
0.000	6393.29	-4.246			با فرض واریانس نابرابر
0.000	6816	20.798	0.000	104.289	با فرض واریانس یکسان
0.000	6658.594	20.789			با فرض واریانس نابرابر
0.000	6860	5.419	0.000	78.561	با فرض واریانس یکسان
0.000	6737.905	5.421			با فرض واریانس نابرابر

ب) سن و سبک‌های فراغتی دانشجویان

با توجه به بالا بودن حجم نمونه اگر سطح معنی داری را 0.01 لحاظ کنیم (آلفا=0.01) رابطه بین سن و سبک‌های مختلف گذران اوقات فراغت بدین گونه قابل نتیجه‌گیری است؛

بین سبک‌های ورزش محور (sig=0.011) و اجتماع محور (sig=0.473) با متغیر سن رابطه وجود ندارد. سبک‌های فراغتی مطالعه محور، تفریح محور، هنر محور، مذهب محور و سیاست محور دارای رابطه معنادار با میزان سن دانشجویان است. به عبارتی سنین مختلف دانشجویان با داشتن سبک‌های مختلف فراغتی رابطه دارند.

جدول شماره (5-2): تحلیل واریانس یک طرفه میانگین سبک‌های فراغتی و سن

Sig.	F	میانگین مربعات	df	مجموع مربعات		
0.000	2.907	43.954	27	1186.751	میان گروهی	مطالعه محور
		15.123	6663	100761.241	درون گروهی	
			6690	101947.992	کل	
0.008	1.777	64.935	27	1753.250	میان گروهی	رسانه محور
		36.533	6343	231731.026	درون گروهی	
			6370	233484.277	کل	
0.011	1.763	122.640	25	3065.993	میان گروهی	ورزش محور
		69.576	5581	388301.940	درون گروهی	
			5606	391367.933	کل	
0.000	2.456	103.636	27	2798.164	میان گروهی	تفریح محور
		42.192	6364	268510.312	درون گروهی	
			6391	271308.477	کل	
0.001	2.118	81.009	27	2187.243	میان گروهی	هنر محور
		38.251	6364	243428.489	درون گروهی	
			6391	245615.732	کل	
0.000	3.573	263.350	26	6847.101	میان گروهی	مذهب محور
		73.697	6389	470851.536	درون گروهی	
			6415	477698.637	کل	
0.000	2.237	71.704	27	1936.005	میان گروهی	سیاست محور
		32.059	6802	218066.971	درون گروهی	
			6829	220002.975	کل	
0.473	0.994	9.549	27	257.825	میان گروهی	اجتماع محور
		9.610	6834	65677.590	درون گروهی	
			6861	65935.415	کل	

ج) وضعیت تاهل و سبک‌های فراغتی دانشجویان

تحلیل واریانس یک طرفه میانگین وضعیت تاهل و سبک‌های مختلف گذران اوقات فراغت نشان دهنده وجود رابطه معنی‌دار میان سبک‌های رسانه محور، ورزش محور، تفریح محور، هنر محور، مذهب محور و اجتماع محور با متغیر وضعیت تاهل است. سبک‌های مطالعه محور ($\text{sig}=0.359$) و سیاست محور ($\text{sig}=0.435$) رابطه معنی‌داری با متغیر وضعیت تاهل ندارند. تجرد یا ازدواج سبب بروز رابطه‌ای معنی‌دار با سبک‌های فراغتی یاد شده نشده است.

جدول شماره (5-3): تحلیل واریانس یک طرفه میانگین سبک‌های فراغتی و وضعیت تاهل

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares		
0.359	1.072	16.285	3	48.855	میان گروهی	مطالعه محور
		15.185	6724	102104.661	درون گروهی	
			6727	102153.516	کل	
0.002	5.060	185.062	3	555.187	میان گروهی	رسانه محور
		36.576	6408	234380.240	درون گروهی	
			6411	234935.427	کل	
0.001	5.322	368.043	3	1104.130	میان گروهی	ورزش محور
		69.152	5619	388567.645	درون گروهی	
			5622	389671.775	کل	
0.000	10.828	458.519	3	1375.558	میان گروهی	تفریح محور
		42.345	6418	271770.921	درون گروهی	
			6421	273146.479	کل	
0.003	4.691	180.216	3	540.648	میان گروهی	هنر محور
		38.417	6419	246598.461	درون گروهی	
			6422	247139.110	کل	
0.000	17.017	1263.670	3	3791.009	میان گروهی	مذهب محور
		74.260	6441	478309.686	درون گروهی	
			6444	482100.695	کل	
0.435	0.911	29.256	3	87.769	میان گروهی	سیاست محور
		32.127	6858	220323.764	درون گروهی	
			6861	220411.533	کل	
0.003	4.589	44.035	3	132.105	میان گروهی	اجتماع محور
		9.595	6896	66169.387	درون گروهی	
			6899	66301.492	کل	

د) مقطع تحصیل و سبکهای فراغتی دانشجویان

آزمون T (با لحاظ کردن سطح معنی‌داری 0.01) نشان دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین سبک‌های فراغتی مطالعه محور، تفریح محور، هنر محور، مذهب محور و سیاست محور با مقطع تحصیلی دانشجویان است. سبک‌های فراغتی رسانه محور، ورزش محور و اجتماع محور رابطه معنی‌داری با مقاطع تحصیلی افراد ندارند.

در صورت لحاظ کردن سطح معنی‌داری 0.05 رابطه تمام سبک‌های فراغتی با متغیر مقطع تحصیلی معنا دار تلقی می‌شد. این احتیاط و سخت‌گیری بدان سبب اعمال شد که میزان خطای تصادفی در نمونه‌های بزرگ افزایش می‌یابد.

جدول شماره (4-5): آزمون t تست، بین مقطع تحصیلی و ابعاد اوقات فراغت

t-test for Equality of Means			Levene's Test for Equality of Variances		
Sig. (2-tailed)	df	t	Sig.	F	
0.000	6751	6.718	0.432	0.617	با فرض واریانس یکسان
0.000	1280.279	6.760			با فرض واریانس نابرابر
0.014	6433	-2.450	0.021	5.363	با فرض واریانس یکسان
0.011	1264.413	-2.542			با فرض واریانس نابرابر
0.046	5657	-1.993	0.491	0.475	با فرض واریانس یکسان
0.041	1117.441	-2.048			با فرض واریانس نابرابر
0.000	6446	-3.744	0.046	3.979	با فرض واریانس یکسان
0.000	1289.411	-3.856			با فرض واریانس نابرابر
0.000	6453	-5.875	0.032	4.604	با فرض واریانس یکسان
0.000	1276.851	-6.026			با فرض واریانس نابرابر
0.000	6470	-5.519	0.488	0.480	با فرض واریانس یکسان
0.000	1295.488	-5.550			با فرض واریانس نابرابر
0.001	6886	3.400	0.953	0.003	با فرض واریانس یکسان
0.001	1340.205	3.386			با فرض واریانس نابرابر
0.017	6928	-2.392	0.449	0.574	با فرض واریانس یکسان
0.016	1369.524	-2.402			با فرض واریانس نابرابر

هـ) وضعیت اشتغال و سبک‌های فراغتی دانشجویان

آزمون مقایسه میانگین با لحاظ کردن سطح معناداری 0/01 نشان دهنده وجود رابطه معنادار میان سبک‌های مطالعه محور، ورزش محور، تفریح محور، هنر محور و اجتماع محور با وضعیت اشتغال دانشجویان است. تغییر در وضعیت اشتغال در رابطه با سبک‌های رسانه محور، مذهب محور و سیاست محور معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره (5-5): میانگین سبک‌های گذران اوقات فراغت با توجه به وضعیت اشتغال

موقعیت	مطالعه محور	رسانه محور	ورزش محور	تفریح محور	هنر محور	مذهب محور	سیاست محور	اجتماع محور
شاغل	16.7916	25.3021	43.5461	33.7406	35.2166	34.6921	23.2337	17.1090
غیر شاغل	17.8993	26.2153	45.0042	34.6289	35.3356	34.7902	24.0733	17.6779
کل	17.8169	26.1468	44.8972	34.5627	35.3268	34.7828	24.0092	17.6339

جدول شماره (5-6): آزمون t و لوز برای مقایسه میانگین سبک‌های گذران اوقات فراغت با توجه به وضعیت اشتغال

میانگین	آزمون t برای برابری میانگین‌ها			آزمون لوز (برابری واریانسها)			
	Sig. (2-tailed)	df	t	Sig.	F		
شاغل 16.8	0.000	6706	-6.119	0.002	9.418	با فرض واریانس یکسان	مطالعه محور
غیر شاغل 17.9	0.000	564.873	-5.599			با فرض واریانس نابرابر	
شاغل 25.3	0.001	6395	-3.185	0.014	5.980	با فرض واریانس یکسان	رسانه محور
غیر شاغل 26.22	0.003	547.864	-2.986			با فرض واریانس نابرابر	
شاغل 43.55	0.001	5611	-3.404	0.000	14.321	با فرض واریانس یکسان	ورزش محور
غیر شاغل 45.00	0.002	465.763	-3.123			با فرض واریانس نابرابر	
شاغل 33.74	0.004	6410	-2.867	0.007	7.246	با فرض واریانس یکسان	تفریح محور
غیر شاغل 34.63	0.008	542.489	-2.645			با فرض واریانس نابرابر	
شاغل 25.22	0.690	6411	-0.399	0.000	14.600	با فرض واریانس یکسان	هنر محور
غیر شاغل 35.34	0.727	525.832	-0.349			با فرض واریانس نابرابر	
شاغل 34.7	0.811	6431	-0.240	0.036	4.420	با فرض واریانس یکسان	مذهب محور
غیر شاغل 34.78	0.821	553.543	-0.226			با فرض واریانس نابرابر	
شاغل 23.23	0.001	6837	-3.249	0.021	5.324	با فرض واریانس یکسان	سیاست محور
غیر شاغل 24.07	0.002	599.765	-3.085			با فرض واریانس نابرابر	
شاغل 17.11	0.000	6878	-4.070	0.000	17.480	با فرض واریانس یکسان	اجتماع محور
غیر شاغل 17.68	0.000	601.135	-3.636			با فرض واریانس نابرابر	

ز) گروه‌های تحصیلی و سبک‌های فراغتی دانشجویان

تحلیل واریانس یک طرفه با لحاظ کردن سطح معناداری 0/01 نشان‌دهنده وجود رابطه معنا دار میان برخی گروه‌های تحصیلی با انواع سبک‌های مختلف گذران اوقات فراغت است. سبک‌های سیاست محور و مطالعه محور رابطه معنا داری با گروه تحصیلی دانشجویان ندارد. این سبک‌ها در میان اغلب دانشجویان با رشته‌ای تحصیلی مختلف دارای عمومیت است. در مقابل سبک‌های رسانه محور، ورزش محور، تفریح محور، هنر محور، مذهب محور و اجتماع محور دارای رابطه معنا دار با گروه‌های تحصیلی دانشجویان است.

جدول شماره (5-7): میانگین سبک‌های گذران اوقات فراغت با توجه به گروه‌های تحصیلی

رشته تحصیلی	مطالعه محور	رسانه محور	ورزش محور	تفریح محور	هنر محور	مذهب محور	سیاست محور	اجتماع محور
علوم انسانی	17.6431	26.6106	45.0931	34.7334	35.4848	33.7111	23.6646	17.6906
علوم پایه	17.8565	26.3794	44.3823	34.4413	34.4413	34.0887	23.5651	17.2774
فنی - مهندسی	17.8723	25.6027	44.4670	34.3248	34.3248	35.7153	24.0207	17.6355
علوم پزشکی	18.2609	25.8546	46.4223	34.8031	34.8031	35.5365	25.4374	17.7205
هنر و معماری	17.8854	26.0000	46.9127	35.0298	35.0298	37.8137	25.7538	18.1094
کل	17.8160	26.1565	44.9322	34.5698	34.5698	34.7578	23.9975	17.6186

جدول شماره (5-8): تحلیل واریانس یک طرفه بین سبک های گذران اوقات فراغت با توجه به گروه های تحصیلی

Sig.	F	مجدور میانگین ها	درجه آزادی	مجموع مجدورات		
0.359	1.072	16.285	3	48.855	بین گروهی	مطالعه محور
		15.185	6724	102104.6	درون گروهی	
			6727	102153.5	کل	
0.002	5.060	185.062	3	555.187	بین گروهی	رسانه محور
		36.576	6408	234380.2	درون گروهی	
			6411	234935.4	کل	
0.001	5.322	368.043	3	1104.13	بین گروهی	ورزش محور
		69.152	5619	388567.6	درون گروهی	
			5622	389671.7	کل	
0.000	10.828	458.519	3	1375.558	بین گروهی	تفریح محور
		42.345	6418	271770.9	درون گروهی	
			6421	273146.4	کل	
0.003	4.691	180.216	3	540.648	بین گروهی	هنر محور
		38.417	6419	246598.4	درون گروهی	
			6422	247139.1	کل	
0.000	17.017	1263.670	3	3791.009	بین گروهی	مذهب محور
		74.260	6441	478309.6	درون گروهی	
			6444	482100.6	کل	
0.435	0.911	29.256	3	87.769	بین گروهی	سیاست محور
		32.127	6858	220323.7	درون گروهی	
			6861	220411.5	کل	
0.003	4.589	44.035	3	132.105	بین گروهی	اجتماع محور
		9.595	6896	66169.38	درون گروهی	
			6899	66301.49	کل	

روابط میان سبک‌های فراغتی دانشجویی

مناسبات هر یک از سبک‌های گذران اوقات فراغت در ماتریسی از روابط همبستگی متقابل به شرح زیر قابل توصیف است؛

- سبک مطالعه محور گذران اوقات فراغت بیشترین همبندی و همبستگی را با سبک سیاست محور دارد (0/446) سبک مطالعه محور از میان تمام سبک‌ها کمترین همبندی را با سبک مذهب محور دارا می‌باشد (0/239).

- سبک رسانه محور بیشترین میزان همبستگی را با سبک تفریح محور (0/528) و کمترین همبستگی را با سبک مذهب محور با میزان (0/052) دارد.

- سبک ورزش محور با توجه به میزان به دست آمده از همبستگی پیرسون بیشترین همبندی و همبستگی را با سبک تفریح محور (0/512) و کمترین همبستگی را با سبک مذهب محور با میزان (0/263) دارد.

- سبک تفریح محور گذران اوقات فراغت دارای همبستگی نسبتاً یکسانی با سبک‌های هنر محور، رسانه محور و ورزش محور می‌باشد. این میزان در رابطه با سبک هنر محور دارای بالاترین میزان است (0/569). این سبک مانند سبک‌های پیشین کمترین همبستگی را با سبک مذهب محور دارد.

- سبک هنر محور همان‌گونه که ذکر شد بیشترین همبستگی را با سبک تفریح محور دارد. این سبک کمترین همبستگی را با سبک مذهب محور دارد. این میزان (0/186) است.

- بیشترین میزان همبستگی سبک مذهب محور با سبک اجتماع محور برای گذران اوقات فراغت است. این مقدار (0/402) است. کمترین میزان همبستگی این سبک با سبک رسانه محور است با میزان (0/052).

- سبک سیاست محور بیشترین میزان همبستگی را با سبک اجتماع محور دارد با میزان (0/482) و کمترین میزان همبستگی این سبک با سایر سبک‌ها به سبک مذهب محور با میزان (0/219) مربوط می‌شود.

- با توجه به میزان همبستگی‌های پیشین سبک اجتماع محور بیشترین همبستگی را با سبک سیاست محور و کمترین همبستگی را با سبک رسانه محور دارد (0/277) چنین می‌نماید که استفاده از رسانه سبک رشد اجتماع گریزی و انزوا جویی در بین جوانان دانشجوی بوده است.
از میان سبک‌ها، سبک مذهب محور کمترین همبستگی را با سایر سبک‌ها دارد.

جدول شماره (5-9): روابط متقابل ابعاد سبک‌های گذران اوقات فراغت

اجتماع محور	سیاست محور	مذهب محور	هنر محور	تفریح محور	ورزش محور	رسانه محور	مطالعه محور		
0.377(**)	0.446(**)	0.239(**)	0.426(**)	0.339(**)	0.345(**)	0.410(**)	1	همبستگی پیرسون	مطالعه محور
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	.	Sig. (2-tailed)	
6568	6535	6195	6194	6181	5442	3261	6855	تعداد	
0.277(**)	0.227(**)	0.052(**)	0.476	0.528(**)	0.385(**)	1	0.410(**)	همبستگی پیرسون	رسانه محور
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	.	0.000	Sig. (2-tailed)	
6284	6261	5954	5960	5946	5258	6533	6261	تعداد	
0.425(**)	0.354(**)	0.263(**)	0.404(**)	0.512(**)	1	0.385(**)	0.345(**)	همبستگی پیرسون	ورزش محور
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
5592	5573	5354	5396	5390	5737	5258	5442	تعداد	
0.373(**)	0.268(**)	0.191(**)	0.569(**)	1	0.512(**)	0.528(**)	0.339(**)	همبستگی پیرسون	تفریح محور
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
6339	6315	6042	6110	6545	5390	5946	6181	تعداد	
0.376(**)	0.254(**)	0.186(**)	1	0.569(**)	0.404(**)	0.476(**)	0.426(**)	همبستگی پیرسون	هنر محور
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
6375	6337	6100	6547	6110	5396	5960	6194	تعداد	
0.402(**)	0.219(**)	1	0.186(**)	0.191(**)	0.263(**)	0.052(**)	0.239(**)	همبستگی پیرسون	مذهب محور
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
6403	6354	6569	6100	6042	5354	5954	6195	تعداد	
0.482(**)	1	0.219(**)	0.254(**)	0.268(**)	0.354(**)	0.227(**)	0.446(**)	همبستگی پیرسون	سیاست محور
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
6839	6992	6354	6337	6315	5573	6261	6535	تعداد	
1	0.482(**)	0.402(**)	0.376(**)	0.373(**)	0.425(**)	0.277(**)	0.377(**)	همبستگی پیرسون	اجتماع محور
.	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
7034	6839	6403	6375	6339	5592	6284	6568	تعداد	

**همبستگی در سطح خطای 0/01 معنادار می‌باشد.

همبستگی سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی با انواع سبک‌های فراغتی

برای سنجش وجود همبستگی میان دو نوع سرمایه اقتصادی و اجتماعی با انواع سبک‌های گذران اوقات فراغت مقیاس‌هایی ساخته شد. برای سرمایه اقتصادی متغیرهای 11، 12، 13 و 15 با هم ترکیب و سطوح ناهمسان به وسیله نمره Z استاندارد شدند. سرمایه اجتماعی نیز از ترکیب متغیرهای 12، 128، 126، 44، 36، 29 و 129 حاصل شده و به وسیله نمره Z استاندارد گردیده است.

علت استفاده از متغیر 12 در هر دو سرمایه اقتصادی و اجتماعی به دلیل وزن دهی متفاوت و اثر مشابه در هر دو سرمایه است. (اگر از اتومبیل شخصی استفاده می‌کنید به چه کسی تعلق دارد؟ 1-خودم، 2- خانواده‌ام، 3-دوستانم) امکان استفاده از ماشین شخصی که به خود فرد تعلق داشته باشد جزء سرمایه اقتصادی محسوب می‌شود، اما امکان استفاده از ماشین شخصی اعضای خانواده (با وزن 1) و دوستان (با وزن 2) به میزان سرمایه اجتماعی فرد مربوط است. در ساختن مقیاس برای سرمایه اجتماعی گزینه 1- خودم کد صفر و در ساختن مقیاس سرمایه اقتصادی کد 2 دریافت کرده است.

سرمایه اقتصادی بیشترین همبستگی را در میان سبک‌ها با سبک ورزش محور دارد (0/105-) این عدد نشان‌دهنده همبستگی منفی و ضعیف این سبک با سرمایه اقتصادی است. این مقدار از لجاظ آماری نیز معنادار است.

جدول شماره (5-10): همبستگی بین ابعاد سبک های گذران اوقات فراغت و سرمایه اقتصادی

اجتماع محو	سیاست محو	مذهب محور	هنر محور	تفریح محو	ورزش محور	رسانه محور	مطالعه محو		
-0.030(*)	-0.031(**)	-0.031(**)	0.39(**)	-0.051(**)	-0.105(**)	-0.027(*)	-0.099(**)	همبستگی پیرسون	سرمایه اقتصادی
0.014	0.009	0.010	0.002	0.000	0.000	0.044	0.000	Sig. (2-tailed)	
6855	7034	6992	6569	6547	6545	5737	6533	تعداد	

**همبستگی در سطح خطای 0/01 معنادار می‌باشد.

*همبستگی در سطح خطای 0/05 معنادار می‌باشد.

جدول شماره (5-11): همبستگی بین ابعاد سبک های گذران اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی

اجتماع محور	سیاست محور	مذهب محور	هنر محور	تفریح محور	ورزش محور	رسانه محور	مطالعه محور		
0.770(**)	0.364(**)	0.324(**)	0.220(**)	0.207(**)	0.289(**)	0.122(**)	0.287(**)	همبستگی پیرسون	سرمایه اجتماعی
0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
1327	1295	1222	1221	1209	1068	1222	1248	تعداد	

**همبستگی در سطح خطای 0/01 معنادار می باشد.

سرمایه اجتماعی در مرتبه اول بیشترین همبستگی را با سبک اجتماع محور دارد با ضریب پیرسون 0/77. سپس سبک های سیاست محور و مذهب محور هستند که مراتب بعدی همبستگی را به خود تخصیص می دهند. سبک رسانه محور همان گونه که در تبیین های پیشین نمودار شده بود کمترین همبستگی را با سرمایه اجتماعی دارد.

فصل ششم: تحلیل الگوهای فراغتی

دانشجویان با تکیه بر ویژگی‌های دانشجویان

جنسیت و رفتارهای فراغتی

تا چه اندازه رفتارهای فراغتی با جنسیت در ارتباط است؟ در اینجا نشان داده می شود که جنسیت می تواند عاملی تاثیرگذار بر الگوهای رفتاری فراغت دانشجویان باشد. مثلا دختران نوع کتاب، مجله و روزنامه متفاوتی از پسران دانشجو مطالعه می کنند. یا به برنامه های خاصی از تلویزیون علاقه نشان می دهند. قطعاً می توان در برنامه ریزی فراغتی به این تفاوت های جنسیتی توجه بیشتری کرد.

مصرف مطبوعاتی، کتاب و جنسیت: زنان بیشتر روزنامه هایی چون جام جم و همشهری و مردان بیشتر روزنامه های اعتماد، اعتماد ملی و کارگزاران می خوانند. 54.6 درصد کسانی که اصلاً روزنامه نمی خوانند دانشجویان دختر هستند. بنابراین دختران بیشتر از پسران اصلاً روزنامه نمی خوانند. از بعد صفحه روزنامه و موضوعات مطالب نیز بین دختران دانشجو و پسران دانشجو تفاوت معنا دار وجود دارد. پسران بیشتر صفحه های سیاسی و دختران صفحه اجتماعی روزنامه را می خوانند. پسران صفحه اقتصادی و دختران بیشتر صفحه حوادث را مطالعه می کنند. دختران بیشتر صفحه هنر و پسران صفحه ورزشی می خوانند.

در مورد مجلات نیز تفاوت معنا دار مشاهده می شود. پسران بیشتر مجلات سیاسی اجتماعی و دختران بیشتر مجلات عامه پسند چون موفقیت مطالعه می کنند. در مجموع دختران بیش از پسران مجله می خوانند. به عبارتی 58.4 درصد پسران گزینه "اصلاً مجله مطالعه نمی کنم" را اختیار کرده اند.

به لحاظ مصرف نوع کتاب نیز تفاوت میان دو جنس مشاهده می شود. دانشجویان پسر (27.3 درصد) بیش از دانشجویان دختر (18.7 درصد) کتاب علمی در رشته خودشان را مطالعه می کنند. پسران تقریباً دو برابر دختران کتب فلسفی می خوانند. اما دختران بیشتر کتاب شعر و ادبیات می خوانند. مطالعه کتب روانشناسی و رمان در میان دختران (10.7 درصد روانشناسی و 24.7 درصد رمان) بسیار بیش از پسران (5.2 درصد روانشناسی و 9.4 درصد رمان) مشاهده شده است. در عوض پسران بیشتر علاقمند به

کتابهای سیاسی هستند. در مجموع دختران دانشجو بیش از پسران کتاب می خوانند. به گونه ای که 59 درصد پسران گفته اند که اصلا کتاب خارج از مطالب کلاسی خود نمی خوانند.

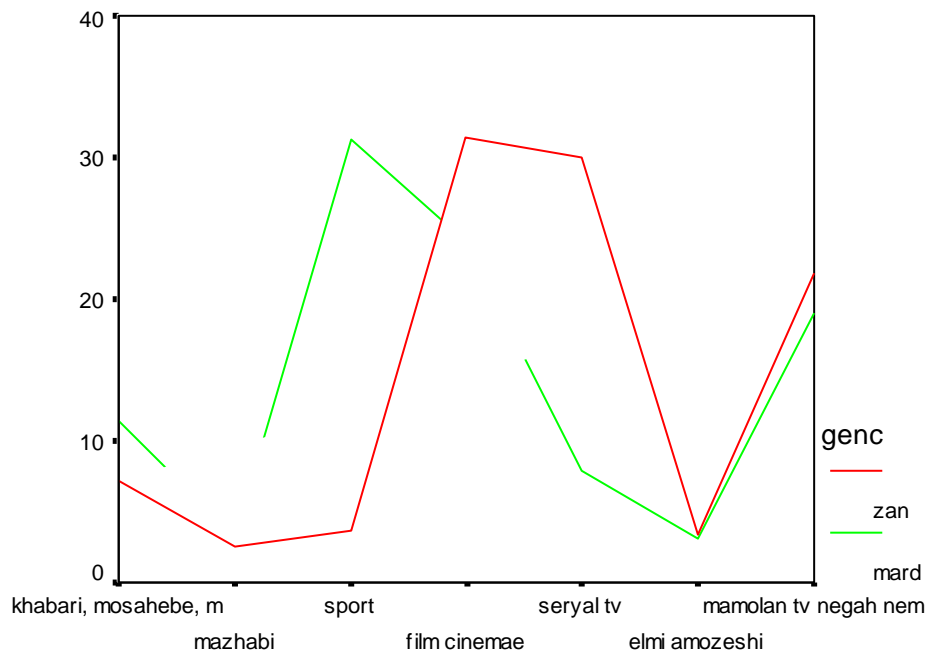
جدول شماره (6-1): توزیع گزینه اصلا نمی خوانم در کتاب، مجله و روزنامه به تفکیک جنسیت

روزنامه اصلا نمی خوانم	مجله اصلا نمی خوانم	کتاب اصلا نمی خوانم	
54.6	41.6	41.0	زن
45.4	58.4	59.0	مرد
100.0	100.0	100.0	جمع

همان طور که بیان شد در میان گزینه " اصلا نمیخوانم" زنان کمتر روزنامه می خوانند و مردان کمتر مجله مطالعه می کنند. در زمینه کتاب نیز مردان کمتر از زنان مطالعه می کنند. همانطور که در بالا ذکر شد، مطالعه زنان، بیشتر در مجله و کتاب بیشتر در حوزه های مجله های عامه پسند و کتاب های روان شناسی و رمان است و مطالعه مردان، بیشتر در حوزه ورزشی و سیاسی است.

مصرف تلویزیونی و جنسیت: همان طور که در نمودار پایین نشان داده شده است، پسران در زمینه مصرف تلویزیونی بیشتر به میزگردهای و اخبار توجه دارند(11.4 درصد پسران و 7.2 درصد دختران). همین طور بیشتر از دختران به برنامه های ورزشی نگاه می کنند(31.2 درصد پسران و 3.7 درصد دختران). اما در عوض دختران بیشتر به سریالها و فیلمهای سینمایی نگاه می کنند (دختران 30 درصد و 31.4 درصد و پسران 7.9 درصد و 24.1 درصد).

نمودار شماره (6-1) توزیع تماشای برنامه های تلویزیونی بر حسب جنس



V23.1

در زمینه تهیه فیلمها دختران بیشتر (54.5 درصد) به مراکز معتبر داخل رجوع می کنند و پسران بیشتر ترجیح می دهند (65.6 درصد) فیلمهای زبان اصلی و سانسور نشده ببینند.

در زمینه تلویزیون ماهواره ای نیز باید گفت که پسران به طور معناداری بیشتر فیلمهای پورنو و جنسی تماشا می کنند. همین طور برنامه های ورزشی و اخبار ماهواره ای را بیشتر از دختران دنبال می کنند. اما دختران بیشتر به برنامه های شو و موسیقی علاقمندند. به لحاظ میزان ساعت تماشا و تماشا یا عدم تماشای تلویزیون ماهواره ای تفاوتی میان دو جنس مشاهده نشده است. تفاوت تنها در نوع مصرف و نوع برنامه هایی است که تماشا می کنند.

مصرف دیجیتالی، اینترنتی و جنسیت: زنان کمتر از مردان اینترنت استفاده می کنند. به لحاظ نحوه استفاده از سایتها نیز این تفاوت معنادار وجود دارد. مثلا در حالی که دختران بیشتر سایتهای خبری رسمی داخل کشور را مطالعه می کنند پسران بیشتر از دختران سایتهای خارجی مخالف نظام را میخوانند. این امر

البته بیشتر به معنای آن است که کنش ورزی سیاسی پسران بیشتر از دختران است. در عوض دختران بیشتر به سایتهای سرگرمی، جوک و طنز علاقه نشان داده اند. مصرف موسیقی اینترنتی نیز در میان دانشجویان پسر بیشتر از دختران است. در زمینه نوع وبلاگ هم باید گفت که دختران بیشتر وبلاگهایی با موضوعات روزمره و پسران وبلاگهایی با موضوعات سیاسی دارند. این در حالی است که دختران اندکی بیش از پسران وبلاگ نویس اند. اما در زمینه مصرف موبایل دختران (51.4 درصد) بیش از پسران (45.4 درصد) ترجیح می دهند که از طریق موبایل به موسیقی گوش دهند و پسران (12.3 درصد) بیش از دختران (6.9 درصد) ترجیح می دهند که از طریق موبایلشان بازی کنند.

جنسیت و شرکت در مراسم زیر زمینی: آیا نوع مراسمی که دختران دانشجوی شرکت می کنند متفاوت است از مراسمی که پسران دانشجوی شرکت می کنند؟ پاسخ این سوال مثبت است. کلاسهای یوگا و مدیتیشن فعالیتی بیشتر مرتبط با دختران است. گویا دختران بیشتر به دنبال کسب آرامش اند. اما فعالیتهای پرخطر، به مذاق پسران بیشتر خوش می آید. فعالیتهایی چون هیپنوتیزم، مراسم جن گیری، شیطان پرستی، و اکس پارتی. در عوض دختران بیشتر به مراسمی چون فال قهوه و فال ورق بیشتر علاقمندند. علاقه دختران به فال نشان می دهد که بیشتر طالب دانستن آینده خود هستند و البته نگران آینده و دست یابی به همسری مطلوب می باشند.

جدول شماره (6-2): توزیع فعالیت‌های آیینی به تفکیک جنسیت

جنس	یوگا	مدیتیشن	فال ورق	فال قهوه	هیپنوتیزم	جن گیری	شیطان پرستی	زمینی موسیقی زیر	پارتی مختلط	اکس پارتی	مشروب	مجالس رو
دختران	65.4	59.1	57.5	77.3	35.9	40.5	21.1	28.5	34.7	29.1	13.7	
پسران	34.6	40.9	42.5	22.7	64.1	59.5	78.9	71.5	65.3	70.9	86.3	
جمع	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	100.0	

نیازها و امکانات فراغتی و جنسیت: به لحاظ نیازهای فراغتی زنان و مردان با یکدیگر متفاوت اند. زنان بیشتر امکانات هنری و امکانات تفریحی را خواستار شده اند و در عوض مردان بیشتر امکانات ورزشی و امکانات کامپیوتری و سایت را طالب بوده اند.

مصرف مواد و جنسیت: مصرف مواد در هر نوع آن در دانشگاه بیشتر عملی مردانه است و میزان این مصرف در بین زنان بسیار کمتر از مردان است. در حالی که 27.8 درصد پسران، سیگار و قلیان می‌کشند، میزان این مصرف در بین دختران 8.8 درصد است. و در حالی که 88.1 درصد زنان هیچکدام از انواع مواد را مصرف نکرده اند 61.7 درصد پسران هیچ مصرفی در زمینه انواع مواد نداشته اند.

جدول شماره (6-3):

جمع	هیچکدام	ترکیبی از مواد	مواد مخدر	مشروبات الکلی	سیگار و قلیان	
3348	2950	12	42	49	295	زن
100.0	88.1	0.4	1.3	1.5	8.8	
3354	2069	88	76	189	932	مرد
100.0	61.7	2.6	2.3	5.6	27.8	
100.0	74.9	1.5	1.8	3.6	18.3	جمع

خانواده و الگوهای رفتاری فراغت در بین دانشجویان

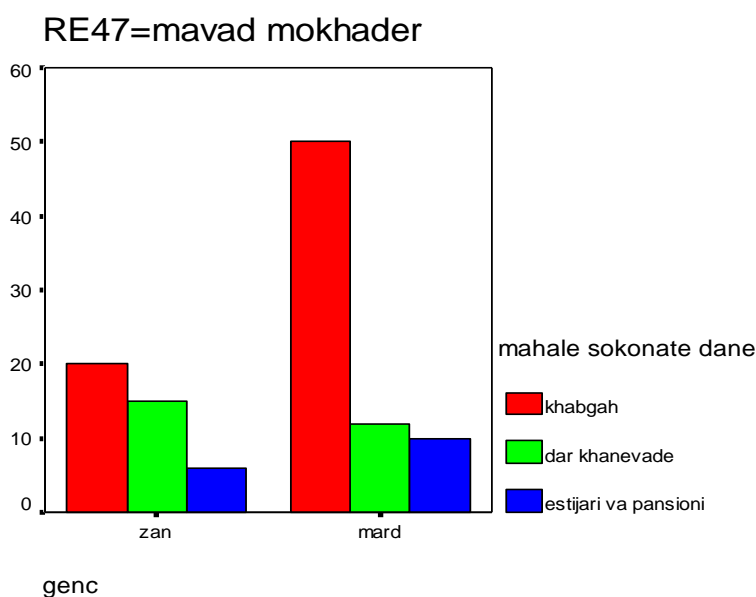
زندگی در کنار خانواده تا چه اندازه در رفتارهای فراغتی و مدیریت برنامه های فراغتی دانشجویان تاثیر گذار بوده است؟ زمان فراغت در خوابگاه برای دانشجویان بیش از زندگی در کنار خانواده است. شاید دانشجویانی که ساکن در خانواده هستند اینگونه حس می کنند که زمان فراغت کمتری دارند. درگیر شدن در کارهای خانه و صحبت با خانواده زمان دانشجویان را به نحوی پر می کند. این امر برنامه ریزی برای دانشجویان خوابگاهی را ضروری تر می سازد.

همان طور که در این تحقیق روشن شد تقریباً 60 درصد دانشجویان جدا از خانواده و در بسیاری اوقات دور از خانواده و 40 درصد آنان در کنار خانواده زندگی می‌کنند. داده‌ها نشان می‌دهد که زندگی در کنار خانواده در شیوه گذران اوقات فراغت موثر است. از این رو سیاستگذاری در زمینه اوقات فراغت دانشجویان ضرورتاً باید نزدیکی و دوری با خانواده را باید مدنظر داشته باشد.

یکی از موارد مهم در آسیب‌شناسی اوقات فراغت، مصرف مواد مخدر، مشروبات الکلی و سیگار در بین دانشجویان است. در اینجا نقش خانواده اهمیت دارد و خوابگاهها فرصت بیشتری را برای چنین فعالیت‌هایی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند.

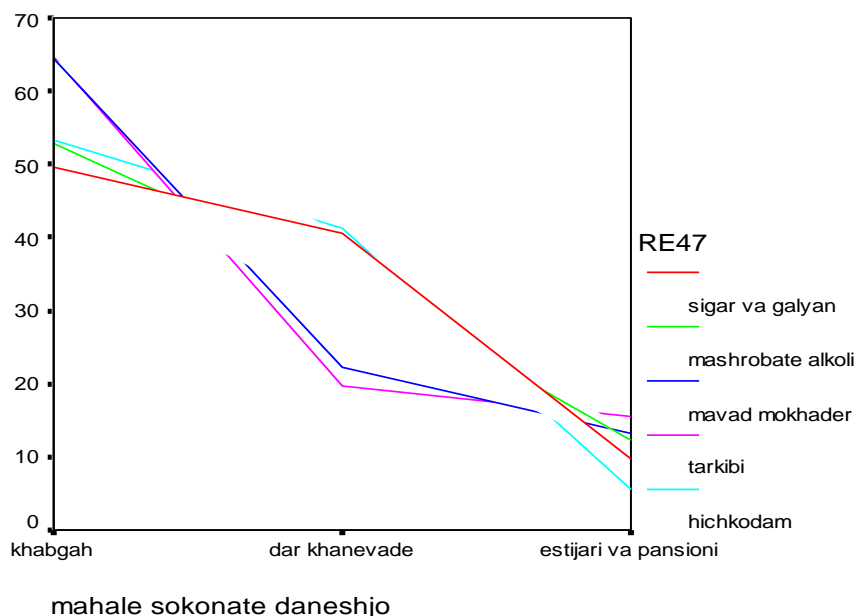
همان طور که در نمودار زیر می‌بینیم، مصرف مواد در خوابگاه بیش از افرادی است که در کنار خانواده زندگی می‌کنند. هر دو جنس علی‌رغم تفاوت معنی‌دار در زمینه مصرف در خوابگاه بیشترین مصرف مواد مخدر را دارند. سایر مصرف‌کنندگان مواد چون سیگار و مشروبات الکلی در خوابگاهها بیش از دانشجویانی که در کنار خانواده زندگی می‌کنند مشاهده شده است. اینککه چرا خوابگاه چنین امکانی را به دانشجو می‌دهد خود موضوعی برای تحقیقات بعدی است. در واقع خوابگاهها بیشترین آسیبها را در مقایسه با دانشجویان غیر خوابگاهی تولید می‌کنند.

نمودار شماره (6-2): مصرف مواد مخدر بر اساس جنسیت و محل سکونت دانشجو



در نمودار شماره (3-6) مشخص می‌شود که همه اشکال مصرف در خانواده بسیار کاهش می‌یابد اگرچه میزان کاهش بسته به نوع مواد تفاوت می‌یابد. مثلاً مواد مخدر و مصرف ترکیبی مواد (مواد مخدر، مشروبات الکلی و...) بیشتر از همه کاهش می‌یابد.

نمودار شماره (3-6) مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مواد مخدر بر حسب محل سکونت

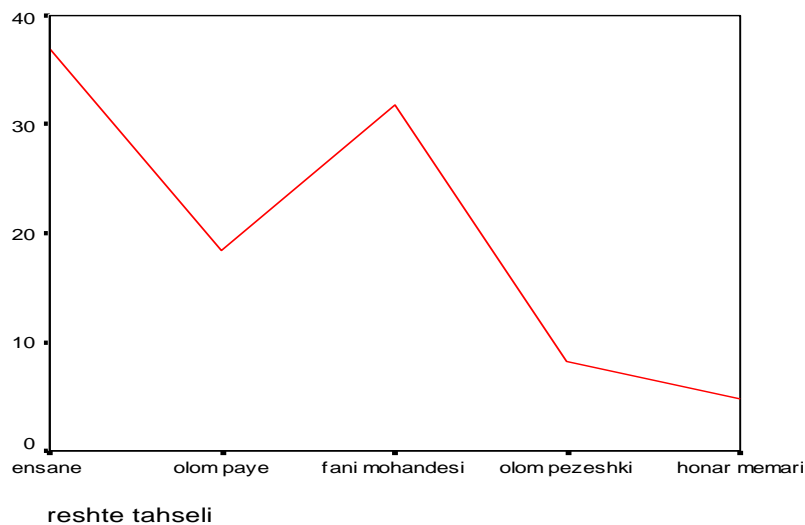


از سویی دیگر باید گفت شرکت در مراسمی چون فال ورق و فال قهوه و یوگا و مدیتیشن و موسیقی زیر زمینی و پارتنی مختلط در دانشجویانی که در کنار خانواده هستند بیشتر از دانشجویان خوابگاهی است. به جای آن احضار ارواح، مجالس سرو مشروبات الکلی در خوابگاهها بیشتر است.

گروه‌های آموزشی و الگوهای رفتار فراغتی دانشجویان

زمان فراغت: به لحاظ طبقه بندی زمانی اوقات فراغت دانشجویان علوم انسانی بیشترین زمان فراغت را دارند. و در مرتبه بعد دانشجویان فنی مهندسی زمان فراغت بیشتری نسبت به سایر گروههای آموزشی دارند. نمودار زیر توزیع زمانی را براساس گروههای آموزشی نشان داده است.

نمودار شماره (6-4) توزیع زمان فراغت به تفکیک گروه های آموزشی



جدول شماره (6-4): توزیع زمان فراغت براساس گروه آموزشی

جمع کل	هنر و معماری	علوم پزشکی	فنی - مهندسی	علوم پایه	علوم انسانی	تعداد	
396	21	33	118	64	160	تعداد	8_10
%9.6	%11.8	%8.6	%9.3	%8.5	%10.5	درصد	
199	5	15	52	52	75	تعداد	10_12
%4.8	%2.8	%3.9	%4.1	%6.9	%4.9	درصد	
163	3	7	44	41	68	تعداد	12_14
%4.0	%1.7	%1.8	%3.5	%5.4	%4.5	درصد	
788	50	87	268	137	246	تعداد	14_16
%19.2	%28.1	%22.7	%21.1	%18.1	%16.2	درصد	
736	30	67	246	133	260	تعداد	16_18
%17.9	%16.9	%17.4	%19.3	%17.6	%17.1	درصد	
1292	47	128	374	223	520	تعداد	18_20
%31.4	%26.4	%33.3	%29.4	%29.5	%34.2	درصد	
229	7	23	69	43	87	تعداد	20_22
%5.6	%3.9	%6.0	%5.4	%5.7	%5.7	درصد	
256	14	20	79	53	90	تعداد	22_24
%6.2	%7.9	%5.2	%6.2	%7.0	%5.9	درصد	
51	1	4	22	11	13	تعداد	24_2
%1.2	%0.6	%1.0	%1.7	%1.5	%0.9	درصد	
4110	178	384	1272	757	1519	تعداد	جمع کل
%100.0	%100.0	%100.0	%100.0	%100.0	%100.0	درصد	

مراسم آیینی و گروه‌های آموزشی: اما در زمینه مصرف مواد می توان گفت که دانشجویان علوم انسانی کمتر از سایر گروهها به دنبال مصرف مواد و مشروبات الکلی می روند و دانشجویان فنی مهندسی بیشترین میزان مصرف را در مقایسه با سایر دانشجویان دارند. دانشجویان هنر و معماری بیشتر از سایر دانشجویان به دنبال یوگا و مدیتیشن می روند. همین طور پارتی های مختلط در بین این دانشجویان بیش از سایر گروههای آموزشی مشاهده شده است. احضار ارواح در بین دانشجویان علوم پزشکی بیشتر رواج دارد و سرو مشروب در این گروه کمتر از سایر گروهها مشاهده شده است. و شیطان پرستی در بین دانشجویان علوم پایه بیش از دیگران رواج دارد.

انواع فعالیت‌های فراغتی و گروه‌های آموزشی: به لحاظ فعالیت سیاسی کمترین فعالیت سیاسی را در تشکلهای دانشجویی دانشجویان هنر و معماری و علوم پزشکی دارند و دانشجویان علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی نیز بیشترین فعالیتهای سیاسی را دارند. این وضعیت در مورد فعالیت در تشکلهای صنفی نیز صدق می کند. به طور کلی طبق تحقیق حاضر گویا دانشجویان علوم پزشکی و هنر و معماری در مقایسه با سایر گروههای آموزشی غیر سیاسی تر محسوب می شوند. به لحاظ فعالیت مذهبی چون شرکت در نماز جماعت، خواندن قران و دعا دانشجویان علوم انسانی، علوم پایه و فنی بیشتر از دانشجویان پزشکی و هنر و معماری فعالیت مذهبی دارند. اما در مورد فعالیتهای هنری چون شرکت در موزه، سینما، تئاتر و خواندن رمان، دانشجویان هنر و معماری با سایر دانشجویان تفاوت معنادار دارند. دانشجویان علوم انسانی در زمینه شاخصهای هنری ذکر شده از سایر گروههای آموزشی در رده ای پایین تر قرار دارند.

در زمینه فعالیت‌های ورزشی دانشجویان فنی مهندسی و علوم پایه بیشتر از سایر دانشجویان فوتبال بازی می کنند. در زمینه سایر فعالیت‌های ورزشی تفاوت معناداری میان گروه‌های آموزشی دیده نشده است. جز آنکه گروه معماری و هنرهای زیبا در بسیاری از فعالیت‌های ورزشی بسیار پایین تر از سایر گروهها بوده است. به عبارت دیگر این گروه آموزشی چندان فعالیت‌های ورزشی را در برنامه های فراغتی خود جدی نمی گیرد. البته فعالیت ورزشی چون کوه رفتن و ورزش آیروبیک در این میان استثناست. در

مرتب‌ه بعد دانشجویان علوم پزشکی علاقه کمتری به انواع فعالیت‌های ورزشی در قیاس با سایر دانشجویان نشان داده‌اند. به لحاظ جنسیت دانشجویان پسر بیشتر به فوتبال، ورزش‌های رزمی، شطرنج، دویدن، بدن-سازی، کشتی می‌پردازند و دانشجویان دختر بیشتر به ورزش‌هایی چون شنا و کوه‌پیمایی علاقه نشان داده‌اند. در واقع به جز این دو ورزش ذکر شده در سایر فعالیت‌های ورزشی، پسران بیشتر از دختران ورزش می‌کنند.

تفاوت در الگوهای فراغتی به تفکیک دانشگاه

نیازهای فراغتی: پرسش اساسی در اینجا این است که نیازهای فراغتی دانشجویان به تفکیک دانشگاه‌ها چیست؟ نیازهای فراغتی از طریق سوال باز به پنج مقوله تقسیم شد. در اولین دسته نیازها، **امکانات ورزشی** چون استخر، زمین بازی، و سالن‌های ورزشی را داریم. در این مقوله دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، سیستان و بلوچستان و در مرتبه بعد شیراز، تبریز و دانشگاه تهران بیش از سایر دانشگاه‌ها احساس نیاز کردند. البته می‌دانیم دانشگاه تهران بیش از سایر دانشگاه‌ها امکانات ورزشی دارد و علت تقاضای دانشجویان به امکانات بیشتر می‌تواند دلایلی چون عدم دسترسی آسان به امکانات، عدم اطلاع دقیق از امکانات موجود، عدم تناسب امکانات با نیازهای دانشجویان و ایجاد نیازهای ورزشی جدید باشد که باید در جای خود مطالعه‌ای مستقل انجام شود.

در دسته دوم نیازها، امکانات سایت اینترنتی و کامپیوتر مطرح می‌شود. همچنین دانشگاه‌های یزد، خلیج فارس و کردستان و دانشگاه شهید بهشتی تاکید زیادی بر امکانات کامپیوتری و سایت داشته‌اند. به یقین این احساس نیاز بین دانشجویان است که امکانات موجود را در یک دانشگاه کافی و در دانشگاهی دیگر ناکافی به نظر می‌آورد.

امکانات هنری چون سالن نمایش فیلم، نمایش فیلم، داشتن برنامه‌هایی برای بازدید از موزه و سایر فعالیتهای هنری چون کلاس‌های آموزشی در این زمینه دسته سوم نیازها هستند. دانشجویان دانشگاه تهران، شیراز و فردوسی مشهد بیش از سایر دانشجویان به این نیاز تاکید داشتند.

در دسته امکانات رفاهی و تفریحی چون داشتن بوفه، رستوران مناسب، اردوهای تفریحی و فضای سبز است. دانشگاه علوم پزشکی مازندارن بیش از سایر دانشگاهها و دانشجویان دانشگاههای یزد و علم فرهنگ در مرتبه بعد بر اهمیت امکانات تفریحی و رفع نیازهایی چون فضای سبز، و برگزاری اردوهای تفریحی تاکید داشتند.

و در زمینه امکانات علمی چون کتابخانه، قرائتخانه و نظایر آن مطرح است که دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ بیش از سایر دانشجویان دانشگاهها بر آن تاکید کرده اند. و دانشجویان دانشگاههای اصفهان و فردوسی مشهد نیز با اختلاف از این دانشگاه بر اهمیت رفع این نیاز تاکید داشته اند.

در پایان باید متذکر شد به طور کلی همه دانشجویان دانشگاهها، اولویت اول نیازهای خود را امکانات ورزشی و در درجه دوم امکانات مربوط به سایت کامپیوتری داشته اند.

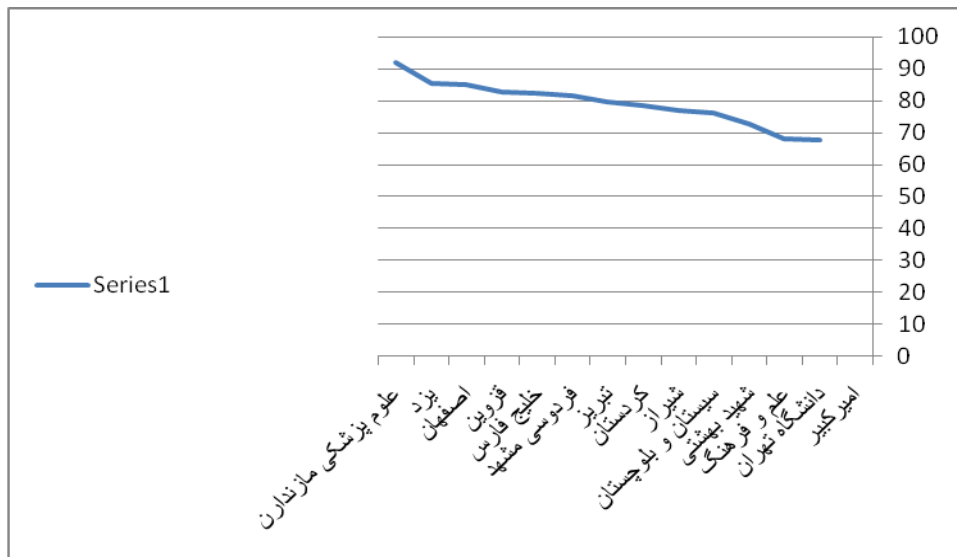
کلاس‌های آموزشی بر حسب دانشگاهها: همان طور که بیان شد دانشجویان در اوقات فراغت خود در طول سال کلاسهای متفاوتی را شرکت می کنند. به طور کلی گفته شد که سه کلاس زبان خارجی و کلاس کامپیوتر و ورزشی از اقبال بیشتری بین دانشجویان برخوردار بوده است. در اینجا می‌خواهیم بدانیم کدامیک از کلاسها (غیر از سه کلاس ذکر شده که در همه جا آمارش بالا بوده است) در هر دانشگاه اقبال بیشتری داشته است و توسط دانشجویان مورد استفاده قرار گرفته است. کلاسهای نهج البلاغه و قرآن بیش از همه در دانشگاههای اصفهان و در مرتبه بعد در دانشگاههای علوم پزشکی قزوین و یزد مورد استفاده دانشجویان قرار گرفته است. کلاس نقاشی در دانشگاه علم و فرهنگ، خلیج فارس و شهید بهشتی، کلاس

موسیقی در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و امیرکبیر، کلاس رقص در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه خلیج فارس و کلاس خودشناسی در دانشگاه اصفهان مورد استفاده دانشجویان قرار گرفته است.

شرکت مراسم آیینی و مصرف مواد بر حسب دانشگاه: در اینجا به جز شرکت در مراسم فال ورق و فال قهوه که در همه دانشگاهها رایج است مهمترین مصرف کننده هر مراسم را در کل دانشگاهها بیان می‌کنیم. یوگا در دانشگاه تهران و دانشگاه یزد و موسیقی زیر زمینی در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران بیش از سایر دانشگاهها رواج دارد. شرکت در پارتنی مختلط تقریبا در همه دانشگاهها به یک اندازه است به استثنای دانشگاه یزد، علوم پزشکی مازندران و دانشگاه تبریز که از سایر دانشگاهها کمتر است.

سیگار و قلیان در دانشگاه‌های علم و فرهنگ، شهید بهشتی و دانشگاه تهران بیشتر مصرف می‌شود. مشروبات الکلی دانشگاه شیراز، امیرکبیر و دانشگاه تهران بیشترین مصرف کننده را در بین دانشگاهها دارد. مواد مخدر نیز در چهار دانشگاه سیستان و بلوچستان، شیراز، دانشگاه تهران و امیرکبیر بیش از سایر دانشگاهها مصرف شده است.

نمودار شماره (6-5) هیچکدام از مواد مخدر، سیگار و مشروبات را مصرف نمی‌کنم (بر حسب دانشگاه)



در مجموع چهار دانشگاه امیرکبیر، تهران، علم و فرهنگ و شهید بهشتی جزو دانشگاه‌های پر خطر مطرح هستند و دانشگاه‌های علوم پزشکی مازندران، یزد، اصفهان و علوم پزشکی قزوین جزو کم خطرترین و پاک‌ترین دانشگاه‌ها به حساب می‌آیند.

فصل هفتم: مصامبه گروهی درباره نمونه

گذران اوقات فراغت دانشجویان

گزارش مربوط به نتایج مصاحبه گروهی درباره نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان

در بهمن ماه 1387 دو جلسه «گفتگوی گروهی»¹ با جمعی از دانشجویان تهرانی و شهرستانی پیرامون موضوع «نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان» برگزار شد.

از آنجایی که هدف اصلی این جلسه بررسی سبک‌های گوناگون فراغتی دانشجویان و همچنین ارزیابی امکانات فراغتی موجود در دانشگاهها و خوابگاه‌ها بود، محورهای اصلی این گفتگو را می‌توان در این سه محور خلاصه کرد:

- 1: توصیف دانشجویان از نحوه گذران اوقات فراغت خود و ترجیحات‌شان در سبک‌های گوناگون فراغتی
- 2: بررسی امکانات فراغتی دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها
- 3: بیان راهکارهای پیشنهادی دانشجویان در بهبود وضعیت امکانات فراغتی در خوابگاه و دانشگاه

دانشجویان در پاسخ به این سوال که در اوقات فراغت خود معمولاً به انجام چه کارهایی می‌پردازند پاسخ‌های متنوعی ارائه کردند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به مواردی چون: صحبت‌های دوستانه، گوش دادن به موسیقی، رفتن به رستوران، جستجو در اینترنت، خوابیدن، وب‌گردی، صحبت با تلفن، موبایل و ارسال پیام کوتاه، خرید کردن، آشپزی کردن، آرایش کردن، عضویت و شرکت در انجمن‌های دانشجویی، مطالعه، رفتن به پارک، پیاده روی، رفتن به سینما، نشستن در سلف و حیاط دانشگاه، ورزش کردن، ورق بازی، بازی مافیا، خیابان‌گردی با اتومبیل، رفتن به کافی‌شاپ و همچنین استعمال دخانیات و استفاده از داروهای آرام‌بخش مثل قرص ترامادول و شربت اکسپکتورانت اشاره کرد.

1. Focus group

نکته اینجا بود که تقریباً تمامی پاسخگویان ترکیبی از این فعالیت‌ها را در گذران اوقات فراغت خود در نظر می‌گیرند و تنها بسته به نوع رشته و دانشگاه یکی از آنها پررنگ تر می‌شود. اما نکته اینجاست که هیچ یک از آن فعالیتها، جدا از آنچه تا پیش از دوران دانشجویی بدان می‌پرداختند نیست، با این تفاوت که دوران دانشجویی امکانی برای افزایش سرمایه‌های فرهنگی آنها به وجود آورده است.

یکی از پاسخگویان در این مورد گفت: «اگر کسی تا پیش از ورود به دانشگاه به تماشای فیلم یا گوش دادن به موسیقی علاقمند باشد پس از فارغ التحصیلی مسلماً آرشیو چشم‌گیری از انواع فیلم و آلبوم‌های موسیقی خواهد داشت که در اوقات فراغت خود به جمع‌آوری‌شان پرداخته است، در واقع این اوقات فراغت باعث افزایش سرمایه فرهنگی آنها بوده است (پسر، 21ساله، جامعه‌شناسی، کارشناسی).

از دانشجویان این سوال پرسیده شد که اگر امروز یک روز تعطیل باشد تصمیم می‌گیرند در آن به چه کاری مشغول شوند. برخی از پاسخها از این قرار بود:

1: اگر از قبل برنامه‌ریزی کرده باشم ترجیح می‌دهم روزهای تعطیل به کوه بروم. (دختر، 23سال، کارشناسی، ارتباطات)

2: چون تنها زندگی می‌کنم معمولاً روزهای تعطیل برای کل هفته خرید و آشپزی می‌کنم یا به مکان‌هایی می‌روم که در طول هفته فرصت رفتن به آنجا را پیدا نمی‌کنم مثل موزه هنرهای معاصر (دختر، 20ساله، کارشناسی معماری).

3: من آخر هفته‌ها دلم می‌گیره و حوصله هیچ کاری ندارم به خاطر همین فقط شاید چند ساعت پیاده‌بی‌هدف روی می‌کنم تا شاید یک چیز متفاوت پیدا کنم و چون پیدا نمی‌کنم بیشتر دلم می‌گیره و به خوابگاه بر می‌گردم (دختر، 22ساله، کارشناسی پژوهش).

4: حتماً حداقل تا ساعت 11 می‌خوابم، بعد از آن هم بیشتر وقتم را یا با تلفن صحبت می‌کنم یا با دوستانم گپ می‌زنم، بعد دوباره دراز می‌کشم و فکر می‌کنم (دختر، 21ساله، کارشناسی پژوهشگری).

5: چون اساساً احساس می‌کنم که کلاً در اوقات فراغت به سر می‌برم، روزهای تعطیل و غیر تعطیلیم با یکدیگر فرقی نمی‌کنند، فقط چون ترافیک کمتر است به همراه دوستانم با اتومبیل خیابان گردی می‌کنیم و بعد به یک کافی شاپ می‌رویم و ساعتها گپ می‌زنیم و البته سیگار می‌کشیم (پسر، 20 ساله، کارشناسی پژوهش).

6: برای من هیچ چیز مشخصی با عنوان فراغت وجود ندارد، به همین دلیل در روزهای تعطیل هم به همان کارهایی فکر میکنم که در روزهای عادی می‌کنم، مثلاً نقاشی می‌کشم یا برای رفتن به جاهایی که در روزهای هفته فرصت رفتنش را نداشته‌ام برنامه ریزی می‌کنم، مثل رفتن به موزه هنرهای معاصر که در طول هفته نمی‌توانم بروم اما نکته اینجاست که اینها را جزء فراغت خودم محسوب نمی‌کنم، کارهایی است که باید انجام دهم. (دختر، 24 ساله، کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی).

7: بیشتر با دوستانم قرار می‌گذارم با اتومبیل خیابان گردی کنیم، با صدای بلند موزیک گوش کنیم، پارک برویم و با صدای بلند بخندیم (پسر، 21 ساله، کارشناسی جامعه‌شناسی).

8: چون تأثیر رفتن هزینه و وقت زیادی می‌طلبد و معمولاً فیلم جالب توجهی هم اکران نیست، بیشتر ترجیح می‌دهیم به رستوران برویم و غذا بخوریم (دختر، 23 سال، کارشناسی، ارتباطات).

یکی از مسائل اصلی دانشجویان در پر کردن اوقات فراغتشان مشکلات موجود در رفتن به سینما و تئاتر بود. درباره تئاتر مسائل مالی و دشواری تهیه بلیط و ساعت اجرای آن که با احتساب ترافیک تا دیر وقت به طول می‌انجامد و در مورد سینما کیفیت نازل فیلمهای بر پرده را به عنوان مهمترین مانع دانستند، برخی نیز اظهار می‌کردند که از این شرایط دچار ناراحتی و افسردگی می‌شوند.

بسیاری از آنها به ترجیح می‌دادند به جای آنکه ساعتها وقت خود را در صف‌های تئاتری که نمی‌دادند چه حاصلی دارد تلف کنند یا اینکه برای تماشای فیلمهای نازل بر پرده وقت و هزینه بگذارند به رستوران یا کافی شاپ بروند که می‌دانند بین هزینه‌ای که صرف می‌کنند و حاصلی که به دست می‌آورند هماهنگی

وجود دارد. علاوه بر این تمامی آنها ترجیح می دهند در خانه یا خوابگاه و فیلم ببینند ، به غیر از فیلمهای خارجی روز که معمولا تماشا می کنند ، فیلمهای ایرانی را نیز در خانه دنبال می کنند.

بسیاری از دانشجویان مخصوصا دانشجویان ساکن خوابگاه بیشتر اوقات فراغت خود را به صحبت کردن با هم اتاقی ها و دوستان خود سپری می کنند چرا که به زعم خودشان در خوابگاه هیچ کس حتی از امکاناتی که وجود دارد نیز استفاده نمی کند. به همین دلیل کندوکاو در زندگی سایرین به مهمترین تفریح و حتی مسئله آنان برای پر کردن اوقات فراغت به شمار می رود. یکی از پاسخگویان در این مورد گفت: « در خوابگاه هیچ چیز به اندازه سرک کشیدن در زندگی سایرین جالب توجه نیست . نکته اینجاست که هرچند امکانات ورزشی بسیاری هم در اختیار همه است اما هیچ کس از آنها استفاده نمی کند و به جای آن به سر در آوردن از زندگی دیگران می پردازد . حالا یا همه از هم سوال می کنند یا برای هم خاطره تعریف می کنند و یا به گفتگوهای تلفنی یکدیگر گوش می کنند.(دختر، 20 ساله، کارشناسی معماری)

پارک رفتن نه تنها برای پسران که یکی از تفریحات اصلی دختران دانشجو نیز به شمار می رود، البته این امر به همراه آرایش کردن به یکی از اصلی ترین کارهایی تبدیل می شود که آنان در اوقات فراغت خود انجام می دهند.

«عمده فعالیت دختران ساکن پانسیون دانشجویی که من در آن ساکن هستم آرایش کردن به بهانه پرسه زدن در پارک است که ساعتها وقت آنها را به خود مشغول می کند، البته تعریف ماجراهای گوناگون رخ داده در آن پرسه گردی های روزانه پس از بازگشت در جمع گروه های دوستی نیز بخش مهم دیگری از اوقات فراغت آنان را به خود اختصاص می دهد (دختر، 27 ساله، کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی).

پیرامون محور دوم گفتگو یعنی امکانات فراغتی درون دانشگاه و خوابگاه نیز دانشجویان، سلف غذاخوری و بوفه دانشگاه که امکان نشستن و گفتگوی دوستانه را فراهم می کند مهمترین امکان رفاهی آن دانستند

که بیشترین اوقات فراغت خود و مخصوصا ساعات بین دو کلاس را در آن سپری می کنند. البته گوش دادن به موسیقی نیز از عمده ترین فعالیتهایی است که در ساعات فراغت خود بدان می پردازند.

«معمولا در تمام ساعات بیکاری و فاصله بین دو کلاس به طور مداوم موسیقی گوش می کنیم تا جایی که گاهی اوقات گروهی در انجمنی که تشکیل دادیم دور هم می نشینیم با همدیگر موسیقی گوش می کنیم.» (پسر، 21 ساله، کارشناسی جامعه شناسی).

حضور در انجمنها و تشکلهای دانشجویی از دیگر امکانات فراغتی است که دانشجویان بسیاری از ساعات فراغت و وقتیهای آزاد خود را در آنجا سپری می کنند. این انجمنها امکان جمع شدن دانشجویان کنار یکدیگر و بحث و گفتگو میان آنها را فراهم می کند. بسیاری از دانشجویان معتقد بودند که این انجمنها در واقع پاتوقی برای گروههای دوستی مختلف به شمار می رود که امکان گپ زدنهای فردی و گروهی را فراهم می کند.

سیگار کشیدن مخصوصا برای پسران دانشجو از عمده فعالیتهایی به شمار می رود که در زمان فراغت از کلاس بدان مشغول می شوند. نکته اینجاست که چون سلف دانشگاه اجازه سیگار کشیدن را به آنها نمی دهد، آنها از حیاط دانشگاه و مخصوصا حیاط پشتی دانشگاه برای این کار استفاده می کنند. در ضمن بسیاری از خیابان گردی ها با اتومبیل و یا پیاده روی ها و کافی شاپ رفتن ها به انگیزه سیگار کشیدن اتفاق می افتد.

«از وقتی در سلف دیگر اجازه سیگار کشیدن نداریم، مجبوریم بیشتر به کافی شاپ برویم چون سیگار در فضای بسته لذت بخش تر است. البته اگر وقت زیادی نداشته باشیم از حیاط پشتی دانشگاه استفاده می کنیم.» (پسر، 20 ساله، کارشناسی پژوهش).

«چون دختران در خوابگاه و محوطه بیرونی دانشگاه اجازه سیگار کشیدن ندارند، ما هم از حیات پشتی دانشگاه برای این کار استفاده می کنیم، به نوعی که این کار دیگر به نوعی عرف تبدیل شده و آن محوطه پاتوق سیگاریها به شمار می رود.» (دختر، 22 ساله، کارشناسی پژوهش).

در خوابگاه‌ها مزاحم تلفنی شدن و ساعتها با فرد ناشناس گفتگو کردن از عمده فعالیت‌هایی است که در زمان فراغت انجام می‌شود.

«مزاحم تلفنی شدن درست مثل چت کردن که امکان حضور با هویت ناشناس را برای کاربران فضای مجازی فراهم می‌کند، در خوابگاه مورد توجه قرار می‌گیرد. به نوعی که بسیاری از دانشجویان ساعتها با افرادی که نمی‌شناسند پای تلفن صحبت می‌کنند و گاهی اوقات این صحبتها به دیدار و یا دوستی‌هایی هم منتهی می‌شود که معمولا سرانجام خاصی ندارد.» (دختر، 22 ساله، کارشناسی پژوهش).

در بررسی امکانات فراغتی خوابگاهها نکته اینجا بود که بسیاری از دانشجویان معتقد بودند، امکانات ورزشی و سالن نمایش و اتاقی مخصوص دانشجویان موسیقی برای تمرین ساز در خوابگاه وجود دارد ولی کسی از آن استقبال نمی‌کند. به عنوان مثال از فیلمهای به نمایش درآمده در سالن نمایش فیلم آنقدر استقبال نشد که این برنامه تعطیل شد. البته بسیاری از دانشجویان گسترش امکان دسترسی آسان به فیلمهای روز خارجی و بدون سانسور را مهمترین دلیل عدم استقبال از سالنهای نمایش فیلم عنوان کردند. «من معمولا شبی دو ساعت در سالن ورزشی خوابگاه بدمینتون بازی می‌کنم، اما هیچ شبی به غیر از من و هم بازی ام یا حداکثر دو نفر دیگر کسی را در سالن نمی‌بینم، چون معمولا کسی حوصله استفاده از این امکانات را ندارد.» (دختر، 21 ساله، کارشناسی پژوهشگری).

«من اینقدر در طول روز کار کرده ام که وقتی به خوابگاه می‌رسم دیگر انرژی و حوصله ای برای ورزش کردن ندارم.» (دختر، 22 ساله، کارشناسی پژوهش).

از اساسی‌ترین چالش‌های دختران خوابگاهی در انتخاب سبکهای فراغتی خود محدودیت زمان ورود و خروج به خوابگاه بود به گونه ای که این محدودیت آزادی انتخاب را از آنها دریغ می‌کند.

«بسیاری از مواقع بوده که می‌خواستیم با دوستانمان صبح زود برویم کوه یا مسافرت‌های یک روزه، اما چون زودتر از ساعت شش نمی‌توانیم از خوابگاه بیرون بیاییم و قبل از ساعت هشت و نیم هم باید

برگردیم، اجرای چنین برنامه هایی برایمان عملی نبوده چون اگر بخواهیم ترافیک را هم در نظر بگیریم، حتما تاخیر ورود خواهیم خورد.» (دختر، 23 ساله، کارشناس پژوهش)

«یکی از دلایلی که امکان رفتن به سینما یا تئاتر و حتی کلاس های آموزشی خاص را برای ما محدود می کند همین محدودیت ساعتهای ورود و خروج است. چون بسیاری از مواقع بعد از اتمام کلاس تا بخواهیم برویم و برگردیم مسلما ساعت از هشت و نیم شب می گذرد.» (دختر، 22 ساله، کارشناسی). از این روست که مهمترین پیشنهاد دختران خوابگاهی برای افزایش امکانات فراغتی از میان برداشتن ساعت ورود و خروج به خوابگاه بود.

تنوع بخشی به اردوهای دانشجویی و تشکیل باشگاههای ایرانگردی از دیگر راهکارهایی بود که توسط پاسخگویان مطرح شد. «در دانشگاه تا دلتان بخواهد اردوهای زیارتی مثل قم و جمران وجود دارد ... اگر در این سفرهای داخلی تنوع سلیق هم در نظر گرفته شود مسلما تعداد زیادی از دانشجویان از آن استقبال خواهند کرد. چون سفرهای داخلی با هزینه شخصی تقریبا برای دانشجویان هم از لحاظ هزینه و هم امنیتی غیر ممکن است.» (دختر، 22 ساله، کارشناس معماری).

یکی از مهمترین نکاتی که در این زمینه مطرح شد باز بودن درهای چنین باشگاههایی برای دانشجویان و افراد بیرون از دانشگاه است که فضای ارتباط دانشجویان را گسترش بخشد و به آنها انگیزه حضور بیشتر ببخشد.

«رفتن به سفری که تمام همسفرانم را در طول دوران تحصیل هم دیده ام برایم جذابیت چندانی ندارد ... بهتر است تا امکان حضور دختران و پسران کنار یکدیگر و همچنین افراد بیرون از دانشگاه هم در این اردوها فراهم شود.» (دختر، 20 ساله، کارشناسی معماری).

بسیاری از دانشجویان معتقد بودند که امکانات فراغتی باید در پاسخ به نیازهای آنها در نظر گرفته شود که اگر این طور باشد مسلما میزان مشارکت هم افزایش خواهد یافت.

مشکلات مالی یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی بود که دانشجویان در انتخاب فعالیت‌های فراغتی با آن روبرو بودند. به همین دلیل بسیاری پیشنهاد کردند که برای استفاده از امکانات فراغتی موجود در سطح شهر تسهیلاتی برای استفاده دانشجویان در نظر گرفته شود، مثلاً در نظر گرفتن تخفیف‌های دانشجویی برای سفرهای بین شهری و خارجی و همچنین تئاتر و سینما و موزه در تمام روزهای هفته نه فقط یک روز به خصوص.

اطلاع رسانی گسترده‌تر برای استفاده از امکانات فراغتی موجود نیز از دیگر راهکارها بود. «خیلی از مواقع امکانات بسیار زیادی وجود دارد اما چون اطلاع رسانی مناسبی صورت نمی‌گیرد کسی از وجود آن امکان با خبر نمی‌شود. مثلاً دانشگاه تهران تخفیف بسیار زیادی برای دانشجویان تمامی دانشگاه‌ها قائل می‌شود اما هیچ‌کس از این امکان اطلاعی ندارد.» (پسر، 21 ساله، کارشناسی پژوهش).

فصل هشتم: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در پژوهش حاضر، هدف به دست دادن وضع موجود فراغت دانشجویان کشور بر اساس قرارگیری فعالیت‌های فراغتی آنان در قالب سبک‌های فراغتی بوده است و به این منظور تلاش شد که با مقوله‌بندی این فعالیت‌ها در هشت سبک زندگی فراغتی و توصیف آنها، این امر به صورتی معین نشان داده شود. تهیه این مقوله‌بندی کمک می‌کند تا نحوه رفتار دانشجویان در نسبتی علمی با هم سنجیده شود و امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این زمینه فراهم شود. برای بسندگی معنایی تحقیق - که به صورت پیمایش از طریق پرسشنامه کتبی با حدود 7476 نمونه از جمعیت آماری صورت گرفت - از روش‌های کیفی مصاحبه و مصاحبه گروهی متمرکز استفاده شد. البته لازم به توضیح است که نحوه مواجهه با فراغت و مصرف کالاها و نحوه رفتار فراغتی و شکل‌گیری سبک زندگی - که از عوامل اصلی برساخت هویت اجتماعی جوانان دانشجویست - نیازمند تحقیقی دیگر است.

پاسخ به سوالات اصلی تحقیق که در طرحنامه پژوهشی مطرح شده بودند در لابلای توصیف یافته‌های یک متغیره و دو متغیره آمده است. لکن پرسش اساسی همچنان باقی می‌ماند که در همه این اطلاعات چه مولفه مشترکی می‌توان یافت. برای پاسخ دادن به این پرسش لازم است که به ابعادی فراتر از محدوده دانشگاه نظر افکنده و دانشگاه را در متن جامعه ملاحظه کنیم.

زمینه اجتماعی دانشجویان

با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که ترکیب جمعیتی دانشگاه‌های کشور بسیار جوان است. این امر از سویی با توجه به روند گسترش آموزش عالی در سطح کشور و پی‌گیری این سیاست در برنامه‌های توسعه‌ای کشور قابل پیش‌بینی است. اما امری که در این حالت واقع می‌شود گره خوردن مسایل جوانان و دانشگاه است. در اینجا مطالبات دانشجویان و مطالبات جوانان به صورتی هم‌افزا باعث می‌شود که دانشگاه به محلی برای بروز و ظهور خواسته‌های بخش گسترده‌ای از جمعیت فعال کشور بدل شود.

این مسئله وقتی صورت دیگر خود را می‌نماید که به یافته دیگری در این حوزه رجوع کنیم. 83.4 درصد از دانشجویان پاسخگو مجرد بوده‌اند. نکته مهمتر آن است که دانشجویان مجرد در سن 17 تا 22 سالگی که بیشترین حجم از جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. در اصل در سن ازدواج قرار دارند و به همین سبب طبیعی است که دانشجویان در دوره تحصیل خود با تناقضی ناشی از فراگیر شدن آموزش عالی روبرو شوند: از یک سو فرد در سن ازدواج قرار گرفته و آماده تشکیل خانواده است و از سوی دیگر به واسطه طولانی شدن دوره تحصیل از این امر محروم می‌شود. زیرا طولانی شدن آموزش عالی موجب می‌شود که فرد دیرتر به بازار کار جذب شده و امکان استقلال مالی در سن ازدواج را از دست بدهد. در عین حال، سویه دیگر این امر آن است که دوره تحصیل امکان آشنایی و برخورد با جنس مخالف - که در نظام آموزش و پرورش از آن ممانعت به عمل آمده است - بار دیگر فراهم شود. این حوزه آشنایی و ایجاد رابطه - به شکل دوستی یا نامزدی - در تحقیق حاضر با اختلاف کمی به اندازه دانشجویان متاهل است. در اینجا به

نظ
می‌رسد که مسئله‌ای اجتماعی در دانشگاه‌ها به صورتی پیچیده‌تر رخ می‌نماید.

نکته دیگر در این زمینه میزان هزینه - محل تامین هزینه و وضعیت اشتغال است. با توجه به اینکه 79 درصد از دانشجویان غیرشاغل‌اند و هزینه 87/3 درصد از ایشان را خانواده‌هایشان تامین می‌کنند و از سوی دیگر با توجه به اینکه میزان بالایی از ایشان یعنی 72.9 درصد با صرف هزینه‌ای کمتر از 100.000 تومان در ماه زندگی می‌کنند، می‌توان گفت که به نسبت هزینه دانشجویان با توجه به هزینه‌های معمول از قبیل تهیه کتاب و نوشت افزار و امور مرتبط با تحصیل و نیز هزینه‌های جانبی زندگی دانشجویی - بالاخص در خوابگاه‌ها - زیاد بوده و به این ترتیب میزان چندان از این هزینه صرف فعالیت‌های فراغتی و فرهنگی نمی‌شود. این امر با توجه به نتایج یافته‌ها در بخش‌های دیگر که نشان می‌دهد فعالیت‌های فراغتی " هزینه بر " چندان محل توجه دانشجویان نیست قابل توجه است.

در عین حال گویا سیاست‌های بومی سازی دانشجویان نیز تا حد زیادی موفقیت آمیز بوده و نزدیک به 40.3 درصد از دانشجویان در کنار خانواده خود زندگی می‌کنند. تبعات این امر علاوه بر کاهش دغدغه‌ها و مشکلات روحی روانی دانشجویان، نظارت بیشتر خانواده بر اعمال دانشجویان و به این ترتیب حفظ دانشجویان در حریم هنجارهای خانوادگی است. البته باید توجه کرد که در بررسی تطبیقی فعالیت‌های فراغتی هنجار گریز - از جمله در مصرف مواد و شرکت در مجالس خطرناک - می‌توان تا حد زیادی به عملکرد نقش خانواده در زندگی دانشجویان نیز پرداخت.

آخرین نکته در زمینه اجتماعی سیمای نمونه دانشجویی آن است که در صورتی که داده‌ها به شکل تفکیکی در نظر گرفته شوند می‌توان در تلفیق هزینه - رشته تحصیلی - وضعیت اشتغال به نوعی طبقه‌بندی بوردیویی از سرمایه‌های کلی در هر یک از مواد خاص مثلاً برحسب رشته تحصیلی رسید.

مصرف امکانات فراغتی: رضایت یا نارضایی؟

با نگاهی به یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر مشخص است که دانشجویان در "وضعیتی متناقض"، از امکانات فراغتی موجود در دانشگاه‌های خود به میزان کم استفاده می‌کنند و اصولاً از این امکانات احساس رضایت ندارند و در عین حال معتقدند که دانشگاه‌های محل تحصیل ایشان از امکانات فراغتی برخوردار نیستند. یک جنبه این امر آن است که سلیقه و علایق دانشجویان در انتخاب امکانات فراغتی با آنچه که مسئولان دانشگاه‌ها برای ایشان فراهم کرده‌اند ناهمخوانی دارد. جنبه دیگر آن عدم امکان جذب دانشجویان در استفاده از فضا و امکانات فراغتی فراهم شده در دانشگاه است. فی‌المثل مشاهده می‌شود که امکان فراغتی فضای سبز در دانشگاه‌ها بیشترین میزان 45.2 درصد را دارد، اما آیا دانشجویان از این امکان برای گذران فراغت خود استفاده می‌کنند یا بیشتر متمایل به استفاده از فعالیت‌های فرهنگی و هنری خوابگاه‌هایند که تنها 10.1 درصد از امکانات را شامل می‌شود. با توجه به اینکه استفاده از فضای سبز جنبه‌های چندی از جمله فراغت به منظور سلامت (از حیث ورزش و قدم زدن در هوای سالم و فضای

مطبوع) و امکان برقراری ارتباطات دوستانه و امثالهم دارد، شاید دانشجویان بیشتر متمایل‌اند که این امکانات را در خارج از محیط دانشگاه تجربه کنند و در عوض به بحث و بررسی پیرامون مباحثی بپردازند که اختصاصاً در دانشگاه امکان عرضه پیدا می‌کنند. در هر حال در این میان چندین موضوع را نباید از یاد برد که از همه مهمتر کمبود کامپیوتر و امکان دسترسی به سایت اینترنتی در خوابگاه‌ها است که بخش قابل توجهی از پاسخگویان معتقدند این امکان در دانشگاه ایشان کم است یا اصلاً وجود ندارد. مشخص است که کامپیوتر وسیله‌ای برای تولید و مصرف علم در حد قلم و کاغذ در چندین سال گذشته است و این کمبود بسیار واضح به نمایش درآمده است. دسترسی به یافته‌ها و مقالات و منابع روز دنیا از طریق اینترنت ممکن خواهد شد که در وضع فعلی اندک است. نکته قابل توجه دیگر آن است که حدود 44.4 درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که اصلاً دارای تشکلهای و انجمن‌های سیاسی نیستند و 38.7 درصد این میزان را کم دانسته‌اند. چه این پاسخ از سر ناآگاهی پاسخگویان از وجود چنین انجمن‌هایی باشد و چه ناشی از عدم وجود این انجمن‌ها، نتیجه یکی و آنهم سیاست‌زدایی از دانشگاه‌هاست. به نظر می‌رسد تبعات این امر دو چیز است که هر دو در قالب خواسته‌های نهاد دانشگاه نخواهد بود. اول آنکه امکان دارد دانشجویان به عناصری غیرسیاسی بدل شوند و به این ترتیب بخش عمده‌ای از جمعیت فعال و تاثیرگذار اجتماعی در صحنه فعالیت‌های سیاسی از دست خواهد رفت. دوم آنکه ممکن است دانشجویان این بخش از فعالیت‌های خود را به خارج از دانشگاه منتقل کنند که در این حالت امکان نفوذ عوامل سیاسی خارج از دانشگاه در فعالیت‌های سیاسی دانشجویان افزایش می‌یابد و در هر دو صورت نشاط سیاسی از دانشگاه رخت می‌بندد. جایی که این امر خود را به رخ می‌کشد در وجود مجلات و نشریه‌های دانشجویی است که توقع می‌رود بخش عمده‌ای از آن به بررسی‌های سیاسی - صنفی معطوف باشد. در این حالت با نبود 26.9 درصد این مجلات در سطح دانشگاه‌های کشور و 51.8 درصد حضور کم‌رنگ آنها مشخص است که سوئیه سیاسی‌زدایی دانشگاه‌ها تا حدی اتفاق افتاده است. این میزان در خوابگاه‌ها که امکان تعامل بیشتری بین

دانشجویان از حیث فضای ارتباطی وجود دارد (هر چند یعنی از دانشجویان را در برمی گیرد) برابر با 47.4 نبود و 41 درصد کمبود این مجلات است که بسیار بیشتر از موارد مشابه در دانشگاه‌هاست.

از دیگر یافته‌های حائز توجه این پژوهش، نبود 12.8 درصد کتابخانه و فضای مطالعه کافی (برحسب نظر دانشجویان) در دانشگاه‌هاست که به راستی جای تامل دارد، چرا که به نظر می‌رسد ملازمت این دو با یکدیگر (دانشگاه - کتابخانه و سالن مطالعه) نیاز به برهان ندارد. و دیگری نبود 38.2 درصد کانون و مراکز مذهبی در دانشگاه‌هاست که اگر با حضور کمرنگ 38.1 درصد لحاظ شود، در آخر نوعی حذف این مراکز در دانشگاه‌ها، به رغم توجه نظام به گسترش ابعاد مذهبی دانشگاه‌ها مشاهده می‌شود.

می‌توان بحث مذکور را به امکانات ورزشی دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها نیز گسترش داد. در نگاه دانشجویان، 31.7 درصد دانشگاه‌ها فاقد فضا و امکانات ورزشی و 32.6 درصد خوابگاه‌ها نیز فاقد این امکانات‌اند. بنابراین اگر هدف نظام، پرورش دانشجویانی است که «ورزش کنند، خوب درس بخوانند و در زمینه‌های سیاسی هوشیار باشند» (مقام معظم رهبری) لازم است که میزان امکانات فراغتی و کمک آموزشی در حوزه‌های مذکور به نسبت بسیار افزایش یابد. یعنی الف) در بعد ورزش از 18.8 درصد و در بعد کتابخانه و سالن مطالعه از 41.2 درصد و در بعد شکل‌ها و انجمن‌های سیاسی از 16.9 درصد در دانشگاه‌ها و با همین حد و حدود و با تفاوتی اندک در خوابگاه‌ها به حد قابل قبولی از نظر نظام فرهنگی کشور برسد.

وضعیت برخورداری از کامپیوتر در دانشگاه‌ها تقریباً در بین همه دانشگاه‌های مورد بررسی در یک حد و اندازه است و فقط دانشگاه‌های علم و فرهنگ، کردستان و مازندران در گزینه زیاد از میزان برخورداری کمتر از 35 درصد ظاهر شده‌اند که علت آن شاید تازه تاسیس بودن دانشگاه‌های علم و فرهنگ و کردستان نیز باشد. اما در هر حال تاکید دانشجویان بر برخورداری کم از این امکان در حدودی بالای 50 درصد در تقریباً همه دانشگاه‌ها نشان از نوعی مشکل در استفاده از ابزارهای ضروری کمک آموزشی در سطح دانشگاه‌های کشور دارد.

اردوهای علمی و تفریحی در اصل ابزاری برای دانشجویان است تا به کمک آن امکان کاربرد آموخته‌های خود را در سطح جامعه ببینند. این امر همه در حوزه صنعت و معدن و پزشکی و هم در حوزه علوم انسانی قابل تجربه است. در عین حال نباید از جنبه آموزشی این اردوها نیز غافل بود. هر چند این جنبه‌ها عموماً مغفول واقع می‌شوند و اردوهای مذکور بدل به امکانی برای سفرهای ارزان دانشجویی در می‌آیند اما تبعات این سفرها نیز که شامل افزایش روحیه گروهی و همیاری و ایجاد ارتباطات سالم و بحث و بررسی گروه دوستان و همسالان است خود امری ارزشمند شمرده می‌شود. جدا شدن از فضای یکنواخت دانشکده‌ها برای مدتی محدود نیز به جذابیت این گونه فعالیت‌ها می‌افزاید ولی مشاهده می‌شود که براساس یافته‌های پژوهش حاضر فقط دانشگاه زنجان با 41/1 درصد حد بالایی از برگزاری این اردوها را به میزان زیاد به نمایش می‌گذارد و دیگر دانشگاه‌ها به تقریب کمتر از حدود 15 درصد دانشگاه‌ها به میزان زیاد مبادرت به برگزاری این اردوها می‌کنند و میزان عدم وجود این امکان فراغتی در دانشگاه‌ها به تقریب حدود 40 درصد است. می‌توان گفت که سپردن برگزاری این گونه اردوها به مراکز صنفی دانشجویی و استفاده از توان خودجوش دانشجویان در این زمینه می‌تواند نقش زیادی در رضایت دانشجویان از برنامه های فراغتی خود داشته باشد.

در زمینه امکانات ورزشی ملاحظه می‌شود طبق نظر دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ، این دانشگاه فاقد امکانات ورزشی است (74/5 درصد دانشجویان) و از این نظر این دانشگاه، کمترین میزان در بین دانشگاه‌های کشور را از حیث برخورداری از فضا و امکانات ورزشی دارد که شاید علت آن غیرانتفاعی بودن و غیردولتی بودن این دانشگاه باشد که امکان تهیه زمین و استفاده از آن برای تهیه چنین فضاهایی را محدود ساخته باشد در عین حال در این خصوص لازم است که وضعیت ساختمان و ساخت دانشگاه نیز در نظر گرفته شود. شاید وجود مقدار زیاد زمین در دانشگاه سیستان و بلوچستان عاملی باشد که بیشترین حد فضا و امکانات را شامل شده است. در این میان دانشگاه ماندران، زنجان و یزد از میزان کمی از این امکان برخوردارند.

در زمینه مجله و نشریات ملاحظه می‌شود که دانشگاه فردوسی مشهد و سیستان و بلوچستان برخورداری بیشتری (نزدیک 30 درصد زیاد و 50 درصد کم) دارند. آیا این امر با فعالیت‌های سیاسی محور در این دانشگاه ارتباط دارد؟ ملاحظه می‌شود که کلاً وضع این گونه فعالیتها در حدود 50 درصد به میزان کم قرار گرفته است و به همین سبب یکنواختی آن در سطح هم دانشگاه‌ها نشان از رویکرد یکسانی دارد. در این میان فقط دانشگاه‌های سیستان و بلوچستان و زنجان‌اند که به حد زیادی 58/8 درصد نبود این گونه فعالیت‌ها را تجربه می‌کنند. آیا رابطه‌ای بین این فعالیت‌ها و افرادی که این گونه سبک زندگی (هنری محور) دارند برقرار است؟ این امر درباره وضع فعالیت فرهنگی هنری برحسب دانشگاه‌ها هم صادق است. این دو گونه مطالب است که توجه به طبقه‌بندی سبکی گذران فراغت را معنادار می‌سازد.

نکته قابل توجه در زمینه استفاده از کانون‌های مذهبی در دانشگاه‌ها آن است که به تقریب بیش از 30 درصد دانشگاه‌ها اصلاً مورد استفاده‌ای از کانون‌های مذهبی ندارند. این امر ضمن این که نیاز به تعریف کانون‌های مذهبی را مهم می‌کند در عین حال، در صورتی که لازم باشد فعالیت‌های مذهبی در شکل کانون و شکل‌های مذهبی در دانشگاه‌ها شکل بگیرد، لازم است که این کمبود مدنظر قرار گیرد. در عین حال لازم است دانسته شود که این میزان از حضور کانون‌های مذهبی در دانشگاه‌ها با سبک زندگی مذهبی محور ملازمتی دارد یا نه و اصولاً آیا دانشجویان علاقه‌مند به اجرای مناسک مذهبی در قالب کانون‌ها هستند یا نه. افزایش آگاهی‌های عمومی خصوصاً در حوزه‌های اجتماعی - سیاسی با کمک ابزارهایی در حوزه عمومی ممکن می‌شود که یکی از آنها برگزاری سمینارها و سخنرانی‌هایی در محیط‌های خاص - به ویژه دانشگاه - است که به تناسب مخاطب مطالب شکل گرفته و طرح می‌شود. در یک نگاه کلی به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت 50 درصد از پاسخگویان معتقدند که این امر در دانشگاه‌های ایشان به میزان کم واقع می‌شود. در این حالت اگر قرار باشد که "دانشگاه مبداء تحولات باشد" و با توجه به این که لازم است که این تحولات با آگاهی صورت گیرد، می‌باید میزان مشارکت در این زمینه تا حد بسیاری افزایش یابد. آیا

رابطه معناداری بین میزان بالای سخنرانی 30/7 درصد در دانشگاه فردوسی مشهد و میزان مجلات و میزان

کارسیاسی وجود دارد؟ دانشگاه مازندران چرا در همه زمینه‌ها پایین است؟

نکته قابل توجه عدم استفاده 50 درصد از پاسخگویان از شکل‌ها و انجمن‌های سیاسی در دانشگاه‌هاست البته بنا به خاصیت هر یک از دانشگاه‌ها این میزان متغیر بوده و ذائقه پاسخگویان نیز در این امر بی‌تأثیر نیست. فی‌المثل در دانشگاه امیرکبیر این میزان با 26/4 درصد از پاسخگویان که گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند بالاتر از بقیه است، ولی در دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان این رقم در این گزینه به صفر رسیده 93/8 درصد از پاسخگویان اصلاً از اینگونه شکل‌ها استفاده نمی‌کنند؟

دسترسی رسانه‌ای نیز در دانشگاه‌ها بسیار کم است. به قسمی که اکثر پاسخگویان در دانشگاه‌ها معتقدند که دسترسی به رسانه‌ها از جمله تلویزیون در دانشگاه‌هایشان «اصلاً» ممکن نیست، ولی دسترسی به کامپیوتر و اینترنت را در حد کم گزارش کرده‌اند. این امر البته از سویی طبیعی است که برای کاربردهای آموزشی دسترسی به فضای اینترنت بیشتر بوده، ولی دسترسی رسانه‌ای محدود شود. در عین حال نباید از یاد برد که با توجه دیگر امکانات فراغتی از جمله نمایش فیلم، تالار اجتماعات و فضای سبز و علاقه دانشجویان به تماشای فیلم و مصرف تلویزیون می‌توان با تقویت این امکانات در سطح دانشگاه‌ها پاتوق‌های دانشجویی را در سطح دانشگاه‌ها گسترش داد. ایده حضور دانشجویان در دانشگاه و گذران فراغت در دانشگاه و تمرکز بر آن می‌تواند پاسخگوی نیاز دانشجویان بوده و در عین حال امکان سیاستگذاری را نیز بیشتر کند. دانشگاه می‌تواند به کمپینی برای گذران اوقات فراغت بدل شود و از این طریق با استفاده از فضا و امکانات دانشگاه در طول تعطیلات یا ساعات غیر اداری، مدیریت برنامه‌های فراغتی و "زمان دانشجویی" امکان بیشتری می‌یابد. برخی از دانشگاه‌های بزرگ مانند دانشگاه تهران، تبریز، فردوسی مشهد و... فرصت مناسبی برای فراغتی سازی یا تفریحی سازی فضای دانشگاه دارند که متأسفانه تاکنون از همه توانهای آن به نحو مطلوبی استفاده نشده است.

همه این موارد را می‌توان به نتایج یافته‌های خوابگاهی نیز بسط داد. ملاحظه می‌شود که در پاسخ به میزان استفاده از امکاناتی مثل کانون‌های مذهبی در دانشگاهی مثل تهران 42/7 درصد پاسخگویان اصلاً از این مراکز استفاده نمی‌کنند.

البته همه این موارد را می‌باید با زمان فراغتی که دانشجویان برای خود لحاظ کرده‌اند در نظر آورد. باتوجه به توزیع زمانی فراغت دانشجویان، حاصل از یافته‌های تحقیق حاضر، مشخص می‌شود که بیشترین دانشجویان کشور حدود 4 ساعت زمان فراغت در طول روز در اختیار دارند که اگر این تراکم را با توزیع آن در طول روز در نظر آوریم مشخص می‌شود که این میزان از زمان در بازه 16 تا 20 قرار دارد. این امر با تحقیقات پیشین نیز همخوان است: نتایج تحقیق بهرام (1367) نشان می‌دهد که میزان اوقات فراغت دانش آموزان به طور متوسط 4 ساعت در روز است و تحقیق مهدی‌پور (1372) زمان فراغت دانشجویان را بین 3 تا 5 ساعت در روز بیان می‌نماید. شاید لازم باشد که در خصوص سیاستگذاری برای اوقات فراغت دانشجویان و سامان‌دهی به آن محدوده زمانی خاص در نظر گرفته شود و به احتمال عدم توجه به این امر سبب شده است تا فعالیت‌هایی فراغتی خاصی با کاهش استقبال روبه‌رو شوند. بدیهی است که این بازه زمانی 16 تا 20 شب برنامه‌هایی خاص را می‌طلبد و در برنامه ریزی "اوقات فراغت روزانه" میزان ساعت و موقعیت روز دانشجویی نیز باید لحاظ شود. این به "فراغت روزانه" دانشجوی بر می‌گردد. اما دانشجوی علاوه بر فراغت روزانه، فراغت آخر هفته، آخر ماه، بین ترم، تعطیلات نوروز و تعطیلات تابستان را نیز دارد که برای هر یک متناسب با شرایط باید برنامه ریزی کرد.

چنانکه گفتیم از نتایج تحقیق برمی‌آید که برخی از دانشجویان با خانواده زندگی می‌کنند و این امر از حیث تأثیر گروه‌های همنشینی بر رفتار فراغتی فرد و پرهیز از رفتارهای انحرافی مهم جلوه می‌کند. همنشینی یا خانواده باعث کاهش رفتارهای مخاطره‌آمیز و انحرافی - از حیث مصرف مواد مخدر - می‌شود، چرا که براساس تحقیق، در همنشینی با "دوست جنس مخالف"، بیشترین درصد گرایش به مواد مخدر را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد که لازم است بحث درباره امکانات فراغتی را می‌توان با تأثیر

عوامل زمینه‌ای بر نگرش دانشجویان به امکانات در دسترس و استفاده از آن به پایان برد. به طوری که مردان بیشتر از زنان امکانات فراغتی را تایید کرده و از آنها استفاده می‌کنند که علت آن به احتمال شرایط فرهنگی منتج به فعالیت اجتماعی بیشتر مردان در محیط‌های بیرونی است. در عین حال، 18 تا 22 ساله‌ها و افراد در مرحله نامزدی و دانشجویان کاردانی و کارشناسی، همچنین شاغلان پاره‌وقت به وجود این امکانات اذعان بیشتری داشته و بیشتر هم در عمل استفاده می‌کنند که به نظر منطقی می‌رسد. گذران فراغتی با میزان اشتغال نسبت معکوس دارد و در دوره نامزدی امکانی برای همنشینی فراهم می‌آورد: نکته قابل تأمل در این خصوص عنایت اندکی بیشتر دانشجویان گروه‌های علوم انسانی به فعالیت‌های فراغتی در دانشگاه‌هاست که شاید علت آن در آمیختگی فراغت و فعالیت‌های فرهنگی از جمله مصرف فرهنگی در سبک زندگی این گونه دانشجویان باشد.

در خصوص ارزیابی دانشجویان از فراغت شان لازم به یادآوری است که تعداد زیادی از دانشجویان (49/9 درصد) معتقدند که زمان کم یا خیلی کمی برای فراغت در اختیار دارند و حدود 63/6 درصد نیز امکانات فراغتی دانشگاه‌شان را کم یا خیلی کم دانسته‌اند. البته اگر در نظر آوریم که بیشترین امکانات فراغتی موجود در خوابگاه و دانشگاه‌ها شامل فضای سبز، کامپیوتر و کتابخانه است که اصولاً کامپیوتر و کتابخانه جنبه کمک آموزشی دارد و فضای سبز نیز فراغتی بی‌هزینه است. شاید به همین سبب باشد که چون دانشجویان زمان و امکانات فراغتی خود را ناکافی ارزیابی می‌کنند، برآورد رضایت از فراغت و برنامه‌های فراغتی دانشگاه‌ها نزد ایشان در حد کم بوده است. وجه دیگر این امر زمانی کامل می‌شود که این حد از رضایت به میزان استفاده از امکانات موجود وابسته شود که نشان می‌دهند، کسانی از امکانات موجود ناراضی‌اند که اصولاً از این امکانات استفاده نمی‌کنند. حال باید گفت شاید یکی از علل عدم اطلاع کافی از وجود چنین امکاناتی باشد. این استدلال در خلال بحث‌های گروهی متمرکز صورت گرفته نیز مطرح شد که بسیاری از دانشجویان از امکانات دانشگاه‌ها غافل‌اند و به همین سبب است که از آنها استفاده نمی‌کنند، ضمن آنکه در محدودیت‌های ذکر شده نیز محدودیت‌های زمانی و مالی از بین گزینه‌ها بیشتر انتخاب شده

بودند. درست است که گروه‌های خاصی از دانشجویان زمان فراغت در اختیار ندارند، از جمله دانشجویان فنی و تحصیلات تکمیلی، اما نباید از یاد برد که مشکلات امکاناتی و مالی و در کل، مجموعه‌ای از این موارد بدون ذکر اولویت محدودیت فراغتی دانشجویان است. عدم تأثیر محدودیت فراغتی دانشجویان است. عدم تأثیر محدودیت فراغتی دانشجویان است. عدم تأثیر محدودیت فراغتی دانشجویان است. با توجه به اینکه خانواده‌ها بیشترین حمایت‌کننده قوانین و مقررات دولتی و خانواده نیز قابل توجه است. اما این نهاد مهم تقریباً محدودیت اندکی برای جوانان دانشجو (حدود 3 درصد) ایجاد می‌کند.

به هر حال ارزیابی مثبت دانشجویان از گذران اوقات فراغت شان به رغم همه فقدان‌ها و محدودیت‌هایی که ذکر کرده‌اند نشان می‌دهد که نحوه گذران فراغت در نزد ایشان به امری شخصی و فردی بدل شده و تاکید می‌کنند که از این زمان برای پیشرفت فردی خود استفاده می‌کنند و نه در جهت ارتباطات اجتماعی و افزایش اعتماد بینا فردی و در نهایت سرمایه اجتماعی. به نظر می‌رسد که در این مرحله می‌باید توجه کرد که سرگرمی‌جویی دانشجویان که در اغلب سبک‌های زندگی فراغتی، که به زودی به آنها اشاره خواهیم کرد، به همراه توجه به نیازهای فردی که حصول بدانها برای فرد به شخصه ممکن است تعداد کثیر «بی‌پاسخ‌ها» به نیازهای فراغتی را نیز روشن می‌سازد. اینکه حدود 61 درصد از دانشجویان به ذکر نیازمندی‌های فراغتی خود در محیط دانشگاه و خوابگاه نپرداخته‌اند آیا نشان از آن ندارد که اصولاً به این نیاز نیاندیشیده‌اند و فراغت شان را به تنهایی و در قالبی فردگرایانه برنامه‌ریزی می‌کنند یا آنکه اصولاً این زمان را به هدر می‌دهند؟ این امر با عدم رضایت بالای آنان از امکانات موجود ناهمخوانی دارد، ولی توجه به افزایش شاخص‌های فراغت رسانه محور و اهمیت یافتن رسانه در زندگی دانشجویان که مستلزم رفتاری منفعلانه و فردگرایانه است آن را اندکی توضیح می‌دهد. این مسئله حتی در رفتارهایی اجتماعی مثل مهمانی رفتن و خرید نیز خود را نشان می‌دهد. دانشجویان بیشتر به مهمانی‌های خانوادگی و دوستانه تن می‌دهند که از آنجا تعداد معناداری از دانشجویان بومی بوده و نزد خانواده‌شان زندگی می‌کنند عامل اجبار

نیز در آن مداخله دارد به صورتی خلاصه می‌توان گفت که علاقه دانشجویان در اوقات فراغت بیشتر معطوف به فعالیت‌هایی فردی و سرگرم‌کننده است.

سبک‌های فراغتی دانشجویان: پیوندها و گسست‌ها

آنچه پیش از این گفته شد در تحلیل عاملی سبک‌های فراغتی زندگی دانشجویان به بهترین وجه در ماتریس روابط همبستگی متقابل توصیف شده است که میزان همبستگی سبک اجتماع محور کمترین همبستگی را با سبک رسانه محور (0/277) دارد که نشان می‌دهد استفاده از رسانه موجب می‌شود اجتماع گریزی و انزواجویی در بین جوانان دانشجوی تقویت شود.

چنانکه در مرور تحقیقات پیشین مشاهده شد، انزواجویی و فردگرایی در فراغت دانشجویان به فراوانی مشاهده می‌شود. دکتر تقی آزادارمکی (1385) در مقاله "الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران"، به نحوه گذران اوقات فراغت اشاره می‌نماید و می‌نویسد «یکی از تغییرات صورت گرفته در ساختار فراغت، تغییر از وضعیت جمعی به فردی است.» یافته‌های پیمایش "ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان" نیز نشان می‌دهد که مطالعه، استفاده از رسانه‌های صوتی، تصویری و وسایل الکترونیکی، استراحت و فعالیت‌های شخصی، عمده‌ترین فعالیت‌های فراغتی نزد ایرانیان می‌باشد. به همین ترتیب، در این تحقیق نیز مشاهده می‌شود در مجموع فقط 2/8 درصد به میزان زیاد و 16/5 درصد به میزان کم به سبک زندگی فراغتی اجتماع محور تمایل دارند و 80/7 درصد اصلاً تمایلی به این سبک زندگی ندارند. این سبک زندگی که مشتمل بر فعالیت در تشکل‌های صنفی دانشجویی و انجمن‌های خیریه، صندوق‌های قرض‌الحسنه و کانونهای عمومی دانشگاه می‌شود، در همبستگی ابعادی، بیشترین همبستگی را با سرمایه اجتماعی دارد (ضریب پیرسون=0/77) و با گروه‌های تحصیلی دانشجویان نیز ارتباط معنادار دارد. در این خصوص وضعیت اشتغال، جنسیت و تأهل بر این سبک زندگی مؤثرند. چنانکه شاغلان بیش از افراد فاقد شغل و مردان بیش از زنان و دانشجویان بی‌همسر بر اثر فوت یا طلاق بیش از دیگران در تشکل‌هایی که مبنای سنجش این سبک زندگی فراغتی بوده است مشارکت دارند.

از سوی دیگر، بالا بودن همبستگی‌های پیشین سبک اجتماع محور با سبک سیاست محور نشان‌دهنده این امر است که حضور در اجتماع به افزایش گرایش‌های سیاسی فرد کمک می‌کند و بالا بودن مرادوات در این امر تأثیر دارد.

سبک زندگی فراغتی مبتنی بر تفریح در این پژوهش با فعالیت‌های تفریحی، و در اصل بازتوان‌یابی جسمی و روحی، تعریف شده‌اند. این فعالیت‌ها شامل قدم زدن در خیابان و استفاده از پارک، حضور در مراکز خرید، کوه و جنگل و رستوران و کافی‌شاپ شده و در نهایت با سفرهای داخلی و خارجی و اردوهای علمی کامل می‌شود نباید از یاد برد که این گونه تفریحات لزوماً وقتی نشان‌دهنده سبک زندگی خواهند بود که نحوه مصرف وقت و چگونی مصرف محیط در آنها اهمیت یابد و البته این منظور با پرسشنامه حاصل نخواهند آمد. زیرا تفکیک میزان استفاده از فضاهای خرید به اضطرار و پرسه‌زنی‌های مبتنی بر مصرف فراغتی مراکز خرید با بسامد حضور در این مکان روشن نمی‌شود و نیازمند پی بردن به رفتارهای فرد است. ضمن آنکه یافته پژوهش مبنی بر عدم استفاده 61/3 درصد پاسخگویان از فعالیت‌های تفریحی مطرح شده معانی ضمنی چندی را به همراه دارد. یکی آنکه فعالیت‌های ذکر شده ذیل این مقوله که بیشترین همبستگی را هم با سبک ورزش محور دارد نافی سرگرمی شدن فراغت و زندگی دانشگاهی نیست زیرا در این بخش که اتفاقاً جنبه بازتوان‌یابی و سلامت تفریح مدنظر پژوهش بوده است، مشارکت بسیار اندکی از جانب دانشجویان صورت می‌گیرد و البته پرسش همچنان پابرجاست که اوقات فراغت فراوان دانشجویان چگونه سپری می‌شود. با توجه به مصرف بالای رسانه نزد دانشجویان همچنان می‌توان بر این عقیده پای فشرد که فراغت منفعلانه نزد دانشجویان از اهمیت بالایی برخوردار است. البته علاوه بر اینکه جنسیت، تاهل، سن و مقطع تحصیلی بر این سبک زندگی فراغتی تأثیری دارد، باید به شاخص‌های روانی افراد نیز توجه کرد و در عین حال به وضع زندگی فرد نیز باید نظر کرد. چنانکه یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، ساکنان در خوابگاه‌های دولتی و دانشجویان همراه خانواده کمتر به این نوع سبک فراغت تمایل دارند. شاید زندگی در تنهایی خانه‌های استیجاری عامل گذران وقت فعالیت‌های بیرونی باشد. در هر حال، در بررسی

رویکردهای سرگرمی‌ساز بار دیگر به این مقوله باز می‌گردیم. این امر موید تحقیقات قبلی نیز هست که تاکید می‌کردند فراغت‌های خانگی و حضور فراغت در فضاهای خصوصی در سال‌های اخیر غلبه یافته است. اگر در سال‌هایی نه چندان دور فعالیت‌هایی نظیر فعالیت‌های هنری، کتابخانه‌ای، ورزشی و سرگرمی‌های داخل منزل طرفداران اندکی داشت (کیان، 1356) و افراد بیشتر علاقه مند بودند که زمان فراغت‌شان با فعالیت‌های جمعی نظیر گردش، تفریح و ورزش پر شود (محمودی، 1356؛ یزدانی فاروقی، 1373) و معاشرت با خانواده و نیز دوستان از اولویت‌های فراغت آنان به شمار می‌رفت (زاهدی اصل، 1358)؛ نتایج پیمایش ملی "ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان" حاکی از آن است که فعالیت‌های فراغتی که نیاز به برقراری رابطه چندانی ندارد و در یک محیط خصوصی تر انجام می‌گیرد (نظیر تماشای تلویزیون و استراحت در خانه) استقبال بیشتری از آن می‌شود تا فعالیت‌های فراغتی که مستلزم برقراری روابط اجتماعی در محیط عمومی‌تر جامعه یا همان فضاهای شهری است، همانند: رفتن به قهوه خانه ها و کافه ها و یا شرکت در انجمن های داوطلبانه و مشارکت های مدنی. "حتی رواج برخی فعالیت‌های فراغتی نظیر پاساژگردی، اتومبیل سواری، غذاخوردن در رستوران و... را نیز می‌توان نوعی اشکال معیوب حضور در عرصه عمومی دانست چراکه گذران فراغت در یک فضای محدود و گسسته از دیگران و بدون تعامل گسترده با آنان روی می‌دهد که پیامد آن عدم تبادل اجتماعی و انسجام اجتماعی در جامعه است. شاید چنان که حمید مقدس فرد (1385) در مقاله خود با عنوان "در جست و جوی فضای گمشده.." می‌گوید، استاندارد نبودن فضای شهری برای گذران اوقات فراغت از یک طرف و محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نبودن امکانات تفریحی عمومی، و از طرف دیگر، خانه را به محل اصلی وقت گذرانی فراغتی تبدیل کرده، که این امر نشانگر سیطره حوزه خصوصی بر حوزه عمومی است. انواع فعالیت‌های خانگی نظیر: تماشای تلویزیون، ویدئو، استفاده از گیرنده ماهواره ای، مهمانی های خصوصی و استفاده از اینترنت به همین دلیل رواج یافته است. در زمینه زندگی خوابگاهی دانشجویان نیز همین امر مصداق دارد. دانشجویان بیشتر ترجیح می‌دهند که زمان خود را به بازی با موبایل، تلویزیون و اینترنت صرف کنند یا در

تنهایی برخی از ساعت تعطیلی را بخوابند. در عین حال طبق مصاحبه گروهی انجام شده یکی از مهمترین شکل فراغتی خوابگاهی دوره‌م نشینی دانشجویی و گپ زندهای بی هدف است که نتیجه آن دوری از فعالیت عملی چون ورزش و سایر فعالیتهای فراغتی خلاقیت بخش است.

یکی از مطالعات قبلی در حوزه فراغت نشان داده بود که عمده ترین صورتهای گذران اوقات فراغت در شهر تهران تماشای تلویزیون با 83٪، استراحت با 67٪، دیدار دوستان و خویشاوندان با 58٪، انجام کارهای هنری با 43٪ و بازی و ورزش با 42٪ بوده است (سعادت شیخ، 1375). در تحقیق حاضر نیز سهم زیادی از فراغت مختص رسانه - در صورتهای متنوع آن - است. در همین زمینه باید گفت درست است که رسانه‌ها گونه‌ای محصول فرهنگی تولید می‌کنند که به افزایش سرمایه فرهنگی فرد کمک می‌کنند، اما لزوماً ارتباط بین مصرف و فرهنگ والا و رسانه‌های در دسترس دانشجویان برقرار نیست. بار دیگر باید تاکید کرد که چگونگی مصرف کالاهای فرهنگی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. فی‌المثل اینکه به طور متوسط هر دانشجو در روز نزدیک به یکساعت و 20 دقیقه موسیقی گوش می‌کند نشان می‌دهد که این گزینه از بین مصارف فرهنگی حد بالایی از گذران فراغت متوسط چهارساعتی دانشجویان را در برمی‌گیرد. به این میزان می‌باید مصرف زیاد 43/1 درصد تلویزیون نزد پاسخگویان و حدود 35 دقیقه میانگین مصرف ماهواره را نیز افزود. در این حالت است که محتوای مصرف رسانه‌ای اهمیت بیشتر می‌یابد، 42/3 درصد دانشجویان موسیقی پاپ گوش می‌کنند. و 48 درصد از تماشاگران تلویزیونی فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی می‌بینند. بیشترین برنامه‌ای هم که در 35 دقیقه مصرف تلویزیونهای ماهواره‌ای مشاهده می‌شود. حدود 40 درصد شو و موسیقی است و 26/9 درصد فیلم و سریال. از مجموع این داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به محتوای معلوم برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و نوع موسیقی پاپ می‌توان برای پیش‌فرض قبلی مبنی بر لذت بردن فرد از فراغت خود در بین دانشجویان تأییدیه گرفت. نکته جالب در این حوزه آن است که به همان میزان که دانشجویان ایرانی در تلویزیون ملی فیلم و سریال می‌بینند، دانشجویان دیگری وجود دارند که اصولاً این تلویزیون را نمی‌بینند. چالش اساسی در این حوزه - مصرف

رسانه‌ای - کاهش علاقه به تماشای برنامه‌های مذهبی و علمی - آموزشی توسط دانشجویان است. با توجه به حجم بالای تولیدات در این خصوص که شبکه 4 متولی پخش برنامه‌های علمی - آموزشی است و در دیگر شبکه‌ها از جمله شبکه آموزش نیز بصورت مداوم برنامه‌های آموزشی پخش می‌شود محل تعجب است. حجم بالای تولیدات مذهبی در شبکه‌های متفاوت - علاوه بر شبکه خاص قرآن - و بالا رفتن این حجم در مناسبت‌های مذهبی بر کسی پوشیده نیست. به این سبب این امر جای ملاحظه و تأمل دارد که فقط 2/9 درصد از پاسخگویان این گزینه را اختیار کرده‌اند.

همین امر است که کمترین همبستگی سبک رسانه‌محور را با سبک مذهب محور نشان می‌دهد. در عین حال، بیشترین همبستگی این سبک با سبک تفریح‌محور نیز محل تأمل خواهد بود. نکته درباره سبک زندگی سیاست‌محور آن است که حدود یک سوم (28/3 درصد) از دانشجویان اصلاً پیگیر اخبار سیاسی نیستند. این سبک که با بررسی سایت‌های اینترنتی سیاسی، شرکت و فعالیت در تشکل‌های سیاسی و کمک به احزاب و گروه‌های سیاسی و شرکت در سخنرانی‌ها و بحث‌های سیاسی مشخص شده است نزد 65/9 درصد از دانشجویان خواهانی ندارد و فقط 7/6 درصد به میزان زیاد خود را پایبند این نوع سبک فراغتی می‌دانند. این مسئله برای دانشگاهی که داعیه آن دارد که دانشجویان باید فعالانه در امور سیاسی مشارکت کنند محل تأمل است. همبستگی این سبک از زندگی فراغتی با سبک اجتماع‌محور (0/482) و سبک ورزش‌محور (0/345) نشان می‌دهد که بالا رفتن فعالیت‌های فراغتی بیرونی و در عین حال بالا رفتن ارتباطات بین فردی و به تبع آن افزایش سرمایه اجتماعی فرد را هر چه بیشتر درگیر مباحثاتی سیاسی می‌کند. همچنین معناداری گروه آموزشی و این سبک زندگی نیز محل توجه است. دانشجویان علوم پایه بیشترین و دانشجویان هنر و معماری کمترین تمایل را به این سبک دارند.

سوال این خواهد بود که آیا سرمایه اجتماعی در گروه اول بیشتر است یا آن که عواملی تاریخی در این زمینه مداخله داشته‌اند.

آبه صورت کلی گروه‌های آموزشی علوم انسانی در همهٔ زمینه‌ها جنبه‌ای اعتدالی را حفظ کرده‌اند که این امر نیز محل تأمل و علت آن شاید درگیر بودن دانشجویان با مباحث انسانی به صورتی عام است که آنان را از عمل تند و جانبداری از یک گونهٔ زندگی باز می‌دارد.

در تحقیق حاضر، نوعی سبک زندگی فراغتی، مبتنی بر مطالعه شکل گرفته است که با پایایی 78 درصد نشان از بالا بودن قابلیت اتکای سنجه‌های این سبک است. نکته جالب توجه آن است که با توجه به جنسیتی بودن اغلب فعالیت‌ها در سبک‌های دیگر، در مطالعه کتاب به لحاظ جنسیتی تفاوت فاحشی بین زن و مرد مشاهده نمی‌شود. اما به طور کلی، مردان بیش از زنان به این شیوه زندگی تمایل دارند. در عین حال، مطالعه کتاب در این سبک زندگی به حد زیادی یعنی 42.2 درصد منحصر به کتاب‌های علمی در رشتهٔ دانشجویان است و با اختلاف فاحش بعد از آن رمان 17.1 درصد قرارداد که البته در آن میان هم کتاب‌هایی از تولستوی و دولت‌آبادی و داستایفسکی وجود دارد و هم رمان‌های عامه‌پسندی مثل کتاب‌های مودب‌پور. بنابراین به نظر نمی‌رسد که اصولاً در این زمینه بتوان روند مشخصی را در برنامه مطالعاتی دانشجویان شناسایی کرد. گذشته از بعد ادبی رمان، این امر در جایی خود را به روشنی نشان می‌دهد که هیچ کتاب خاصی به صورت مشخص در آن برجسته نیست. این حوزه که سیاست و اجتماع است با فقدان کتابی شاخص در یافته‌ها رو به روست و در ساده‌ترین تعبیر نشان از بی‌علاقگی دانشجویان به حوزهٔ یاد شده دارند که این امر در سبک زندگی سیاسی محور نیز تایید شده است. کناره‌گیری دانشجویان از این حوزه بسیار قابل تأمل است. شاید بتوان گفت که نوعی «مرگ جدیت» نیز در دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان واقع شده است. نمونه‌ای از آن را می‌توان در میزان بسیار کم خوانندگان نشریات دانشجویی (حدود 80 درصد یا اصلاً نمی‌خوانند یا بسیار کم و کم می‌خوانند) مشاهده کرد: مسایل مبتلا به دانشجویان محل توجه ایشان نیست. یا اینکه دربارهٔ روزنامه‌ها، که میزان مصرف آنان یکی از نشانه‌های توسعه‌یافتگی نیز هست، برای 32.7 درصد دانشجویان اصلاً فرق نمی‌کند که چه مطالعه کنند و 28.7 درصد نیز اصلاً روزنامه نمی‌خوانند. در بین میزان اندک خوانندگان دانشجویی روزنامه‌های اصلی کشور که بیش از 8 درصد خواننده

ندارند، بالاترین میزان (یعنی همان 8 درصد) متعلق به روزنامه‌ای تقریباً غیرسیاسی و بیشتر سرگرم کننده یا حداقل منحصر به حوزه رسانه و تلویزیون یعنی جام جم است. این ترتیب در مطالعه مجلات نیز به چشم می‌خورد. 45.7 درصد از دانشجویان پاسخ داده‌اند که اصولاً برایشان فرقی نمی‌کند که چه هفته نامه و مجله‌ای بخوانند و 27.2 درصد هم اصلاً این گونه نشریات را نمی‌خوانند. بیشترین خواننده از آن مجلات عامه‌پسند با 14.9 درصد پاسخ دانشجویان است که بار دیگر به این امر اشاره دارد که جدیت در بین دانشجویان رو به کاهش است و بیشتر دانشجویان در پی گذران اوقات فراغت در مسایل سرگرم کننده‌اند. مطالعه فقط در بین سنجه‌ها درباره کتب و جزوات درسی صورتی معکوس پیدا می‌کند و در آن مطالعه به میزان زیاد و نسبتاً زیاد نزدیک می‌شود که امری طبیعی و شاید نیز ناشی از اجبار باشد. در عین حال قابل ملاحظه است که سبک زندگی فراغتی مبتنی بر مطالعه بیشترین نزدیکی را با سبک زندگی سیاست محور دارد و نشان می‌دهد که حتی میزان اندک مطالعه و حتی مطالعه غیر جدی نیز فرد را به عرصه سیاست وارد می‌سازد. تحقیق ما نشان داده است فعالان سیاسی و افرادی که در تشکلهای سیاسی دانشجویی فعال اند یا مباحث سیاسی را پیگیری می‌کنند بیشتر از میان افرادی هستند که مطالعه غیر درسی دارند و روزنامه بیشتر از بقیه می‌خوانند.

کمترین همبستگی بین سبک‌های زندگی فراغتی دانشجویان با سبک زندگی مذهب محور بوده است این میزان گاه در همبستگی سبک زندگی مذهب محور و رسانه محور به میزان 52 درصد می‌رسد. این سبک که با ادای فرایض مذهبی و شرکت در مراسم و کلاس‌ها و زیارت و مساجد سنجیده شده است نشان از آن دارد که میزان زیادی از دانشجویان اصلاً به این سبک زندگی تعلق ندارند (59.9 درصد از دانشجویان در ایام فراغت خود اصلاً به فعالیت مذهب نمی‌پردازند). شاید علت آن که مردان بیشتر به این سبک تمایل دارند نوع سنجه‌های طراحی شده باشد که مبتنی بر فعالیت فراغتی بیرونی است که در فرهنگ جامعه ایرانی معمول تر است. در عین حال همبستگی بین هزینه زندگی دانشجویی و این سبک زندگی به صورت معکوس است و با کاهش هزینه زندگی به زیر 100 هزار تومان تمایل به این سبک زندگی بیشتر می‌شود.

کمترین همبستگی بین این سبک نیز چنانکه گفته شد با سبک رسانه محور است و بعد از آن سبک هنر محور قرار دارد.

می‌دانیم که 70 درصد دانشجویان به میزان زیاد و نسبتاً زیاد به موسیقی گوش می‌دهند، که قبلاً درباره آن صحبت شد، اما در زمینه هیچکدام از هنرهای دیگر این میزان به پیش از 30 درصد نمی‌رسد. این امر درباره هنر فراگیر و عامه‌پسندی مثل سینما به حدی است که 20.4 درصد از دانشجویان اساساً در طول سال به سینما نمی‌روند و دیگران نیز به طور متوسط فقط 4.31 درصد بار از سینما استفاده می‌کنند. علت این امر شاید دسترسی آسان به سینمای خانگی باشد که یافته‌های تحقیق آن را تایید می‌کنند. دانشجویان به طور متوسط 6 فیلم در ماه در خانه می‌بینند و از این رو مصرف فیلم و سینمای خانگی به حد بالایی است که بار دیگر نشان از انزواجویی و فردگرایی در بین دانشجویان با تاکید بر سرگرمی سازی در اوقات فراغت دارد. فعالیت‌های بیرونی فراغتی، از جمله سینما، هرگاه مثل تئاتر با هزینه هم همراه شوند اقبال مصرف خود را به شدت کاهش می‌دهند. 84.4 درصد از پاسخگویان اساساً در طول سال به تئاتر نمی‌روند. نکته در اینجا است که علاوه بر تمایل به انزوا، در این مورد عدم علاقه به جدیت هم خود را نشان می‌دهد. بیشترین مصرف فیلم از حیث ژانر اجرایی به ملودرام‌های خانوادگی تعلق گرفته است و با آنکه سینمای تفکر جزو گزینه‌های باز تحقیق بوده است ولی اقبال چندانی در برابر ملودرام (22.9 درصد)، کمدی 12.5 درصد و رمانتیک (17.4 درصد) به دست نیاورده است.

بسیاری از هنرهای دیگر نیز با عدم اقبال رو به رویند: 60.4 درصد از دانشجویان اصلاً به موزه نمی‌روند، 60.6 درصد اصلاً نقاشی یا خطاطی نمی‌کنند و 72 درصد اصلاً در کلاس‌های آموزش هنر شرکت نمی‌کنند و این امر منحصر به مشارکت در تولید هنر نمی‌شود: 36.5 درصد اصلاً رمان و 30.5 درصد اصلاً شعر نمی‌خوانند. به طور خلاصه 67.7 درصد از دانشجویان اصلاً در فعالیت‌های هنری شرکت نمی‌کنند. آیا مشارکت در تولید و مصرف هنر نیز مستلزم ارتباطات اجتماعی و دخالت در امور سیاسی، اجتماعی است که دانشجویان از آن پرهیز می‌کنند؟ یا اینکه اصولاً فعالیت‌های فراغتی بیرونی و مستلزم صرف انرژی جسمانی

و عاطفی از دایره تعلق دانشجویان خارج شده‌اند. شاید چنین باشد. زیرا در زمینه ورزش نیز آماری در همین حدود در یافته‌های تحقیق مشاهده می‌شود. 74.1 درصد از دانشجویان اساساً در اوقات فراغت خود به فعالیت ورزشی نمی‌پردازند. این نرخ وقتی در مقابل نرخ 42.2 درصد خواسته‌های دانشجویان در خصوص امکانات ورزشی در دانشگاه قرار می‌گیرد تامل برانگیزتر می‌شود. دانشجویان امکانات ورزشی را بیش از سایر امکانات در دانشگاه طلب کرده‌اند اما در عمل از امکانات موجود هم استفاده چندانی نمی‌کنند.

ولی در عوض مصرف دیجیتالی بسیار بالاست. دانشجویان به طور متوسط 60 دقیقه در روز با اینترنت کار می‌کنند و در آن میان، فارغ از 44.3 درصد از ایشان که در پی مطالعات علمی در اینترنت به جستجو و مطالعه می‌پردازند، بیشترین سهم با سرگرمی‌ها و جک‌ها و اس‌ام‌اس یا موسیقی و پورنو و ارتباط است. البته مطالعه سایت‌های خبری رسمی نیز در این میان استثناست که علت استفاده اینترنتی از سایت‌های خبری رسمی شاید ارزانی و در دسترس بودن آنها در سایت‌های کامپیوتری دانشگاه به نسبت خرید روزنامه باشد. بنابراین دانشجویانی که حدود چهار ساعت فراغت در اختیار دارند بیشتر به موسیقی و اینترنت (هر کدام با حدود 60 دقیقه) می‌پردازند و این شدت علاقه به حدی است که 48.6 درصد از دانشجویان از تلفن همراهشان برای شنیدن موسیقی استفاده می‌کنند و دیدیم که بیشترین علاقه‌مندی نیز در بین گونه‌های موسیقی از آن موسیقی پاپ (عامه‌پسند) است.

در آخرین دسته‌بندی فعالیت‌های فراغتی دانشجویان لازم است که به فعالیت‌های آموزشی آنها توجه کنیم. در این حوزه نیز گویا اجبارهای اجتماعی موجب فعالیت دانشجویان است و آنان را بیشتر به کلاس‌های کامپیوتر و آموزش زبان‌های خارجی می‌کشاند (با 26.5 درصد و 49.7 درصد) یا آن که نحوه مصرف این گونه کلاس‌ها - مثل نحوه مصرف دیگر اقلام فرهنگی از جمله موسیقی و فیلم و غیره - نشان دهنده تعلق خاطر ایشان به نوعی سبک زندگی است که هویت ایشان را تشکیل می‌دهد. در این میان کلاسهای ورزشی با 36.8 درصد و کلاس موسیقی با 16.4 درصد بیشترین متقاضیان حضور در کلاس را از

بین پاسخگویان به خود اختصاص داده‌اند که به صورتی نشان دهنده شکل‌گیری نوعی مصرف مبتنی بر هویت است؛ خواه این هویت وابسته به بدن باشد و خواه وابسته به نوعی خرده فرهنگ. بررسی این گونه خرده فرهنگ‌ها و هویت‌ها منوط به پژوهش‌های کیفی بعدی است و اصولاً در این زمینه نحوه مصرف اهمیت بیشتری می‌یابد تا خود مصرف. ولی در همین تحقیق نیز یافته‌هایی مبتنی بر حضور گونه‌هایی از مصرف فرهنگی یا مصرف مواد یا آئین‌های خاص به دست آمده است که نشان می‌دهد وضع عمومی دانشگاه‌ها از حیث این گونه مصارف چگونه است. در منظری کلی 74.8 درصد از پاسخگویان مواد مخدر، مشروبات الکلی، سیگار و قلیان مصرف نکرده‌اند. در این میان چنانکه پیش‌بینی می‌شود بیشترین مصرف متعلق به سیگار و قلیان به دلیل عدم منع قانونی و قبح اخلاقی آن در جامعه برابر با 18.3 درصد است. همین مسئله در زمینه شرکت در مراسم آیینی ویژه‌ای که به تفصیل در بخش یافته‌های تحقیق آمده است صدق می‌کند. دانشجویان بیشتر به فال ورق (42.9 درصد) روی می‌آورند که هم به صورت انفرادی امکان‌پذیر است، هم در محل زندگی‌شان صورت می‌گیرد و هم نیازمند صرف هزینه نیست و بعد از آن فال قهوه (24.4 درصد) قرار دارد که هر چند به احتمال یا صرف هزینه همراه است ولی عملی قبیح تلقی نمی‌شود. نکته مهم این است که توجه به فال ورق و قهوه در بین دانشجویان نشان از نوعی تمایل به پیش‌بینی و پیشگویی و به فرا رفتن از واقعیت اجتماعی در بین دانشجویان اشاره دارد. همان که در زمینه مطالعه کتاب‌های روان‌شناسی از آن دست که بیشتر متمایل به روان‌شناختی کردن حیات اجتماعی‌اند مشاهده می‌شود. این نکته وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که انجام دهندگان چنین فعالیت‌هایی بیشتر از میان دختران دانشجو بر می‌خیزند. دختران دانشجویی که فعالیت ورزشی، فعالیت اجتماعی و سیاسی کمتری دارند و بیشتر زمان خود را صرف خواندن رمان، کتب روانشناسی و مجلات عامه پسند می‌کنند و در عین حال بیشتر از مردان دانشجو به فال قهوه و فال ورق (تمایل به پیشگویی) اهمیت می‌دهند. این امر با وضعیت نامعلوم و قرار گرفتن در موقعیت متزلزل زنانه دانشجویان دختر هماهنگ است. موقعیتی که بازار

کار کمتری در قیاس با مردان در اختیار آنها قرار می دهد و آینده آنها را در گرو انتخاب همسری ایده آل قرار میدهد.

دانشجوی امروز: سیمای نمونه این تحقیق

پژوهش‌های دانشجویی انجام شده قبلی در حوزه فراغت، عمدتاً به میزان فراغت و نحوه اشکال گذران آن اشاره داشته‌اند و بر متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، جنس، تحصیلات، درآمد، شغل و تحصیلات والدین و غیره تأکید نموده‌اند. در اغلب این تحقیقات، آمار توصیفی و در نهایت تحلیل همبستگی ارائه شده و رابطه میان متغیرهای فوق بر این اساس باید گفت که میان سن و اشکال گذران اوقات فراغت (صالحی، 1378)، تحصیلات با نحوه گذران اوقات فراغت (اشرف‌الکتابی، 1379؛ مهدی پور، 1385؛ صالحی، 1378) جنسیت و نحوه گذران اوقات فراغت، در آمد والدین با چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان (مهدی پور، 1385)، میزان درآمد بر چگونگی گذران اوقات فراغت (کیان، 1356 و صالحی، 1378) رابطه معنادار دارد. همچنین رابطه میان میزان فراغت با ویژگی‌های فردی نشان می دهد که میان میزان گذران اوقات فراغت و درآمد خانواده (برازنده تر، 1376؛ سلمان عبادی، 1379؛ مهدی پور، 1385) و نیز میزان فراغت با تحصیلات (براندازه‌تر، 1376؛ سلاطینی، 1385)، سن (مهدی پور، 1385) و افزایش کارائی و انبساط خاطر (صالحی، 1378) رابطه معنا دار وجود دارد. در این تحقیق به دنبال آن بودیم که علاوه بر توصیف این رابطه‌ها - که در بخش‌های قبل به تفصیل آمده‌اند- به امر مهم دیگری بپردازیم که شکل دادن به فعالیت‌های فراغتی دانشجویان در قالب سبک‌هایی فراغتی است. این امر در تحقیقات قبلی با عنایت مجدد به وضعیت زمینه اجتماعی مصرف‌کنندگان فعالیت‌های فراغتی صورت-بندی شده است که ما در اینجا از آن گذشته و مبنا را بر اساس تحلیل عاملی به خود فعالیت‌ها از حیث ماهیت آنها ارجاع داده‌ایم. با این همه حاصل دریافت از همبستگی‌های بین سبک‌های فراغتی حاصله و میزان پرداختن به این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان امروزیین دانشگاه‌های کشور چگونه فراغت خود را سپری می‌کنند.

خلاصه آن که سیمای دانشجویی که در این تحقیق به دست می‌آید هر چند موجودی کجرو یا دارای تمایلات انحرافی نیست، ولی به همان شدت نیز سیاست‌زدایی شده و از جدیت افتاده است. فردی که بیشتر تمایل به سرگرمی دارد، به حد بسیار موسیقی گوش می‌کند و فیلم‌های ملودرام خانوادگی و رمانتیک می‌بیند. این دانشجو به نظر می‌رسد که بیشتر به دنبال لذت بردن، آن هم از نوع بدون خطر آن، است و در این زمینه اصل لذت و عدم جدیت را به همه حوزه‌ها تسری داده است. در عین حال، تمایل فراوان دارد که در انزوا و به صورتی فردی به فعالیت‌های فراغتی‌اش بپردازد و به همین سبب به دنبال مصرف دیجیتال بیشتر و گریز از فعالیت‌های اجتماعی است و گویا رسانه هر آنچه را که می‌خواهد به او می‌دهد. به عبارتی دیگر، فعالیت‌های فراغتی دانشجویان بسیار فردی شده، منفعل، خانگی و رسانه محور است و غلبه فراغت بر کار، سرگرمی بر جدیت و گذران وقت بر دیگر کارکردهای فراغتی در آن مشهود است.

شاید در این زمینه بررسی رفتار مصرفی دانشجویان از طریق تحقیق کیفی و با توجه به نحوه خوانش آنان از مصارف خود کمک کند تا معین شود آیا نظر فلاسفه پسامدرن درباره بازگشت به فلسفه لذت در جهان کنونی از طریق رسانه صادق است یا نه.

یک جمع بندی معطوف به راهکار

اگر بخواهیم بحث‌های بالا را با توجه به اهداف شناختی تحقیق جمع بندی کنیم در چند سطح می توانیم درباب فراغت دانشجویی سخن بگوییم:

زندگی در تعلیق: زندگی دانشجویان اگرچه بخشی از فرایند زندگی و ادامه زندگی پیشین است اما بیشتر دوره گذار تلقی می شود. دوره ای که موقتی است. به خصوص این تعلیق زندگی در زندگی های دانشجویی خوابگاهی و اجاره ای بیشتر است. چنین زندگانی نمی تواند با سبک زندگی متعارف نسبتی جدی داشته باشد بلکه تابع نوعی الگوی زندگی گذرای دانشجویی است که بیشتر بر "باری به هرجهتی" و "وقت گذرانی" مبتنی است. باری به هرجهتی به این دلیل که زندگی دانشجویی به دلیل درس خواندن زمان فراغت را متفاوت می کند و درست به همین دلیل هم زندگی دانشجویی را با کار فعلا نه و اقتصادی بیگانه کرده است. در واقع بیکاری، عدم تعلق اقتصادی، و جوان بودن و اکنون مستقل از خانواده شدن موقعیتی جدید می افزیند که "فراغت بدون برنامه" را موجب می شود. فراغتی که بیشتر با فراغت رسانه محور و انفعالی عجین است. موقعیت زندگی دانشجویی هم موقعیتی با دوام نیست و موقتی است از این رو برنامه های خاص خود را می طلبد. این امر برنامه ریزی فراغتی را هم پیچیده می کند.

فعالیت‌های فراغتی ارزان قیمت در عین حال با کیفیت: یکی از ویژگی های فراغت دانشجویان با توجه به هزینه های زندگی شان می تواند ارزان بودن فعالیت فراغتی باشد. در واقع ملاحظات اقتصادی در گذران فراغت دانشجویان اهمیت دارد. در برنامه ریزی فراغتی جهت ساخت تاسیسات فراغتی یا انجام برنامه ها ملاحظات اقتصادی حتما باید مورد توجه قرار گیرد. بخشی از علت گرایش دانشجویان به فعالیت رسانه محور در برابر هنری محور شاید ارزان تر بودن دسترسی به این فعالیتهاست. از این رو دولت می تواند در جهت بهبود غنای فعالیت‌های فرهنگی به نحوی بکوشد که در جایی که دانشجویان به لحاظ مالی قدرت

مداخله در آن را ندارند وارد شود. بنابراین برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت برنامه‌ها و امکانات فراغتی ارزان قیمت اما با کیفیت باشد تا دانشجویان بتوانند از آن استفاده کنند.

زمان فراغتی زیاد و برنامه فراغتی کم. زمان فراغت دانشجویان پراکنده و وسیع است اما برنامه مشخص و از قبل تدوین شده‌ای برای خود تعبیه نمی‌کنند. به عبارت دیگر دانشجویان برای خود سیاست فراغتی ندارند و به همین دلیل فاقد برنامه و سردرگم هستند. گاهی نمی‌دانند چه کنند؟ کجا بروند؟ با چه کسی بروند؟ جای خالی این برنامه‌ریزی فردی را نهادهای دولتی یا نهادهای دانشجویی مرتبط می‌توانند به نحوی مطلوب پرکنند.

سلطه فراغت رسانه‌ای: فراغت رسانه‌ای اشکال مختلفی را در بر می‌گیرد. در هر صورت شکلی عام و متداول فراغت دانشجویی محسوب می‌شود. یک سوال این است که چرا فراغت رسانه‌ای شکل متداول فراغت دانشجویی شدن است؟ ساده‌ترین پاسخ این است که رسانه‌ها شکل در دسترس فراغت دانشجویی هستند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. رسانه‌های عمومی برای دانشجویان و رسانه‌های خصوصی. رسانه‌های عمومی که توسط مسئولین خوابگاه فراهم شده‌اند یا در هر خوابگاهی به شکل عام وجود دارد عبارت است از تلویزیون و اینترنت و ضبط و رادیو. برخی رسانه‌ها فردی‌اند و به دلیل ویژگی‌شان چند رسانه‌ای‌اند هم ارتباط فردی را تسهیل می‌کنند و هم با فردیت و فردگرایی دانشجویی مرتبط‌اند. مانند موبایل، Mp3 و Mp4. گوش کردن موسیقی، فرستادن اس ام اس، گوش کردن مطالب آموزشی و غیر آموزشی، انواع بازیها و نظایر آن شکل زندگی دانشجویی را متحول کرده و فراغت دانشجویی را از زمان و مکانی خاص، همه‌زمانی و همه‌مکانی کرده‌اند. امروزه موبایل، بار همه رسانه‌های دیگر را به تنهایی به دوش می‌کشد و زندگی دانشجویی را در همه ابعاد خود متاثر ساخته‌اند. تصور می‌کنم مطالعه در زمینه تاثیرات موبایل و اشکال آینده فراغت‌های دانشجویی خود می‌تواند موضع تحقیقات آینده قرار گیرد. اهمیت این امر وقتی درک می‌شود که بدانیم موبایل به عنوان فعالیتی رسانه‌ای در اوقات فراغت بیشترین نقش را در زندگی دانشجویی دارد و حتی از تلویزیون هم مهمتر است. حدود 90 درصد دانشجویان به نحوی در این

فراغت از موبایلشان استفاده می کنند. جدای از دسترس بودن این شکل فراغتی و در مجموع کم هزینه بودن. شکل منفی آن را در انفعالی بودن آن می توان جست. انفعالی بودن این نوع فراغتی وقتی قابل درک می شود که با فعالیتهای ورزشی یا هنری مقایسه شود.

ایده سبک زندگی: طبق این ایده می توانیم بگوییم که برخی از اشکال فراغتی دانشجویان نه به نیازهای فراغتی بر می گردد و نه ربطی به امکانات مالی آنان دارد. بلکه بیشتر به سبک زندگی دانشجویی بر می گردد. مثلا سیگار کشیدن در این فراغت و برخی فراغتهای ناسالم نوعی ژست روشنفکرانه محسوب می شود. البته این امر درصد کمی از دانشجویان را در برمی گیرد. و امری نیست که به سادگی بتوان از زندگی دانشجویی حذف کرد. البته آگاهی بخشی و تبلیغات صحیح در این زمینه و ارائه الگوهای مناسب به نحوی غیر سیاسی می تواند راهگشا باشد. با توجه به تاثیر پذیری بالا از استادان (همان طور که در بخش گروههای تاثیر گذار آماده بالاترین گروه مرجع دانشجویی اساتید هستند) می توان از این طریق بر دانشجویان تاثیر مثبت گذاشت یا به اصلاح رفتارهای فراغتی مرتبط با سبک زندگی پرداخت. همان طور که در مصاحبه گروهی آمده است. دوران دانشجویی، دوران ساخت و بازساخت سبکهای زندگی و ذخیره سرمایه های فرهنگی است. اتفاقا برنامه ریزی فراغتی سبک محور در تمامی سطوح می تواند کمک مناسبی در پرورش شهروندانی فرهیخته و سالم برای آینده جامعه ایران اسلامی باشد. دانشجویانی که از مصرف فرهنگی مناسب برخوردار باشند، مطالعه بخشی از فرهنگ زندگی شان باشد، ورزش کنند، به تفریح مناسب بپردازند، دلمشغولی معنوی داشته باشند و به امور مذهبی اهتمام داشته باشند، و در مسائل شهروندی چون شرکت در فعالیتهای اجتماعی سیاسی حساسیت های لازم را داشته باشند. در حال حاضر دانشگاه " در عمل "، چنین رسالتی برای خود قائل نیست. میزان رفتارهای سبک مند در تمامی سطوح پایین است و تنها مصرف رسانه ای دانشجویان بالاست. بی تردید در تدوین چشم اندازها و برنامه های " دانشگاه سالم " همه جانبه نگری در پرورش دانشجویان ضرورت دارد. بنابراین پیشنهاد می گردد که در شورای انقلاب فرهنگی یا در هر سازمان و نهاد مرتبط دیگری چنین چشم اندازی با توجه به همه ابعاد زندگی دانشجویی

و با در نظر گرفتن خصیصه جوانی در قالب سندی راهبردی تدوین گردد. تا از این طریق دانشگاهها به غیر از اعطای مدارک تحصیلی، سلامت اجتماعی، روانی و فرهنگی دانشجویان را نیز مورد توجه فرار دهند.

جوانی و تنوع فراغتی: جوان بودن دانشجویان موجب تنوع اشکال فراغتی هم می شود و طیف وسیعی از فعالیتها را در بر می گیرد. این امر برنامه ریزی در خصوص دانشجویان را سهل و ممتنع می کند. سهل است چون بسیاری از فعالیتها را می توان برای دانشجویان ملاحظه کرد و در برنامه فراغتی گنجانند اما مشکل است چون سلايق جوانان به سرعت تغییر می کند و شدیداً با مد و زمانه مرتبط است. بنظر می رسد دانشجویان به دلیل آنکه یک جامعه کوچک را شکل می دهند (با قومیتها، جنسیت، مذهب و سن متفاوت) داشتن یک برنامه یکدست را با مشکل مواجه می سازد. هرگونه برنامه ریزی جهت فراغت دانشجویان باید سیال، همه جانبه و در عین حال منعطف باشد.

پیشنهادات پژوهشی

1- با توجه به این که بخش بزرگی از دانشجویان کشور در دانشگاه آزاد اسلامی به تحصیل مشغول‌اند، به نظر می‌رسد که اجرای تحقیق مشابهی در دانشگاه مذکور ضمن گردآوری داده‌های جامعی در زمینه جمعیت دانشجویی کشور، امکان مقایسه بین رهیافت‌ها و سیاست‌های فراغتی این دو دسته از دانشگاه‌های کشور را فراهم می‌آورد.

2- هرچند سیاست گذاری کلی در زمینه اوقات فراغت دانشجویان بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر ممکن است، به نظر می‌رسد که گزارش یافته‌های تحقیق حاضر به تفکیک دانشگاه‌های مورد پژوهش این امکان را برای مدیران و دست‌اندرکاران هر دانشگاه به صورتی مجزا فراهم می‌کند که با ملحوظ داشتن نقاط قوت و ضعف خاص دانشگاه خود در صدد هم‌نوایی فراغت دانشجویان دانشگاه خود با برنامه‌های کلان فرهنگی کشور و سیاست‌گذاری‌های کلی بپردازند و با عنایت به امکانات موجود در صدد رفع موانع، گسترش امکانات در جهت اهداف سیاست‌گذاری شده و امثال اینها اقدام کنند.

3- به نظر می‌رسد که در دوره‌های زمانی معین لازم است که پایش یافته‌ها تحقیق حاضر به دو صورت انجام شود:

الف- تکرار پژوهش در دانشگاه‌هایی که تحقیق در آنها انجام گرفته است تا وضعیت و تغییرات در آن دانشگاه خاص شناسایی شود.

ب- تکرار پژوهش در آن دسته از دانشگاه‌هایی که نمونه تحقیق پژوهش حاضر نبوده‌اند تا وضع فعالیت‌های فراغتی همه دانشگاه‌های کشور به صورتی علمی در دسترس سیاست‌گذاران و مسئولان هر دانشگاه قرار گیرد.

4- به نظر می‌رسد لازم است در پژوهشی مکمل، مستندات موجود و قوانین، آیین‌نامه‌ها و سند‌های توسعه و چشم‌اندازهای فراهم آمده که وضعیت مطلوب را برای این بخش از فعالیت‌های دانشجویی توصیف کرده‌اند با یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر که در اصل وضعیت موجود را به نمایش می‌گذارند برای به دست دادن سیاست‌های راهبردی تحقق اهداف مقایسه و براساس مدل‌های دستیابی به اهداف، راهکارهای اجرایی استخراج شوند.

منابع و مأخذ

- آزادارمکی، تقی (1384)، گزارش تحلیلی ارزیابی وضعیت فرهنگی کشور، جلد دوم، گروه پژوهشی مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح ملی تابستان 1381.
- اسلامی، احمدعلی؛ وکیلی، محمدعلی؛ فرجی، جمشید (1381) میزان افسردگی دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گرگان و رابطه آن با نحوه گذراندن اوقات فراغت.
- اشرف‌الکتابی، منوچهر (1379) بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، رساله کارشناسی ارشد.
- الهام‌پور، حسین؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر (1382) بررسی الگوگذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- امیرتاش، علی محمد (1383) فوق برنامه و اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت‌های ورزشی در دانشگاه تربیت معلم تهران از دیدگاه مدیران، اعضای هیئت علمی و کارکنان آن.
- ایمی، هالووی و دیگران (1385) روش‌های تحقیق کیفی در پرستاری، ترجمه حیدرعلی عابدی و دیگران، تهران: نشر تبلیغ بشری.
- باکاک، رابرت (1381) مصرف، ترجمه خسرو صبری، شیرازه
- بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان (1381) تهران: اهل قلم.
- بوردیو، پی‌یر (1380)، نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها. انتشارات نقش و نگار. تهران.
- بیرو، آلن (1379) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، کیهان
- پاک‌سرشت، سلیمان (در دست چاپ) مصرف اینترنت در سبک‌های فراغتی جوانان تهرانی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، تهران: انتشارات سروش.

■ تاملینسون جان (1381)، جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی. دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری مرکز گفتگوی تمدن ها. تهران.

■ تندنویس، فریدون (1381) جایگاه ورزش در اوقات فراغت مردم ایران، دانشگاه تربیت معلم تهران، پژوهش در علوم ورزشی.

■ تورکیلدسن، جرج (1382) اوقات فراغت، ترجمه عباس اردکانیان، انتشارات نوربخش

■ جعفری حجین، افسر؛ شبخیز، فاطمه؛ مشهوری، مرضیه (1385) بررسی میزان اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران با تاکید بر تربیت بدنی.

■ دومازیه، ژوفر (1352) زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسانه، ترجمه م. آدینه، مجله فرهنگ و زندگی، شماره 12

■ رابرتسون رونالد (1382)، جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی. نشر ثالث و مرکز گفتگوی تمدن ها. تهران.

■ راسل، برتراند (1349) در ستایش فراغت، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر اندیشه.

■ رحمانی، احمد؛ پوررنجبر، محمد، بخشی نیا، طیبه (1385) بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه های زنجان با تاکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان.

■ رفتارهای فرهنگی ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح های ملی پائیز 1381.

■ زارعی، علی؛ تندنویس، فریدون (1382) مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان علوم پزشکی کشور با دانشجویان دانشگاه های غیرپزشکی و آزاد، نشریه علوم حرکتی و ورزش.

■ سازمان ملی جوانان (1381) بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان

■ سازمان ملی جوانان (1383) بررسی اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان

■ سازمان ملی جوانان (1383) پیمایش ملی جوانان و گذران اوقات فراغت

▪ سرایی، حسن (1372) مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، «سمت».

▪ سعیدی، علی اصغر (1382) جامعه مصرفی و جوانان، در فصلنامه مطالعات جوانان، شماره زمستان

▪ سعیدی، علی اصغر (1383) تحول مفهوم اوقات فراغت در فصلنامه مطالعات جوانان، شماره 6

▪ سعیدی، علی اصغر (1383) تحول مفهوم اوقات فراغت و نظام‌های تولیدی، در فصلنامه مطالعات

جوانان، شماره بهار

▪ سعیدی، علی اصغر (1383) فرهنگ مصرفی: هواهای نفسانی جوانان و زنان در جامعه مصرفی، در نامه

پژوهش فرهنگی، شماره بهار

▪ شهبابی، محمود (1386) «سبک‌های زندگی جهان وطنانه در بین جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی

آن» در *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*، به اهتمام ابراهیم حاجیانی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک

▪ شهبازی، عباس و همکاران (1382) وضعیت گذران اوقات فراغت جمعیت بالای ده سال منطقه شمال

غرب تبریز مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

▪ صابریان، معصومه و همکاران (1382) بررسی وضعیت روانی سالمندان و ارتباط آن با نحوه گذران

اوقات فراغت، دانشکده علوم پزشکی سبزوار.

▪ صادق موسوی سید خسرو و همکاران (1386)، شناسایی فرصت‌ها و اهدیدهای محیط خانواده برای

نظام آموزش و پرورش در افق چشم انداز بیست ساله. طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش کمیته

مطالعات محیطی. تهران.

▪ عمرانی، نوشین (1368) کتاب‌شناسی اوقات فراغت، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی (مراکز فرهنگی

سینمایی).

▪ فاضلی، محمد (1382) مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق.

▪ فضای فرهنگی ایران، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تابستان 1382.

▪ فکوهی، ناصر؛ انصاری مهابادی، فرشته (1382) فرشته، «اوقات فراغت و شکل گیری شخصیت فرهنگی»، نامه انسان شناسی، پاییز و زمستان.

▪ گروه مولفان (مقدیس فرد، رفعت جاه، سعیدی، آزاد، فکوهی، منادی، قاضی زاده، پاک سرشت، صدیق) (1386) مجموعه مقالات همایش معماری کلان اوقات فراغت شهر تهران، جهاد دانشگاهی و مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران

▪ لثوبی، هندی و دیگران (1381) اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان، ترجمه مرتضی ملانظر؛ فرامرز ککولی دزفولی، تهران: نسل سوم.

▪ مجدالدین، اکبر (77-1376) بررسی ساختار ارزشی ایستار رزمندگان در دو مقطع جنگ و پس از جنگ «با تاکید بر نحوه گذران اوقات فراغت»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، رساله دکتری.

▪ مظفری، سید امیراحمد؛ صفانیا، علی محمد (1381) نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه های آزاد اسلامی کشور با تاکید بر فعالیت های ورزشی.

▪ نیک پور، صغری و همکاران (1384) بررسی نوع و مدت فعالیت های فیزیکی زنان شاغل در حیطه های شغلی و اوقات فراغت در دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی و مراکز خدمات بهداشتی درمانی ایران، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران.

- Abram, S., Waldmern, J.(eds.), 1998, *Anthropological Perspectives on Local Development*, London, Routledge.
- Adams, Mathew (2006) *Hybridizing Habituw & Reflexivit In Sociology* (40).
- Aitchison, C & Mac leod, N.E (2000) *Leisure & Tourism Landscape*, Routledge.
- Allan, C & Loudoun, R. & Pectz, D.(2007) *influences on Work / non – work Conflict* in *Journal of Sociology*(43)
- Archer, L. & Hollingworth, S. & Halsall, A. (2007) *University's not for me*, In *Sociology* (41).

- Balatt, J. & Falk, I. (2002) *Contributions of Adult Learning to Community* in *Adult Education Quarterly* (52).
- Barone, Carlo (2006) *Cultural Capilt: A Comparative Analysis* in *Sociology* (40).
- Binkert.c.c & Brunner, J.A. & Simonett, J.L.(1975) *the we of lifestyle* in *journal of the Academy of Marketing Science*: 3.
- Bittman & Wajcman (2000) *The Rush Houre* in *journal of Sociolgy* (79).
- Bourdieu Pierre, (1989), *Le sens pratique*, Paris, Les éditions de Minuits.
- Burnett, Cora (2006) *Building Social Capital Through an active Community Club* in *International Review for the Sociology of Sport* (41).
- Couldre, Nick (2003) *Everyday Life* in *Cultural Theory*.
- Cremin, Colin S (2005) *Profiling The Personal* in *Sociology* (39).
- Cushman, G.(ed.), (2005), *Free Time and Leisure Participation, International Perspectives*, CABI Publishing.
- Dunning, E. and Rojek, C (eds.) (1992) *Sport and leisure in the civilizing process*, Macmillan, London
- Emmison, M. (2003) *Social Class & Cultural Mobility* in *Journal of Sociology* (39)
- Featherstone, M., (1987). 'Leisure, Symbolic Power And The Life Course', In J.Horne, D.Jary And A. Tomlinson (Eds) *Sport, Leisure And Social Relations*. London, Routledge And Kegan Paul
- Fine, Gary Alan (1998) *Moral Boundaries, Leisnre Activities and Justifying Fun* in Smith, P. (ed) *The New American Cultural Sociology*, Cambridge.
- Foucault. M (1982) *The subject and power*, in Michel Foucault(edited by H.L. Dreyfus and P. Rabinow), Harvester, Brighton
- Giddens, A. (1964) *Notes on the concept of play and leisure*. *Sociological Review*,1, 12
- Golden, L. & Figert, D. (2000) *Doing Something about long Hours* in *challeng* (43).
- Gourley, M (2004) *A subcultural Study of Recreatinal Esctasy use*, in *journal of Sociology* (40).

- Green, E. & Hebron, S. & Woodward, D (1990) *Women's Leisure, what leisure?* Hampshire, Macmillan.
- Green, E. & Singleton, Carrie (2006) *Risky Bodies at leisure* in *Sociology* (40).
- Grint, K., 2006, *Sociology of Work*, London, New York, Polity.
- Gronow, J(1997) *The Sociology of Taste*, Routledge.
- Habermas, J (1958) *Soziologische Notizen Zum Verhältnis Von Arbeit and Freizeit*, Bonn.
- Hinde, S. & Dixon, J.(2007) *Revisiting Pierre Bourdieu's Contribution to Cultural economy theorizing* in *Journal of Sociology*(41).
- Howard, J.R., (ed.), (1983), *Awakening Minorities, Continuity and Change*, New Brunswick, London, Transactions Publishers.
- J. Young, Kim (2005) *Bowling Together isn't a cure All: The Relationship Between Social Capital and Political Trust* in *South Korea international Political Science Review* (26).
- Kuper, A., *Culture, The Anthropologist' Account*, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press
- Lillbacka, Ralf (2006) *Measuring Social Capital* in *Acta Sociologica* (49).
- Mac Cannell, Dean (1976) *The Tourist: A New Theory of the leisure class*, New York, Schocken Books.
- Mc Guire, F.A.(1984) *A Factor Analytical Study of Leisure Constraints* in *Advanced Adulthood in Leisure Studies* (6).
- Mc Namara Horvat, Erin & Weininger, Elliot & Lareau, Annehe (2003) *From Social Ties to Social Capital* in *Merican Educational Research Journal*(40).
- Mommass, H. van der Poel, H.(1996) *Leisure Research in Europe*. CAB International , Wallingford
- Morgan, William J (2002) *Social Criticism as Moral Criticism* in *Journal of Sport & Social Issues* (26).
- Parker, H & Measham, F (1995) *Drugs Future*, Loudon, Institute for Study of drey Depeidence.

- Poortinga, W (2006) *Perceptions of the Environment Physical Activity & Obesity* in *Social Science & Medicine* (63).
- Portes, A. (1998) *Social Capital: it's Origins & Applications* in modern Society in *Annual Review of Sociology*(24).
- Pritchard, A. & Morgan, N. (2005) *On Location* in tourist studies, sage.
- Putnam, Robert (1993) *Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy*, Princeton University Press.
- Reisinger, y & Mavondo, F(2004) *Modeling Psychographic Profiles* in *Journal of Hospitality & Tourism Research*: 28.
- Rojek, C & others (2006) *A Handbook of Leisure Studies* Palgrave, Macmillan.
- Rojek, C (1995) *Decentring Leisure: Rethinking Leisure Theory*, London, Sage.
- Rojek, C. (eds.) (1989) *Leisure for leisure: Critical Essays*, Macmillan, London
- Rojek, C. (1983) *Emancipation and Demoralisation: contradicting approaches in the sociology of leisure.* *Leisure studies*,2, 83-96
- Rojek, C. (1985) *Capitalism and leisure Theory*, Tavistock, London
- Rojek, C. (1989) *Leisure Time and leisure space*, in Chris Rojek(ed) *Leisure for leisure*, Macmillan press,pp191-205
- Rojek, C. (1993) *Ways of Escape: Modern Transformations in Leisure and travel*, Macmillan, London
- Rojek, C. (1995) *Decentring Leisure: Rethinking Leisure Theory*, Sage, London
- Rojek, C. (2000) *Leisure and Culture* , Palgrave, Basingstoke
- Rojek, C. (2005) *Leisure Theory*, Palgrave, Macmillan.
- Schwarts, P. (1997) *Bourdieu*, Gottingen, Erding.
- Southerton, D. (2006) *Analysing the Temporal Organization of Daily life* in *Sociology* (40).
- Tomlinson, Alan(1993) *The Blackwell Dictionary of 20th Century Social Science*, Blackwell
- Tulle, E. (2007) *Running to Run* in *Sociology* (41).

- Urry, J(1990) *The Tourist Gaze: leisure and Travel in conterporary societies*, sage.
- Waug, S & Davis, D & Bian y (2006) *The uneren distribution of Cultural Capital in Modern China* (32).
- Wollebaek, Dag & Selle, Per (2002) *Does Participation in Volentary Assocations Contribute to Social Capital in Nonprofit & Voluntary Sector Quarterly* (31, 32).
- Yeo, E. and S. Yeo(eds.) (1981) *Popular culture and class conflict 1590-1914: explorations in history of labor and leisure*, Brighton, Harvester press

فدائہ